بسم الله الرحمن الرحیم



جهاندار خدائی را منت و ستایش سزاست که جهانداران با عز و تمکین را در روی زمین
با آیت جلالت و عظمت خویش برافراشت و با اینکه با هر موجودی همراهست فهم و
درک صفات شریف خویش را از قوه هر وهم و خیال برتر گذاشت سبحانه و تعالی
جل جلاله و عظم شانه چگونه ممکن است که مصنوعی نادان و مخلوقی ناتوان حق صفت
و قدر نعمت صانعی قوی و قدیم شناسد و احسانش را در مقام شکر و ثنا برآید
با کدام زبان و با کدام دانائی و بیان    ذره کی داند ثنای آفتاب
چه نسبت است خالق را با مخلوق و رازق را با مرزوق که آن موجودیست
مجرد و بیرون از وهم و قیاس و این موجودیست مرکب از عناصر و محتاج باقتباس
هر قدر آن از قدرت و توانائی این را ضعف و ناتوانی البته باشد کارا چه

و اندازه که در مقابل خالق آفتاب و ماه و معطی دیهیم و کلاه سخن از عبادت

آریم یا سمند چهل در وادی وحدت رانیم صد قفا و آمنا رسول امین و خلقی متین

و رزین یعنی پیغمبر لولاک و مسافر عرش و افلاک که در سفر فخرش ما عرفناک حق

معرفتک گوید و در عبادتش زبان فصاحت بیان ما عبدناک حق عبادتک کشاید

ورا مجال یا یارای کار نشاید غیر اینکه در آن وجود مبارک محترم که بر اخبار گذشته و

و بر آثار آینده بصیر بود واله و حیران بمانیم و منت بریم و شکر گذاریم موجودی را

که بما راه حق از باطل و باطل از حق نمود جزای ظالمین را بجا نوری موزی ترازو

حوالت داد و عطای عادلین را بموهبتی فراخور شان مرجوع داشت آنرا ماران

جهیم گفت و این را یاران نعیم اساس قانون جمهور عالم بر عدل گذاشت و بنیان

عزیمت بنی آدم را بر علم و فضل دین و دولت را که اسباب بقای ملتی است توام فرمود

و شهد آزادی و راحت را با شرط بندگی و خدمت مدغم نور اسلام را ماه دی المضلین ساخت

و وجود اعقاد و اولاد خویش را شافع المذنبین سیما وجود عالی جود سرور اوصیا

و خلیفه انبیا علی مرتضی علیه الاف التحیة والثنا آنکه دست قدرتش ملک دین مبین

تمکین کرد و پای همتش اعادی دین مبین را خاک نشین اللهم ارزقنا شفاعتهم و احشرنا معهم

این ذرهٔ بیمقدار و خانه‌زاد دولت گردون مدار علینقی بن اسمعیل که بتفضلات
الهی و از عنایات حضرت شاهنشاهی در خاکپای فلک فرسای همایونی نسبت
پیشخدمتی و طبابت حضور سرافراز و مشرف است و همه اوقات را بمداومت در سفر و حضر
بسعادت زیارت آستان معدلت نشان و خدمت شاهانه این بنده بخصوصیت لازم و
که روزنامه این سفر مبارک را بطور صحیح نگارد پس آنرا روزی چند بعد از آنکه
حضور معدلت دستور رسانیده و با اجرای آن از درخواست نمود این مطلب
بقبول طبع مبارک همایونی آمده مقرر شد که ثبت این روزنامه بیان احوال
تحقیقات همایون و وقایع و حوادث اتفاقیه بگردد الا آنکه شرح بلاد و تعیینات
جغرافیائی یعنی حالات راه و سمت زمین و جبال و انهار و قرا و بلادی که سیر و
عبور میشود ثبت شود تا اطلاعی بدهد و این فقره را حسب دستور روزنامه
اتفاقیه که از بدء حرکت بعون الله تعالی شروع به ثبت سیر و وقایع روز
مره و حالات اتفاقیه بدون کم و نقصان می‌نگاریم و قرار ما در ثبت سیر و
قراءت خواهد بود که اول حالات وجود مسعود و وقایع حادثه را مذکور داریم و پس از آن
بشرح جغرافیائی بپردازیم بدون آنکه ملاحظه انشا یا عبارت پردازی و قافیه سنجی

السنیم ملکه بنهایت اهتمام را در ساده نویسی و مطلب نگاری و حقیقت گوئی فقط
خواسته نمود و نیز خود را بر حسب امر ملوکانه از ذکر القابات تعظیمی معاف میداریم
تا باعث تطویل کلام نشود زیرا که واضح است هر ذی شانی را لقب نواب مستطاب
یا جناب جلالتماب با اسم همراه خواهد بود و احتیاج باظهار نیست امید که ارباب
ذکاوت و هوش در خطا و نقصان آن عیب پوشی فرمایند و از حقارت و نادانی
مصنف صرف نظر فرموده بعظمت ذات والا صفات شاهنشاهی که ممدوح و
موصوف این کتاب است او را وقع و عظم نهند بالله التوفیق و علیه التکلان

روز یکشنبه پانزدهم شهر ذیحجه الحرام سنه توشقان ئیل یکهزار و
دویست و هشتاد و سه هجری نبوی صلی الله علیه و اله

درین روز که یکماه از عید نوروز سلطانی گذشته و اولین ماه بهار و تمام دشت
و کوهسار از فرط خرمی چون عهد پادشاه کامکار بساط عیش و سرور گسترده
هنوز گل سرخ در غنچه بود و بنفشه تازه خود نمائی مینمود گل ارغوان نمایان و شکوفه
دانه دانه در زیر برگها پنهان باران پی در پی دامان دشت را بگوهر گرانبها
لؤلؤ ترمالامال داشت و مزرع آمال زارعین بحمدالله تعالی از برکت نیت

میرزای اعتضاد السلطنه وزیر علوم مفوض فرموده و انتظام عمل نظام را
بالتمام بعزیز خان سردار کل عساکر منصوره نظام و اداره خارجه را بمیرزا سعید خان
وزیر امور خارجه سپرده و امور دیوانخانه و دادرسی عارضین را بحاجی محمد قلیخان
وزیر عدلیه اعظم تفویض فرموده مقرر داشت که در زمان غیبت همایون هرگاه
امر و مهمی در مملکت روی دهد با یکدیگر در انجام آن کنکاش کرده و بصلاح
و صوابدید هم در اتمام و انجام آن ساعی و جاهد باشند و هرگاه کاری باشد
که انجام آن محتاج بحکم همایون بود با چاپاران سریع السیر بعرض برسانند و بهر نحو حکم
همایون شرف نفاذ یابد اطاعت کنند شش ساعت از غروب مانده وزرا را
رخصت انصراف داده با معدودی قلیل از میرشکار و محمد علیخان پیشخدمت و غیره
بدره باغ علیخان رفته نزهت هوا و خضرت مکان و دیدن گلهای تازه و شنیدن
الحان مرغان خوش نقش و نگار که برید کاروان بهار بود بی اندازه اسباب تفریح خاطر
مبارک شد و در سبزه زارهای این دره بلند چمنی در هوا [illegible] فرموده و همراهان را
در دره گذاشته با چند نفری بعقب شکار تشریف برده تکه آهوئی دو ساله شکار نموده
و آنرا بفال نیکو گرفته بمنزل عود دادند سایر ایام توقف در دوشان تپه جز اغلب

اوقات را بانجام امورات و احضار وزرا و تعیین دستورالعمل رفتار متوقفین
و مسافرین گذراندند و ساعتی از زحمت و گفت و شنید آسوده نگشتند تا کارها را
منظم کرده و امورات را مطابق مرام سنیه خود ساختند میرزا نصرالله و میرزا علیخان
پسرش را از ریاست گمرکخانها معزول و میرزا محمد قوام الدوله را بجای آنها
برقرار فرمودند و در این اوقات سلطان محمد عرب از فرمانفرمای جزیره کمرود
که جزیره ایست واقعه در بحر محیط و قرب جزیره مداگاسکار و مریس و توربن از
جانب برادرش بعزم سفارت بدار الخلافه آمده بتوسط وزیر امور خارجه بحضور
عدالت دستور شرفیاب شده عرایض و تمنیات خود را معروض داشت
و امر همایونی شرف نفاذ یافت که لوازم مهمانداری را فراخور شان و بزرگی
مشار الیه مرعی دارند در روز بیست و یکم تمام قشون ملتزم رکاب نصرت انتساب
از سواره و پیاده که زیاده از نه هزار بود در صحرای دولاب حاضر شده از سان
حضور مبارک گذشتند تمام وزرا و اعیان در مجمع قشون حاضر بودند پس از
انجام سان امر همایون بر آن مقرر شد که ملتزمین رکاب همایون در دوشنبه
دوازده و در روز بیست و سوم در رکاب ظفر انتساب حرکت کنند و هم

درین روز عروس ولیعهد را که [illegible] نواب [illegible] پادشاه

عالم‌پناه است [illegible] بمبلغ [illegible] جواهر

خاص عموم بسمت [illegible] با بچگان کوچ [illegible] و قدغن فرمودند که پس از ورود

لوازم جشن و عیش را بنحوی که [illegible] طبق شأن ولیعهدی باشد آماده نمایند

آنکه درین سفر [illegible] وزرا و اعیان و [illegible] عظام و غیره بشرف [illegible]

رکاب همایون [illegible] بوده [illegible]

[illegible]

| | | |
|---|---|---|
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |

[illegible]

[illegible]

## وزرای عظام و امنای فخام و غیره

### وزرای عظام

| | | |
|---|---|---|
| فرخ خان امین الدوله وزیر دربار همایون و رئیس مقربین رکاب نصرت انتساب همایون | نوشیروان خان اعتضاد الدوله خوانین لار و ایلخانی قاجار و حکمران [illegible] مازندران و استرآباد و غیره | حاجی علی خان اعتماد السلطنه وزیر وظایف |
| محمد ناصر خان ظهیرالدوله ایشیک آقاسی باشی | میرزا محمد حسین دبیر الملک | پاشا خان امین الملک وکیل مملکت [illegible] |

### اعیان و مستوفیان و غیره

| | | | |
|---|---|---|---|
| حاجی میرزا [illegible] خان و [illegible] وزیر وظایف سابقه | میرزا نصرالله مستوفی گرکانی | میرزا مصطفی مستوفی لشکر | قاسم خان حاجب باشی |
| محمد فتح خان شاطر باشی | عبدالله خان سرکشیک باشی | محمد رحیم خان سرتیپ [illegible] | محمد علی خان صاحب جمع و پیشخدمت خاصه |
| محمد لطف خان | ابوالحسن خان | موسی خان وصاف | محمد تقی خان نایب وزیر امور خارجه |
| رضا علی خان نایب ایشیک آقاسی | میرزا طاهر مستوفی | علی خان نایب اول [illegible] مبارکه | محمد هاشم خان نایب [illegible] باشی |
| محمد حسن خان [illegible] باشی | محمد حسین خان [illegible] | میرزا اسدالله منشی رسایل | حاجی میرزا عبدالله [illegible] |
| میرزا اسمعیل منشی [illegible] | میرزا محمد حسین [illegible] الکتاب | اسمعیل خان [illegible] الدوله | میرزا سید کاظم مستوفی [illegible] |

### سرکردگان و صاحب منصبان عسکریه و افواج قاهره و سواران نصرت نشان

[illegible]

محمد حسن خان تفنگدار — طهماسب قلی خان — عباس آقا خان

میرزا ... — طهماسب قلی خان — علی محمد خان

علی آقا — میرزا جواد خان ...

عیسی خان سرکرده سوار نصرت — پولاد خان — قلیچ خان

ابراهیم آقا — میرزا احمد رشید ...

خزانه و صندوقخانه مبارکه وغیره

خزانه مبارکه و زنبورکخانه و کالسکه خانه و سایر ابواجمعی خزانه دار همایون

میرزا محمد خان داماد اعلیحضرت شاهنشاهی — ... قلیخان ... الممالک حاکم یزد و کردستان — نصرالله خان سرتیپ زنبورکخانه با کمیسیون و ... زنبورکچی وغیره — حاجی عبدالرشید خان مستوفی خزانه مبارکه

... خزانه از صراف و تحویلدار وغیره — عمله کالسکه خانه مبارکه با هشتاد و ... کالسکه — عمله تخت خانه مبارکه با بیست تخت — عمله نقاره خانه همایون

آقا محمد ساعت ساز

صندوقخانه مبارکه

حاجی رحیم خان صندوقدار — آقا حسن جنت دار باشی — احمد خان تحویلدار صندوقخانه — استاد عبدالله خیاط باشی و خیاطان — عملجات صندوقخانه مبارکه

پیشخدمتان و اطباء و عمله آبدارخانه و قهوه خانه و نظارت خانه همایون و تفنگداران و اصحاب شکار

پیشخدمتان

میرزا هاشم خان امین خلوت وزیر تفنگداران خاصه وغیره — یحیی خان اجودان حضور ... و تحویلدار صرف جیب همایون — آقا علی امین حضور حاکم ساوه و شاهسون بغداد وغیره — عبدالعلی خان ادیب الملک

محمد تقی خان افشار — میرزا علی خان نایب اول وزارت امور خارجه و منشی حضور همایون — محمد تقی خان طهرانی — میرزا مهدی خوئی

و محل عبور و مرور مردم نبود و اغلب طیور و وحوش در او مسکن داشته و در فصل
زمستان و اول بهار و خریف ذات عالی برکات همایونی محض صید و شکار
بدینجا تشریف فرمایشند از جمله روزی آن سامان از اشرف ساخته حرارت هوا
و قلت آب اسباب زحمت همراهیان شده خاطر خطیر مبارک بر آن قرار
گرفت که جلگه بی آب و علف را آب و صفائی دهند و محل بی اسم و رسم را وقع و عظمتی
بخشند چاکران دربار کیستی مدار بعرض خاقان حضور رسانیدند که سلاطین سلف
و وزرا قبل حتی مرحوم حاجی میرزا آقاسی که بآبادی و زراعت کمال میل را داشت
هر قدر خواسته در این مکان قناتی حفر کنند و آبی پدید آرند و بنائی بگذارند با
مخارج گزاف صورت امکان نپذیرفت این عرض مقبول طبع مبارک نشد و مقرر
داشتند که تاکنون بنجواست خدا بامری اقدام نکرده ایم که انجام پذیر نشود اکنون
بعون الله تعالی همت ملوکانه بر آبادی این محل می گماریم و انشاء الله در اندک
مدت در این جای خشک قناتها جاری خواهد شد و بناها و عمارات آباد خواهد
گشت پس خود بنفس نفیس مبارک از برای یافتن سررشته قنات سوار شده و اطراف
این بیابان سیر فرمودند تا آنکه در یک فرسنگی در دامنه کوهی که در سمت مشرق شهر واقع

و معروف بسیار است چاهی پیدا نیافتند پس امر فرمودند که همان چاه را گرد
رشته‌ها از بالا و پایین حفر نمایند در اندک مدت با قبال بیزوال همایون بقدر
یک سنگ آب از این قنات جاری گشته و در نیم فرسنگی تپهٔ دوشان تپه بروی
زمین آمد آنجا را حسب امر همایون تختی زده و حوضی در مقابل آن ساخته و اطراف
آنرا اشجار بسیار غرس کردند و بعد آبرا از آنجا تا پای تپهٔ دوشان تپه آورده
زراعت نمودند و اطراف این نهر را همه جا گلهای گوناگون و درختهای بادام
کاشتند بنحویکه دو سال بسر نیامده اشجار ترقی زیاد کرده صفا و خضرتی یافتند
پس خاطر مبارک بدان تعلق یافت که در فوق این تپه کوشکی بنا کنند در اول
عمارت کلاه فرنگی کوچکی در کمال ظرافت در بالای آن بنا کردند چون این عمارت
اتمام یافت امر بدان شد که باغی در پایین تپه بسازند آقا محمد تقی آبدار خاصه که
هم از علم غرس اشجار و زراعت اطلاعی داشت باین خدمت سرافراز آمد
در اندک مدت باغی بسیار وسیع که پنجهزار ذرع دور آنست بنا نهاده و او را
بباغ دلگشا موسوم نموده چهار سردر با عمارت در آن باغ بنا نهادند و دو
استخر بزرگ در او ساختند و چون آب این قنات عظمت باغ را کافی نبود قناتی

دیگر از سمت شمال حضر کردند بسبزوزد و سال بر بنا مده سواد باغ و اشجار آن
مشل یکی از باغهای کهن گشته و رای مبارک بر آن شد که عمارت بالای تپه را باینس
وسعتی دهند میرزا هاشم خان امین خلوت در سنه هزار و دویست و هشتاد و نه متوجه این
خدمت شد و عمارتی عالی خوش طرح و طرز مشتمل بر اندرونی و بیرونی و قصری
سه مرتبه شبیه بقصرهای چینی و عمارت فرنگی در بالای این تپه بنا نمود و قلعه و حمام
و مسجدی در پایین تپه ساخته چند خانوار رعیت در او مسکن گزیده مشغول زرع و کشت
شدند و در سنه هزار و دویست و هشتاد و سه یحیی خان اجودان مخصوص این بنا را
باتمام رسانیده محل توقف و تمکن گاه گاه ذات عالی برکات همایونی و موجب
حیرت و تعجب ناظرین شد زیرا که تا امروز عمارتی باین روح و باین زیبائی
ساخته نشده خاصه آنکه زیادی باغ و اشجار و جداول آب و انهار سبب
ترطیب هوا و خضرت مکان این سامان شده و در حقیقت مرو یکی از بهترین
تفرج گاه و شکارگاه های سلطانی است در این جلگه شکار آهو و خرگوش و اقسام
طیور و وحوش بسیار است و در کوههای حوالی آن از قالی و بز و تکه از زیاد است که
مصطفی قلیخان میرشکار آن اطراف را قورق نموده بحدی زیاد است که در هیچ جا

روی زمین نیست و هیچ ممکن نمیشود که سرکار همایونی بدین شکارگاه تشریف فرما
شوند و از ده کمتر صید فرمایند و نیز در اطراف این جلگه دره ها و چمن هاست که
همه امروز با صفا و سبز و خرم است قطر تپه عزیز بور هشت هزار ذرع و ارتفاع
آن تا بالای قصر سه مرتبه یکصد و پنجاه ذرع است در این اوقات برحسب امر
همایون عمارات زیاد از برای عمله خلوت و قهوه خانه و آبدارخانه و حکیم باشی
طهران و اغلبی از خدام و اصطبل و نقارتخانه در اطراف تپه ساخته اند و در
دهنه قنات نیز معماری استاد شیر جعفر کاشانی که از معماران مخصوص است
نهارگاهی بسیار ظریف و خوش طرح بنا کرده اند و نیز مقرر است که باغی
دیگر قرینه این باغ بزرگ در سمت چپ تپه بسازند و آب قنات موسوم
بعلی شاه پیر که از معیر الممالک ابتیاع فرموده اند و زیاده از سه سنگ آب
دارد بتوجه جناب معیر الممالک امر شد که از سلطنت آباد بدانجای آرند
و یقین بعد از اتمام این باغ قصر دوشان تپه و باغات آن که هم بشکارآباد
موسوم است مستحق و سزاوار آن خواهد بود که مردم از بلاد غریبه محض تفرج
و تماشای آن بدار الخلافه سفر کنند و ملاحظه نمایند که عزم و همت ملوکانه چه

فرانسه و پروس آغاز جنگ و جدال شود سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی این حدیث

غیر صائب دانسته بحکیم باشی سفیر بودند گمان ندارم که این حادثه صورت وقوع یابد

بالاخره پس از صرف نهار مجدداً بکالسکه نشسته یکساعت بغروب مانده بحوالی

قریه شریف آباد که مخیم اردوی کیوان پوی بود تشریف فرما شدند و ساعتی

استراحت فرموده و بقیه روز باستماع کتاب تاریخ روضة الصفا که آقا جانی

حکیم باشی بعرض میرسانیدند و صحبت متفرقه اوقات مبارک گذشت دیروز

امروز نیز فی الجمله حرارت داشت بعد از صرف عصرانه باد شدیدی وزیده و رعد و برق

آشکار شد باران شدیدی باریدن گرفت و بعد از آن هوا در نهایت اعتدال

یافت و خاطر همایونی خرسند گشته شکر خداوند بجای آوردند

مسافت خوانوق آباد الی شریف آباد دو فرسنگ و نیم راه مایل بجنوب

مشرقی است و جاده جا جلگه است مگر آنکه رودخانه جاجرود که سمت و امین می‌

و نهرهای متعدده که از آن رودخانه جدا کرده اند مانع از سهولت حرکت کالسکه ها

و لیکن چون رودخانه در اینجا عریض است نهر و سواره بخوبی و آسانی گذشتند

در فاصله خوانوق آباد و شریف آباد نزدیک بجاده اول دهی که ملاحظه شد

اتواک ده آقاخان پیشخدمت بعد از آن کبرود اغلان ده امین الملک و
پس از آن خسرو است که نیز متعلق با قاخان است شریفآباد ده معتبری است
و سپرده بحاجی محمدقلی بیک نایب اصطبل خاصه مبارک است

## روز پنجشنبه بیست و ششم

تشریف فرمائی موکب همایون بمنزل ایوان کیف که اشهای خاک و امین است
دو ساعت از دسته گذشته بندگان همایون شاهنشاهی از سراپرده مبارکه بیرون
آمده باسب جنگشی عماد الدوله سوار شده با تیپ بیدق که صحرا را فروگرفته بود
روی براه نهادند محمود خان ناصر الملک ایلچی کبیر دولت علیه که سابقا مقیم دربار
بهیه انگلیس بود تا این منزل باردوی همایون همراه بود شرفیاب حضور همایون
شده و پس از استماع فرمایشات ملوکانه رخصت انصراف یافت امین الدوله
و حاجی میرزا محمد خان دبیر قدری از راه را در جنب رکاب همایون بوده مخاطب
فرمایشات و صحبت علیه شدند چون شلیک تفنگ خبر رسیدن بوسط
راه را داد ذات همایونی در کنار جاده فرود آمده در آفتاب گردان صرف نهار
فرمودند حکیم باشی طلوزان علی الرسم روزنامه میخواندند و یحیی خان آجودان مخصوص ترجمه مینمود

پس از تماشا بکالسکه نشسته و پنج ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شده

حاجی میرزا یحیی خان حاکم دماوند در عرض راه شرفیاب شده و خاکپای مبارک گردید

اگرچه باقتضای فصل و مکان قدری گرما و سوء هوا بود ولی باقبال بیزوال شاهنشاهی

هوا نهایت اعتدال پیدا کرده وجود مسعود ملوکانه و عموم ملتزمین رکاب آسایش

و راحت کلی حاصل گردید میرزا سید احمد نایب بستان بهنگام عصر توسط اعتضاد الدوله

بتحف و هدایا طهور شرف گشته قطعه لبنیه انشای خود را بعرض داشت اختتام

همایونی در جواب به پایه شرف صعود و یافت مرقوم بیرون و ساعت بغروب

مانده بادی شدید وزیدن گرفت و اغلب چادر و خیام را از پای درانداخت

و پس از آن اعتدال هوا افزوده شد

از شریف آباد تا ایوان کیف پنج فرسنگ است و راه همه جا مسطح و کالسکه

رو بنهایت آرامی و راحت عبور میشد اطراف دست چپ جاده همه جا صحرای بود دا

و هموار و بی آبادیست و منتهی میشود بجبال و دره ماهورهاست و دامنه کوه قراتپه

بعضی جاها یک فرسنگ است و بعضی نیم فرسنگ از جاده تا دامنه کوه فی الجمله بصحرای

مسطح است در این صحرا آهوی بسیار داشت لیکن بعبور تیپ و جمعیت اردو نیلوم

همه را پراکنده و متفرق ساخته بود با وجود این حال بهار این آب بصحت بدعلانها
آمده بحضور مبارک آورده بودند مورد عطای انعام شدند طرف دست راست
جاده ، تشریف آباد واقع دو فرسنگ دهات و زراعت و آبادی بسیار بود
و پس از آن صحرا زمین بایر است و ابتدای حد دو فرسنگ منتهی بماهورها و کوههای
سخت خشک منتهی میشود ایوان کیف خالصه دیوان اعلی و از دهات بسیار
معظم و سپرده بامیر آخور است دویست خانوار رعیت و پنج چارک بازار و حمام
و باغات بسیار دارد و انجیر و انار این باغات معروفست و از آثار قدیمه
در او کاروانسرائی است عالی که از بناهای مرحوم شاه عباس ماضی و اکنون
محتاج بتعمیر است

## روز جمعه بیست و هشتم

تشریف فرمائی موکب همایون از ایوان کیف بقشلاق سرکار همایون
شاهنشاهی امروز دو ساعت از روز برآمده از حرم خانه مبارکه بیرون تشریف آوردند
بکالسکه نشسته امین الدوله و اعتضاد الدوله و دبیر الملک و حاجی شهاب الملک
تا وصول بکالسکه همایون میان دره خوار مورد عنایات خسروانه و مخاطب فرمایشات

ملوکانه بود چون بمیان دره خوار رسیدیم و هنگام صرف نهار شد آفتاب

گردان شاهنشاه کامکار را در سمت راست دره در بالای تپه پرگیاه برپای

کردند وزرا و اعیان و تمامی منصبداران و ارکان نیز هر یک در گوشه سایبان

افراخته و در سایه اقبال خسروانی غنوده سفرها گستردند و شکرانه انواع و اقسام

نعمات الهی و دعای وجود مبارک همایون شاهنشاهی گفتند. در این چمن کالسکه

و تختهای حرم جلالت که زیاده از بیست تا و بعد از تخت همایون بود با کجاوه‌ها

مرتفع و سرا و خواجه سرایان سفید و سیاه و غلامات و سواران بنظمی تمام و

در عین نظام رسیدند هر دو از خاص و عام از جا در رود. و کمی دیگر گذشته

تا ایشان گذشتند و چون ساقی حیثی کرده ... به بونی کا

رجوع فرموده و پس فرسنگی بقول پیشخود رسیده جهت نبات سرکرد انسانیه

با سواره ابواجمعی خود محمد بیگ ... و لشکر بانان و ... عبدالله

این ملوک به بیرون خاکپای همایون شرف کشته ... و کب معو

استقلال عثمان الدوله بعرض نالفن ... عدالت دست ... ساینیم

که جمعی از روسا و آق سقالان ترکمانان مروی با تعارف و ... و ... کرم

با صد الطاف خسروانه روی بجاکپای همایون نهاده اند امر و مقرر شد که فردا

در اول سواری عریضه و پیشکش خود را از لحاظ انور بگذرانند  هوای قشلاق

با قتضای قشلاقیت آن در کمال حرارت بود و بحمد الله تعالی از میامن وجود

مسعود بهبت و سبزه و علف و سبز و زیدن باد خنک و ترشح خرفی ذرنهایت

ملایمت و خوشی گذشت

از ایوان کیف تا قشلاق شش فرسخ است و زمین تا دو فرسنگ که اول سر ده

خواراست همه جا مسطح و از اول سر ده تا آخر دره که با بتدای جلگه خوار منتهی میشود نیز

دو فرسنگ بی راه شنک و بی گرد و خاک و بی آب مشروب است دو فرسنگ

دیگر از اول جلگه تا قشلاق است جلگه خوار صحرائی است وسیع که اغلب امکنه او

کویر و شوره زار است بحدیکه در بعضی جاها در اوقات بارندگی هرگاه سوار از جاده

خارج شود با اسب بکویر فرو رود و از او اثری باقی نماند  درین صحرا با ضخامت

بوتهای کون عظیم گیاهای معطر از قبیل مشک تراشه و افسنطین و گلهای زرد

خوشبو از جنس بو مادران و بعضی نباتات مخصوص که در صحراهای دیگر دیده نشده است

بسیار است  طرف دست راست و چپ جاده بفاصله یکفرسنگ کوه و ماهورات

وارد دروی کیوان پوی شدیم ذات والا صفات همایونی اندکی راحت فرمود
و این بنده بخواندن کتاب و عرض احوالات سلاطین هندوستان و حکما و
آن سامان مشغول بود و چون از خواب برخاسته شد مزاج مبارک همایون را قرین صحت
یافتند بصرافت صبح عید مبارک بر آن شدند که وقتی خاص در حوالی این ذره بیمقدار و
جا کرده باکیستی را فرمایند بیت هو کاشفه عنی اعطای اقتب ظلم الممات
و این فقیر را سر افتخار بافلاک سوده و در شکر مراحم خسروانه عاجز مانده از دست و
زبان که برآید کز عهده شکرش بدر آید بیت نزدیک غروب آفتاب باران
شدید باریدن گرفت و از نیم شب استداد یافته بود بر وقت وصف فی الحال داد
و جا صرف یاسف محمد همایون سرو کشت مقتضیات نماز عید ایشان گفته
نفست فی پیاده سرو قبه بست او لطف خوب و محن در حضرت شرف بیرون
آمده جا حا دو وسیع و منزل تمام تخصیص یا و تقاضا کرده و کالسکه خدمت
عبودیت کنان راه در خدمت چپ اول دیگر که بعضی آن جهان آورده زمان فرمود
و بعد فاتحه خیر خواهی متعلق میرزا و جمیع زنان بر آن از آن ... داود دیگر بست بیل
به تبسم و فقیر و رفته ... ساخته

و تقریباً چهارصد ذرع دور آنست و برجها و باروهای محکم و عمارات تحتانی و فوقانی
دارد که اهالی ده در آنها مسکن دارند و هیچ معلوم نیست که در چه زمان ساخته شده است
پس ازاراداتِ قریه پاده است که از دهات معتبر خوار و نیز قلعه دارد شبیه بقلعهٔ اراوان
که دهقانان در طبقات فوقانی آن متمکن‌اند از این قبیل قلعجات و کاروانسراها
از ابنیهٔ قدیمه درین جلگه بسیار است که در عهود سابقه از جهة بی نظمی این حدود و تحکامات
عسکریه ساخته‌اند و بمرور ایام بواسطه حصول نظم و امنیت رعیت خانهای خود را
از قلعجات بیرون آورده در خارج آبادی کرده‌اند و چون قلعها محتاج الیه نبوده
رو به انهدام گذاشته است خوار از بلوکات دارالخلافه است سی و پنج الی چهل ده بزرگ
و کوچک آباد و معروف دارد که بعضی از آن خالصهٔ دیوان اعلی و برخی مالکین مخصوص
دارد ایل احمدلو و عرب و ایلات متفرقه دیگر در او قشلاق دارند که ییلاق ایشان
دماوند و لار و غیره است آب این بلوک عمده از دو رودخانه بزرگست که یکی از سمت
فیروزکوه جاری و موسوم بنمرود است و دیگر از سمت دریاچهٔ تار و موج دماوند
ساری و معروف بدلیچای است حاصل این بلوک جو و گندم و شلتوک است
که بدارالخلافه و سمنان و فیروزکوه میبرند

## روز یکشنبه سلخ ذیحجه

تشریف فرمائی موکب همایون بده تمک شاهنشاه جمجاه در نزول صبح بتقاضا

هر روزه بحمام تشریف برده جامه سوری پوشیده و از حرمخانه مبارکه بیرون تش

عموم اعیان و چاکران درباری در بیرون سراپرده از زیارت جمال مبارک

مشعوف و شادمان گشته سپس از کابینه جنگی ستاهنگانه همای شهرزادو در اسب

الی نهایت همایون مستانه سوری و بهره مسعود همایون استیلای کلی حاصل شد

آنجا که بهر وقت غضنفرت آهی زبر جهنده شاد حال مشرفین ره باب غضنفر شکست

هوای مرور و حین منزلگه مناسب و قات گرمی و سردی همه وقت حمل اعتدال

یوم نزول بدالی ملاحظه بدو بیان عرصت و انقطاعی در جوانبه است

انبساط کلی و نشاط دیدگشت و ورود و غیب بالمره زائل شد ذات همایون بود

بابان از اسب فرود آمده جاسگر نشسته و چون با ذات پیت و بعضه سکار را

سوار شده جمعیت تمه خان سالار و جمله از اسعد و غشته که بدست از سواران

ابوالجمعی خود از بالادست جاده روان شده آمده بودند که نشسته بود سواران

اسب قتی صحی مزده یکسره جیره آمدوان و در و حظ یقه سمت واجب شده بودی جو

صحرا با پست و بلندی و کویر و سخت بود تعاقب ایشان امکان نپذیرفت
بضرب تپیکت توپچی خاصه هوبره با قوش شکار کرده سرکار همایونی در کنار رود
در محلی که نباتات و گیاههای مختلف داشت از برای صرف نهار فرود شدند
اعتضاد الدوله و امین الملک و شاهزاده ملک منصور و آقا علی وغیره در حضور
بودند بعد از نهار یکدسته شکار دیگر از مقابل تپه بیرون آمده سواران در پی
ایشان تاختند حسن خان عمزاده میرشکار بر بعضی سبقت جسته آهوی ماده با یک تیر
دستگیر نموده و از وصول انعام و الطاف همایونی مفتخر گشت یکساعت بغروب
مانده بمنزل رسیدیم و اعلیحضرت همایونی قلیل وقتی استراحت فرموده بقیه روز را
باستماع روزنامجات فرنگستان که حکیم باشی طلوزان معروض میداشت
و مطالعه تاریخ ایران وغیره گذرانیدند نزدیک شام بادی سخت وزیده رعد و
برق آشکار گشته بارانی شدید تا نیمی از شب گذشته بارید
از پاده الی ده نمک سه فرسنگ است و از اول منزل قلعه آن نمایان چپ این
این بیابان با آنکه کویر و شوره زار است درخت زرشک و گیاهها و گلهای
مختلف و متعدد دارد از جمله گل کبر است و او گلی است سفید و بزرگ و چهار پر با بوی

شبیه بچمن ابریشم طرف چپ راه بفاصله یکفرسنگ یا نیم فرسنگ کوههای سنگ

کوچک و از آنها دورتر کوههای بزرگ برف دار نمایان است طرف دست را

همه جنگل گز و خار شتر است قریه ده نمک قریب صد خانوار رعیت دارد و

کاروانسرائیست از بناهای قدیمه که حاجی علی اکبر تاجر طهرانی تعمیر نموده و قلعه دارد

شبیه بقلعه باده با تمام و پنج چال و چاه رند

## دوشنبه غره محرم الحرام

تشریف فرمائی موکب مسعود بمنزل لاجورد شاهنشاه اسلام پناه بود تعلیم

بعد راه امروز نزدیک تر از سر و رسوار شدند و همه جا از بیابان جاده و راه

تشریف فرما گشتند تا سه فرسنگ مسافت طی شده و در سمت چپ دشت

از برای صرف نهار نزول فرمودند حسین خان سرتیپ و سالار رو به سمت

ورود اصفهان در اینجا شرف ... عطوفت دست ... و سرداران شدند

گشت و چون خیمه زرین نشان همایون که ... بود با این شب قبل

کلی و اشت خان ... شده که ... ان ...

ارک را از برای تشریف موکب همایون ... نصب ... ساعت بغروب

بپای گردنه لاسجرد رسیدیم کالسکه های حرم جلالت از پای گردنه از راهی که
در سمت راست برای عبور کالسکه ساخته بودند گذشته و سرکار همایون شاهنشاهی
سواره ببالای گردنه تاختند و در آنجا اندکی توقف فرموده دوربین بصحرا انداختند
و قبچانی قهوه میل کرده سه ساعت از روز مانده بمنزل نزول اجلال فرمودند و از آنجا
که امروز اول محرم و شب هنگام شد و ماتم بود خاطر مبارک از حزن و غم نیاسوده و حاجی
قاسم ناظم البکا را امر فرمودند که اسباب تعزیت داری حاضر کنند و بنای سوگواری
گذارند ذاکران که با اردوی کیوان نشان همراه بودند و اسامی ایشان باین شرح است
در ایوان همایون حضور بهم رسانند

ملا جان محتشم و مصطفی بیگ [illegible] از ذاکران — ملا آقا جان کاشانی — میرزا ابوالقاسم [illegible] آقا زاده — میرزا عبد [illegible] — سید ابوطالب [illegible] شیخ [illegible]

و غلبا خدام دربار سپهر احتشام در مجلس تعزیه جمع شده شوری عظیم برپا کردند
و وجود همایون شاهنشاه اسلام را دعا و ثنا گفتند و هر یک از امنا و اعیان و خدام
و ارکان نیز در منازل خویش مشغول تعزیت داری و دعاگوئی شدند و اصحاب
تا شاهنشاه دین پناه را در ترویج شرع مبین و تعظیم خانواده حضرت سید المرسلین صلعم
و حفظ صلاح مسلمین باین شدت مراقبت و تمکین نباشد خداوند متعال قضا و قدر را

یه آجری در پای مناری و بوته در مقابل مناری میسوزد ولی آنچه حیرت بر [illegible]

حکیم باشی طلا را [illegible] و بنه اعیان و ارکان بود هرچه [illegible] تمامی نداشت و

جناب حکیم عجب می‌انگاشت که چگونه متحمل این همه مصارف و مخارج میشوند و هرگاه طلب

[illegible] بود و جناب [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] ولی چون [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible] خود

بندگان با [illegible] شده و [illegible] جناب [illegible]

[illegible] آنچه معلوم است [illegible] حرکت [illegible]

و حالت [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

مخارج سفر و زحمت بارونه بسیار پا ساید انشاء الله تعالی بمنه و توفیقه

از پاده الی لاسجرد هفت فرسنگ است و راه همه جا بسمت جنوب شرقی است صحرا
کویر و گون زار یا بوته و سفید بسیار است سامی از پاده که گذشته اول خاک سمنان است
و محدود است بچند پاره اراضی عمیق که چون خندق طبیعی در میان خاک خوار و سمنان
واقع اند و عرض بعضی بیست و دو ذرع و بعضی سه ذرع و عمقا از ده ذرع الی پانزده ذرع است
که بجای عریضی در دو جانب موضع جاده را انقطاع نموده آب این نهرها که آبی گل آلود و سیلاب
است در بعضی دو سنگ یا سنگ کمتر یا زیاده از مشرق شمالی بمغرب جنوبی جاری
بعضی این نهرها معروف به آلکه‌پی و دیگری موسوم بوده است پلهای
محکمی است که عمیق نهرها باشد و سطح زمین مشتی است و این نکته را خاطر العام
ملوکانه عقب داشت به نسبت مساوات سطح
زمین قدر ... طرف ... پل
و پس از آن ... طرف دست راست صحرای کویر آب ...
... الی هشت فرسنگ و نیز ... پیدا شود سه فرسنگ از ده نمک گذشته
... است که در میان ... قلعه بزرگ داشته و آن قلعه منهدم شده در ...

این اوقات حاجی علی اکبر تاجر طهرانی در صدد آبادی او برآمده کاروانسرا و آب انباری

بنا نهاده و چند خانوار رعیت در او مسکن داده زراعت قلیلی کرده‌اند و البته قابل آبادی بیشتری

زیاده بر این است دو فرسنگ از عبدل‌آباد گذشته دیزه لاجورد است و کوه دیزه

کوچکی است که بالای آن قلعهٔ عظیم سیاه لاجورد و بقیه‌شان نمایان است

از گردنه گذشته به زاد و هوا رو به قطع و عجب است و لی باقی است قصبهٔ لاجورد

باغات بسیار و قریب یکصد و پنجاه خانوار رعیت دارد که سه عدد آن در قلعه

و پنجاه خانوار در خارج قلعه سکنی دارند اهالی این قریه غالب مردمان متمول و بعضا

و صاحب اغنام و احشام‌اند و در سال مبالغی پنیر و روغن به اطراف و سمنان

بفروش می‌رسانند و حاصلات اینجا غالب [illegible] گندم و جو و نخود و غیره است

قلعهٔ لاجورد قلعه‌ای است بلند و بزرگ [illegible] که [illegible] محکم و [illegible] ساخته شده

و او را دری آهنین است که [illegible] یک پارچه سنگ بنا کرده‌اند و [illegible] بالای قلعه

مسکون و مرتبه نیز بنا است [illegible] قلعه [illegible] بعضی [illegible] قلعه

می‌کنند [illegible] در مرتبهٔ [illegible] قلعه [illegible]

عالیه [illegible] است [illegible]

ماه تابی واقع شده ولی بیرون چو بها سنفند ناک گذاشته و ندفع خویش قرارداده اند
و باینجهت است که دیوار قلعه همیشه ملوث و کثیف و هوای مجاور قلعه بشدت متعفن است
و چون منبعی بوده تا یکفرسنگ بل بیشتر از آنجا و زراعت و عفن سازد و حال آنکه هرگاه
این کثافت و ناتمیزی نباشد لابجرد از بهترین مکانهاست با هوای بس نیکو
و زمینی قابل بسیار کوشش زراعت و آبادی

## دوشنبه دوم محرم الحرام و ورود موکب مسعود بشهر سمنان

درین روز سرکار اقدس همایون ظل الهی یکساعت و نیم بدسته مانده بغروب
کهر پیشکشی نواب یمین الدوله سوار شده همه جا از خارج جاده با اعتضاد الدوله
و امین الدوله و بعضی الممالک فرمایش کنان تا نیم فرسنگ از قریه سرخه گذشته
تشریف بردند و در سر آسیائی سرخه کنار بیدستان و نهر آبی از برای صرف
نهار فرود شده و یکساعت از روز برآمده روی بشهر سمنان فرمودند چون دو فرسنگی
از آسیاها دور شدیم سواد شهر آشکار گشت حسین خان حاکم سمنان که پسر سالار
والی خراسان بود با سادات و اجله و اعیان و عموم اهالی شهر از وضیع و شریف
اناث و ذکور از دو صف برکشیده کوکبه موکب مسعود را پذیره شدند

و رخاک رمیم بهشت نعیم موجود فرماید و زمینی بی آب و گیاه را بباغ

و گلزاری عظیم تبدیل سازد اللهم احفظه من الآفات و البلیات

روز دوشنبه بیست و سوم شهر ذیحجه الحرام

و درین روز که روز حرکت موکب مسعود همایون بود بهنگام صبح جمیع شاهزادگان

و سواران و زنبورکچیان و نقاره خانه و تیدگان مرخص و غیره در پای تپه دوشان

تپه حاضر شده بودند که از همایون شاهنشاهی از اندرون بیرون تشریف

فرما شده جناب میرزا زین العابدین امام جمعه ز نشمه حضور همایون آمده دعای

سفر بگوش مبارک خواندند ذات همایونی توکل بخدا و ائمه هدی فرموده

بر اسب سفید تیمور میرزائی سوار شده بسمت قصر فیروزه عنان دادند نایب السلطنه

و فرهاد میرزای معتمد الدوله و فیروز میرزای نصرت الدوله و مستوفی الممالک

و وزیر امور خارجه و وزیر علوم و حاجی محمد قلیخان وزیر عدلیه اعظم و بهرام

میرزای ایلخانی سابق قاجار و معین الملک و قوام الدوله رکاب همایون

تا یکفرسنگ مشایعت نموده و هر یک مورد فرمایشات و الطاف شاهنشاهانه گشته

رخصت انصراف یافتند سرکار شاهنشاهی در دماغه آخر کوه بی بی شهربانو زیرای

صرف نهار فرود آمده و پس از آن بکالسکه نشسته بسمت خواتون آباد که اول منزل خراسان و مخیم خیام کیوان مقام بود تشریف فرما شده چهار ساعت بغروب مانده نزول اجلال بمنزل فرمودند هوای این روز فی الجمله حرارتی داشت و از کثرت ازدحام و جمعیت جنود منصوره و غیره تجدید گرد و خاک احاطه داشت که در عرض راه شناسائی یکدیگر بی اشکال نبود

از دوشان تپه الی خواتون آباد پنج فرسنگ است و راه اول رو بجنوب و بعد چند درجه بمشرق میل میکند و درین راه همه جا کالسکه بسهولت عبور مینماید تا نزدیک خواتون آباد و از آنجا نهرهای زیادی که از رود جاجرود جدا کرده اند و از برای زراعت بدهات ورامین و خالصه دیوان اعلی میبرند قدری کالسکه را با تعب است

خواتون آباد محاذی حصار امیر واقع است و قریب یکصد خانوار رعیت دارد جونو و پشت دهات معروف پازکیان در فاصله خواتون آباد و حصار امیر واقعند جناب حاجی ملا علی مجتهد مشهور کنی در خواتون آباد کاروانسرائی بنا نموده از کاروانسراهای بسیار خوب خواهد شد و فایده کلی از برای زوار و قوافل خواهد داشت

## روز شنبه بیست و چهارم

بندگان شاهنشاهی امروز را در خواتون آباد امر باطراق فرمودند تا هرگاه بقیه از
همراهان مانده باشند ملحق شوند سردار کل که برحسب امر مقرر بدین منزل آمده بود بحضور
مهر ظهور همایونی شرفیاب گشته استدعای فرمایشات علیه کرده و جمعی که به برکت
بخت همایون مأمور بودند مثل میرزا احمد خان ساعد الملک سلطان حمید میرزای پسر نصرت
الدوله ابو الفتح خان پسر مرحوم سردار میرزا فتح الله امین لشکر نبیره خان ماکوئی
احمد خان نکری و محمد میرزای مهندس مأمور اصفهان را بحضور مهر ظهور آورده بهر یک
فرمایشات ملوکانه و بذل ملتفات خسروانه شد اسحق میرزای پسر عز الدوله که حاکم
نجف آباد اصفهان است بتوسط امین الدوله شرفیاب حضور همایون گشته و پیشکش
فرستاده حاجی ملا محمد نراقی با چوب دست و گلاب که هدیه حضرت معظم الیه بود بتوسط
امین الدوله بحضور مبارک شرفیاب آمد آقا میرزا احمد تقی مجتهد همدان بتوسط دبیر الملک
شرفیاب حضور شده بود و ساعت بعد بوستان بنده ذات همایونی بسرا پرده توقف
مهد علیه تشریف فرما شده بعد از نیم ساعت مراجعت فرمودند هوای امروز
نیز قدری بحالت گرمی بود و باد تندی شد گرد آلود و زیدن داشت تا هنگام عصر از اقبال
بنز روال همایونی باران نافعه شدیدی باریدن گرفت و حرارت و کثافت هوا برطرف و

و نظافت تبدیل یافت گلهای سرخ و زرد امروز تازه طبقی از آن بحضور مبارک آوردند

## روز چهارشنبه بیست و پنجم

تشریف فرمائی موکب همایون بمنزل شریف آباد یکساعت از دسته گذشته بندگان اقدس همایونی از بستر راحت برخاسته دوگانه خداوندگانه بجای آورده و لباس سواری پوشیده بعد از سه شیپور و کرنا که اخبار سواریست از سراپرده همایونی بیرون تشریف آورده با شوکت و اقبال بکالسکه اجلال نشسته فرهاد میرزای معتمدالدوله و نصرت الدوله و ساعدالملک و امین لشکر که تا این منزل همراه بودند در پای کالسکه شرفیاب حضور مهر ظهور شده رخصت انصراف یافتند چون یکفرسنگ و نیم از خواتون آباد گذشتیم در قریه خسرو در باغی از برای صرف نهار فرود آمدند آقا خان پیشخدمت و امین صحیحه که صاحب قریه مزبوره است قدوم مبارک همایون را با پیشکشی لایق پذیرائی نمود این باغ اگرچه رعیتی است ولیکن گلهای بسیار و اشجار بیشمار آن اسباب خرمی خاطر مبارک شد در هنگام صرف نهار حکیم باشی طهران از روزنامجات فرنگستان بعرض خاکپای همایون میرسانید و از جمله اخبار آن بود که روزنامه نویسان نوشته بودند و رنیست درمیان دولت

پشته‌های مزبور تمام گشته آن طرف الی ماشاالله صحرا و کویر است و خمیت این کویر

منتهی میگردد بخندق دنیا با آنکه از ملوکات شهر سمنان است و از قرار هر دو ف

از آنجا بشهر سمنان هشتاد فرسنگ راه است   جلگه سمنان آهو و شکار بسیار دارد

از آنجمله امروز غلامان نصرت نشان دو آهوی زنده و شش لاشه گرفته بنظر مبارک رسانیدند

مورد انعام و احسان ملوکانه شدند و چون بچه آهوی زیاد در این راه بدست می آمد

سرکار اقدس همایونی بمقتضای مروت و مروت شاهانه و غیرت نگاه نکرده و حکم

بلیغ فرمودند که کسی متعرض آنها نشود و همه جا آزاد و در پناه عدالت خسروانی بسر کنند

در نزدیکی سمنان امامزاده است که بنا بیشه و مقبره کهنه زیاد دارد زیارتگاه حضرت

امام زاده علیه السلام است مرقد ابوالمکارم رکن الدین علاء الدوله احمد بن محمد

الکرمانی از عارفان مشایخ سابق و مدت شانزده سال زیاده

شهری که شده در تمام اطراف هیچ شهری است   در پهلوی آن دو ده روان است

بعید است که بسیار خوب و عالی ساخته‌اند   از یک طرف آن مزرعه و درخت

بها الدوله است و قلعه و باره محکم دارد و مسجد خانه‌های کوچک

بوده است که نواب معظم له بیای سکنای علما ساخته و حال تعمیر

منهدم گشته‌اند عمارات ارک مشتمل است بر خلوت کوچکی و اندرونی بزرگی و
باغ و دو سه خلوت خراب و حمام وسیع دایری حیاط اندرونی از دو طالار بزرگ
رو بجنوب و شمال است و در طرف غربی و شرقی و طاقها و بالاخانهای
متعدده است که من حیث المجموع شباهت کلی باندرون باغ قصر قاجار دار الخلافه
دارد غیر اینکه حوض این عمارت دو سه حوض کوچک طولانی است که در میان یکدیگر ساخته‌اند
در جنب خلوت بیرونی تکیه ایست که بموجب مرحمت بونی در او همه روزه تعزیه داری
مینمایند هوای سمنان بی‌نهایت مسرت آمیز و فرح انگیز و بمراتب از هوای
دار الخلافه سردتر است چنانکه در روز ورود موکب مسعود با آنکه پنجاه روز از تحویل
حمل گذشته بود گل سرخ تازه شکفته و درختان سنجد و سایر فواکه اندک اندک شکوفه
کرده بودند مردم سمنان گویا مرکب از مازندرانی و خراسانی و عراقی شده‌اند
زیرا که در آداب و رسوم چون عراقیان و در سیما و بشره مازندرانی و خراسانیان مانند
و فی الحقیقه چون این شهر در میان این سه مملکت واقع است بعید نیست که اصل مردمان
و نیز از اهالی این ممالک مرکب شده باشند زبان و لهجه سمنانی که در میان
خودشان معمول است زبان مخصوصی است که فهمیدن آن نهایت اشکال را دارد

وسرکار همایونی با تعجیل در برخواستن و بالای سنگ چین رفتن نمودیم و تجسس
ذات والا صفات شاهنشاهی در بالای سنگ چین را که عقب سینی عظیم همه جا
رودخانه را فراگرفته اینگونه اول از سنگ زیاد و منظم ... در این قسمت ... ان
گویا سد سنگی و شکسته ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
و ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]

## پنجشنبه چهارم محرم الحرام توقف ... ان

در این روز ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]

بدان سبب متغیر گشته در اول روز با حضار اعیان و سرکردگان و صاحب منصبان

امر مقرر شد و چون بشرف تقبیل آستان عدالت نشان مستسعد آمدند هر یک را

معرض عتاب خسروانه در آورده بقید قسم مقرر داشته شد که اگر دیناری از سرکردگان

و تابعین ایشان بالنسبه برعایا و ضعفا بی حسابی و تعدی واقع شود همه را

سیاست فرمایند و یک دینار را هزار دینار از ظالم عوض گرفته بمظلوم عنایت

فرمایند ایشان نیز بالاجماع قرار این معنی را در خاکپای همایون متعهد شده

و در خاکپای مبارک مراقبت کلی و جزئی و نهایت نظم را التزام سپردند

و الحق از آن روز بعد تا زمانیکه مراجعت کردیم هیچکس ندید و نشنید که از این جمعیت

چنین دیناری با حدی خسرو بیحسابی وارد آید چون خاطر خطیر همایونی

از این فقره فراغت حاصل نمود دیگر آنکه ذکر مصیبت کردند و سرکار

همایون شاهنشاهی مشغول ملاحظه نوشتجات چاپار جمعه شدند چه از روز حرکت

از دار الخلافه امر همایون بدان مقرر است که در هر جمعه از ایام هفته چاپاری

بدار الخلافه رود و اوامر همایونی و احکام و فرمایشات را در امور مرجوعه بدار الخلافه

و سایر ممالک محروسه مستوفی الممالک وزیر مالیه اعظم و سایر وزرا برسانند

و هم درین روز چاپاری از خراسان و چاپاری از دار الخلافه در رسید عرایض
سپهسالار اعظم و سردار کل و سایر وزرا از لحاظ نظر همایون گذشت احکام
لازمه در جواب هر یک شرف نفاذ یافت سه ساعت بغروب مانده ذات
والاصفات شاهنشاهی بعزم تفرج و سیاحت محلات و مساجد و غیره شهر
سمنان تشریف فرما شدند اول مسجد شاه توجه فرمودند مابقی مسجد جامع
متولی مسجد کاشیها و اطراف آنرا مرمت [illegible] ترتیب داده است [illegible]
و مسجد جامع حضرت [illegible] نیز [illegible] قدیم [illegible]
[illegible] تماشا فرموده [illegible]
ملاحظه فرموده [illegible] عمارات آنجا فرمودند [illegible]
[illegible] دیگر [illegible]
[illegible]
[illegible] التفات [illegible]
[illegible] تشریف [illegible]
مسجد شاه سمنان [illegible] مسجد [illegible]

وضع عمارت و طاقها و شبستانها [illegible] شبیه بمسجد شاه دار الخلافه که بعضی از ابنیه

خاقان مغفور است [illegible] مسجد جامع که محتاج بتعمیر [illegible]

بنده [illegible] و وضع [illegible] و قضا این مسجد که در دو

[illegible] بعضی [illegible] معلوم نیست که در سنه [illegible]

[illegible] شده [illegible] با یک پادشاهی

[illegible] آن [illegible]

و [illegible] و [illegible] که [illegible]

[illegible] سیاب [illegible] شهری

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جمعه [illegible]

[illegible]

[illegible]

آن دره ماهور است و قریب سه فرسنگ این دره ها امتداد دارد و دره ها ماهور است

تا جائیکه آهوان میرسد زمین صحرا بوته و گون زار است و در چشمه‌ای آب کمی قسمی از کاج

جبلی است سیب ... دارد سمت راست جاده از دور ولایتی که مشهود می‌شود

قریه کهنلا متعلق به اولاد مرحوم سیف الدوله میرزا است و پس از آن محمدآباد متعلق به اولاد

مرحوم ملا محمد سمنانی و از آن پس دیگر آبادی نیست طرف چپ ... کوهی

... نیز دو است و قریه پای ... و ... در این سمت راه دو ...

قلعه آهوان قریب نیم فرسنگ بین جاده واقع و طرف ... سنگ ...

و در آهوان دو کاروانسرا است یکی از آنها ... و ... سنگی است ...

همه آنرا با سنگ ساخته ... وقت که ... ساخته شده

[illegible] ... غرب ... و دیگری

[illegible] ... و ... ساخته

... و ... معروف ... است ... نیز ... است

است با ... نمیباشد و بحمدالله تعالی ... اقبال بی‌زوال همایون ...

اردوی کیوان پوی ... دارد ...

## روز شنبه ششم محرم الحرام تشریف فرمائی موکب همایون از آهوان بقوشه

و در این روز چون کاروان صبح بفیروزی و اقبال در رسید شاهنشاه بیدار بخت
از شبستان راحت برخاسته و رخت سفر پوشیده با شکوه و اجلال تمام از سراپرده
مبارک بیرون خرامیده و با امین الدوله و وزیر الملک و سایر اعیان بتماشای
کاروانسرای شاه عباسی تشریف فرما شدند بنای این کاروانسرا در نظر خسروانی پسند افتاد
و تعمیرات منظور شاهانه مرمت تحریر شد تاریخ بنا استفسار فرمودند وزیر الملک
بعرض حضور رسانید که تاریخی در سنگ پایه ملاحظه کرده و معلوم نموده اند که بنای
این سرا در هزار سال قبل بوده بالاخره موکب مسعود بسمت مقصود در حرکت آمد
چون دو فرسنگ تمام زده شد و هنگام صرف نهار گشت آفتاب گردان
همایونی را در کنار نهری نیکو بر پای کردند در این موقع از جانب رحمت الله خان
سارسلان و دیگران که بسکنای مسجد با آهو دوانی رفته بودند در رسید و معروض
داشت که سواران در دامنه حاضر و امر همایون را در نزدیک شدن منتظرند علیحضرت
شاهنشاهی تیپ بیرون قرار مقرر داشته شد که از جاده روان شوند و خود با تفنگداران

و اصحاب شکار بسمت چپ رانده و از دره عظیم گذشته در جنگل آن سمت در
فرود آمده بسمت سواران و شکار رده و امان دو دو چین انداخته و امر فرمودند که
آتش برفروزند تا سواران شعلهٔ آتش را از دور مشاهده کرده از بسیط حرکت کنند تا
مجموع ایشان نزدیک باز گشته و از بوده بود و مسید خبری نبود که بادی تند وزیدن
گرفت و باران سخت بارید حضرت همایون بغور مشاهده فرموده گشته و خیمه
بمراجعت فرمودند تا به این حال جوانان پیاده شده در دشت طلب نموده
و سواران بسر ایشان و تجهیز تعبیه زدن آنها را جمع نموده بودند و بوزینیان ساعت
از صحبت سواران جماعت بسمتی فراموش کرده و با جوانان در فرو رمیده دوست
شده بودند چنانکه در چنگال بودند چنانکه غیرت تو شده بود و به جهت بنوازش
یکی در جهان آورده و از نظر و حسن همایون آمده به جنگ پیشه شده ساعت
بعد بوسیده در مرتبه همایون بار دوم همایون تشریف فرما شدند. شیخ محمد حسن
پسر خود حاجی محمد جعفر که زیارت مشهد مقدس یافته بود و بحضور مبارک
مشرف شده بود دعوا خسروانی گشت از ایران بر همه بود و بسرداری
ذکر جمعیت کردند از جوانان جمعیت و فت بیشتر مشرق شده است

سمت چپ جاده بفاصله یکفرسنک چشمه و درخت بیدیست که بنابر معروف

از اینجا امام ثامن سامن علیه آلاف التحیه ولثنا ظاهر شده است و هرکس حاجت

حاجت مقصودی رشته از ریسمان و امثال آن بدان درخت بسته است

از آبسوان بفاصله اندکی راه بصعود است پس از آن تا قوشه همه جا سراشیب میشود

طرف دست راست و چپ بفاصله یکفرسنک و نیم فرسنک و بعضی جاها

دو فرسنک کوه است و فاصله این جبال اغلب کودال پست و بلند است

و دراو اقسام نباتات وگیاه بهار رویده و اکثر از جاها از بوتهای قیچ و کز

و کل زنبق بسان جنکلی شده که خالی از صفا و استحقاق تماشا نیست بلوک تودروا

در سمت چپ این راه واقع است و بخوبی معروفست قوشه دهی آباد و جمعیتی از

صد خانوار زیاده دارد کاروانسرا و چاپارخانه نیز در آنجا موجود است

روز یکشنبه پنجم محرم الحرام تشریف فرمائی موکب همایون از قوشه بامیرآباد

امروز اول صبح هوا بسیار سرد بود و بادهای شدا مسخه با گرد و غبار میوزید

بحدی که دو سه آبهوا از شدت برودت هوا و سختی باد میان اردو آمده گرفتار

کماشتگان اعتضاد الدوله و ابراهیم خان نایب شدند اعلیحضرت همایونی پس از طی

اندک مسافتی تپه و وزرا را مرخص فرمودند خود با چند نفری بسمت شمال رو

سیرکنان بقصد شکار تشریف بردند و در پناه کوهی صرف نهار فرمودند ولی [illegible]

هوا و شدت باد دماغ را آن شد که وجود مبارک در هنگام صرف نهار باشند [illegible]

جرد و سه خرگوش که صید شده بیان مهدیقلی خان قورچی باشی بود بدست [illegible] مراجعت

الیکس نشسته بجهت عمارت روشنند و ساعتی استراحت فرمودند و بقیه روز را بسیاحت

و صحبت و ملاحظه بعضی نوشتجات و صدور [illegible] احکام گذرانیدند

از [illegible] مراجعت [illegible] حرف [illegible] بوده [illegible]

زمین مسافت و صحرا و مرف [illegible] کوه [illegible] است [illegible]

و قلعه [illegible] دارد [illegible] عمارت [illegible]

روز دوشنبه بیستم شهر محرم ورود اردوی کیهان پوی بشهر دامغان

حضرت همایون شاهنشاهی [illegible] قبل [illegible]

قلعه [illegible] تشریف فرما شدند [illegible] قلعه [illegible] عمارت

[illegible] سال [illegible] بود [illegible]

[illegible] باغ [illegible] این عمارت [illegible] چهار [illegible]

از روز برآمده در یک فرسنگی امیرآباد در سر آسیا و کنار نهر آبی باصفا از برای نهار
فرود شدند پیرمردی کهن سال نیکوجمال که از اهل علی آباد و بارعایا باستقبال آمده بود
ملحوظ نظر مبارک افتاده باحضارش شارالیه پیر دهقان چون بخاکپای همایون
مشرف شده آن رأفت و مرحمت خسروانی بدید زبان بدعا و ثنای وجود مقدس
اعلی گشوده و گویا سالها مقرب آستان مهرنشان بوده بمصاحبت و مکالمت پرداخت
و شرحی از سابق حال خود معروض داشته می گفت در اوایل سلطنت خاقان مغفور
جزء غلامان [illegible] خاصه و مامور بکرمان بوده و اسبی از جانب ابراهیم خان باروان
نزد حسن خان سردار بردم و در اواخر سلطنت خاقان مغفور که بسرکشی خانه و عیال
خویش آمده بودم گرفتار ترکمان شده به بخارا رفتم و تا پنجسال قبل در آن سامان
با سیری و غلامی بسر برده تا عاقبت فرار او وطن اصلی عود نموده و در ظل عدالت
و عنایت شاهنشاهی در کمال راحت و آسودگی غنوده ام و از خدا و ندهمی خواستم
که بوسیله بحضور مهرظهور رساند تا توسعه در امر معاشم باشد و بتوانم خود را
نیکبخت ترین مخلوق بشمارم و بقیه عمر را بعیش و کامرانی بسر برم چه در زمان
سابق از عهد خاقان شهید تا اوایل این دولت جاوید مدت بخاطر دارم با آنکه

اسباب معیشت خود و عیالم جمع بود هرگز پیش آسوده بسر نبرده و امید آن نداشتم که
در فردا عیالم اسیر ترکمان نشود یا اموال و اثقالم بغارت نرود و اکنون بعون الله
تعالی و از بخت بلند پادشاه چنان این حدود در امن و امان است که یکنفر از ده
بدهی میرود و شبها و روزها آسوده و راحت می کنیم بدون آنکه گمان بریم امکان
کسی بر ما بتازد یا دست به اموال و عیال ما بیازد بر ماست که قدر این نعمت عظمی بدانیم
و شب و روز مشغول دعای ذات والا صفات شاهنشاه باشیم این فقیر پرورده
در خاکپای همایون معقول افتاده بسیار شکرگذار کردگار بودند که بحمد الله تعالی
خداوند مسلمانان را در عهد حضرت ایشان بدین نحو در مهد امن و امان محفوظ داشته
و چیره اعاش سالیانه عطا کردند در این ضمن شخصی از در آمده تعظیم کرده بایستاد
شاهنشاه بعلم قیافه که مخصوص ذات والا صفات است فرمودند این شخص باید
پسر فتحعلی خان ملک الشعرا و خود شاعر باشد الحق چنان بود و [illegible] تخلص داشت
و قصیده که نگاشته بود معروض ساخته و مورد احسان شد و کالسکه زرین
نشان همایون بسمت دامغان روان گشت بین لدوله در پهلوی کالسکه مقابل
فرمایشات علیه بوده و بعرض رسانید که محل شهر قومس که اسم آن در تواریخ عجم مسطور است

در صحرای قوت واقع بوده و خرابه‌های آن نظر ایشان و جمعی رسید بالاخره پنج ساعت

بغروب مانده سواد شهر نمایان گشت و علما و سادات و اصناف شهر باستقبال

آمده بودند منظور نظر مرحمت اثر همایونی و مورد توجهات خاص خسروانی گشتند

و معسکر همایونی از کنار شهر گذشته باردوی مبارک که در سمت شمال واقع شده بود

تشریف ورود ارزانی داشتند و چون بعضی از خیام زرین نشان و چادر برخی از چاکران

در محل زراعت زده بودند خاطر مهر آثار همایونی متغیر گشته یورت چیانراه ورد مواضع

و مشبیا آورده و خسارات زارعین را امین الدوله و ظهیر الدوله مقرر شد که بقیمت آنرا

از خزانه خاص عوض دهند و دویست و هشتاد تومان که گویا دو برابر ضرر ایشان

بود عوض دادند

از امیرآباد بدامغان چهار فرسنگ است و راه مشرق شمالی است امیرآباد

از استرآباد زیاده از پانزده فرسنگ بعد ندارد و در سوابق ایام غالب اوقات

ترکمانان یکشبه از گرکان بدین صفحات آمده و تاخت و تاز کرده مراجعت نموده‌اند

صحرای مست است جاده یکجا تپه‌های پست سخت که درختان کاج و سرو بسیار دارند

منتهی میشود و سمت شمالی نزدیک است بشاه کوه و کوه بینق که بعضی از نقاط آن

همیشه پربرف است در پشت و بفاصله چند فرسخی اول صحرای گرگان و استراباد است
و در دامنه جنوبی و غربی آن چشمه علی دامغان واقع است و کوه و دامنه آن [illegible]
نمایان است و نیز در دامنه این جبال قبل از محاذات بدامغان چشمه آبی جاری است
مشهور بچشمه فرخاکرد و بیست و دو فرسنگ آب [illegible]
مشروب میشود از امیراباد دامغان [illegible] است [illegible]
دارد چنانکه اسامی آن مندرج میشود

قراء واقعه در سمت شمالی [illegible] است

سعیداباد محمود [illegible] است اسمعیل اباد [illegible]
[illegible] است منصوراباد [illegible]
[illegible] مشروب است یحیی اباد واقعه [illegible] است
شیر آتشبان [illegible] اباد [illegible]
عوض اباد رضی اباد [illegible]
[illegible] شیر بند دو فرسنگ [illegible] کوه واقع است

قراء واقعه در سمت [illegible] است

سعیدآباد متعلق بمیرزا عبدالله خوئی اسمعیل آباد معروف به حجاجی دولت
آباد ملک قاسم خان و سایر دهات اما سویر دیهات است و سابقا زیاده بر پانصد
خانوار رعیت و قلعه محکم و خندق و حمام و بازار داشته ولی حال بدان شدت
معموریت ملکه غلب بیابانی و خرابست و سمت جنوب این قریه باغی است
بسیار بزرگ که موقوف باغ بزرگ نشان پسته بزرگ کهن سب بار دارد
و رکیان محمدی آباد تقیه آباد ملکی سیف الله میرزا جعفرآباد
ملکی نصیر الدوله قلعه زرد

## روز ششم محرم توقف اردوی همایون در دامغان

سرکار اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بملاحظه آنکه در هیچ وقت و هیچ قسم تعویقی
در ملاحظه امور دولتی و تفصیل رتق و احکام جایز نمیدانستند با آنکه امروز روز
تاسوعا بود و بی نهایت محزون و ملول بود بعد از اتمام تعزیت داری عرایض
وزیر امور خارجه و مستوفی الممالک دیگر را ملاحظه فرموده و در جواب یک یک
فرمایشات و اوامر ملوکانه شرف نفاذ یافته بمیرالملک امر شد که چاپار را
بزودی مراجعت دهد. از جمله اخباری که از دارالخلافه معروض حضور مبارک گشت

علیزان و آقا علی و ساری اصلان و میرشکار و میرزا علی خان و محمد تقی خان پیشخدمت
افشار و سایر پیشخدمتان سواره حاضر دربار شدند و شاهنشاه با عمله‌جات اندرون
که در خانه زاد سوار شده چون هوا فی الجمله حرارتی داشت بعد از طی مسافتی
بدرشکهٔ کوچکی که در سفر مازندران همراه بود و در راههای صعب و سخت مشی
شد نشسته شد محمد رحیم خان نیز سر پیشخدمت بابین خان ترتیب جلوداران
با سواره و دو بیرق که روز قبل ... نیز ... برده بودند ...
بوده از سمت ... گذشته چون محمد رحیم خان درشکه‌چی ...
... بوده ... و ... دو بیرق ... جا
... گذشته ... نشسته ... و بعضی میرشکار
... ایستاده ... و درشکه
... نشسته ... دو ... ایستاده
می‌آمد ... صرف نهار ... سر چشمه تشریف فرما شدند و پس از
نهار ... و ... مشغول
مشغول صحبت و تفرج ... شدند ... بعد ... و ... تشریف

و عصرانه بارد و معاودت فرمودند و عکاس‌باشی مامور شد که عکس عمارت

و چشمه را بردارد

از دامغان الی چشمه‌علی چهار فرسنگ است و راه همه جا رو بشمال غربی و از کنار

رودخانه ایست که بسمت جنوب می‌آید منبع این رودخانه چشمه‌علی است و متدرجا

آبهای دیگر از سیلاب و غیره بدو افزوده شده و اغلب اوقات کل آب رود همه جا

سرازیر و از میان دره تا حلکه دامغان و بشهر آمده و بعضی از قراء جنوبی و اطراف

شهر از این آب مشروب میشود سمت غربی رودخانه کوهیست مرتفع که بنا

بر معروف میان عوام لندهور بن سعد در قله آن کوه مدفونست و در قدم آن

کوه دیگریست مرتفع و مجزوطی شکل موسوم بشاه بدر یا شاه بیدار کوه و بنا بر قول اهالی

مملکت دو سنگ کباب از قدیم الایام در زیر آن کوه موجود است و آنها سنگهائی

بوده‌اند که در زمان تشریف فرمائی حضرت امام ثامن علیه السلام بطرف مشرق

از برای تهیه نهار آنحضرت بکار رفته و تاکنون باقی مانده است در دامنه این جبال

قریه استوا و انوا است که دهی آباد و معتبر و جزء اعظم آن خالصه دیوان اعلی است

در سمت شرقی رودخانه کوه منصور شاه نمایان است و او کوهیست بزرگ و سیاه

و ورنه از خجلت این دلگشا منزل کند ‏ ‏ ‏ این منقش قصر زنگاری که بر چهره شب

جست اتمام و رقم زد بهر تاریخش هما ‏ ‏ ‏ این بنا قصر جنان و این چشمه آب سلسبیل

## تاریخ بنای مسجد را نیز بدینگونه برشته نظم در آورده

شه فرخ لقا فتحعلی شاه آنکه هست ‏ ‏ ‏ قضا [illegible]

شهنشاهی که می سایند شاهان جهان [illegible] ‏ ‏ ‏ [illegible]

[illegible] ‏ ‏ ‏ [illegible]

[illegible] ‏ ‏ ‏ [illegible]

[illegible] ‏ ‏ ‏ [illegible]

[illegible] ‏ ‏ ‏ [illegible]

[illegible] ‏ ‏ ‏ [illegible]

[illegible] ‏ ‏ ‏ [illegible]

[illegible] ‏ ‏ ‏ [illegible]

[illegible] ‏ ‏ ‏ [illegible] کعبه دیگر

[illegible] آفاق [illegible]

یک فرسخ بالاتر از چشمه علی واقع است که شرح او را در ذکر مراجعت موکب مسعود و توقف

در چشمه علی مسطور خواهیم

## روز دوازدهم محرم تشریف فرمائی و نزول اجلال پادشاهی بقریه مهماندوست

سرکار اقدس و بندگان همایون صبح که از بستر راحت برخاسته در سراپرده دیوانخانه

مبارکه مشغول تجدید طهارت و تعقیب نماز با حضور قلب پاک اقدام داشتند فراشان

و حاملین سراپرده مبارکه بعض تحتانی را بند بسته که معمول است بجهت اطناب سراپرده را قدری

استوار داشته و غفلت نموده بغتتاً یکطرف بر زمین افتاده بی پرده اردو نمایان

شد خاطر اقدس شاهنشاهی از این حرکت آشفته قدغن فرمودند که از ایشان مزید را

جبین یکماه نمایند تا من بعد در وقت و موقع اقدام خدمت بکنند و بعد از

آنکه یکساعت الساعه سوار گردیده با اعتضاد الدوله و امین الدوله فرمایش کنان

روان شدند اتفاقاً که وارد آمد توقف اردوی همایون در حوالی دامغان بود

مختص تفرج شهر و زیارت و از آنجا بجانب میوشان را محل عبور از شهر قرار دادند

و بدان سوی تشریف فرما شدند در بیرون شهر سمت چپ کاروانسرائی است

نیکو بنا و دیگر در زمان سلف در کمال استحکام ساخته اند و از قراریکه امین الدوله

بعرض حضور رسانیده از ابنیه شاه سلیمان است و در طرف راست خیابان دو بقعه

امامزاده بنظر آمد که یکی از آن بقاع زیاده قدیم و استحکامی کلی دارد و با صفا است

و دیگری بزرگتر و چنان ظاهر و مستفاد میشود که از ابنیه سلاطین صفویه است اگرچه

شهر دامغان از حیثیت جمعیت کم و مردمانش بی بضاعت‌اند ولی بقدر مقدور بلوازم

عیش و سرور کوشیده خورد و بزرگ بزیارت جمال مبارک غنی و فقیر تماشا نمودند

سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی به مسجد جامع پیاده شده و در مسجد گردیدند با

جناب ملا محمد رضای مجتهد دامغان که از اجله علما و فضلا و مرد در نهایت اعتماد و

وثوق‌اند بوده در مسجد جامع صحبت و مبارک تشریف یافت و سرکار شاهنشاهی

بعد از ملاقات با علما بدولتخانه سلطانی تشریف برده و اینجا نهایت

در نهایت و بسیار خراب شده امر کید فرمودند که بعد در تعمیر آن کوشند و مشهد

جانماز آبادی بپوشند. شهر دامغان شهرهای قدیم ایران است و قلعه بزرگ

و عمارات داشته که اکنون خرابه‌های آن باقی است و از جمله بناهای قدیم این شهر یکی

مسجد جامع است که از مرور دهور خرابی زیاده به آن راه یافته و بنا مجملی که منسوب

... وسط و منارهاست و دیگری کتیبه تمام آجر دیده باشند و ولی چنین قدر که بخط کوفی جدا است

گشته است امید هست که در اندک مدتی بصورت اولی عود نماید و نیز از عمارات شهر
ارک قدیم و معروف است که از بناهای خاقان مغفور و محل تولد آن شاهنشاه مبرور است
که در سال یکهزار و صد و هشتاد و سه بظهور رسیده و این شهر را دو مدرسه است که یکی را
سلاطین صفویه بنا کرده‌اند و طلبهٔ علوم در او مسکن دارند و دیگری کوچکتر و جدید البنا است
که مرحوم مطلب خان بنا نموده و الان خراب و بایر است بنای کاروانسرا
و بازار این شهر چندان قابل ذکر نیست مگر اینکه چون در اعصار بواسطهٔ قرب استراباد
و دار الخلافه و راه خراسان مجمع تجار است در این عهد جاوید مهد که بحمد الله طرق
و شوارع امن و محفوظ است زیاده آبادی بهم رسد و کاروانسراها و دکاکین نیکو در او
بنا نهاده شود . بهمه حال گردش در این شهر بیرون تشریف فرما شده بکالسکه
نشسته و در قریه سیمین آباد که سمت جنوب شهر واقع بود در باغ احالی خان
حاکم آنجا تشریف فرموده بودند تا نیم ساعت بگل و سبزه بتفریح خاطر مبارک
کرده و با حاجب الدوله و سایر نوکران بتفرج باغ مشغول گشته و پس از اندک
مدتی بکالسکه نشسته بسمت عقب جاده شهر شدیم نزدیک بیان دوست از دور با سنجاق
و باغات سبز بنظر رسید که رکاب همایون شاهنشاهی عنان اسب را بدان سوی

تسمیل فرموده‌اند که شاید محل نیکوئی که موقع فرود خور نزول آسایش و آرامش ذات

همایون باشد انتخاب فرمایند چون بباغات نزدیک شده هیچیک از آنها را

قابل این سعادت نیافتند میان کوچه باغها عبور فرموده باردوی والا

شرف ورود ارزانی داشتند و ساعتی استراحت فرموده بقیه روز و شب را

بصدور احکام و مطالعه تاریخ روضة الصفای ناصری که از تألیف بستان

معظم و دبیر مفخم رضا قلیخان لله باشی [illegible] صرف داشتند

[illegible] نقاشان و دامغان که [illegible] اردو

همایون [illegible] رسانیدند [illegible] خاطر مبارک [illegible] ساخته بود [illegible]

[illegible] در این

[illegible] مبارک شد

[illegible] مشرق [illegible]

شمال [illegible] سمت راست [illegible] سمت چپ [illegible]

[illegible] میشود [illegible] و آبادی بسیار [illegible]

[illegible] حصار

قریه‌ایست معمور به‌ملکی والاونشاه علی خان فیروزآباد قریه‌ایست معتبر
باجمعیت که نصف آن خالصه و نیم دیگر ملکی ست مایان آباد و خالصه دیوان
اعلی است وامرزان و دبسنو هر دو آباد و جزء اعظم آنها متعلق به دولت
حسین آباد ملکی حسین خان سپهسالار اعظم ابراهیم آباد ذی الحقیقه
آباد و ملکی است مام اباد ملکی سپهسالار اعظم مهمان دوست
که منزلگاه قوافل و مشتمل است بر کاروانسرا و چاپارخانه و خانات بسیار و زیاده
از پنجاه خانوار سکنه دارد و در نزدیکی او دو برج است بزرگ از آثار قدیمه شنیده شد که جنگ
بی وارقه معروف و جنگ شاه و ناد شاه و یاقوت و شکست و انهدام ایشان
درین قریه واقع شده است این قریه تا چین نمک دو منزل مسافت است به روی آب
قرا واقع در سمت شمال قصبه جعفری نوبت مالیات به دو قرینه نحوه و جنب
سپهسالار اعظم است و قصبه ایست با دکاکین و مسجد و حمام و زیاده و از ده بیست
خانوار سکنه دارد طاق ملک و ده دمن زمانخان مشهور است یک بالتمامه
دیوان اعلی و قدری از آن متعلق با تقیه یا خانات است
روز شنبه سیزدهم تشریف فرمائی بقریه دوملا

اعلیحضرت شاهنشاهی سه ساعت از روز برآمده بر اسب قزل تیمور میرزائی سوار
شده با امین الدوله و معیر الممالک فرمایش کنان عازم راه شدند و چون باد
میوزید و گرد و غبار بسیار بود مقرر شد که وزراء و سواران و پیادگان جمیع از راه
مستقیم بروند و خود با بعضی از غلام بچه ها صحرا [illegible] راندند و
صرف نهار فرمودند قریب یک [illegible] میرشکار [illegible] طول داشت
و نیم ذرع قطر آن بود زنده بحضور آوردند معروض [illegible] که میرشکار
گله آهوئی در راه دیده بود [illegible] حضرت شاهنشاهی
با چند سوار بسمت بیابان رفته [illegible] پیاده [illegible]
آهوان نزدیک [illegible] سواران میرشکار
و غلامان [illegible]
دیگر [illegible] میرزا
[illegible] شاهزاده [illegible] تشریف [illegible]
خسروانی گشته [illegible]
[illegible] گشت [illegible] نزدیک [illegible]

که از معارف است با کدخدایان و ریش سفیدان موکب مسعود را استقبال نمودند

شاهنشاه عالم پناه مولوی را بخطاب خسروانه ممتاز فرموده و از حقیقت حال رعایا و برایا

سؤال فرمودند و بانی تعمیر کاروانسرای ده ملا را جویا شدند مولوی معروض داشت

که ظهیرالدوله محض آسایش قوافل و زوار و دعای وجود عالیمقدار همایون مبالغی کلی

بجهت صرف تعمیر آن بنا داده و این بنده بمصرف رسانده ام بنجساعت بغروب مانده

نزول اجلال بمنزل شده و سرکار شاهنشاه در سراپرده همایون استقرار یافتند آقا علی

حاکم ساوه و محمد علیخان و این بنده و عکاسباشی و مهدیقلیخان در حضور موفور السرور

تشرف داشتیم و سرکار خسروانی بمطالعه کتاب مشغول بودند که بغتتاً غلام الحکام

فریاد کردند که مار آمد چون نظر کردیم ماری دیدیم عظیم الجثه که دو ذرع طول داشت در کمال

جرئت و جسارت نزدیک مسند همایون شده آقا علی فرصت جسارت زیاده از

این نداده در نهایت چالاکی بدون ملاحظه پیش رفته با قمه که در نیام داشت او را

بدو نیم کرده مورد تحسین و عنایات ملوکانه شد بقیه روز بصحبت و خواندن کتاب

گذشت و شب سرکار شاهنشاهی پس از صرف شام بسراپرده بیرونی تشریف آورده

و دیر زمانی بسایر لیالی میل بخواب نفرمودند

از مهمان‌دوست به ده‌ملا چهار فرسنگ است و نود و چند ده این سمت است و جانب راست

جاده دهات معتبر بسیار است و اسامی بعضی از آنها از این قرار است ابراهیم‌آباد ملکی قاجار

زرین‌آباد ملکی ایضا دولاب رعیتی نعیم‌آباد ملکی ولد مرحوم

میرزا محمد یخچالی قادرآباد ملکی ایضا مؤمن‌آباد ملکی ایشان است

حسین‌آباد ملک خوانین قاجار [illegible] ده رعیتی و در قرب ده‌ملا واقع و جمله

قراء معتبر است کلاته‌ها مشترک بین رعایا و اولاد صاحب‌دیوان است مرادآباد

و آخر این دهات [illegible] کویر است

سمت چپ جاده که شمال غربی باشد صحرای سنگلاخ و پست و بلند است که از

شعب آب سیل شسته و دره‌ها پدید آمده و این صحرا [illegible]

[illegible] و شب [illegible]

## چهاردهم محرم الحرام تشریف فرمائی اردوی نصرت فرجام [illegible]

دیشب [illegible] اقبال جمال اعلیحضرت شاهنشاهی [illegible]

[illegible]

[illegible]

بمیان آورده آمدند که ازآنجا راه مدی قلیخان غلام بچه باشی شکار کرده بحضور

مبارک آورده و بقیه از همت دیگر آورده نجات یافتند و نیز در راه امروز شکار

بیشمار بود و سواران ملتزم رکاب نصرت شعار هر یک بجهت سبقت بر یکدیگر

و ظهور حسن خدمت و جانب منفعت بدیگری فرصت نمیداد و آهوئی صید کرده

و از حصول انعام و الطاف خسروانی تحصیل مزید افتخار مینمودند پس از طی سه سنگ و دو

مسافت سرکار همایونی بجانب قلعه ذوالفقارخان که در طرف راست راه بود

مسارعت فرموده در باغ واقعه در حوالی آن قلعه که در نهایت صفا و نزهت

و از انواع گلها آراسته و مخصوصا بگل سرخ مزین و پیراسته بود نزول اجلال فرمودند

ذوالفقارخان عرب مالک این قریه که از منتسبان حضرت مهدعلیا و سترکبری

و شخص نیک روی و صاحب اخلاق پسندیده و حسن خوی است تشریف یک منو

مسعود را که از سعادات محموده بود شکر گذارده و باندازه که مر ایشان را مقدور

بود در لوازم چاکری و میزبانی پرداخت و از توجهات و تلطفات خسروی

نیز ناصرت برافراخت بعد از صرف نهار سرکار شاهنشاهی بکالسکه نشسته

و بسمت شاهرود روان شدند جهانسوز میرزای حاکم با توپخانه و سواره

درین سمت و در محاذی بسطام واقع است و دهات خرقان و مغان و ابیج

که ییلاق و در نهایت خوش آب و هوائی نسبت شده و در دامنه این کوه واقعند

و نیز کوه پیرفت بدرین سمت و نزد طرف دامغان است

شاهرود قصبه‌ایست بسیار معتبر است و زیاده از دو هزار خانوار مسکون دارد و دو قلعه

معتبر از خارجه و داخل دارد و ساکنند و دو مسجد جامع و کاروانسرا شهر دارد و دو حمام

و بسیار مرغوب زیاد و مطلوبست آب خالصه است که چشمه زیاده پنج سنگ

است از وسط قصبه عبور میکند و بدان سبب که چهار جانب درخت و باغست

از شاهرود با استرآباد و بجنورد و غیره راه است و در سمت محض و هنوز

از اهالی ایشان مدد بخواهند یا برای ایشان مدد بفرستند و چون راه خوفناک خراسان

عمده از شاهرود به ترکمانان است بجهت در اینجا سوار و توپخانه موجود است که قافله

و زوار را بدون آسیب ترکمانان میرسانند و تربیت مینمایند اگرچه بحمدالله تعالی حال

از یمن توجهات اولیای دولت راه در نهایت امن است و تاخت و تاز ترکمان

نیست ولی محض ملاحظه دزد ترکمان احتیاط را از دست نمیدهند و در صحرا

و فاصله قریه شاهرود چنانکه در تمام مملکت خراسان بفاصله هر سه قدم قلعه دارند

در جها سا ختہ اند که محض قراولی بوده و حال نه مسکون و اغلب آنها خراب است
و انشان نه ده در فصل صوفت بهمانی اند که وقت دیگر مردم این نواحی اسمن طایفه
وحشی رعیت پوش خوابند نموده واحتیاج بقراولخانه و تحفظ نخواهد افتاد
در جبال شاهرود و بسطام معدن سرب و مس بسیار است بسطام در دامنه
واقع است که دو طرف او کوه و جمعیت و آبادیش کمتر از شاهرود است و لی
عمارتش خیلی تره نمای تر از شاهرود میباشد و ارک قدیم دارد که محل نشیمن
حاکم است و آب و هوای او در نهایت اعتدال و نیکوئی است و در خاکش
مخصوص فرقی است که دیگر بلاد دیده نشده است زمینش حاصل خیز و سرور انگیز
مردمانش همه با ذوق و خوشحالت و همه وقت عرفا و حکما و جمعی در میان ایشان
بوده اند از جمله سلطان بایزید رحمة الله علیه است که در داخل شهر در مقابل ایوان
و مقبره و گنبد امامزاده محمد پسر حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام مدفون است
و جمعی دیگر از مشایخ و عارف عرفا نیز در جوار ایشان مدفونند
سمت غربی این گنبد مسجد و معبد سلطان بایزید است که گچ بری ایوان و منبت
کاری درب مسجد آن کمال امتیاز را دارد و تاریخ معروف بانی این بنا سلطان محمود

غارانت وجسد خود او نیز در سردابی که در جنب این گنبد است گذاشته شده

و در حق این جسد چیزها میگویند جمعی بر آنند که هنوز اثر جراحت بر سینه اش باقی است

و دیگران چون اعتضاد الدوله و معیر الممالک که خود رفته و مشاهده کرده اند منکر این

معنی هستند آنچه محقق است این است که این جسد بعجب قد و جثه از مردمان حال

بمراتب طویل و عظیم الجثه تر است و از غرایب اینکه در پهلوی این گنبد مناره ایست

که بیست و پنج ذرع طول آنست و مانند منار جنبان معروف اصفهان متحرک است

یعنی چون بر زبر آن روند و تقویت حرکت دهند جنبش و حرکت مناره محسوس

و مرئی شود و سبب این حرکت معلوم نیست العلم عند الله تعالی

## دوشنبه پانزدهم محرم الحرام توقف اردوی کیوان شکوه در بسطام

شاهنشاه جمجاه درین روز بعزم تفنن و تفرج قریه ابرسیج که موطن اصلی و ملک

آبا و اجداد معیر الممالک و بخوبی آب و هوا معروف و در شمال مغربی بسطام

واقع است صبح از حرمخانه مبارکه بیرون آمده بمیمنت و کامرانی سوار بر اسب

میمون شده و باعتضاد الدوله و امین الملک تا دامنه کوه شاهوار قرباش کنان

رفتند و در آنجا ایشان را برای معاودت باردو رخصت داده خود اگرچه قصد

صعود ببالای کوه شاهوار و صید انداز ی در آنمرغزار داشتند لیکن از ارتفاع
کوه و قلت وقت خاطر مبارک را ازین حرافت منصرف ساخته داخل دره شدند
جریان آب و هوای صواب دره باعث تفریح حالت همایونی گردید و از آنجا
مسافتی طی فرموده در حوالی ابرسیج در بالای دره در میان سبزه زاری ام
با فراشتن آفتاب گردان و فرود شدن فرمودند معیرالممالک از تشریف وجود همایون
اطلاع یافته دویست تومان وجه نقد با بعضی ماحضر عینی بشکرانه ورود موکب
مسعود بحضور مبارک انفاذ داشت بعد از صرف نهار سرکار شاهنشاهی میل
بتفرج بالای دره فرمودند و میدانی که طی شد میان دره شاک و سنگهای
بزرگ که سیل کنده در مقابل بود مانع از عبور گردید مراجعت کرده از سمت مشرق
ابرسیج رو بپائین تشریف فرما شدند درین ضمن کبکی از مکان مرتفع بر خواسته
پرواز نمود چون خواست که از بالای سر اسب همایونی بگذرد سرکار شاهنشاهی
با وجود بعد مسافت فرصت نداده با یک تیر تفنگ از هوا بزیرش انداختند
جمیع سواران و تیراندازان حاضر رکاب تمجید و تحسین کرده وجود مبارک را دعا گفتند
چهار ساعت بغروب مانده وارد شدند ملک آرا و اعتضادالدوله و دبیرالملک

جزو کل زیاده با نظم و شکوه آمد. حیدرقلیخان سهام‌الدوله ایلخانی طایفه شادلو و حاکم بجنورد و توابع با پانصد سوار از زیارت خاکپای همایون افتخار حاصل نمودند و از عنایات شاهنشاهانه مستسعد آمدند.

## روز چهارشنبه هفدهم شهر محرم الحرام تشریف فرمائی سرکار اقدس و ذات مقدس بمنزل حیدرآباد

خدیو بی‌مثال و شاهنشاه بی‌همال بهنگام صبح چون آفتاب عالمتاب بر اسب پیشکش عین‌الملکی سوار و از کنار شاهرود و کنار عمارت بسمت منزل ره‌سپار گردیدند. ایلخانی شادلو و حاجی تقی خان و شجاع نظام بهادران مشارالیه با سواره شادلو و بجنوردی و جاجرمی که حاضر رکاب بودند در کنار راه صف بسته و منظور نظر مبارک شاهنشاهی شدند. آراستگی سواران مزبور از حیثیت اسب و اسلحه و رشادت و چابکی که از سیمای ایشان مشهود بود در نظر انور جلوه‌گر آمده و سرکردگان و سایر آحاد و افراد ایشان بتلطفات پادشاهی قرین افتخار و مباهی شدند. ملک‌آرا از خاکپای همایون مرخصی حاصل نموده بعطای یک ثوب کلیجه تن‌پوش مبارک قرین افتخار گردید.

بمقر حکومت خود عود نمود. عباسقلی خان سرتیپ لاریجانی نیز بخلعت مع
خلعت مفتخر گردیده با نواب ایشان همراه شد. پس از طی فرسنگی سرکار
شاهنشاهی در سمت راست دره دامنه کوهی فرود آمده صرف نهار فرمودند
و تشریف فرمای کالسکه شده باردو شرف ورود ارزانی داشتند و چون
سورت حرارت هوا بوجود مسعود قدری اثر نموده بود بحجره دولت است
راحت فرمودند و بعد از خواب بعضی محاسبات محمد ولیخان سردار
حاکم سابق استراباد رجوع کردند. و از آنجا که کم آبی میان دشت معروض
خاکپای همایون شده بود و جمعیت اردو هم زیاد بود محض رفاه و آسایش
خلق امر و مقرر شد که اهالی اردو نصف بریاست حاجی شهاب الملک
امیر تومان یکروز پیشتر از موکب مسعود از راه معمول بروند و از میان دشت
بگذرند و نصف دیگر با اردوی همایون که از راه ارمیا عازم است همراه باشند
از بسطام الی خیرآباد سه فرسنگ است و راه رو بجنوب و مشرق سمت
یمین جاده جنگل و دهات واقعه در آن بدینموجب است **دیزج** **مرویان**
**سعدآباد** **بدشت** این ده اخیر تیول محمد رحیم خان قاجار است و در نهایت

معمور و آباد و آب آن از چشمه ایست که بحیرخسنک بالای ده واقع است
و قرب دو سنگ آب دارد سمت السیر مسافت بسیار نزدیک کوهی
سخت است که اهالی حیدرسنگ متعدد دارد و شکار دراو بسیار است
خیرآباد معمور و به باب نخاست ولی چون آب خوب دارد و هوا خوب و قریب دراو
معبر ترکمان آبادی آن واجب و لازم است از جانب سنی الجوانب تیول
جهانسوز میرزا امر و مقرر شد که کمال اهتمام را در آبادی و معموری این قریه
معمول دارد

## پنجشنبه بیست و پنجم محرم الحرام ورود موکب مسعود منزل امیاباد

شاهنشاه اسلامیان پناه چون سه ساعت از روز برآمد بفیروزی و اقبال
بکالسکه نشسته و با امین الملک جهانسوز میرزا در باب تعمیر و آبادی خیرآباد
و فزودن آب میان دشت و حفظ طرق و شوارع فرمایشات و تاکیدات
ملوکانه میفرمودند تا مسافتی از راه طی شد و آفتاب گردان نهار گاه و خادمان
حرم جلالت پدیدار گشت اعلیحضرت همایونی خود بخیمه سرفرازی و دیدار را
شاهنشاهی و نورالدین میرزای نایب ظهر و آقا ابراهیم بیدار باشی نهار

حاضر ساخته سرکار پادشاهی بعادت یومیه قلیل غذائی میل فرموده چنانچه
وارکان و غلامان و پیادگان را امر دادند که از جاده روان شوند و خود با چندتن
از خواص از کنار راه و میان دره و ماهور عازم شدند و قصد آن داشتند
که شاید از دزدان و راهزنان بنحویکه رسم ایشان است در گوشه و کناری
پنهان باشند و گرفتار آیند ولی واضح است که انسان نیز از آدمیان
و درندگان و شیر شکاران نیاساید چنانکه هرچه در دره و مغولها تفتیش فرمودیم
اثری از آن غولان نیافته تا آنکه قریه ارمیا نمایان گشت و حضرت قادر را
سپاس بدان سوی کشیده با همان چند سوار مختصر داخل ده شدند این بنده خواست
پیش رفته و مردم را که مشغول بخرید و فروش آذوقه بودند از راه کنار کند
فرمودند ایشان را بحالت خویش بگذار و خود مقدم بر همه از میان جمعیت وارد حاکم
ارازل و رعایا عبور فرموده در تختی که موقع چنار ارمیا و بقول عامه مدفن
آنحضرت است فرود آمدند حاجی مطلب خان تفنگدار خاصه که بواسطه حکومت سابقه
این سامان که اطلاعش بیش از دیگران بود بعرض رسانید که مردم این نواحی
برآنند که ارمیای پیغمبر در وسط این چنار مدفون است و بدان واسطه سرگرم شاخی

از زمین درخت سبز شده و از جای دو [illegible] و مدوات بدین جا آورده‌اند و مساکین را

و هند و این صندوق را که اکنون بنظر می آید بنظام [illegible] پیشکار

خراسان تعمیر نمود. عظمت و کهنی این چنار از غرایب روزگار است سرشاخ

از آن درخت [illegible] را مانده از هر طرف زیاده از صد ذرع مسافت را سایه فکنده

طول زمان که شاید زیاده از دو هزار سال باشد درون او آتش فرو گرفته تمام

مغز [illegible] سوخته است بطوریکه از اصل ساق درخت جز پوست قشری باقی

نمانده [illegible] لحظه در آن مکان توقف فرموده و از آنجا

[illegible] گذشت [illegible] سر چشمه که آب بهترین میاه [illegible] اطراف [illegible] آب

[illegible] پیاده [illegible] جبال بسیار که از گرد و خاک [illegible] و [illegible] باغی و [illegible]

بسیار خوش [illegible] پس از زمانی آقا علی و محمد قلیخان و عباس [illegible] تحقیق [illegible]

[illegible] شعف [illegible] شدند [illegible]

[illegible] واقع [illegible] ساعت بغروب مانده [illegible] والده

[illegible] تشریف فرمای سر چشمه [illegible] در آن حوالی کبک زیاد بود [illegible]

[illegible] مبارک شده [illegible] مرغوب با [illegible] سنگ [illegible]

واقع بود تشریف فرما شدند و شب را بعد از شام [illegible] شدند خواص چاکران
بحضور مشرف گردیدند و از فرمایشات علیه بهره‌مند و مرخص شدند و سرکار همایونی
نیز بهمانجا تشریف بردند [illegible] در آنجا چند نفر از خوانین و ریش سفیدان طایفه گوکلان
بتوسط [illegible] الدوله [illegible] بوسی آستان مبارک اعلی و زیارت جمال آفتاب
مثال [illegible] مشرف گردیدند.

از خیرآباد الی میانچن [illegible] فرسنگ است و راه مشرق جنوبی بمسافت یکفرسنگ و
نیم جنگل و بعد [illegible] میشود ولیکن کالسکه بسهولت عبور میکند و این جنگله همه جا
سبز و خرم و [illegible] کون و [illegible] و غیره [illegible] است
در میان چاپارخانه دولتی ساخته شده. اصل قریه در میان دره واقع است و اورا
قلعه و برجی است که جهت دفع شر ترکمانان ساخته اند آب این قریه از چشمه‌ایست که
در بالای قریه از دامنه کوهی است و پر سنگ [illegible] است و پشت این کوه بلوک
[illegible] است که سپرده بجناب معیرالممالک [illegible]

## جمعه نوزدهم تشریف فرمائی ذات مقدس والا بمنزل [illegible]

چهار ساعت از روز گذشته شاهنشاه دین پناه از درب سراپرده مبارکه بیرون

داشت که منظور نظر عالیه شکار [illegible] نیامد ولی شکار دیگری بحضور آورده

بعرض رسانید که اطلاع کلی در [illegible] [illegible] کرده [illegible] [illegible] بسیار

امر و مقرر شد که فردا خود باشکار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible]

معلوم نموده معروض داشتند [illegible] [illegible] بحضور آورده [illegible]

[illegible] و [illegible] بعضی را داشت [illegible] [illegible] بیان [illegible] [illegible]

[illegible] بغروب [illegible] سرکار [illegible] [illegible] مبارک شرف [illegible]

[illegible] و شب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] مبارک شرف [illegible] [illegible] [illegible] ملاحظه [illegible]

منزل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شب [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] آب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

او [illegible] کتاب [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] تخت بزرگ [illegible] که [illegible] شرف [illegible]

ازاینقرار است مزرعه قباغی متعلق است بمالکین قریه اسرائیلی که در وسط
کوه نمایانست محمدآباد جودانه کلاته اسد مزرعه مرجان
مشهور به بندمه بان که متعلق به یمی است این مزارع قریب بجاده واقعند و دورتر
از اینها دهات متعدد متصل بهم نمایانست که ایل عرب در آنجا مسکن دارند
میامی و ابراهیم آباد که از سنگ سکنه بیکدیگر مسافت دارند و
در وسط اما نزدیکتر بمیامی واقع بود این دو ده است میامی دهی آباد و با قلعه حمام و چاپارخانه
سمت چپ همه جا صحرا و دره ما جو سخت است و بالای سر میامی کوهی
سخت واقع است که از دره وسط آن اقدری و سنگ آب جاری دمیامی
از آن مشروب میشود و ایل جلیل که اغلب اولاد محمد تقی خان جلیل هستند
در آن نواحی نکهی دارند

# بیست و هشتم شهر محرم الحرام تشریف فرمائی ذات والا صفات همایونی بمنزل میان دشت

درین روز بملاحظه بعد مسافت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی زودتر از سایر
ایام سوار شده و با امین الدوله و اعتضاد الدوله و امین الملک فرمایش کنان

تا ابراهیم آباد تشریف بردند در نزدیکی این قریه قریب راه چناری عظیم
عظمت الجثه مشاهده گشت شاهنشاه اندکی در زیر سایه آن درخت ایستاده و چون
جثه چنار غرابتی داشت مقرر فرمودند دور او را ذرع کردیم دوازده ذرع قطر داشت
پس از سیاحت چنار ابراهیم آباد و اتمام فرمایشات مخصوص در آبادی
آن قریه بکالسکه نشسته بچشمه که بقدر ربع سنگ آب دارد رسیدیم همراهیان
هر کس باندازه ظرفی داشت برای خود آب برداشته دو فرسنگی چشمه
در جنب قریه است و او یکی از کاریزهای مخصوص تکمه‌تاش و معروف‌ترین محل‌های
خراسانست حاجی میرزا آقاسی مرحوم در عهد شاهنشاه مبرور قلعه و برجی در این
مکان بنا نهاده و چند نفر را در او سکنی داده که محفوظ باشد و قلیل اعتنائی
در تعمیر این قلعه نشده است ... بکال ... و از میان آن نهر
آب باریست که قلعه ... آن مشروب میشود و قناتی نیز ...
بسته و آب را بطوری که چاه چشمه میبرند ... شاهنشاهی حوالی مزرعه ...
در کنار نهر آب تنها رفته و آمده پس از ساعتی بکالسکه نشسته تشریف فرما شدند
سقایان دیوانی جمیع راویه‌های خود را که ... از قنات ... پر آب کرده در راه

به پیادگان و سواران میدادند. پنجم فرسنگ که از ده زید گذشتیم راه
منتهی بدره ماهوره ای تخت شد که اغلب بقوریه ترکمان است و با وجود
پست و بلندی که دارد کالسکه بسهولت از آن عبور مینماید پس از طی این پست و
بلندی بکلی بسنگ میان دشتها زد. بتکبیر افتادند حاجی مصطفی قلیخان حاکم
کلات از ارض اقدس با جنیب سپهسالار اعظم باستقبال رکاب قمرشال آمده
بمصاحبت امین الملک بنوبه مبارک تشرف جسته و در مواطف ملوکانه
و از جانب سپهسالار اعظم والی خراسان ورود موکب مسعود را تهنیت گفت
چهار ساعت بغروب مانده وارد اردوی همایون شدیم اگرچه امروز در عرض
راه بهمراهیان موکب مسعود و قوافل و زوار از برای آب سخت گذشت ولی
در توقف منزل با آنکه تیپ از اهل دره ... قبل گذشته بودند و تمام آب طرحها
پر آب بود و آقا ابراهیم ... باشی راویه و مشکها قبل از وقت پر آب
ساخته و بچادرهای چاکران ناصره و فراشان و سربازان داده بودند باز بحدی
از کم آبی وحشت کرده و بیتاب بودند که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی محض تفضل
کامل آب حوض مقابل که در سراپرده مبارکه بود بسربازان و فراشان عطا کرده

مقرر داشتند بیاید از [illegible] مبارک [illegible] محمد حسن خان محقق و اظهار [illegible]

مردم را از بی‌آبی به زمین سیراب نمایند که [illegible] آب حمام را برده سرد نموده [illegible]

خود سیراب سازند سرکار همایون ظل اللهی مخصوص ترغیب [illegible] و دعا بدین تاکید تمام

مقرر داشتند که [illegible] مدت [illegible] منزل [illegible] خدمات عدیده [illegible]

تا باعث آسایش خلق و مزید دعاگوئی وجود مبارک شود

[illegible] بیابان دشت [illegible] راه شرقی و از یک طرف [illegible]

[illegible] بیابان دشت [illegible]

[illegible] است [illegible] کوهی [illegible] جبال [illegible]

[illegible] و آنجا [illegible] بیابان

دشت جنگل [illegible]

[illegible]

[illegible] و مکافات [illegible] مراجعت [illegible]

[illegible] کلاته [illegible] و گیلان

رباط [illegible] باد [illegible] بیابان دشت [illegible] دو [illegible]

شاه‌عباسی است که در جنب آن مرحوم حاجی میرزا آقاسی قلعهٔ ممتازی بنا کرده و پنجاه خانوار در او سکنی داده‌اند و در این عهد جاوید مهد چاپارخانهٔ در جنب آن ساخته و قناتی در او حفر کرده‌اند که آبی در نهایت قلت از آن جاریست

## روز یکشنبه بیست و یکم محرم الحرام تشریف فرمائی موکب عالی برکات همایونی از میان دشت بعباس‌آباد

در این روز بفضل الله تعالی شاهنشاه جهان بفیروزی و اقبال صبح از خواب برخواسته سمند همایونی را آراسته باسب زرنگ پیشکشی حسام‌السلطنه سوار گشته و پس از ادای بعضی فرمایشات بخواص و اعیان بکالسکه رجوع فرموده بسمت مقصد روانه گشته در فرسنگ دشت قطعهٔ الماک نمایان گشت و جمعیتی زیاد بنظر آمد شاهنشاه از دور ایستاده این مخلوق منظور نظر مبارک بودند که چون ماه و غیره بر سر آب انبار ایستاده یکی اسب خود را آب میداد و یکی خود آب میخورد و بعضی نشسته و مانند جوی غریبی داشت سرکار شاهنشاهی پس از تفرج بحالت ایشان در سمت استانبرای صرف نهار فرود آمدند همه [illegible] آسیا شاخه‌دار بزرگی کشته بحضور آورد و محمدتقی خان غلام بچه پستی بره آهوئی شکار کرده

یب ربفاصلهٔ نیم فرسنگ مشی بکوهها ئی او چک است میشود که قسمتی
دورتر از آنها کوههای بلند سخت واقع است عباس آباد زیبا که
شاه عباس ماضی است و قلعه بسیار محکم دارد که در روی زمین مرتفعی واقع
شده و مشتمل است بر باغات و قنات و چهارپا رخانه و کاروانسرای بزرگ
کهنه قدیم که حاجی شهاب الملک امیر تومان و حاجی علینقی تاجر تعمیر آن
قرار داده مرتب با تمام است قلعه عباس آباد زیاده بر صد خانوار
جمعیت دارد و تماماً معروفست که اهل ساکنین اینجا از گرجستانات و ایالات
است که شاه عباس صفوی جنت مکان بعلت فتنه و فساد به کوچ
داده باینجا آورده است و سبب وضع ساخت ایشان نیز بگرجیان شباهتی دارد
و ترکی و فارسی حرف و تکلم میکنند و وضع جغرافیائی عباس آباد بعضی ا
از ممکن است در اینجا مشروح شود میدانست که انشاء الله الرحمن
در عقلوفت ما وقت پخته ی آبادشور که با شهری بزرگ کند.

بیست و دوم شهر محرم الحرام تشریف فرمائی اردو
با احتشام از عباس آباد با شهر دید

ودرین روز شاهنشاه فیروز بخت در نهایت انبساط و کامرانی بجماعت
از طلوع گذشته سوار شده و اندکی راه را با دوربین منظم و سرکردگان
مشغول فرمایشات بود گذشته از آب فرود آمده بکالسکه نشسته
دو فرسنگ عبدل آباد آمده تا بجای معروف پل ابریشم رسیدند در اینجا
چون راه منشعب بدو جا میشود یکی بمشتریه میرود و دیگری بصدرآباد دو فرسنگان
سرکردهای ایشان چون قصد شکار داشتند قرار فرمودند که اردو
اردو و سواران و صاحب منصبان تماما از راه مستقیم بروند و روان شوند
وخود با چند نفر از خواص چون عضدالدوله و ملک منصور میرزا و تیمور میرزا
وامین الملک و حاجب الدوله واجودان مخصوص و محمد رحیم خان سرتیپ
و محمد علیخان وغیره از راه فرسیان تشریف فرما گردیده در حوالی صدرآباد
بجهت صرف نهار فرود آمدند و منتظر اخبار سواران میرشکار شدند چون
وصول میرشکاریان بطول انجامید این بندگان خاطر مبارک را ببعضی
لطایف و ظرافات مشغول و مسرور میداشتیم و تیمور میرزا شرحی از
سواری دیروز تفنگ اندازی خویش بعرض مبارک رسانید که در هر حال خالی

از غرابت و تعجب بود بالاخره حرارت آفتاب تشدید یافت سرکار همایون
از آفتاب گردان بیرون تشریف آورده بکالسکه نشسته و با دوربین بسمتیکه
سواران کرد دوان بودند نظاره میفرمودند ساعتی برنیامد حبیب الله خان و
چند نفر دیگر اینها چنان زده آمده معروض داشتند که به پیچه به
بعمل آمد که شاید کل کوهی باین سمت بیاید امکان نیافت الا بزی پیشانی زاده
و کره گوری زنده گرفته شد بقیه فرار کردند چون منزل دور بود و وقت گذشته
بود حضرت شاهنشاهی دیگر تعقیب نیافته و بصدرآباد تشریف فرما شدند
صدرآباد عبارت از قلعه و آب انباری است که مرحوم میرزا آقاخان صدر
اعظم اینجا را بصاحبت خسروخان والی مرحوم ساخته بود و چند خانوار
با تفنگچی به مستحفظ سکنی داده و الحق درین راه آبادی این قلعه بنهایت از برای
عابرین فایده کلی دارد فاصله اینجا از عباس آباد بمیان راه و سبب آبادی است
و بهنگام زمستان و برف و بوران وجود این قلعه که نزدیک نصف راه واقعست
فایده کلیه دارد بالاخره سرکار همایون از صدرآباد بسمت شمال جنب راه
توجه فرمودند سه ساعت بغروب مانده بود که نزول اجلال فرمودند و ساعتی

با سوده ... تپوقی ... از ... بسیار زیاد ... گذشته ... از شب

گرفته و فی الحقیقه آب ... ... یک شده بود

از عباس آباد الی ... خیلی ... ولی هرگاه از صدرآباد برود

زیاده از هفت فرسنگ ... است جاده صحرا و کویر و نمک

... از عباس آباد الی ... فرسنگ ... تپه های ...

... ... ... ... ... ...

و ... ... ... ... چشمه ... ... وقت ...

و ... ... آمده ... که آب ... چشمه ... است

بهترین ... چشمه ... ... آب آن ... است

و ... ... آب ... ... از آن ... است استخر

... ... ... ... است و ...

## بیست و سیم محرم الحرام تشریف فرمائی موکب مسعود به منزل داورزان

شاهنشاه ... ... ... به قانون همواره پس از استحمام و ادای

فریضه ... ... ... ... ... شده ... ... خداوند

حرم و بار و بنه را از راه سطح معین که راه صدرآباد است روانه ساختند و خود
با سواران از راه دیگر که در شمال جاده صدرآباد و در دامنه و دره است تشریف فرما شدند
و تا مسافتی بعید با امین الدوله و امین الملک حیدر قلیخان [illegible] رفته بست
عقبه [illegible] را با [illegible] [illegible] و [illegible] بوده و [illegible] بودند
از آنجا که بملاحظه خیال بودن راه با لشکریان مسافت از راه صدرآباد دورتر بوده
و حال آنکه از این راه نیز عبور لشکر امکان داشت و معهذا اشخاص ملتزم رکاب
کرده اند شاهنشاه با وجود حرارت هوا به سواره تشریف فرما شدند تا محل
[illegible] [illegible] شده [illegible] [illegible] و [illegible] از مزرعه [illegible] دشت
[illegible] [illegible] چشمه آب [illegible] گذشته [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
و پس از مسافتی با [illegible] حرارت هوا [illegible] سواره تشریف فرما شدند
بعد از طی اندک مسافتی [illegible] [illegible] میرزا [illegible] [illegible] به سواره [illegible]
شرف [illegible] [illegible] مبارک [illegible] [illegible] [illegible] خاصه [illegible] [illegible] حضرت و
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سید [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] ساعت [illegible] [illegible] منزل تشریف فرما شدند

حاجی شهاب الملک و صدیق الملک [illegible] [illegible] سایه سر گرد کاش

کرد خیرآباد و ماهور پیش حصن شده بودند اینجا بنجا کیاکی همایون تشریف می‌شد

و ذات والا صفات شاهنشاهی [illegible] باشند همانست و میرزای حاکم شاهرود

تا این منزل ملتزم رکاب اقدس همایون بود و چون در منازل متعلقه بحکومت

شاهرود بود در رفتن بیلاقات موکب مسعود بکمال مراقبت و اهتمام مرتکب داشته

و خاطر مبارک از خدمات ایشان خرسند بود با عطای یک قبضه شمشیر کل مرصع

مفتخر گشت از [illegible] [illegible] چنین [illegible] که [illegible] سپهسالار اعظم برود

از آنجا [illegible] [illegible] موکب مسعود تشریف فرما شدند شش فرسنگ است

راه اوایل [illegible] [illegible] و همه با سراشیب و پست و بلند است و بعد از آن

دو فرسنگ [illegible] [illegible] و دست آن کوههای سیاه و خشک است

دیگر فرسنگ و نیم مسافت آن [illegible] سمت شمالی دره ماهور رود است

کوه است و دو سه [illegible] [illegible] بسیار دارد و سمت جنوبی پس از

بیرون آمدن از دره جنگل و کوه مسافتی بعید دارد و قصبه مزینان که دهی آباد

و معتبر و معمور و با جمعیت است یکی دو قریه آباد دیگر در این سمت واقع واز دور

نمایان است در این راه شکار بسیار است داورزن اول خاک سبزوار است

و سی چهل خانوار رعیت دارد

## بیست و چهارم محرم الحرام اطراق در داورزن

در این روز چون چاپار از دارالخلافه وارد شده بود عرایض مستوفی الممالک وزیر مالیه اعظم و سردار کل و وزیر امور خارجه را بحضور مبارک همایون رسانیده مترصد صدور احکام و جواب بودند شاهنشاه تجیاه در این منزل اطراق فرموده از صبح تا شام بخواندن عرایض و صدور فرمایشات و نوشتن دستخط جات مشغول بودند طرف عصر ملا حسن قاضی و ملا میرزا ابراهیم مجتهد بحضور مبارک مشرف شدند امین الدوله و ظهیرالدوله از انجا کیسی همایون اعطا شد امر و مقرر شد که بسبزه و زراعت و خساراتی که از رعایای چاپار دیده باشند زیاد و دیگر بالاتر داورزن وارد آمده باشد عوض دهند با آنکه خسارتی عاید نشده محض ازدیاد دعای وجود مبارک همایون و کمک بحال رعایا مبلغی بایشان برسم انعام بذل فرمودند

## بیست و پنجم محرم حرکت موکب همایون از داورزن بمنزل مهر

هنگام صبح که هوا آفتاب طالع شد اعلیحضرت همایون ظل اللهی بکالسکه

نشسته و تمام اعیان و ارکان و سواران و [illegible] در رکاب مبارک پیاده

راه شدند چون هوای امروز بخلاف سه چهار روز گذشته نسیم و روحی داشت

خاطر مبارک از این [illegible] بسیار مسرور و خوشحال گشته با همراهان را دیان [illegible]

صحبت بودند [illegible] که معروف به خرابات نمایان گشت

قاطعی [illegible] بارهای آخری باستقبال آمده و [illegible] بوجود مبارک گفته

و قاطعی [illegible] در رکاب مبارک پیاده روان بود و از

فرمایشات و سوالات [illegible] مشعوف و [illegible] اعلیحضرت همایون

در خانه [illegible] توقف فرمودند و اندک زمانی بکالسکه

مراجعت نمودند

نزدیک [illegible] در سمت چپ مزرعه [illegible] نظر انور همایون آمده

بانسوی میل فرمودند و چون راه سنگلاخ بود از کالسکه بزیر آمده سواره تا بالای

باغات کلاته که [illegible] است تشریف داشتند تشریف برده در کنار نهر فرود آمده

عصرانه و چای میل [illegible] و مشغول تماشا شدند شخص دهقانی از تعدی و تفقد

سرباز که با تمامت اورده بودند عارض گشته خاطر مبارک همایونی برآشفته

مقرر شد که سرباز زانرا خود دوشته شپه و سیاست کلی نمایند که عبرت دیگران شود

بمساعت بغروب مانده تشریف فرمای اردو گشته و شب بعد از شام قورق

شکسته مقربان دربار از زیارت آستان مبارک معطر و برآمده حکیم

طلزان ... عتی از روزنامجات انگلیس بعرض عاکفان حضور

رسانده و شاهنشاه بآرامگاه خسروانی تشریف بردند

از دوازده الی مهرشش فرسنگ است راه شرقی جنوبی و همه جا ملک

مسطح و با روح و ... اات سمت راست جاده بفاصله پنج الی

هفت فرسنگ منتهی بجبال میشود که کوه ... سبزوار از شعبات آن جبال

و از دور نمایان است و قراء واقعه در این سمت بدین ترتیب است تا مهرشش

بروغن آباد باد قیس شهرآباد منغیشه چونین

خسروآباد چشم کوشک باغ جبال سمت چپ نیز تا

بیست ترو نزدیک تر دوازده نیم فرسنگ ... الی ده فرسنگ با جاده فاصله

ندارد و قراء و مزارع واقعه در این سمت از این قرار است بهاردان

نیره و کلاته سادات [illegible] و دوزن آباد و [illegible] دو [illegible]

نیز در این سمت [illegible] است

روز جمعه بیست و ششم محرم الحرام تشریف فرمائی موکب

فیروزی کوکب پادشاهی از منزل مهر بقریه [illegible] رسید

تا [illegible] ده [illegible] ساعت [illegible] قبل از [illegible] و [illegible] فرسخ

پایتخت و فیروزی از حرم [illegible] یک [illegible] تشریف آوردند [illegible]

نشسته [illegible] اسب [illegible]

[illegible] خوش [illegible]

همایون [illegible] مبارک [illegible] آمدند بعد از ظهر سواری

و در جلگهٔ شمالی آسیائی که [illegible] دلپسند بود منظور نظر

همایون شد و به [illegible] فرموده فرود آمدند و محض رأفت

خسروانی و رعایت رعیت پروری به صاحب آسیا [illegible] مبارک

خواهش [illegible] دل از شرف خاکپای مبارک جوانی از سر گرفته

و در کمال [illegible] که رسم [illegible] خالی از مزه

بود خاطر مرحمت مظاهر را قرین مسرت داشته و تفقدات و انعام
شاهنشاهی امیدوار و گشوده خاطر گشته بدعای وجود مسعود اشتغال نمود
و سرکار همایون پس از میل فرمودن نهار سوار و تشریف فرمای منزل شده
و بسراپرده همایونی تشریف برده باقتضای گرمی هوا میوه‌جات و شربت
آلات طلب نمودند و این بنده را بخواندن کتاب روزنامه همایونی امر فرمودند
و آن کتابی است که بخط مبارک نوشته شده است چه همت شاهنشاه را
رسم بر آنست که در جمیع اسفار کوچک و بزرگ و شکارگاهها وقایع یومیه و حالات
منازل و نباتات ارضی و جبالی و رودخانه‌ها و چشمه‌سارها و قرا و مزارع آن سامان را
بالتمام مدون کرده و نقصان بدستخط مبارک شب و روز در سفر و در هنگام
فرصت بجمع آن مینموده و اینجمله حالات گذشته خاطر مبارک را احضار نموده
میفرمایند و برای اطلاع ملازمان و بندگان میخوانند و آنچه مستجمع زیبائی و شایستگی
و راستی و درستی نیست زیرا که هیچ مورخی بغیر چشم بصیرت شاهنشاه
روشنائی نخواهد بود با رخصت همایون بیرون آمده شب بعد از شام تشریف
و مطربان و بازیگران لعبات جلوه داده مبارک نشستند

خاطر مبارک را از صحبتهای نیکو و عرضهای پسندیده خوشوقت و مسرور میداشت

عکاسباشی عکس اردو را که در روز بیداشته بود بحضور آورده و در نظر انور همایون

شاهنشاهی که درین علم بصیرتی تام دارند موقع قبول و استحسان یافت

از مهرآباد الی پیده سه فرسنگ است بیابانات صحراه امروز نیز نشیب است کلی راه

منزل گذشته دارد و بفاصله یکفرسنگ و نیم دور از جاده شعبه کوهی است

در وسط صحرا که دو فرسنگ امتداد دارد وسط حقیقی آن مخروطی

شکل و مرتفعتر است و نشیب آن پست تر و یکنهایت شباهت را دارد

بشت این کوه جنگل و کویر است    پیده در هزار قدمی جاده واقع است و قریب

سی چهل خانوار رعیت و باغات و مزارع دارد که از آب رودخانه مشروب میشوند

و او را نهر و اسنابی خوش طرح و آباد و آب انباری مستحکم از بناهای قدیم است

سمت جنوب جاده بابک باشتن است و او را دهات متعدده است که اسامی

آنها بدینموجب است **قریه مهرآباد** متعلق بحاجی میرزا محمد علی برادر حاجی مجتهد و بعضی

کسبه و رعایاست و آب او از قنات و تقریباً یکصد خروار غله عمل کرده دارد

**شاهرخ آباد** متعلق برعایا و کسبه شهر است و قناتی و قلیل زراعتی دارد

تا بهرابی که دو سنگ آب از آن جریان داشت رسیده از برای صرف نهار
فرود آمدند ولیکن حرارت هوا مانع از آن شد که وجود مبارک بغذا [illegible]
پس در اینجا اندک وقتی توقف فرموده و بر اسب تخته جیران پیشکشی ایلخانی سوار شده
با اعتضاد الدوله و تیمور میرزا فرمایش کنان روان شدند اندکی که گذشته
سراپرده‌های زرنگار بدیدار آمد که در دو رده پردگیان حرم سلطنت بود و سرکار
همایونی بالانفراد بسمت ایشان توجه کرده و دوباره براه افتاده وقت غروب موکب
بکالسکه نشسته قریب بقریه خسروجرد سپهسالار اعظم حکمران مملکت خراسان
و امیر حسین خان ایلخانی عضدالملک و الله یارخان حاکم دره جز و یوسف خان
هزاره با سرکردگان و سواره خراسانی و ترکمانان سارق و تکه و غیره که زیاده
از هزار بودند موکب همایونی را استقبال کرده بزیارت رکاب
نصرت انتساب مستسعد و مباهی گشتند سپهسالار اعظم توجهات خاطر
ملوکانه نسبت بخود و افراد ایشان و عواطف شاهنشاهانه مفتخر گردیده و حسب الامر
شده در کنار کالسکه همی حسب فرمایشات مشغول بود تا آنکه حضرت شاهنشاه
از قریه خسروجرد گذشته به بقعه امامزاده ابراهیم رسیده حاجی میرزا ابراهیم مجتهد

با علما و سادات شهر که در ان مزار ده منتظر ورود ذات خجسته صفات بودند بیرون
آمده و بحضور مبارک شرفیاب شده مورد عواطف خاص شدند آنکه از ان مزار ده
گذشت جمعیت بسیار و مخلوق بیشمار از اهالی شهر از مرد و زن از کوی و برزن بزیارت
جمال مبارک و باستقبال رکاب قمر مثال مجتمع و غبار راه شاهنشاه عالم پناه را
کحل بصر دیده امیدواری کرده و زبان بدعای بقای دولت ابد توامان گشودند
از تراکم مستقبلین و تلاطم امواج سواران ملتزمین سجدی گرد و غبار رشد که دو نفر
آشنا از شناسائی یکدیگر عسرت داشتند و تمیز آسمان و زمین امکان نداشت
تپ همایونی از جنب شهر عبور فرموده رو بشمال بطرف فوقانی شهر که مقر
اردوی کیوان پوی بود تشریف برده و آوای شلیک توپ و زنبورک نزول
اجلال خسروی بمهمانان دیباغ حاجی میرزا ابراهیم اعلام داده ملتزمین رکاب نیز
بخیام خویش شدند و شاهنشاه اسلام پناه پس از نشست و شوی جمال مبارک و صرف
شربت آلات و میوجات ساعتی در حوضخانه باغ غنودند و هنگام عصر بالاخانه
باغ رفته با دوربین بتماشای اطراف شهر مشغول گشتند مقارن غروب قورق
وشب را برنهج لیالی قبل خواص چاکران بحضور عطوفت نشان احضار گشتند

و بازار بوده و محله و مسجد و مدرسه و تکایای بسیار است یکی از آن مدارس

مدرسه نصیریه است که بسیار خیاب حاجی ملا هادی و مسکن طلاب است و موقوفات

بسیار دارد و بواسطه بی مبالاتی متولیان نقصان کلی در بنای آن راه یافته

و حجرات و مساجد آن جانب شکسته بجانب همایون مدرسه کی شاه و قوه به تعمیر آن شرف صدور

یافت از جمله مساجد جامع است که بنایش معروف از ابنیه سلاطین سلجوقیه است

در بنای آن بسیار عالی است و جناب حاجی میرزا ابراهیم را تعمیری کافی نموده و

شهر ایوان ... است که از بناهای قدیم بوده و در اوقات حکومت ایلخانان

است یا ... خراب گشته و به همت شاهزاده حاجی مجتهد بقا و الباس

آبادی پوشیده و اکنون در نهایت معموری و نظام است و نیز یک میدان

... گشته ... است ... توجهات جناب

حاجی ... آباد ... است ... اگرچه تحقیق تعداد نشد ولی

زیاده از پانزده هزار ... آن ... زمان سلطنت شاهنشاه ... زیاد

گذاشته ... است ... است که ... الدوله در ظل

عدالت و ... است ... پیشکش ... آباد شد

بمراتب معمورتر از پیش

## یکشنبه بیست و هشتم شهر محرم توقف شهریار کامکار در بلده سبزوار

چون درین روز اطراق بود اغلب اوقات مبارک همایون شاهنشاهی به تنظیم و تنسیق امورات مملکت و آسایش حال لشکری و رعیت موقوف و مصروف گشت    در اول وزیر سپهسالار اعظم با رخاسته و سران و بزرگان مملکت خراسان را بدربار معدلت مدار آورده یکان یکان ایشان را بحضور مبارک معرفی نموده هر یک بفراخور حال و شایستگی خدمت و مقام مورد الطاف حضرت شهریاری شده خرم و خندان و سرافراز و شادان بمنازل خویش شدند و از آنجا که جنود منصوره و ملتزمین حضور خجسته دستور را بعد از خروج از دار الخلافه وجوه مکاره کرا از خزانه عامره داده شده بود مخارج لازمه مصروف داشته بودند اینجا نیز مقرر گشت که مبلغ بیست هزار تومان از بابت مواجب جیره در میان ایشان علی قدر مراتبهم تقسیم نمایند.    شاهنشاه پس از صرف نهار بیاسودند و محمد حسنخان محقق و این بنده بخواندن کتاب و روزنامجات قدیمه که حاوی احوالات حیرت علامات همایون بود مشغول شدیم تا سرکار اقدس از خواب بیدار گشته ساعت

بهنگام طلوع نیر اعظم شاهنشاه معظم بخیمه گاه سلطنت شتافتی و هریک از مقربان

درگاه بلا اشتباه بتنبیه امور محوله بخود در حضور باهر النور حاکی بودند و اعلیحضرت

همایون بجرح و تعدیل و تغییر و تبدیل امورات هریک غور و تدبیر فرموده

و احکام بنا عدد اصلاح مطالب و مقاصد ایشان شرف صدور می یافت

و قریب بظهر سیف الدوله میرزای حاکم سابق اصفهان که در مشهد مقدس حضرت

رضوی علیه السلام مشرف بود بزیارت حضور مبارک مستعد گشت و از عضد الدوله

میرزا اسمعیل وزیر مازندران و میرزا هدایت مستوفی و رضا قلیخان سرتیپ

کلبادی و محمد خان و نجفقلیخان هزار جریبی و غلام حسین خان اشرفی و عبد الله

میرزای نظام العلماء و سایر بزرگان و اعیان مازندران که بعتبه بوسی آستان

مبارک آمده بودند بحضور باهر النور اقدس اعلی مشرف ساخته و هریک را بعرض

بند امور و ملتمسات مراتب بالطاف خسروی بهره ور و از استعداد حضور

همایون مفتخر گردیدند و پس از تحصیل مرخصی ایشان ذات ولا صفات همایونی

بخوابگاه باغ تشریف برده و استراحت فرمودند و اجودان مخصوص شرح

احوال یکی از سیاحان فرانسه را که بسمت ... سفر کرده بود معروض میداشت

زیارت جمال عدیم المثال بود بشکرانه وصول باین نعمت عظمی با وجود [illegible]
ما فوق آن متصور نیست ترانهٔ دعای ذات اقدس اعلی شد و به ملاء اعلی انگیختند
حضرت شاهنشاه از میدان بازار تا خانه حاجی میرزا ابراهیم مجتهد تشریف بردند
و در آنجا نزول اجلال فرموده بودند جناب حاجی و علمای بلد که در بیرون خانه
حضور داشتند بکمال ادب و احترام لوازم مهمانی اقدام کرده وجود مبارک را
دعا گفتند. و آنحضرت قدس همایون از آنجا بخانه جناب حاجی ملا باقر
تشریف فرما گشتند حالت درویشی و اثاث البیت مختصر و خانه محقر جناب
حاجی که ماده بنای آن منحصر به [illegible] خشت و گل بود در خاطر مشکل پسند مبارک
بسیار پسندیده آمد و پسران جناب ایشان که الحق اهل معرفت اند و بشان
حکمت اشرفند مقبول خاطر مرحمت اثر آمده مورد احسان و تشویق شدند اخلاق
و سلوک و حقیقت نیکوی جناب حاجی باعث آن شد که حضرت شاهنشاهی خلدالله
از رسم معمول در خانه ایشان توقف فرموده و در هنگام برخاستن اظهار تأسف
از عقب رفت کردند جناب حاجی نیز با پسران در خدمت ظل سبحانی تا خارج
خانه مشایعت کرده با نیت صافی و نهایت خضوع و ادب بدعا و ثنای وجود مبارک

گشودند سرکار همایونی از دروازه نیشابور بیرون تشریف برده با سپهسالار
اعظم و حیدر قلیخان ایلخانی قرمایش کنان روان شدند سواره خراسانی و غیره
در آن صحرا با شکوه و نظمی تمام صف بسته در نظر انور همایونی جلوه گر آمدند و چون
بنا بر رسم خود ترک زیاده بر اسبان داشته و همین مایه عسرت حیوانات
در تاختن و تاز بود امر همایونی شرف نفاذ یافت که از جانب دیوان اعلی
برده نقد سوار را یکدفعه شسته باکش دهند تا اسبان ایشان سبکبار بوده در تعاقب
دشمن فی حینه باشند پس از ساعت سوار شاهنشاه کاسکا یکا لشکر تشریف فرما گشته
مسافتی اعتبر که از راهی شد قدری بالاتر از رباط سرپوشیده در طرف جاده
بجهت صرف نهار فرود آمدند و اندک غذائی میل فرموده سوار شدند و با [illegible]
در این صحرا هر نوع شکار از جوجه و آهو بسیار بود و بواسطه گرمی هوا صرف نظر
از صید ایشان فرموده و تعجیل بوصول منزل کرده و بساعت بعد غروب بمانده
باردوی همایون نزول اجلال فرمودند.

از نیشابور الی حیدری شش فرسنگ است و راه مشرقی و همه جا جلگه و ملح
و گیاه آن تمام خار و تیغ و سینه اصل السوس یعنی شیرین بیان است

جبال شمالی دو فرسنگ از راه فاصله دارد ولی فاصله جبال جنوبی بتدریج

زیاد میشود تا بنظر مسافت دو فرسنگ می آید در این راه آبادی بسیار قرار

واقعه و آنان زمین قرا است سمت راست جاده صباغ آباد ملکی

میرزا حسین و غیره ولنقشه ملکی حاجی محمد رضای ستونی باغان

ملکی حاجی فرمند خان یوزباشی آزاد منجیر ملکی حاجی میرزا ابراهیم

و [illegible] نزل آباد ملکی حاجی محمد رضا زید آباد ملک الصنا

تابیس [illegible] میرزا [illegible] زیاد سرپوشیده

ملکی [illegible] هاشم آباد حاجی شمسی سمت چپ جاده دو قریه

[illegible] سنزیاه ده [illegible] تعویض آ

[illegible] سنگ دو

[illegible]

[illegible] سرپوشیده [illegible]

[illegible] گندم است

[illegible] از بیسیار قید

که بالمره منهدم و مخروبه شده و از او جز آثاری باقی نیست و آنچه امروز به رباط
زعفرانی مشهور است رباطی است که بموجب امر اقدس همایون شاهنشاهی
حاجی مصطفی قلیخان نوری در ایام حکومت سبزوار بنا نهاده و بسبزوار اندکی
ازین بنای عالی که مقابل بهترین بناهای سلاطین صفویه است باقی است
وانشاء الله بما بقی نیز امسال همت تمام خواهد یافت در جنب این رباط
چاپارخانه دولتی و مهمانخانه و آب انبار و یخچالی است که نواب حسام السلطنه
زمان فرمانفرمائی مملکت خراسان بنا نهاده اند و در همه وقت خاصه
تابستان زوار و قوافل را محل راحت و امان است

## چهارشنبه دویم شهر صفر المظفر تشریف فرمائی خسرو عدالت پرور از زعفرانی بزمان آباد

درین روز اول طلوع فجر که سه ساعت بدسته مانده بود شاهنشاه روحنا فداه
از بستر راحت برخاسته و دو ساعت بدسته مانده بکالسکه مبارکه نشسته و
سپهسالار اعظم را کنار کالسکه طلبیده مشغول صحبت شدند و مخصوصاً ازدیاد
میل خاطر مبارک را در آبادی خراسان و انتظام امور آن سامان بیان میفرمودند

دشت جرد سلیمانی کلاته بید در وسط راه اول قلعه سنگ

کلید راست و او قلعه ایست که در دامنه واقع و در دولت شاهنشاه غازی

ساخته شده بعد یک فرسنگ آب و چند خانوار و قلیل زراعتی دارد و چند طبیعی

خاک نیشابور و سبزوار است بعد از آن شوراب است که منزلگاه کاروان است

و هم چند خانوار رعیت و چند قطعه باغ و چاپارخانه دارد

سمت جنوبی راه اول جلگه نیشابور آبادی نیست در اول جلگه بلوکات نیشابور است

که در موقع خود مذکور خواهیم داشت زمان آباد و سرده

دو قریه اند سرده بالاتر واقع است بفاصله یک میدان وجه موقوفات

حضرت ثامن الائمه است زمان آباد فی الحقیقه آباد و چند سهم است سهمی رعیتی

و سهمی متعلق به آقا محمد تقی تاجر طهرانی مالک سهم اخیر خانبابا سلطان است

## روز پنجشنبه سوم شهر صفر تشریف فرمائی شاهنشاه مؤید و مظفر بساحت نیشابور

علی الصباح که خسرو گیتی نورد خاوری علم بر کوهساران زد شاهنشاه

انوشیروان نشان خاقان معدلت بنیان چون صبح امیدواران از افق سراپرده همایونی

طالع گشته و بکالسکه مبارکه جلوس فرمودند نسیم اهتزاز بر پرچم شوکت و اعزاز
وزیدن گرفت و خیل سواران و جلگه نیشابور در تکاپوی آمد دماغها از هوای
روح افزای این جلگه تر شد و زحمت گرد و غبار و هوای خشک و حرارت
منازل از خاطرها محو گشت     در سه فرسنگی شهر چمنی نیکو و صحرائی دلجو منظور نظر
خسروانی گشت از برای صرف نهار در آنجا فرود آمدند در این وقت شبنم و ترشحات
هوا بباران سخت و شدید تبدیل یافت و موکب مسعود زودتر از رسم معهود درگر
شد یکفرسنگ بمنزل آمده علما و اعیان و اجله و ارکان شهر بزیارت رکاب
قمر انتساب تشرف جسته مورد الطاف خسروانی گشته

اعلیحضرت شاهنشاهی سپهسالار اعظم را مخاطب فرموده از آبادی و هوا و
صفای جلگه نیشابور فرمایش فرمودند  حاجی سلیمانخان حاکم قرا و مزارع را
در خاکپای همایون معرفی نمود و از جبال و معادن فیروزه معروض میداشت
از جمله کوه پر برفی را در بالای سر نیشابور نشان داده معروض داشت که در او
چشمه ایست معروف بچشمه سبز و چشمه ایست که در فضائی وسیع مانند دریاچه
واقع شده و آبی زیاده از چهار سنگ از میان دریاچه جوشش نموده

هم در خود آن فرو میرود و در حوالی آن شکارگاهی نیکو و چمن زاری بس دلجو دارد

خاطر همایونی مایل بسیاحت چشمه گشته و از مسافت آن تحقیق فرمودند چون زیاده

از شش فرسنگ معروض افتاد مخصوص بعد از قرار سیاحت و تفرج آن مکان

بهنگام مراجعت موکب همایون از راه کلمکان که بهمراه آن سامان قریب است

مقرر داشتند. بالاخره چون سواد شهر پدیدار گشت اهالی بلد از مرد و زن خورد و

بزرگ که سعادت دیرینه را از بخت فیروز خواسته بودند تعبیه موکب فیروزی

استقبال کشیده و در نهایت وجد و شعف هر یک بزبانی بدعای وجود مسعود

مترنم و بقای دولت ابد مدت را از خداوند خواستار آمدند. موکب

همایون ظل اللهی از کنار قلعه عبور فرموده بسمت غربی شهر باغ دیوان

که فی الحقیقه جنت نشان است و دارای بناهای عالیه و درختان [illegible] است

نزول اجلال فرمودند. نواب [illegible] حاکم بتشریف قدوم مبارک

همایون را نقد و شال کشمیری و غیره پیشکشهای شایسته تقدیم نمود

مقربان دربار گردون اشتباه و سران سپاه هر یک بمنزل خویش شدند

و حضرت شاهنشاهی تفرج فرمودند. شب هنگام بادی شد و سخت بوزید

و سرکار همایونی از سراپرده بعمارت پایین باغ تشریف فرما شدند حاجی
میرزا علی مشکوة الملک که حامل خلعت شاهنشاهزاده افخم جلال الدوله و سپهسالار
اعظم بود و قبل از حرکت اردوی همایون بمشهد مقدس مشرف گشته در پنج
بعتبه بوسی آستان علی تشرف جسته و از الطاف بی نهایات شاهنشاهی
کامیاب و مباهی گردید شب بعد از شام قوری تسکت حکیمباشی طولزان
و سایر خواص و مقربان بحضور مبارک شرفیاب شدند ساعتی حکیمباشی
از روزنامهای فرنگستان معروض میداشت و حضرت شاهنشاه بلفظ
شریف مبارک ترجمه میفرمودند و حاضرین جمیعا متعجب بودند که سرکار
پادشاهی چگونه بی زحمت تعلم بسیار و اشتغال لیل و نهار در مدت قلیل بدین
زبان غریب آشنا شده اند و بدین سهولت مطالب مشکله را ترجمه می فرمایند
بعد از اتمام روزنامه بمقتضای لطافت و نیکی هوا ارباب طرب خاص چون
آقا علی و حاجی حکیم و آقا صادق و آقا غلامحسین حضار بزم حضور شده
ساعتی تغنی نموده و از آوازهای خوش و سازهای دلکش خاطر مبارک را مسرور
داشته مرخص شدند و سرکار شاهنشاه بآرامگاه تشریف برده براحت مشغول گشتند

از زمان آباد بدخشان بود چهار فرسنگ است و راه شمال مغربی و تمام ملک

از قلاع ملوک عشق آباد و قرار ملوک تخت جنگدآباد و همواره تخت بدخشان بود

که بعجب هوا و لطافت و فواکه و انهار و اشجار و خضارت و نضارت معروف

و مشهور آفاق است از سمت خاصه شمالی بجبال [illegible] متصل [illegible] و در آن

و در قلل جبال شمالی که از همه مرتفع تر [illegible] بسیار است و فی الحقیقه [illegible]

دارد که در کمتر بلادی دیده شده است چنانکه در کتب متقدمین و شعرای سلف

در تحت بدخشان مذکور و منسوب [illegible] است جبال بدخشان [illegible] و بیشتر

و غیره [illegible] دارد [illegible] معادن فیروزج [illegible]

یافت نشود [illegible] معادن [illegible] جبال شمال غربی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بتربت سالاری و شاه بخش و خاک نرماشیر و ترشیز و از سمت شمالی بتربت ولا

قوچان و سلطان آباد و ایالت نیشابور و چند بلوکست که اسامی آنها بموجب ا

طغان کوه آزبقانی بار معدن تحت جلکه ریوند

درب قاضی آزدرقش ماذول زبرخان محسن آباد

بار و تحت نیلکه ماروسک   باغ رضوان که مخیم خیام کیوان

مقام بود باغیست در نهایت خوشی و طرح و صفا مشتمل بر خیابانهای متعدده

و چند حوض و جداول و انهار و گلستان و اشجار و در او دو عمارت است یکی

در ابتدای باغ که بالاخانه سردر او طاقهای تحتانی و فوقانی دارد و دیگری

در انتهای باغ واقع است که او تالاری و دو اطاق جنبین ا   از جمله

چیزها که بر صفای این باغ افزوده و کمتر جائی دیده شده است وضع غرس

رزهای آنست و آن بدین قسم است که زمین باغ را مرتبه بمرتبه مسطح کرده خیابانها

ورا و قرار داده اند و از طرفین خیابانها دیوارها کشیده اند و پشت دیوارها را

بطور پشت ماهی مالیده ساخته و درخت مو را بطوری کاشته اند که تمام

مسطح محدب دیوار را گرفته و شاخهای آن از سوراخها که در دیوار کرده اند بیرون

آمده روی دیوار را پوشانیده و بهمین نهج تمام مراتب یک پارچه سبز بنظر
می آید و زیاده از حد بر صفای باغ افزوده است

## جمعه چهارم شهر صفر و دوم توقف حضرت شهریاری در نیشابور

بحمد الله تعالی اعلیحضرت قدر قدرت همایون شاهنشاهی در اول صبح در نهایت
انبساط و خرمی سوار گشته بقصد تفرج اطراف شهر نیشابور سواری فرمودند ساعتی
برنیامد که هوا بشدت سرد شد و بارانی شدید و برودت و رطوبت هوا فزود
و حضرت شاهنشاه فسخ عزیمت فرموده بعمارت آخر باغ تشریف آورده مشغول
مطالعه عرایض و نوشتجات وزرا شدند تا شش ساعت از روز برآمد و باران
بایستاد و هوا در نهایت اعتدال و مقتضی سواری گشت پس بر اسب اعتضاد الدوله
سوار شده با امین خلوت و نایب الدوله و بعضی از چاکران بکنار اردو با کنار
و همه جا از کوچه باغهای نیشابور عبور فرموده مزرعه که موسوم است بسرفریز
و در دامنه کوه شمالی واقع شده منظور نظر مبارک گشته براه نمائی میرشکار و سلطان
حسین میرزای پسر پرویز میرزا بدانسوی تشریف فرما شدند و در کنار چشمه کوه
که چشم اندازی نیکو داشت و مشرف بجلگه و شهر بود پیاده شدند و تا هنگام عصر

و آنگاه تشریف [illegible] یکساعت بعد [illegible] به تعزیه [illegible] آمده و جلو

به پیشگاه نشسته تا نیم ساعت از غروب [illegible] مراجعت بمنزل فرمودند

برف ریزه ریزه [illegible] که سه چهار [illegible] پیشتر [illegible] و همه سمت مشرق آن [illegible]

هم هوا خوش [illegible] است [illegible] عرفات [illegible]

بر همه [illegible] و [illegible] آن [illegible]

که از [illegible]

## شنبه [illegible] صفر توقف شاهنشاه معدلت گستر [illegible]

در این روز بنیم ساعت [illegible] شاهنشاه [illegible] تشریف [illegible]

دو ساعت [illegible] برآمده [illegible] جلوس [illegible]

سلطنت [illegible]

عالم [illegible]

سابقا [illegible]

و دستگیر [illegible]

خویش [illegible] گرفته [illegible]

نیشابور و قصبه آبادی و معموری از قصبات خراسان و رفاه رعیت و امنیت آن سامان

فرمایشات ملوکانه تقریر نمودند

تقلید به طغرا با اسم مبارک حضرت ختمی مآب صلی الله علیه و آله و وصی بر حق او

و آل آنحضرت و شاهنشاه ممالک ایران نشان نموده سلاطین ایران رخصت انصراف

یافته و پس از آنجا حسام السلطنه و حاکم نیشابور بخیمه مستوفی استعداد حاصل

نموده و مورد لطف و التفات شاهنشاهی شد نواب رکن الدوله میرزا

با برسم معمول به خلعتی یکطاقه شال کشمیری و یک ثوب قبای زری اعلی

سرافراز و مفتخر گشت میرزا تقی خان اسبی در نجابت رعنا و زیبا

الاندام در کمال امتیاز داشت پیشکش و بحضور مبارک گذرانیده در نظر

ملتفت اثر پسندیده و مقبول افتاد و اعلیحضرت شهریاری بقیه روز را بمطالعه

کتاب تحفه با خوض و یکرو شناسی گذرانیدند

## روز بیستم شهر صفر و پنجم توقف ذات مبارک در نیشابور

بیگاه حسب الحکم جناب اجل اکرم اعتضاد الدوله و امین الملک و میرزا نصرالله

مستوفی بحضور مبارک احضار شده مقرر گشت که در چادر دار الشورای کبری

مجتمع گشته بجناب میرزا مسیح پیشکار مملکت مازندران عور رسی نموده حقیقت را

بعرض برسانند سرداره تاج محمد خان و محمد علی خان شهرکی و کهن دلخان سیستانی

بحضور باهرالنور مشرف شده و از تفقدات ملوکانه امیدوار و بهره یاب گشتند

و چون امروز تفرج شهر و سیاحت اطراف منظور نظر خسروانی بود از عمارت

مبارکه بیرون آمده با وزراء دربار و سایر خدام حضرت شهریاری بسمت شهر

توجه فرمودند و اولا تشریف فرمای مسجد علی گرجی که مسجد عالی بنیان و از آثار

زمان قدیم است شدند علما و اجله بلد که اسامی ایشان بدین موجب است

تشریف وجود مبارک را در مسجد پذیره گشتند جناب ملا صادق

حاجی ملا ابوالقاسم امام جمعه میرزا ابوالقاسم قاضی ملا هاشم صدر

حاجی ملا حسین شمس العلماء شیخ عبدالغفور ملا روح الامین شیخ الاسلام

ملا عبدالحسین ملا محمدرضا ملا موسی ملا محمد باقر ملا آقا بابای خطیب

ملا غلامرضای پیشنماز آقا سید اسمعیل محض الله حاجی ملا محمد تقی واعظ

آقا سید اسمعیل پیشنماز سرکار اقدس شهریاری بعد از اظهار ملاطفت و مهربانی

بسیار بعلما و حکم تعمیر مسجد و مراقبت در عمل موقوفات آن و محافظت درختان

اورس و چنار قوی الجثه کهن که علامت قدمت مسجد است ببازار شهر تشریف
آورده از چهار سوق و بعضی محلات بخارج قلعه گذشته و بقصد تفرج قریه
قوشنجان که قصبه معموره و در نهایت خوش آب و با صفاست توجه فرمودند
بعد از طی یک فرسنگ و نیم بقصبه مزبوره وارد شده مسجد رعیتی آن قریه که
از بناهای مرحوم حسنعلی میرزاست و بنیا بنما و درختان چنار بسیار کهن
و باغات و اشجار و انهار قریه بنظر مبارک رسیده و از آنجا گذشته دو قریه
پیوج آباد و حصار که هوای آنها در نهایت ییلاقیت وارد عبور فرمودند
دره که مشتمل بر رود آب و چشمه سارهای جاری و درختان و باغات بود
پیاده شدند و اندکی از میوجات آن باغات خاصه گیلاس و کوجه و غیره
که کمال امتیاز را داشت تناول فرمودند نزاهت و باعت وصف و هوای
دره زیاده از حد وصف و نظر انور جلوه گر آمده بسبب نظام خسرو آن جایگاه
بماند شکارچیان خراسانی یک راس میش کوهی سیه کرده زنده آورده
مورد انعام و احسان گشته معروض داشتند که در قلل این جبال شکار قوچ و میش
بسیار است ولیکن سرکار شاهنشاه بواسطه بعد راه میل بصید افگنی نفرمودند

و محقق این قدر داشته شد که بخواندن کتاب روضة الصفا و ذکر احوالات امام
ثامن ضامن علیه السلام خاطر مبارک را مشغول دارد بالجمله از آثار سلف درین
ده سدی است غریب که از آهک و ریگ ساخته شده عرضا قریب شش ذرع
و ارتفاعا تخمینا پنجاه ذرع و ازین سد چیزیکه باقی است دو سمت رودخانه است
که ارتفاع و حد سد را مینماید و پارچه عظیم است که از سد در میان رودخانه افتاده
و معلوم میکند که بنای سد چه قدر سخت و محکم بوده از اینجا آشکار میگردد
که این محکمی که امروز در فرنگستان با ریگ و آهک میسازند و سختی آنها مثل
سنگ صلب است در سوابق ایام نیز در مملکت ایران شایع بوده و بمرور دهور
متروک گشته است خلاصه سه ساعت بغروب مانده سرکار پادشاهی با
کهر احمدخانی سوار شده و بطرف منزل عطف عنان فرمودند درین راه شخصی
قوی جثه و سیاه چرده دست تعلقی در دست گرفته بی محابا و متهورانه بطرف شاهنشاه
دویدن گرفت هر قدر فراشان و سواران خواستند او را ازین حرکت منع کنند
یا سبب دویدن را معلوم سازند هیچ قسم حرفی نشنفت و برین جسارت میفزود
تا عاقبت دستگیرش نمودند ولی چون تفقد و منظورش معلوم گشت بمقتضای

مقرر داشته که سه روز در آن سامان طراق کنند

از نیشابور بقدمگاه تخمینا سه سنگ راه مسطح و شرقی و معموراست و قراء واقعه

در یمین و یسار جاده از این قرار است سمت راست جاده ده شیخ لکزیه

و وجه تسمیه این قریه معموره بدین اسم بدان سبب است که در زمان سلف

چند خانوار از طایفه لکزیه قفقاز کوچ داده و در آن مسکن متوطن ساختند

شاه آباد ایضا سعدآباد ملکی طاموسی ابوسعدی

ایضا عشرت آباد ملکی شمس العلماء عباس آباد ازدوش

از محل سکنای ایروانیهای نادری است برج دولت آباد

ملکی محمد ولیخان سردار معموری خالصه دیوان اعلی

سمت چپ جاده تقی آباد ایروانیها خسرو ملکی مصطفی قلیخان

خرو شیمه علیخان آدک دشت پوژمهران

بیش فروش محمد ولیخان سردار قدمگاه در دامنه

کوهی واقع است که از نیشابور امتداد دارد الی مشهد مقدس اصل قدمگاه

عبارت از بقعه کوچکی است از ابنیه سلاطین صفویه رحمة الله علیهم که گنبدی

عالی دارد و تمام آنرا با کاشی معرق بسیار خوبی زینت داده اند و در دیوار
این بقعه تخته سنگ سیاهی نصب نموده اند که بر آن نقش پای جای گرفته است
و مردم آنرا جای پای مبارک حضرت امیر مؤمنان علیه السلام یا حضرت
رضوی صلوات الله علیه میدانند و از اطراف بزیارت آن مقدم مبارک آمده
تحصیل سعادت مینمایند و در سمت شرقی این بقعه چشمه ایست کاملاً سلسبیل
که از قرار مشهور بحضرت امام ثامن صلوات الله و سلامه علیه منسوبست و بنا
بر معروف از مین دست معجز اثر آنحضرت جاری شده است و عابرین
و زوار و قوافل از آب آن استشفا حاصل می کنند و در منبع و مخرج چشمه
چهار صفه مسقف بنا کرده اند که دو سه پله پائین میرود و در آنجا حوض کوچکی است
که آبی در نهایت صاف و گوارا از جنب آن بیرون آمده داخل حوض گشته
و از آنجا بباغ و صحرا میرود باغ قدمگاه متصل بقعه و گنبد باغی است
وسیع مشتمل بر مراتب چند و حوضها و جداول و آبشارها که تمام آنرا با آجر و گچ
بنا نموده اند و درختان قوی قدیم کهن خاصه در خیابان مطول خارج باغ
که اکثر اکثر اشجار آنرا امروز ایام کنده و بریده اند ولی هنوز بعضی از درختان

کاج او باقی است که زیاده از پنج ذرع و شش ذرع قطر دارد و از ازمنهٔ قدیم
خبر میدهد و چون در این آثار بزرگ از کتیبه و باغ و خیابان خرابی بسیار
یافته بود سرکار همایون شاهنشاهی تأکیدات بلیغ در تعمیر آن فرموده مقرر داشتند
که بزودی تمام آنرا تعمیر کنند در پایین باغ و اول خیابان کاروانسرای
بزرگ عالی از بناهای صفویه باقی و دایر است و در مقابل آن در عصر شاهنشاه
جمجاه چاپارخانه بنا کرده اند که عمارت فوقانی مختصر با روحی دارد قصبهٔ
قدمگاه بالای تپه واقع است و قریب پنجاه خانوار رعیت دارد که اکثر آن
سادات میباشند از قدمگاه به نیشابور دو راه است یکی راه دررود
که از میان درهٔ دررود و گلستان و ترقبه بیرون و راه ییلاقی و سایه دار است
ولی عبور کالسکه و عراده و تخت روان بواسطهٔ گردنه و پست و بلندیهائی که در او است
امکان ندارد دیگری راه معمول طرق و شریف آباد است که راه گرمسیر است
ولی چون راه آنرا ساخته اند و خاصه امسال سپهسالار اعظم تعمیر نموده کالسکه
و عراده میتواند از او عبور نماید و معبر دائمی قوافل و زوار است

## روز چهارشنبه نهم شهر صفر توقف اردوی پادشاهی در قدمگاه

شاهنشاه گیتی پناه خلد الله ملکه و دولته درین روز بهنگام صبح بقصد تفرج و
سیاحت دره دررود توجه فرمودند اعتضاد الدوله و دبیر الملک و امین الملک
و امین خلوت و میرزا نصرالله مستوفی و میرزا علی خان منشی خاصهٔ حضور
و حاجی محمد حسن خان و علی خان گرجی پیشخدمت ملتزم رکاب نصرت انتساب
شدند در اول درهٔ دررود که حضرت شاهنشاهی از کالسکه بزیر آمده بر اسب سوار
شدند محمد ملا میرخان دررودی که از جمله نجبا و صاحبان قریه دررود و شخص باثروت
و مکنت است با تمام رعایا بخاکپای مبارک مشرف آمده از زیارت رکاب
میمنت انتساب محظوظ و مباهی گشت از میان دره دررود و خانه جات
که زیاده از بیست سنگ آب دارد و سرکار همایونی رشته رود را محل عبور قرار داده
بالا روان شدند و بعد از طی اندک مسافتی فضائی باصفا و خضرت بی انتها
بنظر مبارک جلوه گر آمده بجهة میل نهار نزول اجلال فرمودند و اعتضاد الدوله
دبیر الملک و امین الملک و میرزا نصرالله مستوفی و میرزا مسیح وزیر مازندران
بجهة اتمام محاسبهٔ المملکت بحضور مبارک احضار شده میرزا نصرالله کتابچه
حساب را از لحاظ انور گذرانیده و سایرین نیز اطلاعات خود را در آنباب معروض داشتند

و پیش آمدند و در نهایت سیاست و تادیب گشتند

گردنه دررود شباهت کلی بگردنه و کوه البرز دارد و کوههای آن مانند کوههای شکراب البرز است و حتی گل و گیاهی که در آن نشو و نما یافته چون گلها و نباتات آن کوه عظیم است دامنهای این گردنه که بسمت جاغرق سراشیب میشود جلگه شهر مشهد و خود شهر و آبادیهای گلستان و جاغرق و شاندیز حتی جبال کلات آشکار و پیداست و در آن سمت گردنه کاروانسرای سنگی کوچکی است که اطراف و نواحی آن در کمال خضارت و نزاهت و بداعت است الحق در ایام تابستان عبور از این راه بمراتب از شریف آباد ترجیح دارد

## روز جمعه یازدهم شهر صفر تشریف فرمائی موکب نصرت اثر شاهنشاهی بمنزل دیزآباد

درین روز هنگام صبح بیمن مسعود تعالی کوچ دادند و موکب مسعود مستعد حرکت شد و وزرای ملتزم رکاب و عساکر نصرت مآب در مقابل دیوانخانه همایونی صف زده ایستادند تا اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف آورده بعجالسکه مبارکه نشسته و امواج افواج سواره و پیاده روی براه نهادند امین الدوله و ظهیر الدوله

و دبیر الملک در کنار کالسکه مبارکه مخاطب بفرمایشات علیه شدند تا سه فرسنگ از راه
طی شد و بنهر آبی صاف و گوارا پدید گشت که از سمت مشرق جریان داشت
اعلیحضرت شاهنشاه را کنار نهر آب مطبوع طبع مبارک گشته از کالسکه مبارکه
بزیر آمده براسب نشسته و بمسافتی خارج جاده از برای صرف نهار فرود آمدند
و چون از صرف غذا فراغت حاصل شد مجدداً بکالسکه رجوع فرمودند و از گردنه
و تپه ماهور راه عبور فرموده بجلگه رسیده پنج ساعت بغروب مانده بمنزل اشرف
ورود ارزانی داشتند شب بعد از شام باحضار اعتضاد الدوله و دبیر الملک
اشارت رفت جنابان معظم الیهما بخاکپای همایون مشرف شده و تا پنج از شب
رفته خلاصهٔ عرایض میرزا مسیح وزیر مازندران را از لحاظ نظر انور همایون گذراندند
احکامات لازمه در آنباب شرف صدور یافت و چون بسمت چپ پهلوی
مبارک را اندک دردی عارض شده بود این بنده باشارهٔ حکیمباشی طلزان
بادبان مرخسیا اندک تدهین نموده و شاهنشاه بآرامگاه خرامیدند هوای امروز
چون خالی از حدت حرارت نبود فی الجمله اسباب زحمت و کسالت وجود
مبارک شده بود و بحمد الله تعالی درین شب بصحت و راحت مبدل گشت

محمد حسن خان تفنگدار خاصه پدر محمد علیخان پیشخدمت خاصه که در قدمگاه

به تب مطبقه مبتلا شده بود برحسب امر همایون او را برتخت نشانده بدینمنزل

کوچ داده و با طبای ملتزم رکاب امر شد که مساعی جمیله و اهتمام کامل

در علاج او مرعی دارند حاجی سلیمان خان حاکم که بحسن خدمتگذاری

خاطر خطیر همایونی را قرین مسرت داشته بود درین منزل که آمد خاکپای بود

بشمول عواطف ملوکانه و اعطای یکطوب جبه ترمه کشمیری حاشیه دار ممتاز

قرین مباهات و افتخار آمد

از قدمگاه الی دیزآباد چهار فرسنگ است و راه جنوب مایل بمشرق کوه در رود

و قدمگاه تا مسافتی از سمت شرقی همراهی دارد و پس از آن تمام راه جلگه میشود

و در او کوه و گتلی نیست و چون از خط مستقیم خارج و سمت تربت واقع است

از راه در رود بفرسنگها دورتر است آب رود خانه که این منزل تا آن

مشروب است اول آبی است که بحسب سبکی و سلامت و خوشی و عذوبت

در تمامی مملکت خراسان اشتهار یافته و در مجاری این آب گاه گاه سنگ

یاقوت یافته اند ولی سنگ درشت مرغوب پیدا نکرده اند و محتمل است که هرگاه

ابتدای این معدن را بیابند ازین سنگ منافع زیاد توانند حاصل نمود

دهات واقعه سمت راست بدین موجب است دولت آباد اسحق آباد

حسین آباد کلاته دو شیر جهان آباد فخر آباد

احمد آباد دیز آباد سفلی این قرا تمام آباد و معمور و خرم

نیشابورند و درین قریه اخیر چمن زار و مرتعی نیکواست و نیز درین سمت

غربی این بجنوب سه قریه از محال تربت بمسافت سه چهار فرسنگ نمایانست

که عبارت از برس و بلوهر و کدکن باشد دهات واقعه در سمت

چپ راه ازین قرار است شحت و ربقیشن سوشان

دامن کرمین گردنه چناران دیز آباد علیا

دوازدهم شهر صفر تشریف فرمائی اردوی همایون

بشریف آباد

درین روز دو ساعت از طلوع آفتاب برآمده کوکبهٔ جلال افزا ایزد متعال

با شوکت و اقبال تمام بسمت شریف آباد چپ سر کشید امین الدوله

حاجی سلیمانخان قاجار در اول سواری مورد فرمایشات و اوامر ملوکانه

از دیه آباد والی شریف آباد چهار فرسنگ راه مایل بمشرق شمالی است
یکفرسنگ و نیم که از شریف آباد میگذرد قلعه قهرداود است و او قلعه ایست
محکم که قریب صد خانوار رعیت دارد و در کنار قلعه کاروانسرائی است از زمن
سلف که زوار و قوافل از قدیمگاه بدانجا آیند و شب توقف نمایند اهالی این قلعه
از نشاط و نکویان بدایع الجمال و خوش اندام و زراعت ایشان اغلب دیمی
و محتاج بآب نیست

قصبه بیوه ژن در میان دره طولانی پر آب و اشجار واقع است و قریب
پانصد خانوار رعیت دارد و متعلق است بحاجی مصطفی قلی بیک دربان باشی حضرت
قدس آثار و او را مسجدی است که با چوب و سنگ ساخته شده اندرون خانه بایقع
پانزده ذرع واقع و از دو سمت آن دو چشمه جاری است و سقف بنیان آن ساق
بنیادان نشاخهای سبز و نباتات الوان طراحی شده فراوان و مقصود
از خاک و سنگ جان نمودار نیست بی شک اگر ملحد عنود و مشرک جحود در
این خانه مشهود شدی بمجرد عیان بی حاجت حجت و بیان اسرار وحدت و
آثار قدرت را مبرهن و مسجل دیدی یکفرسنگ از بیوه ژن گذشته دهی است

موسوم بده سرخ که در روی تپه واقع و خانهای دهقانی او را دو مرتبه و سه مرتبه
بروی یکدیگر ساخته‌اند بنحویکه از دور کمال شکوه و نمایندگی دارد و در دامنهٔ این
قریه چمن و بیدستان و سطح آبی در نهایت با صفا و روح است این قریه
نیز متعلق بدربان باشی است

قریهٔ شریف‌آباد از دهات آباد و معتبر است و او را قلعه و کاروانسرای سرپوشیده ایست
که اسحق خان قرائی ساخته و قریه را وقف تعمیر کاروانسرا نموده است شریف آباد را
باغات متعدده و یک قنات آبست که زیاده از یک سنگ آب دارد

## یکشنبه سیزدهم شهر صفر تشریف فرمائی موکب مظفر بطرق

درین روز هنگام صبح چون خسرو خاوری باستقبال موکب منصور خسروانی
روی زمین را از اشعهٔ نور جمال خویش بیاراست شاهنشاه ایران پناه از تکیه‌گاه
سلطنت به بیرون توجه نموده و بر اسب عربی تیمور میرزائی طلوع اجلال فرمودند
با مخصوصان درگاه و ملتزمین رکاب جهان پناه از هر مقوله فرمایشات ملوکانه
و صحبت شاهنشاهانه درمیان آورده بتخصیص امین الدوله و اعتضاد الدوله و دبیر الملک
و امین الملک را قرین افتخار فرمودند و از آنجا که راه امروز با وجود تعمیر نمودن

سپهسالار راهی سخت و پرسنگ و بلندی بسیار بود و عبور
کالسکه و تخت اشکال داشت خواجه سرایان را امر و مقرر شد که خانمان
حرم جلالت را سواره عبور دهند و کالسکه و تختها را با توپخانه مبارکه از راه
زیر دست شریف آباد که قدری طولانی ولی مسطح تر است حمل نمایند و ذات
والاصفات همایونی خود نیز از کالسکه باسب رجوع فرموده و از راه شریف
آباد تشریف فرما شدند دو فرسنگ گذشته رباط خرابه موسوم برباط
طلب در فضای راه نمایان گشت که در حوالی آن دو سه تخته زاری و چمنی سبز و نیکو
بود و چون این مکان قابل تعمیر بنظر آمد از جانب سنی الجوانب امر بعمارت و
تجدید آبادی رباط مزبور شرف صدور یافت اندکی فاصله از این چمن زار
چادرهای نهارگاه حرم واقع شده بود حضرت شاهنشاهی از اینجا نیز تجاوز
فرموده در صحرا بجهت صرف نهار فرود آمدند و چون هوا فی الجمله حرارت
و سخونت داشت اندک زمانی مکث فرموده و براه عود فرمودند در بین راه
بعضی از طلاب و شیوخ و دهقانان چنانکه رسم اهالی خراسان است در هر چند
قدم فاصله این سمت و آن سمت جاده چوبی برپا کرده و ریسمانی بر آنها کشیده

کلام الله مجید را از وسط آن آویخته بودند شاهنشاه اسلامیان پناه همه جا
با نیت خالص و قصد صادق از زیر قرآن عبور فرموده و متصدیان این امر خیر را
بجزای جزیل عنایت فرمودند تا به تپه سلام رسیدیم و گنبد منور مبارک شاهنشاه
کشور امامت و نتیجه دوحه رسالت حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف
التحیه و الثنا نمودار گشت و غلغله وجد و سرور در خاطرها افکند حضرت شهریار
و الا تبار را بمحض اینکه نظر بگنبد مطهر افتاد فی الحقیقه حالت همایونی دگرگون شده
بی اختیار از اسب بزیر آمده و از دور آن مرقد پر نور را زیارت فرموده از شکر
بوصول این نعمت عظمی و حصول این سعادت کبری در حضرت کبریائی بیاسودند
در اینجا شاهنشاهزاده اعظم جلال الدوله حکمران مملکت خراسان و حاجی بهاء الله
و حاجی شریف خان بیگلربیگی و حاجی میرزا محمد رضای مستوفی با سواره
شاهسون افشار وغیره که برسم استقبال و بزیارت رکاب قمر مثال آمده بودند
بحضور مهر ظهور حضرت شاهنشاهی تشرف جسته هریک بفراخور حال خاصه
شاهنشاهزاده بیهمال بتلطفات و مراحم خدیو بیمثال مفتخر و مستعد آمدند
و هم ملک منصور میرزا که دو روز قبل با سپهسالار اعظم بشهر رفته بود بزیارت

خاکپای همایون مشرف گشته شاهنشاهزاده افخم و سایر همراهیان رخصت انصراف

یافته به شهر رفتند تا پذیرائی موکب مسعود را مهیا و آماده شوند سه ساعت بغروب

مانده نزول اجلال بطرق شد و حضرت شاهنشاه از رنج راه و حرارت هوا آسوده و فارغ شدند

و شب را به کمال صحت و سلامت باستراحت مشغول شدند

از شریف آباد الی طرق چهار فرسنگ است طرق عبارت از قصبهٔ

معظمی است که متعلق است بحضرت فیض آثار و دو ابواب کاروانسرای

بزرگ است که یکی از آنها رو بانهدام گذاشته و بموجب امر همایون شاهنشاهی

مقرر است تا در محل آن رباط سرپوشیده بنا کنند آب طرق آب رودی است

و از محال آرزومند از جبال شمال مغربی می آید از شریف آباد بطرق در دو جا

راه جز قلعهٔ رمضان خان که در سمت چپ است قریه و قصبهٔ محوط نمی باشد

روز شنبه چهاردهم شهر صفر ورود موکب شاهنشاه

با عدل وجود بمقصد موعود و وصول بمقصود

بعون الله الکریم الودود

درین روز که بعون الله تعالی روزی فیروز بود شاهنشاه بیدار بخت هنگام

صبح بحمام تشریف برده سر و اندام مبارک را چون قلب شریف خویش
مصفی و از کدورت هر گرد و غباری عری ساخته و دوگانه شکرانهٔ حضرت
یگانه را بجای آورده و رخت تمام مرصع پوشیده بسرا پردهٔ دیوانخانهٔ مبارک
تشریف فرما گشتند حاجی ملا نصرالله مجتهد که از جلهٔ علمای مشهد و شخصی با علم
و فضل و زهد و ورع است با جمعی از علماء و اعیان شهر بحضور مبارک شاهنشاهی
مشرف گشته و از جانب خویش و وضیع و شریف مشهد حضرت همایونی را
تهنیت گفته و دعای وجود مبارک بجای آورده معاودت نمودند و شاهنشاه
با فر و جاه بیکساعت بظهر مانده بسمت شهر کوچ دادند یکی از غلامان شاهسون
اینانلو پلنگی عظیم الجثه صید کرده بخاکپای همایون آورد و بشادت و شجاعت
او منظور نظر ملاطفت اثر گشته از انعامی شایان بهره ور و مفتخر گردید
شاهنشاه عالم پناه بکالسکه نشستند و از زمان حرکت موکب مسعود که از اردو
شلیک شد تا ورود شهر علی الاتصال در خارج خیابان توپخانه
شلیک توپ مشغول گشتند و از طرق تا شهر که یکفرسنگ و نیم است
مستقبلین از سواره و پیاده صف زده بایستادند در ابتدای مستقبلین شاهنشاهزاده

اعظم جلال الدوله و همراهیان ایشان بزیارت رکاب مبارک کامیاب

گردیده و دیقابل عسکریه امام جمعه سپهسالار اعظم باین سعادت مستسعد گشته

روانه عقب همایون شد سواره و پیاده شهر بومی و غریب اعلی و ادنی

مرد و زن دسته دسته فوج فوج از آن سعادت بانصیب گشته بطوریکه ابدا

بذکر صلوات بر پیغمبر آخر الزمان و دعای شاهنشاه اسلامیان پناه مشغول بودند

که تا کنون در هیچ زمان هیچ گوشی نشنیده و هیچ دیده چنین وجد و شوق

در مخلوق ندیده از ابتدای خیابان ناصریه شهر تا درب دروازه بازار

خشم نکات از دو سمت ایستاده از دروازه تا درب صحن مقدس افواج

سرتعفارز اقدس حاضر شده بودند در اول دروازه پائین خیابان حضرت

اقدس شهریاری باسب کرنگ حسام السلطنه که زینت و یراق تمام الماس

زده بودند سوار شده با شکوه و شوکت ملا کلام مبارکی و اقبال وارد

شدند دکاکین و اطراف خیابانها کسبه و اصناف بقدر میسور زینت کرده

و مرد و زن شهری چنان دو سمت خیابان از فوقانی و تحتانی فرا گرفته بودند

که عبور موکب منصور اشکال کلی داشت و نقاره خانه حضرت فیض آثار

بتشریف مقدم ملوکانه غلغله افکن طارم اعلی بود در خارج بست جناب میرزای
ناظر و تمام عمال و اعیان و خدام حضرت رضوی علیه السلام با علمهاو بیدقهای
زرنگار رسرکار فیض آثار شاهنشاه را استقبال کرده در کمال آراستگی رسم خدمت
و ادب و دعاگوئی بجای آوردند شاهنشاه نیز در نهایت تعظیم و توقیر از اسب
فرود آمده علمهای مبارک را بوسیده و با صاحبمنصبان دربار حضرت یکان
یکان اظهار ملاطفت و مهربانی کرده وارد صحن مبارک شدند و از آنجا که
احترام خانواده فضل و مکرمت و سلسلهٔ علیهٔ عدل و امامت که از لوازم
دین مبین است همواره منظور خاطر مبارک همایون شاهنشاه مسلمین است از
محض خلوص نیت و پاس شان و مرتبت حضرت امام علیه السلام در اول
ورود بصحن تبرکه جیقه مکلل بالماس که از اساس سلطنت است از تارک مبارک
برداشته برسم پیشکش در آستان حضرت خلافت تقدیم فرمودند و اکنون
همان جیقه بضریح مطهر منصوب است و خود با کلاه ساده چون سایر زایرین در نهایت
ادب و حرمت و کمال خضوع و خشوع از صحن شریفه گذشته داخل روضه
منوره شدند و چون جبههٔ مبارک را که تاج تارک آسمان هفتم بود بخاک آستان

این قبله بهشتم مشرف ساختند چنان حالت و رقتی بوجود مبارک دست داد
که قلم از تحریر و توصیف آن عاجز است چنانکه خود حضرت شاهنشاهی در روزنامهٔ
مخصوص همایونی که بدستخط شریف مرقوم فرموده میفرمایند.

**بعد از برداشتن جقه و تقدیم آن داخل صحن
شدیم یعنی داخل بهشت گشتیم از آنجا صحن
بصحن اطاق باطاق تا برواق و روضهٔ مطهره
مشرف شدیم حالتی روی داد که بوصف نمی آید
خداوند انشاء الله نصیب همه مسلمین فرماید**

از این حکایت خسروانه که مخصوص یادداشت خود مرقوم فرموده اند معلوم
میشود که زیارت حضرت امام تا چه اندازه در وجود همایون ظل اللهی تأثیر نموده
بالاخره چون لوازم زیارت و دعا باتمام آمد سرکار شاهنشاهی تفرج مسجد
گوهرشاد تشریف برده و بسر مقبرهٔ مرحوم مغفور ولیعهد مبرور نایب السلطنه
براه آمده و فاتحه خوانده از در بالا خیابان بیرون آمده سوار شدند اعیان
و ارکان چاکران درباری پیاده ملازم رکاب حضرت شاهنشاه شده

از باغات محله سراب گذشته مبارکی واقبال بارک همایونی تشریف ورود ارزانی داشتند حاجی قاسم تاجر طهرانی و حاجی جبار تاجر تبریزی که از اعاظم تجار معتبر متوقف مشهدند با تمام تجار از در ب ارک تا داخل عمارت مخصوص همایونی فرش شاهنشاهی از چپ و راست شالهای کشمیری مشهدی گسترده بدعای وجود مبارک اقدام نموده مورد توجهات شاهنشاهانه گشتند و اردوی کیوان پوی در خارج ارک در کمال نظم و آراستگی متوقف و سکون گشت وزراء و اعیان در داخل شهر منزل کرده شدند و فرخ خان امین الدوله از برای انتساق و انتظام اردوی کیهان موجب امر قدر قدر در بیرون شهر مسکن گزید ذات والا صفات همایونی اندر درحوضخانه عمارت استراحت فرموده و تا هنگام غروب مشغول صدور احکام و جواب عرایض جناب مستوفی الممالک شده و بحرمخانه مبارکه تشریف فرما گشتند

از طرق الی شهر یکفرسنگ و نیم است در اطراف راه از دور قراء و مزارع متعدده نمایان است ولی در نزدیکی جاده جز عسکریه امام جمعه مرحوم که نیم فرسنگی شهر است و کاروانسرای بابا قدرت که در جوار شهر واقع گشته قافله از آن نیست

قریه و قصبه ملحوظ میشود

شهر مشهد که امروز از زمین بقعهٔ منوره مبارکه امام ثامن ضامن علیه آلاف التحیة والثنا رشک بهشت برین و نیکوترین شهرهای روی زمین است از شهرهای بسیار قدیم نیست بلکه مدنیت و اعتبار آبادی آن از زمانی است که قبر منور و روضهٔ مطهر جناب امام علیه السلام در او واقع شده است چه در زمان قبل بر آن پای تخت مملکت خراسان شهر طوس بوده و او چهار فرسنگ با شهر مشهد فاصله دارد و این شهر از آن زمان تاکنون نیز مکرر مورد تاخت و تاز طایفهٔ ضاله تراکمه و افغان و نهب و غارت ایشان شده و بدین سبب آبادی آن همواره بتاخیر افتاده است درین عصر که از میامن توجهات همایون خسروانی اغلب زمینه آباد تر است مشتمل بر هفت هزار و ششصد خانه و قریب شصت هزار سکون دارد از آثار صنایع بنائی و معماری قدیم که در او مشاهده می شود منحصر است بصحون مبارکه و مساجد متبرکه و منارهای منوره که انشاءالله تعالی تفصیل هر یک مذکور خواهد شد از این ابنیهٔ عالیه گذشته عمارات و بناهای شهر چندان تعریف و توصیفی ندارد و شرح صحون مبارکه و عمارات آن روضه

سطره وغیره بدین موجب است

## صحنهای مبارکه

صحن بزرگ که در طرف شمال و پشت سر حضرت واقع است معروف بصحن عتیق نصف آن که در سمت گنبد طلاست از بناهای امیر علی شیر وزیر شاه سلطان حسین بایقراست و نصف دیگر که سمت ایوان شاه عباسی است سابقا مدارس اهل سنت بوده مرحوم شاه عباس ثانی بر صحن افزوده و این صحن را چند در است دری بخیابان بالا و دری بپایین خیابان دری ببازار بزرگ دری ببازار بزازان که از ابنیهٔ میرزا فضل الله وزیر نظام است دری بسمت قتلگاه که ببازار آقاچه معروفست حجرات واقعهٔ درین صحن فوقانی و تحتانی است و آنچه از بناهای آن که باسم و رسم است ازین قرار است

ایوان طلای نادری که بنای آن از امیر علی شیر است و طلای آن

ایوان شاه عباس مقابل ایوان طلاست که کاشی کاری آن نهایت امتیاز دارد

از نادرشاه از این ایوان دری بدار السیاده
و دری بتوحیدخانه میرود و کتابخانه
مبارکه درین ایوان است و در جنبین این
ایوان دو کفشکن است یکی کفشکن بالا که
بسقاخانه و دار السیاده میرود و در آن
گلدسته طلای عباسی واقع و دیگر
کفشکن پایین گنبد الله وردی خانی
که در بدو امر بجای کریاس روضه مطهره بوده است
منتهی میشود

و در پشت سر آن محل مدرسه ملاتاج است
که در آن مدرسه جز گلدسته طلای
نادری آثاری باقی نیست تعمیر این
گلدسته را بعد از نادرشاه
والده خاقان خاقان خلد آشیان
کرده است

---

مدرسه میرزا جعفر که از بناهای بسیار
عالیه و در عهد ازبکیان سخت
شده است و در کتیبه ایوان قبلی آن
اسم شاه سلطان حسین ضبط است
ولی معلوم نیست که مرحوم سلطان حسین تعمیر یا
بانی این بنا بوده

---

حجره میرزای ناظر

---

کشیکخانه موذنان

---

کشیکخانه دربانان

---

حجره میرزا حبیب آ منیع وزیر

---

دار التولیه عضد الملک

---

شمعخانه حضرت

---

مکتب‌خانه ایتام

---

مجلس‌خانه حضرت

---

عمارت وزیر نظام

سمت خیابان پایین بالای ورپایین　سقاخانه وسط صحن موسوم بسقاخانه طلا که
خیابان نقاره خانه حضرت است　سنک آب آنرا درعهد نادر آورده اند و
که مرحوم حاجی قوام الملک تمام　اصل عمارت وطلای آنرا اسمعیل خان طلائی
نموده　درعهد خاقان خلد آشیان ساخته شت

صحن جدید که صحن مشرقی باشد معروف بصحن خاقان که در پایین پای حضرت
واقع است و اصل آن از بناهای خاقان خلد آشیان است کاشی کاری آن که
درکمال امتیاز است از مرحوم حاجی میرزا موسی خان و ازاره سنکها آن قدری
ازمرحوم معزی الیه و قدری از میرزا عبد الباقی منجم باشی و اتمام آن از میرزا
فضل الله وزیر نظام شده حوض وسط نیز از مشار الیه است و آن صحن را
چند دراست دری مقابل ایوان موسوم بدر ضرابخانه　دری در خیابان پایین
دری ببازار زرکران　دری بطرف مقبرهٔ مرحوم شیخ بهائی　عمارات واقعه
در صحن علاوه بر عمارات تحتانی و فوقانی که محل توطن طلاب است از اینقرار است

| | | |
|---|---|---|
| ایوان طلای مبارکه ناصری اصل بنای آن از خاقان مغفور و طلای آنرا بر حسب امر شاهنشاه جمجاه مرحوم میرزا محمد حسین عضد الملک در ایام حکومت حسام السلطنه از منافع ملکی حضرت فیض آثار ساخته است و از این ایوان دری بدار السعاده است و در جنبین آن دو کفشکن است که بخود ایوان منتهی میشود | کارخانه و شربتخانه خدام | سقاخانه کاشی کاری وسط از بنای حاجی میرزا محمد رضای مستوفی است |

صحن جنوبی که در مقابل حضرت واقع است مسجد گوهر شاد است که یکی از بناهای بسیار عالیه و معروفست خاصه کاشیهای معرق و غیر معرق آن که با چینیهای بسیار ممتاز میتواند برابری کند و بانی این بنای عالی گوهرشاد عروس امیر تیمور گورکان است و درین صحن چهار ایوان و شبستان است و درب آن از انیقرار است دری ببازار بزرگ دری بمحوطه معروف بپائین پا که مقبره مرحوم شیخ بهائی است دری بسمت خانه حاجی میرزا موسی خان است

و دری قبلی که بمعبر عام میرود و اسامی ایوانها بدین موجب است

ایوان مقصوره با گنبدی بسیار عالی
و دو گلدسته بلند کاشی و پهنای این ایوان
دوازده ذرع و ارتفاع آن بیست و پنج ذرع و
نیم و طول آن سی و چهار ذرع است و
ارتفاع گنبدی که در وسط آن واقع است
چهل و یک ذرع و قطر پایهای ایوان پنج ذرع
و ارتفاع هر یک از گلدستها چهل و یک
ذرع است و نیز از مستحسنات این ایوان
آنکه از سنه هشتصد و بیست که بنای آن
شده الی حال بهیچوجه محتاج بتعمیر نگشته

ایوان سمت حضرت
معروف بایوان
دار السیاده که در
مقابل حضرت دارد
و در جنبین آن
دو کفشکن است

ایوان غربی

محوطهٔ مسجد معروف
بمسجد پیره زن

ایوان شرقی

شبستانهای
اطراف

عمارات رواق مطهر

---

سمت غربی که بطول واقع شده دار السیاده است که از سمتی مسجد گوهرشاد و از سمتی سقاخانه و ایوان طلای نادری منتهی میشود از بناهای گوهرشاد است

سمت شرقی دار السعاده است که از بناهای آصف الدوله است پایین پای حضرت واقع است بالای آن محوطه پایین پا است و سمت پایین آن ایوان طلای ناصری

---

سمت شمالی توحیدخانه

میانه غرب و شمال سقاخانه و راه رو گلدسته طلای شاه عباسی است

---

سمت جنوبی دار الحفاظ که سمت بالای آن حرم مطهر است و سمت پایین ایوان مسجد گوهرشاد این بنای عالی نیز از گوهرشاد است و آئینه کاری آنرا نواب حسام السلطنه کرده است

میانه شمال و شرق کتابخانه حضرت و مسجد الله وردیخان است این گنبد قوی الاساس که سابق کریاس حرم مطهر بوده از ابنیه الله وردی خان بیگلربیگی فارس است که در زمان صفویه ساخته شده و کاشی کاری آن در کمال امتیاز است

میانه شرق و جنوب مدرسه علینقی میرزا
که در او میرزا علیرضای مستوفی مهمانخانه
محقری ساخته است و در حقیقت این مدرسه
حال حیاط کشیکخانه است در پهلوی آن
کشیکخانه خدام و قهوه خانه و راه رو کشیکخانه
معروف بکنبد او پشت میرزا و خزانه مبارکه
که در آن از دار الحفاظ است

سمت میان جنوب و مغرب
تحویلخانه منقولات و تحویلخانه
فراشان که در جهرد وازدار الحفاظ
است

حرم مطهر حضرت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیة والثنا
محلی است مربع که در وسط اعلای آن ضریح منور حضرت امام علیه السلام است
چهار دیوار این بنای عالیمقدار از قرار معروف از بناهای اسکندر است
گویا روزی از زمین بهشت آیین عبور کرده و واقعه خارق عادتی مشاهده
فرموده سبب آنرا از برهمنی دانا جویا گشته از اخبار معلوم نموده که در این مکان

مدفن یکی از اولاد خاتم پیغمبران خواهد شد پس نذری بخاطر گذرانده و
بعد از وصول مطلب چهار دیواری محکم در آن محل برپا نموده که تا کنون بهمان
اسم باقی است هارون در زمان خلافت که غالب آن خراسان و ماوراء النهر را
مقر سلطنت میداشت و مرو و سرخس دار الخلافه بود هوای طوس را
ملائم حالت و مناسب اقامت دیده روزی از طوس بآن محل رفیع آمده
و این بنای منیع را مشاهده نموده از حقیقت آن جویا گشته حکایت گذشته
را شنید گفت اینک منم آن شخص که از خانواده رسالت و خلیفه پیغمبرانم
و این مکان از برای مدفن من معین شده پس امر نمود که بر آن چهار دیوار گنبد
عالی بنا کردند و چون بعالم دیگر رفت جسم او را درین محل دفن نمودند از آن
پس در زمان خلافت مامون روح پاک و گوهر تابناک امام علیه السلام در قریه
سناباد که هنوز بعضی از محلات شهر مشهد بآب آن قنات مشروب است
بعالم قدس و مرکز اصلی خرامید باشارت مامون الرشید جسد مطهر را درین گنبد
بجائی که بالای سر هارون است بخاک سپردند و غبار آن مزار را توتیای دیده
رضوان کردند و چون مقبره هارون در وسط واقع بود لابد میبایستی مرقد مطهر نمونه

بالاتر از آن باشد پس صندوق مبارک بقسمی واقع شد که وسعت سمت بالاسر
بسیار کم و نزدیک به دیوار گشت مرحوم مغفور شاه عباس صفوی رحمة الله علیه بالای
این گنبد مطهر را طلا نموده و داخل گنبد مبارک را در عهد شاهنشاه جمجاه عالمیان
پناه میرزا صادق قایم مقام آینه کاری کرده است کاشی ازارهٔ وسط گنبد
که سرکوب چینی فغفور است دو قسم ساخته شده قسمی در کتیبه که خطوط رقاع
و اسلیمی برجسته دارد میتوان دعوی کرد که تا امروز چینی باین صفا و صنعتی باین
دقت نشده است دیگر خشتهای مسدس سفید است که با خطوط طلا آیات
و احادیث رنگین یافته آنچه بتحقیق پیوست خمیرهٔ این کاشی اعلی از معدنی
که بالفعل در نواحی مشهد موجود است حاصل میشود حرم مطهر را از دو سمت یکی از
سمت پشت سر و دیگری از سمت بالاسر و فضای شاه نشین مانند است
که اولی مسجد زنانه و ثانی را که مرحوم محمد ولی میرزا ساخته است مسجد بیشان
موسوم و معروفست و از این دو مسجد بیکدیگر راهی است که آینه کاری آنرا عباسقلیخان
میرپنجه پسیان نموده اکنون محل نشستن قراء کلام الله است ضریح مطهره مربع
طولانی است سطح آن از خشتهای بلور مفروش است و او را سه ضریح است

## بیست و دوم شهر صفر و تشریف فرمائی شاهنشاه معدلت گستر بییلاق گلستان

چون هنگام صبح و طلوع آفتاب جهانتاب در رسید حضرت خسروانی
با لباس سواری بدیوانخانهٔ مبارکه تشریف فرما گشته ظهیر الدوله و اعتضاد الدوله
و معیر الممالک بحضور مبارک تشرف جسته و از احکام و فرمایشات ملوکانه
مفتخر و مباهی گشتند و ذات والاصفات شاهنشاهی باسب کهر پیشکشی
عماد الدوله نشسته از دروازه ارک بیرون رفته از جاده دروازه نوغان رو
بمغرب توجه فرمودند اندکی گذشته محض اجتناب از حرارت و سورت هوا
از اسب بزیر آمده بدرشکه نشستند و اعتضاد الدوله تا یکفرسنگ الی شهر گذشته
ملتزم رکاب بود و از آنجا رخصت انصراف یافت و حکیمباشی طولزان و
اجودان مخصوص در کنار کالسکه مشغول خواندن و ترجمه و عرض روزنامجات
فرانسوی و اخبار دول خارجه شدند تا موکب مسعود از گردنه مختصر کوچکی که
در نزدیکی گلستان است عبور فرموده وارد گلستان شده و در سراپرده مبارکه
که در مکانی باصفا برپا کرده بودند نزول اجلال فرمودند و صرف نهار کرده

که متعلق است با ولاد میرزا حسینعلی زغنه و جاده جاغرق بغیر از این است
پس دهقانی برسم بلدی بجلو افتاده و موکب همایون از گردنه گذشت بدرهٔ
درود جاغرق رسیدند طرقبه و عنبران منظور نظر مبارک گشته و از آنجا بعزم
جاغرق تشریف فرما شدند و یکفرسنگ و نیم از جاغرق گذشته در سبزه زاری
که درختان قوی و هوائی نیکو داشت فرود آمدند و پس از صرف نهار محقق بخواندن
کتاب روزنامهٔ همایون مأمور شد و شاهنشاه باستراحت مشغول گشتند سه ساعت و
نیم بغروب مانده بعد از صرف عصرانه و چای سوار شدند محمد خان کنه بلیهٔ
بعرض عاکفان حضور مبارک رسانید که در یکفرسنگی گلستان شکار قوچ و میش
دیده اند چون وقت از برای شکار کافی نبود سرکار همایون قرار تشریف فرمائی
شکار را بروز بعد موقوف داشته و از همان راهی که تشریف آورده بودند
بطرف منزل معاودت فرمودند و از قریهٔ عنبران گذشته دست چپ راهی بود
بدان راه متوجه شده از سمت بالای طرقبه عبور نموده و از وسط قریهٔ گلستان
گذشته وارد سراپرده همایونی شدند دو ساعت از شب گذشته قورق شکسته
و خواص چاکران از زیارت حضور مبارک بهره یاب گشتند محمد تقی خان

باستراحت مشغول شدند و ساعت بعد از آن تمام اهالی حرمخانه مبارکه از شهر
رسیده در سراپردها و خیام خویش فرود آمدند

از گلستان تا شهر سه فرسنگ است و این قریه مشتمل است بر چهل خانوار رعیت
و رودخانه آبی و باغات شجر بسیار که در آنها از هر گونه فواکه بیشمار است
و هوای آن در لطافت و نیکوئی معروف و مشهور است ولی از آنجا که
در سر راه عابرین واقع است و منزلگاه قوافل است فی الجمله نا تمیز است
در طرف دست راست جادهٔ گلستان قریهٔ معظمی است موسوم بآب کوه
که از جملهٔ موقوفهٔ حضرت فیض آثار است

## چهارشنبه بیست و سیم شهر صفر و توقف اردوی مظفر در ییلاق گلستان

درین روز سرکار همایون شاهنشاهی بملاحظهٔ سیاحت و تفرج جاغرق
هنگام صبح امر بسواری نمودند و خود بر اسب غزل دیوزاد نشسته و کنار
رودخانه گلستان را منظور آورده بسمت بالای رود توجه فرمودند و چون قدری
از راه طی شد بواسطه دهاقین معلوم گشت که این راه منتهی میگردد بقریه بار

خدیو گردون اقتدار در اول روز که خورشید تابان از کنار افق هویدا گشت
بعزم تفنن دره بار کمر خسروانی استوار بسته و با باریافتگان مخصوص دربار را
امر سواری و التزام رکاب نصرت شعار فرمودند چون مقربین حاضر گشتند
اسب کهر احمد خانی از سواری ذات والاصفات همایونی ممتاز آمده چون
شیرغران راه دره بار و آن سامان پیش گرفت و چون راه امروز که صفای
آن در حقیقت از حد وصف بیرون است بنحوی بود که در طرفین جاده اشجار
باردار و بی بار از قبیل زردآلو و گیلاس و چنار و سفیدار و غیره شاخ
بر شاخ یکدیگر نهاده و سایه افکن جاده شده بودند و عبور که از زیر آنها بود مانند
خیابان باغهای عالی در نهایت تمیزی بی گرد و غبار بود چنانکه با وجود جمعیت
ملتزمین رکاب ابدا غباری تصاعد نداشت و بدین واسطه خاطر مبارک قرین مسرت
و انبساط بود و با میرزا هاشم خان امین خلوت و دیگران صحبتهای نیکو و مفرح
میداشتند تا از قریه کلاغی که در وسط راه بود گذشته در سایه بیدستان فرود
آمدند بعد از صرف نهار میرشکار را مقرر داشتند که از جلو رفته در جبال اطراف
تهیه تیهو یکی شکار باشد و خود سرکار پادشاهی از قریه بار گذشته بپای گردنه صعب

نخجی رسیدند جمیع سواران را در پای گردنه گذاشته و با امین خلوت و مهدی قلیخان و آقا علی گرجی و آبدارباشی و با چند نفر تفنگدار از بالای گردنه تشریف فرما شدند در اینجا راه کوه منشعب بدو شعبه میشد و معلوم نبود که میرشکار از کدام سمت رفته پس سرکار پادشاهی پیاده شده و اندکی از قوا که میل فرموده از بالای دره بسمت منزل معاودت فرمودند و در قریه کلاغی نماز گذارده چای میل نموده تشریف فرمای اردوی مبارکه شدند

آنانکه در پای گردنه مانده بودند ساعتی بعد باردو ملحق گشتند میرشکار نیز معاودت نموده شکاری نیافته بود از گلستان به بار پنجه شنگ است و جمیع این راه دو خیابانی است مسقف از اشجار زرشک و گلهای ملمع و درختان ارغوان جنگلی و سنگهای اطراف دره اغلب سنگ سماق است در وسط جاده تا بار پنجه قریه کلاغی دهی نیست

## شنبه بیست و ششم و بازگشت اردوی کیوان پوی از ییلاق گلستان بشهر مشهد

در این روز که روز کوچ بود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی زودتر از سایر ایام

سوار شده بسر بند گلستان تشریف فرما گشتند و در آنجا پیاده شده قدری بند مزبور را سیاحت فرموده و بکالسکه نشسته بسمت شهر عطف عنان نمودند سمت ایسر جاده دهی موسوم بقاسم آباد و باغی بنظر مبارک آمده بدان جانب توجه فرمودند که شاید سزاوار توقف موقتی باشد و چون لایق استعداد بدین مشرف نبود از فرود شدن در او صرف نظر کرده باغ و قلعه امامیه مرحوم امام جمعه که در نهایت باصفا بود نظارگاه همایونی گشته پنجساعت بغروب مانده امین الدوله و ظهیر الدوله و دبیر الملک و سایر وزرا و اعیان در درب دروازه ارک بزیارت رکاب قمر انتساب مشرف شده بعواطف ملوکانه مفتخر و مباهی گشته پس از ورود بعمارت مبارکه چاپار دار الخلافه رسیده و عرایض مستوفی الممالک و سایر وزرا بلحوظ نظر مبارک گشت هنگام غروب بر نهج معمول تیر رفته و خادمان حرم جلالت بزیارت خاکپای همایون تشرف یافته بند ناستمان بندی در نهایت محکم و استوار است که تمام آنرا با آجر و گچ و آهک در زمان قدیم بنا کرده اند و در پهنای بند جابجای مشتمل بر پله های متعدد که در انتهای آن ناودان آب بنا است آب این بند

از جمله موقوفات حضرت رضوی علیه السلام است و طرق و غیره از آن
مشروب میگردد

# بیست و هفتم شهر صفر و چهاردهم ورود موکب نصرت اثر بارض اقدس

در این روز سرکار اقدس همایون شاهنشاهی تمام اوقات شریف را
از صبح الی شام بغور رسی امورات دولتی و صدور اوامر و نواهی مصروف
داشتند ابتدا ظهیرالدوله و میرزا محمد رضای وزیر کتابچه جمع و خرج خراسان را
بعرض حضور مبارک رسانیده و اعلیحضرت شاهنشاهی یکان یکان در مفرد
و من ذلک آن توجه نموده مخارج بی مصرف را نقصان داده و مصارف لازمه را
فزودند تا جمع و خرج یکسان گشت و حصول اینمعنی کاری در نهایت صعب و
دشوار بود زیرا که در سوابق ایام همه ساله رسم بر آن بود که مبالغی خطیر از خزانه عامره
از برای کسر جمع خراسان و مصارف قشونی آن سامان حمل میدادند و در این کتابچه
جدید با وجود آنکه بر مواجب و مرسوم اغلبی از اهالی عسکریه افزوده گشت میزان
جمع و خرج مساوی آمده و مبلغی جمع بر خرج فاضل آمده مقرر گشت که حاکم خراسان

از قرار قسط بدار الخلافة الباهره فرستند چون از این امر خطیر فراغت حاصل

گشت محمد حسین خان مأمور بکلات گشت و در انتظام امور سواره هزاره و زیر

احکام خسروانه شرف صدور یافته یوسف خان هزاره و پسر او که در این سفر این

مرتکب بی حسابی و بی نظمی و در انتظام امور سواره نساختن واجب مرسوم ایشان

بی مبالاتی کرده بود مورد غضب و سخط ملوکانه شده از شغل و منصب خود

معزول گشته تنبیه و تادیب شدند و محمد خان هزاره که براستی و درستی موصوف

بود بایل بیگی کری ایل هزاره مأمور و سرافراز آمد و هم در این روز حیدر قلیخان

سهام الدوله که بر ترکمانان تاخته بود شصت نفر اسیر و سی نیزه سر و گوسفند

بیرون از حساب و مرغوب سواران و کسان خویش به پیشگاه حضور معطوف

دستور فرستاده الطاف محیط الفصاف همایونی شامل حال وی شده

بصدور فرمان و احکام قضا جریان و خلعت آفتاب نشان بر شان و مرتبه ایشان

بیفزودند و نیز فرستادگان حکام کرمان و طبس تهنیت ورود موکب مسعود را

پیشکشهای لایقه از شالهای اعلی و نقود و سایر اقمشه آن ولایات تقدیم

نموده مورد مراحم خسروانی گشته بخیاعت بغروب بماند از امورات مزبوره

فراغت حاصل شده و اعلیحضرت شاهنشاهی بشکرانه نعمات الهی را در آستان

عرش نشان حضرت سلطان الامامت و اختر برج خلافت بجای آورده نماز

مغرب و عشا گذارده بارک مبارکه معاودت فرمودند

## بیست و هشتم صفر و پانزدهم توقف مشهد مقدس

درین روز چاپار دار الخلافه در رسید و عرایض وزارت علوم و وزارت جلیله عدلیه اعظم

و وزیر امور خارجه را در آستان مهر نشان تبلیغ نموده از قراریکه میرزا بزرگ

خان کارپرداز دولت علیه مقیم بغداد بوزارت امور خارجه اطلاع داده بود

علیرضا خان قاجار پیشخدمت خاصه همایونی که حامل خشتهای طلا از برای

امامین همامین عسکریین علیهما السلام بود در پانزدهم شهر محرم الحرام بشهر بغداد

وارد گشته و از جانب حکومت بغداد و کارپردازخانه دولت علیه و علما

و تجار و تبعهٔ این دولت قوی شوکت در تشریفات ورود خان معظم الیه رعایت

احترام هدایای شاهنشاه ایران بکمال اهتمام و دقت را مرعی داشته در شرایط

استقبال از هیچ چیز فروگذاشت نکرده اند بنحویکه تاکنون در آن صفحات عالی

برکات چنین تشریفات و پذیرائی از برای احدی صورت تیسر نپذیرفته

بالاخره سرکار اقدس شاهنشاهی با وجود شدت حرارت و گرمی هوا که اسباب
زحمت وجود مبارک همایون بود تا هنگام عصر بمطالعه عرایض وزراء و
صدور احکام اشتغال داشتند

## بیست و نهم شهر صفر و شانزدهم ورود بارض اقدس

سرکار اقدس همایون شاهنشاهی درین روز اول صبح بصدور و تعلیق احکام
مشغول گشته امر برجعت دادن سربازان فرمودند بهنگام ظهر چاپارهای دیگر
از دار الخلافه و استراباد رسیدند و نوشتجات ایشان متضمن بعضی وقایع
و حوادث چند بود از جمله استراباد معروض داشته بودند که مراد نامی
از افاغنه که بنیرنج و شعبده بازی متصف است در میان طایفه جعفربای
با دیگر بعضی شعبده و نیرنجات بین عقلا و حشی را فریفته و بگمان
انداخته است که پیغمبر است و اطاعت و لازم و متعین و بواسطه اقبال ایشانی
که لقب پیشوایان ترکمان است معروف گشته و خلقی را بجوه برده و بخود گرد کرده
و در آن نواحی بنای طغیان و شرارت و فتنه و نازکتاری گذارده اند و نیز از حد
ترکی و لاسیجات معروض داشته بود که حمزه و آق ... و عباس کلمی ... اشرار

عقلشانا تاخت آورده از ایل قره پاپاق بسیاری کشته و زخم دار نموده و سی نفر و یک دو قریه دیگر را غارت کرده بخاک روم گریخته و هم از عربستان و خوزستان بعرض رسانیده بودند که مرضی مشابه طاعون در صفحات محمره و بصره و نهر هندیه ظاهر گشته و اسباب تلاف و وحشت مردم شد بالجمله از این اخبار خاطر مبارک حضرت خسرو کامکار متألم و متأثر گشته دستخطهای متعدده و احکام شدیده با فتخار مستوفی الممالک و سردار و دیگر وزرا شرف صدور یافت که در علاج این وقایع و حوادث ساعی و جاهد باشند ملک آرا حکمران استرابادرا سواره و پیاده زیاد باعانت فرستد و حمزه آقارا از حکام و سرحدداران دولت علیه عثمانیه مطالبه دارند و حشمة الدوله حمزه میرزا فرمانفرمای خوزستان و بختیاری و غیره اعلام سازند که هرگاه خدای ناخواسته این مرض بداخله مملکت سرایت نماید در جمع آوری اطبا و بذل دوا و رعایت حفظ صحت و التفات و احسان بلشکری و رعیت خودداری ننمایند و حقیقت این مرض وافده را بعرض رسانند و چون ذات والاصفات همایون را از صدور این احکام فراغتی حاصل شد بزیارت آستان عرش نشان مشرف گشته و ساعتی تفقد

درآن بقعهٔ منوره بنماز و عرض نیاز مشغول بودند چون از حرم مطهر بیرون

تشریف آوردند با کمال بشاشت و خرمی یاقوت قلبی که مخصوص این وجود

مبارک است بعبارات مبارکات بیعت فرمودند

## سلخ شهر صفر و روز سیم توقف حضرت پادشاهی در مشهد مقدس

درین روز خاطر مبارک تفرج نایل شده فاتحه مزار خواجه ربیع علیه الرحمه

با یک گشته در اول صبح بعد از تشریف فرمائی بحمام سوار شده ابتدا بباغ

سمرقند که باغی بزرگ و از موقوفات حضرت فیض آثار است شرف ورود

ارزانی داشته و درآن باغ صرف نهار فرموده بخواجه ربیع تشریف بردند

بعد از فاتحه بحکم تعمیر عمارات آن بقعه که هم مدفن مرحوم فتحعلی خان قاجار جد

حضرت شاهنشاهی است اندک وقتی استراحت نموده چای و عصرانه میل کردند

و مدبر الملک که وکالت استراباد محول و مرجوع بدو بود برخی فرمایشات

لازمه را مقرر داشته که با سواری مخصوص ملک آرا اطلاع دهد و بعد بکالسکه

نشسته از دروازه نوغان داخل شهر گشته و از میان شهر بارک مبارکه مراجعت

فرمودند و در اینوقت اعتضاد الدوله بحضور مبارک آمده معروض داشت
که ایشان ملعون با ترکمانان بسمت آق قلعه تاخته و با ملک آرا جنگی در انداخته
جناب حاجی ملا رضای رئیس العلماء در آن جنگ بدرجه شهادت فائز گشته
و خود ملک آرا با معدود قلیلی در خانهٔ آدینه خان که از خدمتگذاران دولت است
متحصن گشته و محمد میرزای پسر نواب معظم الیه را جراحتی از شمشیر و گلوله رسیده
خاطر همایونی ازین خبر برآشفته و قلع و قمع طایفهٔ ضاله را بر ذمهٔ همت والا
گرفته با اعتضاد الدوله مقرر داشت که با چاپاران سریع السیر بمازندران و حوالی
آن صفحات اعلام دهد و احکام صادر نماید که عساکر منصوره در استراباد
جمع آیند و چون جمعیت ملک آرا اندک بود و ترکمانان زیاده از شش هفت
هزار و تا رسیدن لشکر مدتی لازم بود سرکار پادشاهی خبر فتح ملک آرا
و استخلاص نواب معظم الیه را از آن بلیهٔ عظیم از خداوند خواستار شدند
دو ساعت از شب رفته چاپاری از دار الخلافه در رسید که سه روزه طی این
منازل نموده و حامل عرایض مستوفی الممالک و سردار و مژدهٔ فتح ملک آرا
و کشته شدن ایشان ترکمان بود حاجی آغا یوسف خواجه باشی این مژده را

و در حرمخانهٔ مبارکه بعرض عاکفان حضور عطوفت دستور رسانیده باعطای

خلعتی مهرطلعت و پانصد تومان انعام مفتخر و بهره ور گردید

از قراریکه از دار الخلافه و استراباد بعرض آستان مبارک رسانیده بودند

تفصیل این حادثه و وقوع جنگ و گرفتاری ملک آرا و شهادت مرحوم رئیس

و کشتن ملک آرا ایشان بدنشان را بدین نحو است که چون در اوقات

توقف ملک آرا آنحوالی و صفحات در نهایت امن و امان بود و مدتها از طوایف

مختلفه ترکمان سوادی ملاحظه نشده ملک آرا فوج لاریجانی که مدتها بود

مقیم آق قلعه بود مرخص خانه کرده و مصطفی قلیخان سرتیپ قراگوزلو را بجای ایشان

مأمور نموده بود و فوج طهران و عبد الرزاق خان سرتیپ را بکومیار روانه داشته

و خود با سیصد سوار خواجه وند و سواد کوهی و ضدم زمستانی در داخل شهر توقف

داشت در جمعه بیستم مصطفی قلیخان میرپنج و سید علی خان شیخ که یکی از سرکردگان

آق قلعه سواری نزد ملک آرا فرستاده اعلام مینمایند که ایشان ترکمان

با سیصد سوار قراچی و چاروائی اترک از برای آق قلعه حرکت کرده در آق

زبیل که محل ملاقی دو رود خانه و تا آق قلعه سه فرسنگ است فرود شده اند

و از برای قلعه کیان آذوقه چند روزه لازم است تا هرگاه ایشان بدشان
بدیشان تازد خودداری توانند نمود چون این خبر معروض ملک آرا گردید
فوراً یکصد بار آذوقه از آرد و جو و برنج وغیره مهیا ساخته و از آنجا که صاحب منصبی
کاروان و باشان در خدمت نداشت خود یکصد نفر از سوار خواجه وند و صد کتول
و صد دیگر از پیاده صدهم رستاقی همراه گرفته بسمت آق قلعه عازم گشت تا بلشکریان
آذوقه رساند و هم آنها را از آسیب ترکمان محفوظ دارد بهنگامی که از پل سیاه آب
گذشته بجنگل رسید سواری از جانب قلعه کیان آمده اظهار داشت که ایشان ترکمان
از الم جعفربای گذشته و بالم حاجی آقا که در نیم فرسنگی آق قلعه است نزول کرده اند
ملک آرا بالای تپه که بنرگس تپه موسوم است برآمده با دوربین سواری زیاد ملاحظه
نمود که با آق قلعه نزدیک شده اند پس در همانجا توقف نموده سواری بشهر فرستاده
از جناب رئیس توپ و امداد طلب نمود مدتی نگذشته که سواران ترکمان
بیکدفعه اسب انداز بر سر آق قلعه تاخته مصطفی قلی خان میرپنج و حسینعلیخان شیخ
بباره قلعه برآمده با گلوله و ساچمه توپ سواران را باز پس نشاندند و سه نفر از ایشان را
هدف گلوله توپ ساختند سواران بیکدفعه زدو قلعه را کنده و منهدم شدند

و پیاده نیز ملک آرا معروض داشت که ایشان و ترکمانان فراریان ایل
دار شدند صحرا و اطراف قلعه را گذاشته ساعتی بر نیامد که جناب نیز یک
عراده توپ و چهار صد نفر شهری بسواران ملک آرا ملحق گشتند نواب معظم الیه
چون دشمن را فراری دیده و میدان را خالی یافت جمعیت شهری را رجعت داده یک عراده
توپ را همراه گرفته از جناب نیز ملتمس شد که بشهر رجعت فرمایند آنجناب
بدین معنی رضا نداده خود با معدودی قلیل بهمراه ملک آرا تعاقب نمودند آذوقه را
در میان لشکریان تقسیم نموده توپچیان را با انعامی شایان بنواختند صبح بیست و
یکم سه نفر ترکمان نزدیک قلعه آمده و مذکور داشتند که ایشان ترکمان با هزار سوار
بسرخ کلاه عبدالصمد خان تاخته برادران عبدالصمد خان را مقتول نموده پسر او را
با چهل نفر از رعیت اسیر کرده با اغنام بسیار در شرف مراجعت اند ملک آرا
فوراً با سواران تیز دو چهار صد سرباز از قلعه بیرون آمده خواستند تا سر راه بر خصم
بگیرند و اسیر را استرداد نمایند ملک آرا چون از رود در رسیده هجوم کردند ترکمانان
از بیم رو شده و از پشت ساحت تن در دین گذشته اند ملک آرا از تعاقب
ایشان مأیوس حاصل گشت و عبدالصمد خان و سوار مقصودلو را بجانهای خود فرستاد و

و در کمال افسردگی بجای انکه بشهر رود دوباره بآق قلعه رجعت نمود و شب را
در قلعه بماندند صبح بیست و دوم خبر آمد که ترکمان در دراجق بسغو کرده اند
و نواب ملک آرا هر قدر با دوربین باطراف ملاحظه نمود آثاری از ایشان
نیافت و چون رجعت بشهر لازم بود کریم خان ترکمان را از برای تحقیق حال
از دشمن و تعیین مکان ایشان مامور داشت کریم خان در مراجعت بر خلاف
امانت و دیانت مذکور نمود که ترکمانان بمکان و منازل خویش شده اند و یک
صد سوار ایشان بقراولی مانده است ملک آرا بدین حرف سخن گشته اضبوا
جناب رئیس با دویست سوار و دویست پیاده و از آق قلعه بیرون آمده راه شهر
پیش گرفتند هنوز دو هزار قدم از آق قلعه دور نشده بودند که ناگاه سواران
بسغو کرده از هر طرف بیست نفر سی نفر بیرون آمده اطراف ملک آرا را احاطه
نمودند مصطفی قلیخان میرپنج از بالای باره قلعه کثرت سواران دشمن را ملاحظه نمود
سیپور رجعت زد جناب رئیس پیاده شمشیر در دست گرفته برجعت رضا نداده
شروع بجهاد نموده و هر قدر خواستند او را سوار نمایند قبول نکرده و چون شیر
غران بر آن دشمنان اسلام حمله داد در حوالی نرگس تپه تعداد سواران دشمن به سه هزار

رسید و کار بر مسلمانان تنگ شد در آن هنگام آدینه خان با پنجاه غلام ترکمان
در رسید و ملک آرا متحصن شدن در خانه خود که در هزار قدمی نرگس تپه واقع است
ترغیب و تحریص نمود در این حین جنگ در افتاد و شاهزاده جز رفتن بقلعه آدینه خان
چاره نیافت پس خود شمشیر کشیده از قدم سپاه جنگ کنان بسمت خانه روان
شد و در کنار خندق بایستاد تا تمام سپاه بخانه اندر شده در قلعه را بسته
متحصن گشت و معلوم گشت که جناب حاجی ملا رضا در آن گیرودار بشربت
شهادت فائز گشته و پسر نواب معظم الیه زخمی منکر برداشته و ملا محمد نصرآبادی
اسیر و پانزده نفر از سایر سواران شهید و زخمدار شده اند بالاخره نعش
مرحوم آخوند را از میان دشمن بیرون آورده و تمامی در درون قلعه رفته
از پشت دیوار قلعه بنای تیراندازی گذاشته و کثیری از سواران ترکمان
بجهنم شتافتند و دیگران سر از جنگ برتافته بسمت نرگس تپه شدند
و چون در آنحالت ماندن مرتبه در نهایت صعب بود محمود خان قاجار داد طلب
شد که باید تنها برود و جمعی از اهل شهر به معاونت و کمک با خود آرد ملک آرا
اگرچه این معنی را مفاد بدانست ولی محض قوت قلب قلعگیان محمود خان را

بشهر گسیل نمود و آن سوار دلیر در کمال جلدی و چالاکی خود را بشهر رسانده مردم را
از این واقعهٔ عظمی اطلاع داد در این هنگام شام در رسید ملک آرا دو همت
از داخل خانه را به نوروز خان و نصیر خان کتول و همتی را بمحمد میرزا سپرده خود بهتر
در سمت مقابل نشسته مشغول محارست شدند ترکمانان جسور در آن ظلمت
شب بهیئت اجتماع بخانه آدینه نهمان یورش بردند و دلیران و شجاعان اسلام
همچنان سخت بایستاده از سر طرف ایشانرا هدف گلوله ساختند تا جمعی کثیر مقتول
شدند و از آن یورش صرفه نبرده رجعت کردند و چون از غلبه مایوس شدند
آدینه خانرا خواسته قرار بر صلح گذاشتند و از ملک آرا درخواست کردند که مبلغ
شش هزار تومان از بابت خون شصت نفر ترکمان مقتول بجان ایشان بدهد
و یکصد طاقه شال بصد نفر سرکردگان ترکمان برسم خلعت عطا نموده بدون
نزاع بشهر استراباد درود چون آدینه خان این خبر را معروض ملک آرا داشت
شاهزاده محض مصلحت وقت و حفظ جان مسلمانان این مبلغ را قبول نمود
که بعد از رفتن بشهر بفرستد آدینه خان نزد ایشان رجعت نمود که امر مصالحه را
بگذراند و هنوز گفتگو بود که مردم شهری از دور نمایان شدند ترکمانان چون

چنان دیدند حرف مصالحه را گذاشته یکدفعه پنج شش هزار سوار تاخته و آن
بیچاره ها را در جنگل و باطلاق محاصره نموده شش هفت نفر کشته سر بقیه را اسیر کرده
نزد ایشان آوردند آن ملعون محض خباثت طبیعت حکم داد تا تمام آنها را
بقتل رسانند ترکمانان بدان رضا نداده گفتند از کشتن ایشان ما را فایده
متصور نیست و از غضب و سخط شاهنشاه ایران زمانی نتوانیم داشت بلکه چون آنها
باشند از دو کردن آنها مانع کلیه خواهیم بود و راه استخلاص خواهیم داشت
اینک ایشان ما را باشند و آنها که در درون قلعه بودند مخصوص تو باشند ایشان
مجبور بدین معنی رضا داده حرف مصالحت پیش آوردند و از مصالحه هر طایفه
شرف و چون که دو تیره مختلف در قبول مصالحه با یکدیگر متنازع شدند و از در خصومت
بر آمده سر طایفه یکطرف به منزل گزیدند آدینه خان مراجعت نموده مراتب را
بملک آنجا رسانیده و معروض داشت که چون شب در رسد طایفه جعفربای
یورش خواهند آورد و خود در خدمت تعجیل نموده میان آتابای رفت سرانجام
از شب رفته جعفربای ترتیب شمرده و در خانه یورش بودند و همچنان جمعی از ایشان
کشته بی نیل مقصود مراجعت نمودند و از آنجا که ایشان شخصی در نهایت

مراد را

مذکور و مدبر بوده اختلاف شرف و چونی را از برای خود مضر دانسته در میان
ایشان اصلاح داد و چون صبح در رسید همه متفق گشته برسم ترکمانی هم عهد
گشته فاتحه خوانده خود با علم و بیدق و تمام سواران بر سر خانه تاختن کردند
ملک آرا از هر طرف مایوس گشته پناه بالطاف حضرت ذو الجلال و اقبال
شاهنشاه بیهمال جسته دست از جان شسته جنگ را آماده شدند چون سواران
نزدیک شدند و چند تیر توپ و تفنگ از جانبین رد و بدل شاهزاده محمد میرزا
علمدار ایشان را بنظر آورده با یک گلوله تفنگ بدار البوار فرستاد و علم نگونسار
گشت ایشان آستین بر زده با شمشیر برهنه در مقدم سوار از برای در خانه روانه شدند
ملک آرا خود او را بنظر آورده گلوله بر شانه چپش زد و هم یکی از غلامان کتول
تیر دیگر بشانه دیگرش رسانید تا بر زمین خورد بناگاه ترکمانی فریاد برآورد که ایشان
بمرد و جمیع سواران از این خبر بهزیمت شدند ساعتی بر نیامد که جز نعش زیاد
آثاری از آن نابکاران در آن بیابان نماند ملک آرا بسجده افتاده شکر
خداوند یگانه بجای آورده و یکساعت بعد با تمام همراهان نعش مرحوم آخوند را
برداشته بشهر استراباد آمده و مژده این فتح و آمدن رؤسای ترکمانان را

از تضرع و خدمتگذاری با جاپاری مخصوص بعرض عاکفان حضور معدلت
دستور همایون رسانید بالاخره چون سرکار شاهنشاهی از وقوع این فتح
که محض از توجه ائمه هدی علیهم السلام و اقبال بیزوال همایون شهریاری صورت
تیسیر پذیرفته بود خوشنود و دلشاد گشته شجاع بدان اکتفا نفرموده و استرداد اسرا
و تنظیم کلیه صفحات استراباد و حدود بحر خضر و تنبیه کامل طایفه ضاله را تصمیم
عزم ملوکانه داده هم دران شب باعتضاد الدوله در اجرای این مهم فرمایشات
لازمه و تاکیدات مؤکده فرمودند

## غره ربیع الاولی و هیجدهم توقف موکب همایون اعلی در آستان عرش نشان معلی

از آنجا که تولیت خاص و ریاست خدام آستان عرش اساس از خصایص
مخصوص ذات والاصفات همایون شاهنشاهی است بر ذمت همت ملوکانه
لازم و واجب بود که خدام آن آستان مبارک را جزو و کل سالیان دیده
و بکتابچه جمع و خرج موقوفه آستانه امعان نظر و صرف دقت فرمایند
تا چیزی برخلاف واقع بمصرف نرسد و خادمی من غیر استحقاق بدین فیض

عظمی مستعد نگردد پس در این روز از اول صبح محض اجرای این تکلیف

بزرگ که حق نایب امام و سلطان اسلام است از ارک مبارکه بیرون تشریف

آورده و تشریف فرمای آستانهٔ مقدسهٔ منوره شدند ابتدا بدار الشفای

جدید حضرت که از بناهای مرحوم مشیر الدوله است تشریف برده وضع باغچه‌ها

و حجرات مرضاء و البسه و بستر و تخت و اغذیه و ادویه جات مریضخانه مقبول

طبع ملوکانه گشته و مبلغی بخدام و مستحقین دار الشفا برسم انعام احسان فرمودند

و از آنجا داخل صحن متبرکه گشته اول بزیارت آستان امامت تشرف جستند

از آن پس برسم بازدید علمای مشهد که در دار السعاده مجمع بودند اندکی در آنمکان

توقف فرموده و با هریک از علماء اظهار مرحمت و مکرمت نموده و از برای

صرف نهار که از کارخانهٔ مخصوص حضرت فیض آثار آماده و مهیا ساخته بودند بکشیک‌خانه

الله وردیخان تشریف بردند

اعتضاد الدوله و معیر الممالک و حاجی میرزا علی مشکوة الملک و هم دیگران

از چاکران را مقرر و مشهد که رفته محض تیمن و تبرک از خوانهای نعمت حضرت

امامت که زیاده از اندازه بودند قسمت گیرند و معدودی از چاکران ادنی و اعلی

باقی نماند که در آن روز در آن آستان مبارک تغذیه ننمود حتی قسمتی از برای
بازماندگان و اقربای خویش نگرفت چون سرکار پادشاهی را از صرف نهار
فراغتی حاصل گشت بدار السعاده تشریف برده و بر کرسی تولیت و نیابت
جلوس فرموده میرزای ناظر و جناب صدر را که از جمله سادات و رؤسای اند
اذن جلوس داده امر با حضار خدام شد مجد الملک [illegible] ز روی ثبت سررشته
دفترخانهٔ مبارکه حضرتی یکان یکان رؤسا و مرؤسین کشیک خمسه را از نظر
آفتاب اثر همایون گذرانده و معرفی نموده تا تمام از نشان گذشته منظور
نظر مبارک شدند جمعی کثیر از اعاظم و رجال دولت و چاکران دربار همایونی
نیز مانند اعتضاد الدوله و معیر الممالک و اجودان مخصوص و آقا علی و حاجی محمد
صادق خان سرتیپ و عکاسباشی و امثال ایشان حتی محمد خان که پسر و آقا علی
از صاحبمنصبان جزو که در آستانه مقدسه حضرت سمت خدمتگذاری و خادمی
هریک در کشیک خود از نشان گذشتند پس از نشان کتابچه جمع و خرج آستانه
ملحوظ نظر ملوکانه گشت و در جزو کل جمع و خرج آن دقت خسروانه مصروف
آمد تا جمع که معادل پنجاه هزار تومان بود قریب ششهزار بر خرج فزونی نمود و مقرر شد

که جناب متولی باشی همه ساله این مبلغ را باستحضار کارگذاران دیوان اعلی صرف
تعمیر عمارات و توسعه و آبادی موقوفات سازد از جمله مصارف بی بادی آستانه
که خارج از قاعده بود و متروک گشت آن بود که بمرور دهور جمعی کثیر از شاهزادگان
عظام و چاکران دربار سپهر احتشام در آستانه مقدسه بخدمتی سرافراز شده
از دیوان حضرت فیض آثار مواجب مرسوم داشتند و چون خود در سر خدمت
حاضر نبودند این مبلغ را بنواب خویش واگذار مینمودند و در هر سال مبلغی گزاف بدین
اسم بخرج منظور میگشت پس سرکار همایون شاهنشاهی محض اجتناب از چنین
مصارف بیمعنی از امروز بموجب حکم صریح مقرر داشتند که من بعد هر کس محض تیمن
و تبرک و حصول افتخار دنیوی و اخروی متمنی آنست که جزء خدام آستان عرش
نشان باشد وصول بدین موهبت عظمی را فرمان افتخار حاصل کند و خود از عهده
مصارف و مخارج نایب خویش برآید و اسراف در مال امام جایز ندارند تا آنچه همه ساله
بدین اسم بخرج میرفت در آینده بمصرف واجب و لازم رسد چون ذات والا
صفات همایون را انتظام و اصلاح این امر مهم میپرداخت با امین الدوله و اعتماد
السلطنه و دبیر الملک بکتابخانه مبارکه تشریف برده بقیه کتب را ملاحظه فرموده

اوراق قرآن عظیم که بخط میرزا بایسنغر است در نظر انور زیاده از حد جلوه گر
آمده و مقرر داشته شد که مخصوصاً بهمه جا بسپارند تا هر کس از بقیه اوراق این قرآن
بیابد آورده بکتابخانه مبارکه بدهد مستحق انعام و احسان جزیل شود سه ساعت
بغروب مانده حضرت همایونی در روضه مطهره نماز گذارده تحویلخانه و کشیکخانه
و سایر اماکن آستانه مبارکه را نیز از روی دقت امعان نظر فرموده از راه باز آ
بمقر سلطنت عظمی عود دادند و با آنکه مزاج مبارک همایونی را اندک درد دل
وتب کسالتی تمام بود تا شام مشغول انجام احکام دار الخلافه گشته و نزدیک شب
بخانه نواب جلال الدوله تشریف برده از آنجا بحرمخانه مبارکه رفته بیاسودند
خادمان حرم محترم شاهنشاهی که بزیارت مقبره خواجه ربیع علیه الرحمه مشرف شده
بودند به هنگام غروب بارک مبارکه رجعت نمودند آقا ابراهیم آبدارباشی که چند
روز قبل بمرض ذات الجنب مبتلا شده بود از این مرض صحت یافته و خاطر
مبارک شاهنشاهی بصحت مزاج این چنین چاکر صدیق جان نثار خورسند گشت
و هم حاجی محمد بیک خان قهوه چی باشی را که حمی مطبقه مستولی گشته بود حکما
و اطبای سرکار پادشاهی مشغول معالجه شدند و نهایت اهتمام را در علاج او مرعی داشتند

دوم ربیع الاول و نوزدهم توقف اردوی کیوان پوی

درین روز سرکار همایون پادشاهی بواسطه بقیه کسالت مزاج روز سابق
خود را از مشرف شدن باستانه مقدسه معاف داشته اولا با امین الملک
در برخی مطالب ولتی و مملکتی فرمایشات و احکامات لازمه فرموده بعد
قلیل غذائی تناول کرده اندک وقتی بغنودند محمد تقی خان افشار و محمد حسن خان
محقق بعرض تاریخ روضة الصفا مشغول گشتند تا سرکار پادشاهی از خواب
برخواستند و بحمد الله تعالی از برکت توجه امام علیه السلام از کسالت مزاج مبارک
همایونی آثاری نمانده بود
حکیمباشی طولزان بحضور مبارک مشرف گشته سرکار شاهنشاهی از نیکوئی و خوبی هوا
و اعتدال شبهای مشهد خاصه نایاب بودن جانوران موذی و قلت حشرات
الارض بحکیم اظهار تعجب و خوشوقتی میفرمودند حکیمباشی نیز از سلامت هوای
این شهر شریف در نهایت توصیف میکرد و معروض میداشت که یکی از محسنات
هوای این شهر عدم بادهای سخت سیاه گردآلود و اعتدال کلیه هوای شبهاست
و بهمین جهت بیقین میتوان کرد که هرگاه جزئی مراقبت و مواظبت در تنظیف داخله

شهر نمایند الی الآن از اغلب امراض وافده و غیره وافده مصون و محروس مانده

بالاخره حکیم باشی از روزنامجات فرنسوی بعرض حضور مبارک میرساند که خیال

و گفتگوی جنگ که سابق بر این در میان دول یوروپا بر سر خیال و حرفی

سبقت داشت اکنون من حیث المجموع بگفتگوی صلح و آرامی تبدیل یافته مردم را جز هوای

تفرج بساط عرض هنر پاریس خیالی نیست. در این بساط که جمیع طرایف فرنگستان

اکثر از پی سیاحان مینمایند جمیع سلاطین یوروپ چون امپراطور روس و پادشاه

پروس و ولیعهد دولت انگلیس و دیگر سلاطین و پادشاهان حتی اعلیحضرت سلطان

آل عثمان نیز حاضر شده‌اند و از قراریکه روزنامه نویس نوشته بود مردم کمال

افسوس داشتند از اینکه شاهنشاه مملکت ایران بواسطه سفر خراسان نتوانستند

دعوت اعلیحضرت امپراطور را قبول نموده در این موقع نیک بدان صفحات تشریف

فرما شده و سیاحت فرنگستان فرمایند. چهار ساعت بغروب مانده حکیمباشی مرخص

شد و سرکار پادشاهی بحرمخانه تشریف فرما شده آقا یوسف بسرای

دار مقرر فرمودند که شب دیوار تیج ادیق ظاهر که مشرف بعمارات ارک

و خارج است آتش بازی برق و فانوس بندند و تعجب فرموده سه ساعت از شب گذشته

اشیا تازه‌ئی بس نیکو کردند که اسباب حیرت اهالی شهر و غربا بود

## سوم ربیع الاول و پنجم توقف ارض اقدس

درین روز خاطر مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تفرج باغ خلج که در خارج
شهر واقع است عزم فرموده و در اول روز بعد از حمام از دیوانخانه مبارک
بیرون تشریف آورده از کنار باغ خونی که یکی از باغات معروف مشهد است
عبور فرموده بباغ خلج که در سمت جنوبی شهر واقع است تشریف فرما شدند
و در باغ مزبور امیرزاده محمد حسین میرزا و حاجی محمد قلی بیک و ابراهیم خان
نایب اصطبل خاصه همایونی اسبان عربی و ترکمانی مرحوم سپهسالار را که در
حیات خود از برای پیشکش حضور همایون مهیا نموده بود از حضور مبارک
گذرانده باصطبل خاصه بردند یکی از آنجمله که اسب عربی ممتازی بود بمحمد حسن خان
محقق مرحمت شد سرکار پادشاهی بعد از تفرج و صرف نهار باستراحت
مشغول گشتند و این بنده تا چهار ساعت بغروب مانده بعرض کتاب ناسخ
التواریخ اشتغال ورزید درینوقت محمد صادق خان سرتیپ عریضه
بحضور مبارک فرستاد متضمن رقعه که حاجی حسین خان شهاب الملک بدو نوشته بود

مبنی برآنکه فوج زرندی که برحسب امر اولیای دولت مامور به خلو کلات بودند
بتحریک چند نفر از مفسدین با نسبه محمد مرادخان سرتیپ خود بنای نافرمانی
گذارده و بی احترامی کرده اند و یک دسته ایشان که اهالی مزدقان چای و معاد
دویست و پنجاه نفر بودند در زاویه مقدسه بستی شده اند خاطر مبارک خسروانی
از این خبر آشفته ملک منصور میرزا و آقا علی آشتیانی را مامور فرمودند که بشهر رفته
تحقیق این مسئله نمایند و سبب بستی شدن سرباز را معلوم کرده اولیا
دولت و وزرا حضرات در دیوانخانه مبارکه حاضر زیارت خاکپای همایون
و اصغای فرمایشات ملوکانه سازند و خود سرکار پادشاهی بعد از نماز
سوار شده با میرشکار و محمد علیخان این بنده بر بالای کوهی که در آن حوالی
و در سر راه زغنه و بیم بند طرق از آنجا نمایان است برآمده لحظه با دوربین شهر
و اطراف سیاحت فرموده از کوه بزیر آمده بدرشکه نشسته و نیم ساعت
بغروب مانده بشهر تشریف فرما گشتند امین الدوله و اعتضادالدوله و دبیرالملک
و اجودان باشی در دیوانخانه درک فیض زیارت خاکپای همایون نمودند
شاهنشاه از واقعه حادثه متغیر گشته چون معلوم حضور مبارک گشت که این حرکت

سرباز محض فساد و نزوش بکلات و بدون حقانیت بوده است مقرر شد

یک فوج رفته دور ایشانرا بگیرد و اولا اولیای دولت ایشانرا به نصیحت و مواعظ

اطمینان دهند و از عواطف ملوکانه امیدوار ساخته در صورت خلف از غضب

دستخط خسروانی بیاکاهانند و تحریص در بیرون آمدن کنند هرگاه مخالفت

نمودند تمام را گرفته بمعرض عذاب و سیاست آرند امین الدوله و اجودانباشی

نیز بموجب فرموده بزاویه مقدسه شتافته و با سربازان از در پند و نصیحت برآمدند

و سرکار شاهنشاهی در نهایت تغیر خاطر بحرم خانه مبارکه تشریف فرما گشتند

## چهارم ربیع المولود و بیست و یکم ورود موکب مسعود

بهنگام صبح امین الدوله و اجودانباشی بعرض عاکفان حضور عطوفت

دستور رسانیدند که سربازان بستی از غضب ملوکانه آگاه گشته نصایح و مواعظ

اولیای دولت را بگوش قبول اصغا نموده شبانه از بست زاویه مقدسه بیرون

آمده و ازین عمل ناصواب خویش نادم و پشیمان گشته امید عفو و اغماض دارند

سرکار شاهنشاهی بنظر عنایت و گذشت کامله ملوکانه قلم عفو بر جرایم اعمال ایشان

کشیده و از این جرم عظیم درگذشتند چهار ساعت از روز برآمده ظهیر الدوله

ومیرزا نصرالله مستوفی و حاجی میرزا محمد رضای وزیر بحضور عطوفت تخمیر
تشرف جسته کتابچه جمع و خرج خراسان را که در ثانی بموجب امر همایونی نوشته
شده بود از لحاظ انور ملوکانه گذرانده بصحه مبارکه موشح ساختند محمد ابراهیم خان
معتمد الدوله که مدت زمانی مامور خدمت سیستان بود از شهر جنه بند ناصری
که در آن سامان بنا کرده اند با سواره و پیاده ابواجمعی خویش برکاب همایون
آمده بحضور مبارک مشرف گشته خود و پسرش از مراحم گوناگون ملوکانه کامیاب
و مفتخر گردیدند امیر شاهنواز خان پسر مرحوم سلطان احمد خان حاکم هرات
با عبدالله خان برادرش و چند نفر از رؤسای علی کدائی و خزائی و دیگر طوایف
افغان از راه سیستان بهمراه معتمد الدوله بزیارت آستان کیوان پاسبان
مشرف شده مورد الطاف و عنایات بی پایان خسروانی گشتند و چون
بنیان خدمت انصراف یافتند نور محمد خان پیشخدمت خاصه و امین دیوانخانه
مبارکه برسم معهود کتابچه عرایض دادخواهان و متظلمان را بعرض حضور مبارک
رسانیده هر یک از عرایض را بموجب دستخط قضا نهضت جواب حاصل نمود
آنانرا که از فقرا و مساکین بودند قدر کفایت از وجوه دیوان مخصوص تحویلدار وجه صرف

حبیب مبارک بهر یک بقدر خور حال انعام شایسته دهد و آنانکه از طلاب
و سادات بودند با عطای مستمری و وظایف بهره ور گشتند متظلمین و داد
خواهانرا که مظلوم واقع شده بودند از هر مملکت بودند بمدیر و وکیل آن مملکت مقرر
گشت که غوررسی در عرض ایشان نموده احقاق حق نمایند و هم نور محمد خانرا
امر اکید و بلیغ صادر آمد که بعد از اجرای احکام ملوکانه عرایض بانجام رسیده
و مطالب تمام شده راد ثانی بعرض خاکپای همایون رسانند تا عرضی بلا جواب
نماند و اتمام مطلبی برخلاف صواب واقع نشود چه بر سرکار شاهنشاهی رابالطبع در دادرسی
مظلومان و احقاق حق رعایا و برایا رغبت و مراقبتی تام است و محض آنکه
دران سفر مبارک رعایای جزو و کل هیچیک از زیارت جمال مینو مثال محروم
نباشند و عرض عارضی غیر معروض نماند تصمیم ملوکانه بران قرار گرفت که هم چند روزی
بسیاحت و تفرج ییلاقات سناندیز که از دهات خوش هوا و آباد و پر جمعیت و
پر حاصل مشخص است تشریف فرما شوند و حاجب الدوله و دیگر چاکرانرا مقرر گشت
که پیشخیمه بدانجانب فرستند و معدود قلیلی از چاکران خاص چون کشیکچی باشی
و سایر اصلان و حاجی سعد الملک و حاجی شهاب الملک از برای

التزام رکاب مبارک اجرا نمایند

## پنجم شهر ربیع الاول و بیست و دویم توقف شاهنشاه در بیلست گشت

درین صبح که هم از ایام تعطیل بود سرکار پادشاهی بقانون هر هفته از برای شست و شوی بدن مبارک بحمام تشریف برده پس از استحمام بخلوت دیوانخانه آمده تا چهار ساعت بغروب مانده بمطالعه نوشتجات مرحوم سپهسالار مشغول بودند میرزا علیخان منشی حضور همایون مختصر روزنامه اردوی کیوان شکوه را که از بدو حرکت موکب منصور همایون در دارالطباعه دو چاپ می شد متضمن ورود اراضی مقدسه و بعضی وقایع و اتفاقات بعرض حضور مبارک رسانده مقبول خاطر مبارک همایونی گشت بدین تقریب در حضرت خسروانی سخن از نظم و نثر بمیان آمد طبع منیر مبارک ملوکانه که شیفته هر علم و دارای هر گونه کمال است بدان مایل گشت که این ذره بیمقدار و غلام جانثار تا بدانها طلب بغیر ماثیات علیه فرموده مقرر داشت حکیم مدتهاست هیچ شعر نگفته ایم و جز بصحبت رسمی نداشته ایم هم اکنون خاطر مبارک مایل است که بالبدیهه قطعه درستی توانسته فرمائیم و بدون تامل و تخیل این چند شعر را بالبداهه فرمایش فرموده و بدان تفریح نمودند

و چون این اشعار از برای این عبد مایهٔ کمال افتخار بود و مینمود که طبع وقاد تا هنا
چه قدر در انشا و اشعار قادر است همان چند بیت فرمایش ملوکانه را که در حقیقت
شرح حال ماست آن در این اوراق مندرج ساخت

## فرمایش علیه ملوکانه

ای حکیم الممالک سلطان — که بشاگردیت سزد لقمان
ای فلاطون ترا کمینه غلام — ای ارسطو بنزد تو نادان
لیکن اوصاف حکمت را من — نکنم بر جهانیان پنهان
سنجوات را چو سبز ند بروم — زیره گوئی برند بر کرمان
اگر بگیری تو نبض بیماری — روز محشر بگیردت دامان
گر معالج شوی به یکی سنی — ندهی فرق گوش از دندان
زعفران گر دهی بگریه شود — آنکه بودی بصبح و شب خندان
خواهی ار داروئی نمائی سحق — جای هاون بیاوری سندان
اثر ملح خواهی از شکر — خشکی معده جوئی از ریحان
صاحب ثقل گر بود نخوری — می کنی شاف بر نبی همدان

بهر دوائی که میدهی بمریض — واجب است استخاره قرآن

چون بعجز آئی از علاج کسی — مدد و بخت جوئی از شیطان

گر شفا یافت از تو بیماری — داد عمر دوباره اش یزدان

گر تو باشی طبیب یکصد سال — کس نماند بحفظ ابدان

این چنین بوالعجب فن نو را — ست پیدا نشد نواز دانایان

چون قطعه بانجام رسید این بنده شکر این مرحمت خاص بجای آورده در کنار رفعت اساس زیارت آستانه مقدسه شتافت ذات والا صفات شهزانی بعد از ادای خاصه و استعداد زیارت و روشن گردان چراغهای بقعه مانند نوبت گذشته بی‌درنگ سنت بجای آورده نماز مغرب و عشا گذارده بارگاه مبارک عودت نمودند

## روز یکشنبه ششم شهر ربیع الاول و تشریف فرمائی موکب مظفریه بییلاقات شاندیز

چون یکساعت از روز برآمد شاهنشاه عالم پناه از دولتخانه مبارکه بیرون آمده بعزم قصبه شاندیز ... با جمعی فرزندان ... سواره نشستند خاصیر الدوله ... جمیع ملتزمان ... در رکاب ... در سر ... دعاو رعایای

آن سامان از محل حکومت خویش احضار شده بود بحضور مهر ظهور مشرف شد

مقرر گشت که باطلاع امین الدوله و حاجی محمد رضای وزیر و چند نفر از ریش

سفیدان و بزرگان خراسان درمیان ایشان و عارضین غوررسی نموده حقیقت

عمل را بعرض عاکفان حضور باهر النور اعلی رسانند تا هرگاه جانب حق مر رعایا را

و صدق قول ایشان معلوم افتد حاجی خان مشار الیه را معرض عتاب و خطاب

آرند و هرگاه اقوال ایشان از روی خودسری و نافرمانی باشد بر عرض

ایشان وقعی ننهند و حاجی سلیمان خان را بدار الحکومه خود رجعت دهند و

بر اقتدار و اعتبارش بیفزایند بالاخره ظهیر الدوله و دیگران از رکاب مبارک

مرخص شده و شجاعت از روز گذشته موکب مسعود بقریه ویرانه نزدیک

گشت حسن خان خود ایماقی که هم این قریه بسیورغال او مقرر است با کسان

و سواران خویش باستقبال رکاب مهر انتساب پیش رفته مورد عواطف ملوکانه

گشت و سرکار پادشاهی بحسب استدعای مشار الیه از برای صرف نهر

در باغیکه در آن قریه بود متصرف و رهٔ دار زانی داشتند و بعد از صرف نهار

مجددا در دشتیکه قرار کرده از قریه لنگر و سوران و حصار سرخ و سر آسیاب

وشای ده عبور فرموده چهار ساعت بغروب مانده در قصبه شاندیز باغی

خوش آب و هوا که مخیم خیام زرین قباب بود نزول اجلال فرمودند وتا

وقتی باستراحت مشغول گشته تا اهالی حرمخانه مبارکه نیز در رسیده و باغ دیوانخانه

قورق شد شب بعد از شام قورق برداشت این خلوت وجود ان مخصوص

آقا علی و حکیمباشی طهران و میرزا علیخان و محمد علیخان و دیگر مقربان باریافته

خاطر مبارک بصحبت اشعار و حکایات و اخبار روزنامجات مشغول و مشعوف

داشتند

از مشهد تا شاندیز پنج فرسنگ است و اغلب آباد و معموره است سمت راست

بلوک میان ولایت است که قراء و مزارع متعدده آن خاصه کاظم آباد ملکی

حاجی قاسم طهرانی نزد و نمایان است سمت چپ نیز دهات متعدده است

که از آنجمله امام آباد و جعفرآباد و تنگل و قاسم آباد و غیره است و در وسط جاده

یکفرسنگ از ویرانه گذشته یا رلغان عظیم و سنگ بتی و بعد از آن لنگر و دهات

قراء معموره فوق است که تا شاندیز بیکدیگر پیوسته قصبه شاندیز بغایت

آباد و معموره و صاحب یکصد خانه و باغات و عمارات عالیه است از آنجمله

عمارت ملا صادق صندوق شاندیزی است که مشرف است بر رودخانه و باغات

## چهارشنبه هفتم شهر ربیع الاول

ذات والاصفات همایون شهریاری در این روز از برای تفرج قریهٔ
نوغان در هنگام صبح بر اسب کهر عربی شجاع الملکی سوار گشته با معدودی
چند از خواص از باغ شاندیز بیرون شدند این خانه زاد سرکار شاهنشاهی برسم
معمول با بلدی از اهل ملوک و ابراهیم خان نایب همه جا در مقابل اسب همایونی
بلدی مینمود و اسامی و احوال مزارع و قرا را بعرض میرسانید در این تفرج
اول قریه که بنظر مبارک آمد قریهٔ خادر بود که باغات آن بباغات قصبهٔ شاندیز
وصل است از خادر که گذشته دره است طولانی که اطراف آن تمام از انهار
صاف گوارا و اشجار بید و چنار و فواکه بیشمار مزین و معرش است و چنان
مینماید که در هر گوشه باغی است از روضات جنان که پای آدمیان در وی راه
نیافته و نسیم گل و شمیم سنبل و خضرا از حور و غلمان خبر میدهد چون دو فرسنگ
از مسافت آن دره طی شود قریهٔ نوغان در بالا دیده آید که بهیئت خضارت و صفا
و نضارت و هوا بهشتی را ماند بیشتر سطح آن مزارع و کشت است از جویبار سلسبیل

آبیاری شده و در صحاری ویرانی آن باغبان قدرت تخم زندگانی کشته
رود عظیمی از وسط آن قریه چون آب زندگانی در جریان و خانه‌های دهقانان
از دو سمت رود نمایان در مقابل هر خانه نثار قدم حضرت شهریار دختری پریروی
دسته گلی در دست و جوانی خوش قد و موی سپید میوه بر کف سعادت چنین
روز را مغتنم شمرده و به یک زبانی بدعای وجود مسعود مترنم بودند شاهنشاه
رعیت پرور عادل نیز با هر یک بزبانشان و کمال عنایت و توجهی شامل
فرموده از میان قریه گذشته تا منتهای دره در چمن زاری نیکو فرود آمدند
حاجی میرزا علی مشکوة الملک در نهارگاه بمقربین رکاب مبارک پیوسته
و چون از چنین مکانی شگفت دیده اظهار تعجب و حیرت نموده
و معروض خاکپای همایون میداشت که خداوند متعال این چنین مکانها را
خلق فرموده که بنی نوع بشر را بهشت جاودان نمونه مجسم باشد و آنان را
بهترین خلقتهای خویش متنعم سازد بالاخره بعد از صرف نهار شاهنشاه
بقصد تفرج نمودن دره مجدداً سوار گشته و چون مسافت دو میدان از آن
باغی پایان طی شده و بعرض خاکپای همایون رساندند که این دره همچنان

سه فرسنگ دیگر طول دارد تا بقریه کنگ و زشک رسد و از آنجا بجبال

پر برف شمال مغربی منتهی گردد پس از آنجا که وقت برای طی تمام دره کافی

نبود حضرت همایونی درکنار نهر آبی فرود آمدند محمد حسن خان جنرال آجودان

خاصه نسخه از کتاب ناسخ التواریخ میرزای سپهر که بخطی نیکو نوشته بودند و شایسته

حضور مبارک بود بحضرت همایونی تقدیم نمود و هم محمد حسن خان محقق احوالات

شاهنشاه مرحوم مغفور را از آن کتاب مستطاب معروض میداشت و حضرت

پادشاهی قدری راحت فرمودند و اندکی از میوجات گوناگون آن

باغات تناول کرده از راهی که بالادست دره بود مراجعت فرمودند در نیم

فرسنگی شاندیز چشمه صاف و حوضی که اطراف آن درختان چنار کهن و کاج

قوی کاشته شده بود مشهود نظر مبارک گشت و چون مکانی قابل توجه ملوکانه

بود خاطر مبارک بدان مایل شد که در روز آینده بدانجا تشریف فرما شوند

تمام روز را بعیش و طرب گذرانند پس آقا ابراهیم آبدارباشی را مقرر

کرد قبل از تشریف فرمائی سرکار همایونی بدانجا آمده آفتاب گردانها

از زینت برپا کند و بر طراوت و نظافت اطراف چشمه بیفزاید

وحضرت پادشاهی از آنجا عطف عنان فرموده از بالای قلعه قدیم شاندیز

عود بمنزل نموده بچادرخانه مبارکه تشریف فرما شدند و شب بعد از شام

فارغ بخت و آقا علی پیشخدمت خاصه و محمد علیخان و این بنده و دیگر چاکران

مشرف اندوز حضور مبارک شدیم

قلعه قدیم شاندیز در بالای تپه واقع است و او را خندقی و حصار و باره محکم

و سخت بوده که اکثر اسباب شرارت و جسارت و تحصن اهالی آنجا میشد از آنجمله

در اواخر ایام شاهنشاه مرحوم در حادثه طغیان سالار تا یکسال اهالی این قلعه که اغلب

ایشان از اشرار بوده اند بنای نافرمانی گذاشته و در قلعه مذبور متحصن شده

بودند چون سلطان مراد میرزای حسام السلطنه قریب تقریبا و سردار مملکت

خراسان شد هر قدر از در پند و نصیحت بر آمد آن بیخردان و خودسران سودمند

نیفتاد پس بنا چار عساکر منصوره قلعه مزبوره را محاصره نموده برج و باره او را

بضرب گلوله توپ منهدم ساخته رعایا از در ضراعت و خدمت بر آمدند

و از قلعه چنین سخت جز آثاری بجای نماند

## پنج شنبه هشتم شهر ربیع الاول

اعلیحضرت همایون شهریاری چنانکه در روز قبل مقرر شده بود دو ساعت از روز رفته
بسر چشمه حاجی غلامعلی قندهاری تشریف فرما شده در کنار حوض و سایه درختان
و آفتاب گردانهای لوان مکث نموده از حقیقت این چشمه معلوم فرمودند از قراریکه
از پیران و کهن سالان و دانشمندان شاهد تحقیق شده بود و بعرض عاکفان حضور
رسید حاجی غلامعلی قندهاری در بدو امر مردی بازرگان و جواهر فروش و صاحب
مکنت فراوان بود و در کمال عزت و جلال زندگانی مینمود در اواخر عمر نسیم
سعادت بر پرچم اقبالش وزیده و رایحهٔ محبت و طریقت بمشامش رسیده دست
از تجارت و مکنت شسته در جوار این چشمه منزوی گشته و این درختان و سایه‌ها را
از برای خویش مهیا ساخته بریاضت و عبادت مشغول گشت تا روزگارش
بپایان آمد و از جمله غرایب آنکه این چشمه با قنات را که در زیر کوه واقع است ممری
وسیع است بحدیکه شخص میتواند بسهولت ایستاده در او گذر کند تا بفسحتی رسد که
میدان چه را مانند و در وسط آن میدانچه میلی باشد سنگین که آب چشمه از اطراف
آن جریان دارد آقا ابراهیم آبدارباشی تحقیق صحت و سقم این مدعا را چند نفر از
مقنیان و سقایان باهوش با شمع و فانوس باندرون قنات فرستاده

بعد از زدنی که مراجعت کردند همچنین صحبت این مدعا گواهی دادند با لاخره و سرکار
همایونی بعد از صرف نهار و ملاحظه عرایض مرا که از شهر رسیده بود محض مرحمت
مبلغ یکصد تومان بعمله خلوت همایونی انعام فرموده سفره و اشتند در حضور مبارک
بازی نرد اشتغال نمودند خاطر مبارک را بمصاحبت مشغول داشتند بعد از ساعتی
طبع همایونی براحت مایل گشته اندکی وقتی بغنودند و مغنیان خاص چون
حاجی حکیم و آقا علی و آقا غلام حسین و آقا محمد صادق با نغمات خوش و دلکش
بساز و آواز مشغول گشتند و ساعت بغروب مانده حضرت پادشاهی نماز
خوانده و عصرانه میل فرموده سوار شدند سواران دلنشین رکاب در دوره گذاشته
و خود با تیمور میرزا از بالای قلعه همه جا تفرج کنان تشریف فرما شده در بعضی
مزارع نظر کرده بسهولت امر زراعت آن صفحات توجه و تعجب داشتند که از چهار رشته
قنات نیم سنگ آب جریان کند و از یک تخم بیست تخم حاصل آید نیم ساعت
بغروب مانده بشاندیز تشریف فرما شده و شب را در حضور همایون آتش بازی
نیکو کردند و چون منظور خاطر مهر مآثر همایون تفرج و سیاحت قصبه اسجیل و چشمه
بود مقرر گشت که چادر مختصری بدانجای برند و خیام پیشخانه و فراشان

وچند دسته از غلامان و سربازان در شاندیز توقف داشته منتظر مراجعت موکب منصور باشند چه عزم مبارک بدان بود که مراجعت از اسجیل نیز شبی در شاندیز مانده از آنجا بشهر معاودت فرمایند

## جمعه نهم ربیع الاول و تشریف فرمائی سرکار پادشاه بقصبهٔ اسجیل

درین روز سرکار همایون پادشاهی در اول روز از حمام بیرون تشریف آورده با اسب سرخنگ پیشکشی حیدر قلیخان ایلخانی سوار گشته بسمت اسجیل تشریف فرما شدند کشیکچی باشی و حاجی شهاب الملک و ساری اصلان و حاجی سعد الملک و دیگر چاکران ملتزم رکاب بودند و چون قدری از شاندیز گذشته راه صاف و مسطح بود خاطر مبارک میل بسواری درشکه فرمود و تا قصبهٔ کاهو که از شاندیز بمسافت دو فرسنگ بعد دارد با درشکه تشریف برده و در ابتدای دره و باغات کاهو از اسب رجوع فرموده سید ابوالحسن خان افغان امین آستانه مقدسه که هم این قریه به تیول ایشان مقرر بود با تمام اهالی قریه که زیاده بر سیصد نفر بودند قدوم میمنت لزوم را استقبال کرده و بشکرانه این سعادت پیشکش و قربانی لایق پیش گذرانیدند سرکار ظل اللهی سید معزی الیه را مورد نوازشات و عواطف

ملوکانه فرموده و باتاث و ذکور قریه اظهار مکرمت و ملاطفت فرمودند و از جناب
سپیدا حوال آن صفحات را جویا بودند تا از قریه کذشته شد این بنده آستان
شاهنشاهی در خارج قریه و کنار رودخانه باغی دلجو و چمن زاری نیکو بنظر آورده
معروض عاکفان حضور داشت تا هرگاه رای مبارک اقتضا فرماید صرف نهار
در آنجا کنند پس آن مکان مقبول خاطر مهر نشان گشته فرود آمدند امین خلوت
عریضه جات و مطالبی را که امین الدوله از شهر معروض خاکپای همایون داشته
بود از لحاظ انور اقدس گذرانده جواب هر یک را صادر فرموده با تفنگداری
مخصوص روانه داشت و حضرت پادشاهی نهار کاه حرکت فرمودند و همه جا
از میانه باغات و سایه درختان پر ثمر و آبهای صاف گوارا گذر فرمودند تا بقصبه
دولت آباد و از آنجا بقصبه تبیل که منزلگاه بود تشریف فرما گشته شد مهدیقلیخان
خرگوشی در راه صید کرده بحضور آورده مورد انعام ملوکانه گشت شب بعد از شام
قورق شکسته بود از نوکرها میرزا علیخان و آقا علی و محمد حسنخان محقق و ما
چاکران بحضور مشرف شدیم تفنگهای خاص را عقبی تعیین کردند و میرشکار از
شمیرمرا جعت کرده از نیکوئی هوا و کثرت شکار شرحی معروض داشت و حکم

مبارک بدان مایل گشت که فردا بچشمه سبز تشریف فرما شوند صفحات کاهو

بلوکات بسیار آباد و خوش آب و هوای مشهد است از نشامد یزالی کاهو دو فرسنگ و

نیم است دو فرسنگ آن صحرا و مسطح و بقیه آن باغات و ابتدای دره است

و این دره و باغات تا قصبه دولت آباد و اسجیل که چهار فرسنگ است امتداد

دارد و همچنین ممتد است تا قصبه کلمنکان که در نیم فرسنگی اسجیل واقع است

دولت آباد و اسجیل هر دو دو قصبه بزرگ و هر یک سیصد الی چهار صد خانوار

رعیت دارد در این خط علاوه بر این قصبه قراء و مزارع چند است که اسامی

بعضی ایشان بدینموجب است کلاته شمع علی گراخ که هم منصور آباد معروفست

## شنبه دهم ربیع الاول و تشریف فرمائی سرکار پادشاهی تتفرج چشمه سبز

درین روز سرکار خسروانی باسب کهر احمد خانی سوار گشته از برای حسنآباد

چشمه سبز تشریف فرما شدند محمد علی بیک شکارچی و ابراهیم خان نایب و محمد خان

کنه پیشه به بلدی در مقابل اسب همایون روان گشته تا یکفرسنگ همه جا از میان

درختان پربار و جنگلهای بسیار گذشتیم و در اول کوه سرکار پادشاهی اسب کهر را

تبدیل فرموده با اسب سرخ‌ننگ عربی پیشکشی عماد الدوله حکمران کرمانشاهان

که از اسبهای بسیار ممتاز است سوار گشته بقصد شکار بالای کوه برآمده و چون

مقصود خاطر مبارک شکار قوچ و میش بود بکبک فره بسیار که در این دامنه بود

اعتنائی نفرموده در قله کوه حاجی شکارچی مشرف شده معروض داشت که شکار

نزدیک است و یک گله قوچ و میش در محلی مشغول چرا هستند که باصطلاح اهل

شکار در نهایت مستعد است سرکار پادشاهی تمام سواران را در آنجا

گذاشته و خود با قهرمانخان و آقا کشی خان و چند تفنگدار دیگر و مهدیقلیخان

بتعجیل تمام بسمت شکار توجه فرمودند چون قدری گذشت باد تغییر

وزیدن گرفت و میرشکار در خوابگاه شکار اشتباه کرده سرکار شاهنشاهی را

بسمتی که شایسته بود مخالف جهت مقصود برد و هنوز اعلیحضرت پادشاهی

چند قدمی تشریف نبرده شکار از آن در نهایت سرعت و چابکی فرار نمودند

و از آنجا که مقصود همی تفرج حسب بود حضرت همایونی از تعاقب شکار صرف

نظر فرموده و همه جا از قله کوه تشریف فرما شده تا در حوالی چشمه رو بنشیب فرمود

و در کنار چشمه دو آفتاب گردان همایونی زده و آمدند سه ساعت بغروب مانده

از چشمه سوار شده از میان دره و جاده که بکلمکان میرود بسمت منزل تشریف
فرما شدند و درین راه دو کبک و یک قمری در روی هوا صید فرمودند
و هم تیمور میرزا و امین خلوت با بازان شکاری کبک و قره زیاد بچنگ آوردند
مقارن غروب موکب مسعود از بالا سرار دو منزل شرف ورود ارزانی داشت
درین وقت چاپار دار الخلافه در رسید عرایض مستوفی الممالک     و دیگر وزرا را
از پیشگاه حضور مبارک بگذرانیده از آنجا که سرکار پادشاهی همه وقت توجه
و مراقبت امورات دولتی را بر هر نوع تفرج و لذت راجح میدارند زیاده برین
وقت در ییلاق تار جایز ندانسته مقرر داشتند که اردوی مسعود فردا بسمت نیشابور
و مشهد حرکت کند چشمه سبز عبارت از فضائی است که در دره بسمت شمال
شرقی نیشابور واقع است و از آنجا تا نیشابور هفت فرسنگ است این محوطه
تقریبا پنجهزار قدم دوره دارد و در وسط آن دریاچه ایست که هزار قدم دوره او
و آب چند چشمه کوچک از اطراف در او جمع شده و هم در وسط دریاچه چشمهای
متعدد دارد که آب از آنها غلیان و فوران کند ولی نه بقسمیکه در ظاهر معلوم
گردد و زیاده بر چهار سنگ آب از این دریاچه بسمت کلمکان جاری است

که این قریه و مزارع آنرا مشروب میدارد و در این دریاچه ماهیهای بزرگ سیاه

و مرغابیان گوناگون بسیار است اطراف او چمن زار و نیستان است راهی

که از چشمه کلمکان میرود چهار فرسنگ طول دارد همه بیدستان و با گلهای

سرخ و شکیچه سفید است و کوههای شرقی و مغربی این راه تمام کوههای

سبز پرگیاه و پر علف است خاصه مشک ترامشه و اویشم و گلهای زرد

و زیره معطر اعلی در آنجا بسیار است بنحویکه تمام دره را از شمیم خوش معطر ساخته‌اند

## یکشنبه یازدهم و مراجعت سرکار اقدس شاهنشاهی بشاه بیدیز

در این روز از برای صدور جواب عرایض وزراء سرکار پادشاهی تا مقارن

ظهر در منزل توقف فرموده تمام وقت را مشغول بودند تا عرایض با تمام آمده

آیین خلوت چاپار را معاودت داد پس از آنکه ذات والا صفات شهریاری

بعزم مراجعت بشاه بیدیز سوار شده و بعد از گذشتن از قصبه کابود راه که در سطر خیکه

در آنحوالی واقع و بیدستانی نیکو داشت چای و عصرانه میل فرموده از راه

قریه گراخ تشریف فرمای شاه بیدیز شدند و از آنجا که رعایای این ملوک

عریضجات متعدده بخاکپای همایون داده از جبر و تعدی اربابان تیول شاکی

بودند و این معنی در نهایت مخالف قصد عادلانه و فتوت شاهنشاهانه بود
دستخطی مؤکد با افتخار ظهیرالدوله صادر گشت که هر کس در این بلوک بلکه تمام
بلوک خراسان تیول داشته باشد و یا از آن تیول خارج دارند و هر قدر از مواجب
و مرسوم داشته باشد از خزانه خراسان عاید سازند و نیز مالیات و متوجهات
دیوانی هر قریه و قصبه و مزرعه را از روی ثبت دفترخانه مبارکه معین نموده بملاکین
و دهقانان فرامین و سرخط دهند تا دیگر کسی نتواند از رعیت شاهنشاه دیناری
زیاده مطالبه کند یا استعداد جبه جبر و تعدی نماید این حکم ملوکانه که محض عدل و رعیت
پروری صرف بود مایه آسایش و رفاه رعیت و دعای وجود مسعود همایون گشت

## دوشنبه دوازدهم ربیع الاول معاودت حضرت همایون بشهر مشهد

چون یک ساعت از روز برآمد اعلیحضرت شاهنشاهی بعزم معاودت بشهر سوار شده
و در قریه ویرانه صرف نهار فرموده یک ساعت بغروب مانده تشریف فرمای
شهر شدند امین الدوله و اعتضادالدوله و ظهیرالدوله و معیرالممالک و دبیرالملک
و امین الملک در بیرون دروازه ارک بزیارت رکاب مبارک مشرف گشتند

حسنعلیخان قوچانی که از استراباد حامل عرایض ملک آرا بود توسط دبیرالملک
شرف اندوز حضور مبارک گشته و عرضیجات معروضی و ملحوظ نظر همایون گشت
ظهیرالدوله معروض خاکپای همایون داشت که سردار یعقوب خان حاکم هرات
باز بدان اقا غنه عتبه بوس آستان ملایک پاسبان شده زیارت حضور عطوفت
دستور را منتظر حکم همایونست و بر حسب الامر سنیه مقرر آمد که در روز آینده به پیشگاه
مسعود آید و هم چاپاری دیگر از دارالخلافه در رسیده نوشتجات و عرایض متعدده
وزرا و نواب امیرزاده خورد و دیگر چاکران را مشهود نظر ملاطفت اثر ساخت اعتضادالدوله
بعرض حضور مبارک رساند که جمعی از سادات و علماء استراباد تظلم و دادخواهی
برکاب مبارک می آیند این معنی در خاطر مبارک ناپسند آمده اعتضادالدوله
مقرر آمد تا شخصی فرستاده ایشان را نوعی از لطف و مراحم مقرر نمایند و ایشان
مقرر دارد که عرایض و مطالب خود را با دو نفر امین بحضور مبارک فرستند و خود
ایشان بشهر استراباد رجعت نمایند

سه شنبه سیزدهم شهر ربیع الاول بیست و نهم توقف
اردوی کیوان شکوه همایون در مشهد مقدس

درین روز بواسطه امورات متعدده دولتی که انجام آن موقوف بصرف وقت و

ذات والاصفات همایونی بود اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی زودتر از سایر

ایام بدیوانخانه مبارکه تشریف فرما گشته اولا عرایض ملک آرا و مطالب حکومتی

استرابادملحوظ نظر مهر اثر گشته و در جواب هر یک باقتضای مصلحت دولت و ملت

اوامر ملوکانه شرف صدور یافته دبیرالملک را مقرر گشت که احکام پادشاهی را

معجلا بملک آرا ابلاغ دارد و چون ازین مهم فراغت حاصل آمد امین الدوله

واعتضادالدوله و دبیرالملک و اجودانباشی با شاهزادگان عظام و جمعی از

خدام و غلام پیشخدمتان بزیارت حضور اعلی فیض یاب گشته هر یک در مقام

خود بایستادند و ظهیرالدوله بارجسته سردار یعقوب خان والی هرات را

که بعتبه بوسی آستان مهرلمعان آمده بود با تمام بزرگان و اعیان هرات

و افغانستان بحضور مبارک مشرف ساخت سردار بطالار خسروانه احضار شده

بعد از ادای تعظیم و تکریم زبان بدعا و ثنای وجود عالی جود ملوکانه گشوده معروض

عاکفان حضور اقدس شهریاری داشت که سبب ازین شرفیابی اظهار چاکری

و اطاعت و انقیاد و ارادت است هر گاه رای ضیاضیای خسروانی اقتضا فرماید

که این بنده را در رکاب نور تجدید دیگر مشرف فرمایند در نهایت شاکر و مسرور خواهد بود
اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سردار معزی الیه را مورد توجه و تفقد خسروانه
داشته چنین مقرر داشتند سردار خاطر همایون ما همواره از ملاقات امثال شما
چاکرزادگان حقیقی و دولتخواهان صمیمی خورسند و محظوظ است و در نهایت
مشعوف و مسرور هستیم که سردار امیر تیر علیخان نیز مانند شما پسری عاقل و رشید و خیرخواه
و صدیق است که شایسته رجوع هر خدمت و مستحق اعطای هر گونه نعمت باشد
و اگر چه همه وقت طالب آن هستیم که شما را حاضر حضور ببینیم و مورد الطاف موفور
داریم ولیکن از آنجا که ولایت هرات همیشه چون شما والی ذیشان و حاکمی
کامل و کاردان لازم است خاطر خطیر مبارک را بدان راضی نموده ایم که شما از رکاب
دور باشید و در انتظام امور هرات و آسودگی رعیت و ملت آن صفحات بکوشید تا
باعث آسایش دعاگویان و چاکران دولت گردید سردار از شنیدن این خطاب
لطف آمیز شکر مراحم و حمایت شاهنشاهانه را بجای آورده و اعلیحضرت پادشاهی
به جناب ظهیرالدوله و محمد رحیم خان قاجار توجه فرموده مقرر داشتند خوانین
و اعاظم افاغنه را در خاکپای همایون معرفی نمایند پس ایشیک آقاسی باشی تمامی ایشان را

بدینموجب در حضرت همایونی معرفی نموده هر یک بقدر حال خویش توجه و عنایت

از اندازه بیش بهره یاب و مفتخر آمدند

| اعیان و اعاظم افغان و هراتی | | | خوانین و سرکردگان | | |
|---|---|---|---|---|---|
| مهدیقلی خان بیگلربیگی جمشیدی | دلاور خان پسر والی میمنه | عبدالطاهر خان بارکزائی | مؤمن خان سردار بارکزائی | محمد صدیق خان بارکزائی | عطا محمد خان ایضا |
| پیر محمد خان نورزائی | عبدالعزیز خان هزاره | یار محمد خان جمشیدی | بهادر خان | | |

از همراهیان سردار اشخاصیکه بحضور مبارک تشرف جستند از قراریست که معروض افتاد و اگر در ذکر اسامی ایشان تقدیم و تاخیری واقع شده باشد بدان سبب است که این بنده را چندان معرفتی در حق ایشان نبوده همراهیان سردار اضافه بر آنانیکه معروض افتاده معادل هشتصد نفر سواره و پیاده بودند

مخصوصان سردار یعقوب خان

| | | |
|---|---|---|
| بابا خان هزاره | منصور خان تیموری | جهانداد خان قبچاق |
| حیدرقلی خان جمشیدی | نایب فتح الله فیروزکوهی | حلیم خان بارکزائی |
| فتح خان ایضا | محمد زمان خان علیکوزائی | محمد عمر خان ایضا |
| محمد صدیق خان جمشیدی | محمد اکرم خان ایضا | بهرام خان ایضا |
| عبداللطیف خان ایضا | میرزا هاشم خان علیکوزائی | محمد عمر خان ایضا |
| محمد اعظم خان زوری | حاجی عطاء الله خان | فقیر احمد خان |
| محمود شاه خان اقاچیکزائی | امیر خان کماندان یعنی یاور فوج | |

که یکصد نفر ایشان سربازهای خوش لباس آراسته ملبس و موضع ملباس

انگلیسی بودند که تعداد اسامی ایشان لزومی نداشت

چون سردار یعقوب خان از حضور مبارک مرخص شده بمنزل خویش رفت سرکار همایون عصرانه خواسته نماز گذارده بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شدند

سردار یعقوب خان جوانی بسن بیست سال آراسته بعقل و کمال است سیمائی نیکو و وضعی موقر دارد محمد تقی خان بیگلربیگی مردی بسن پنجاه سال و صاحب اخلاق پسندیده و از همه جا آگاه است

# چهارشنبه چهاردهم شهر ربیع الاول

درین ایام چون حرکت موکب مبارک از ارض اقدس نزدیک شده اشتغال خاطر خطیر همایون بزیادت شده همه روزه بی آنکه ساعتی وجود مسعود ملوکانه بیاساید با تمام نواقص مهام اوقات شریف مصروف میشد

درین روز نور محمد خان امین دیوان آنچه از عرایض مظلومان که حسب الامر انجام داده و اصلاح نموده بود بموجب کتابچه جداگانه معروض خاکپای همایون داشت و عرایضی که معروض نیفتاده بود ملحوظ نظر مبارک گشته احکام آن شرف صدور یافت دو ساعت بغروب مانده ذات والاصفات شاهنشاهی شرف اندوز

روضه مطهره گشته لوازم زیارت و خدمت بجای آورده بارک مبارک رجعت
نموده نظر باز دیاد امیدواری و افتخار سردار یعقوب خان یک ثوب سرداری
مغشوک و زر اعلی از جامه خانه خاص در حق ایشان مرحمت شده و محض عطوفت
ملوکانه بتوسط محمد تقی خان پیشخدمت خاصه از مشار الیه احوال پرسی کرده عکاسباشی را
مقرر داشتند که عکس سردار و همراهانش را انداخته بحضور مبارک بیاورد
امین الدوله برحسب امر علیه توپخانه مبارکه رفته سان توپچی و اسبان توپخانه را
دیده اهتمام مصطفی قلیخان سرهنگ و انتظام امر توپخانه را معروض خاکپای
همایون داشته مقرر گشت سرهنگ و سایر صاحب منصبان از عواطف
ملوکانه خورسند و بهره ور سازد

## پنجشنبه پانزدهم شهر ربیع الاول وسی و یکم توقف موکب منصور

سرکار اقدس شهریاری امروز را تا شام در خلوت سرپوشیده دیوانخانه تشریف
داشته در حجره غالب روز عرضجات بسیار را که نور محمد خان بحضور عدالت
نشان آورده بود این بنده آستان شاهنشاهی بعرض میرسانید و این خلوت

در صدد بر آمده حسب الامر حکم آنرا صادر نمود الحق گویا خداوند متعال تشریف

فرمانی حضرت سایه ذو الجلال را بدین صفات مخصوص آن مقدر فرموده که جمعی بی

بضاعت صاحب مکنت و ثروت شدند و خلقی تماما از وقع شر ظالمان ازخواری

و ذلت بدر آمدند چه دوا تمدید تسکینی نماید که با عریضه عرض حاجت نموده و ثمری

یا وظیفه یا انعام نیافت و مقصودی در مقام تظلم بر نیاید که بر جابر غادر و قاهر

حتی عطا و سخای ملوکانه بدان اکتفا نفرموده مبلغ یکهزار تومان وجه نقد نیز

از برای بذل بعموم فقرا و ضعفای مشهد مرحمت فرموده مقرر گشت ابن سبیل

مساکین و محتاجین را اناثا و ذکورا در خارج شهر مجتمع ساخته بتوسط حاجی میرزا علی

مشکوة الملک به ایشان تقسیم نمود بالاخره به نظام ظهیر امین له و له و ظهیر الدوله

و دبیر الملک با سرایعقوب خان و بها در خان ثانی مشرف گشته پیشکش و الی

ایالت راکه ده راس اسبان ترکمانی ممتاز و دو دست یراق تیپ طلا و ده طاقه

شال کشمیری و چند توپ قاری اعلا و غیره بود بخاکپای مبارک تقدیم نمود

مقبول خاطر مرحمت مظاهر ملوکانه گشت و بها در خان بعواطف خسروانه

مفتخر و سرافراز آمد حاجی میرزا محمد رضای مستوفی خراسان که در این ایام

خاطر مبارک خسروانی را از اهتمامات خویش در خدمات دولت خورسند

داشته بود بلقب مستشار الملکی ممتاز و باعطای یک ثوب جبه کرمانی حاشیه دار

قرین امتیاز گشت و نیز حاجی محمد باقر خان وکیل طبس که بخاکبوسی عتبه اعلی آمده بود

نظر بخدمات سابقه و مراتب خدمتگذاری و که قدیما و جدیدا ظهور یافته بود مشمول

عواطف علیه آمده بلقب عماد الملکی و یکثوب جبه ترمه کشمیری حاشیه دار مباهات

حاصل نمود و محمد حسین خان پسر مشار الیه بمنصب سرتیپی سرافرازی جست و چون

اطبا و مهندسین که بریاست میرزا محمد حسین رئیس الکتاب نایب وزیر علوم از مدرسه

مبارکه دار الفنون مامور و ملتزم رکاب نصرت نمون بودند هر یک در تکالیف

مقرره از عم از معالجه چاکران دربار جهانمدار و رسم نقشه قلاع و مسافت عرض راه

بطور شایسته از عهده بر آمده بودند رئیس الکتاب باعطای شال کشمیری و دیگران

از خلاع کرمانی و انعام و احسان شاهنشاهی مفتخر و مباهی گشتند در این شب

امین الدوله برحسب امر علیه والی هرات و سران و بزرگان افغان را میهمان طلبیده

لوازم میزبانی را بنحویکه درخور و در نهایت لایق و سزاوار بود معمول داشت

**جمعه شانزدهم ربیع الاول و سی دوم ورود بارض اقدس**

در این روز نیز سرکار همایون شاهنشاهی تا شام مشغول انجام امورات دولتی و ملتی
متعلق بخراسان بودند و با وجود شدت حرارت هوا از صبح تا عصر اندکی نیاسودند
و محض ترویج صناعت و تشویق کسبه و ارباب صنایع مقرر داشتند از هر قسم
اجناس خراسان اعم از حریر یا پشمین بحضور مبارک آورده مقدار کثیری از آنها را
بقیمتهای گزاف خریداری فرموده بظهیر الدوله و مجد الملک مقرر گشت که
شال بافان و سایر صنعتگران را بالطاف و اشفاق همایونی امیدوار ساخته ایشان را
در ترقی صنعت خود و ازدیاد کارخانجات ترغیب و تحریص نمایند و یکساعت بغروب
مانده حضرت همایونی بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شدند چون سرکار علیه عالیه انیس
الدوله را تب و سوء مزاجی عارض شده بود حاجی آقا بابای ملک الاطباء را
امر و مقرر شد که در اصلاح مزاج ایشان کوشند و نهایت اهتمام و دقت را
بجای آرند   در این شب که شب عید مولود حضرت محبوب خداوند ودود بود و عیش
و جشن اسلامیت قربان بیک و توپخانه مبارکه آتش بازی بسیار اعلی از
هر جور و هر قسم تدارک همایونی فراهم کرده بود مرحمت و خلعت گشت و نقاره خانهای
حضرت فیض آثار و شاهنشاه اسلام شعار را تا هنگام صبح مبارکی این عید سعید

علیخان افکن طارم اعلی سا خشد و هم امشب اعتضاد الدوله خوانسالار بزرگان

هراتی و افغان از میهمانی در نهایت عالی نمود و بر قدر و منزلت ایشان بفزود

## شنبه هفدهم ربیع الاول و آخر توقف سرکار شاهنشاهی در این شهر والا مشهد معلی

در این روز که روز عید سعید مولود حضرت خاتم انبیا و سید اصفیا علیه الآف التحیة والثنا بود اعلیحضرت شاهنشاه اسلامیان پناه و خسرو صافی طینت شریعت دستگاه پاس حرمت و رعایت شان و عظمت حضرت امامت علیه السلام را چنان مقرر داشته شد که سلام این عید را در حرم مطهر برپای دارند و خود سرکار پادشاهی با تمام اعیان و اشراف در مقابل امام علیه السلام تهنیت گویند پس بموجب فرموده ایشیک آقاسی باشی تمام علما و وزرا و شاهزادگان و اعیان و سرکردگان از هراتی و افغان و سیستانی و اهالی خراسان و آنچه از بزرگان ایران که شرف ملازمت رکاب همایون داشته شد همه را اخبار نموده بار عام حاضر ساخت و مجلس سلام در دار الحفاظ منعقد گشته شاهنشاه جمجاه هنگام ظهر بدانجا تشریف فرما شدند و در این مجلس که فی الحقیقه محضر امام

و مرجع انام بود و شکوه و رونقی بیرون از حد قیاس آراسته جلوس فرمود

علما را نیز اذن جلوس داده سلام منعقد گشت نقاره خانه سرکار فیض آثار

بشرافت این عید نواخته گشته و از ابتدای ورود و وجود مسعود بصحن مقدس

تا اختتام مجلس توپچیان بشلیک توپ اشتغال داشتند آمین الدوله

بمخاطبات سلام که مبنی بر ذکر عظمت و شرافت عید مولود حضرت سید الانام

و اظهار عقاید نیک و مقصودات خیر حضرت شاهنشاهی در تنظیم مهمات عمران

و آبادی مملکت و رعیت بود مخاطب و متکلم گشت خطیب خاصه همایونی خطبه

فصیح و بلیغ معروض داشت و میرزا عیای ملک الشعرا قصیده غرا بعرض رسانید

سلام اختتام یافت سردار یعقوبخان و محمد یقلیخان و سایر همراهان ایشان

که درین روز بخلاع مهر شعاع ملوکانه مباهات یافته و در سلام عام شرف اندوزی

حاصل کرده بودند بعد از انجام مجلس و اصغای فرمایشات علیه از خاکپای

مبارک رخصت انصراف یافته با خاطری شاد مصمم عود بمقر حکومت و ولایات

خویش شدند شاهنشاه دین پناه نیز آستان عرش نشان امام همام علیه السلام را

وداع نموده و با حاد و افراد خدام و چاکران آستانه مبارکه علی قدر مراتبهم

اعطاء خلاع کشمیری و کرمانی و بذل و انعام و احسان بی پایان فرموده در کمال

ملال از مفارقت چنین آستان فیض بنیان بارک مبارکه رجعت نمودند

و حسب الامر مشیخانه اردوی همایون از شهر بچمن قهقهه نقل و تحویل نمود

## یکشنبه بیستم ربیع الاول تشریف فرمائی

## اردوی همایون شاهنشاهی بچمن قهقهه

بحمد الله تعالی بالیمن و السعاده اعلیحضرت اقدس شاهنشاه دین پناه

خلد الله ملکه و سلطانه در این روز با بخت فیروز بسعادت و اقبال از ارض

اقدس و مشهد مقدس علی ساکنها الف التحیه و الثناء کوچ داده و اردوئی

که زیاده بر یکماه باقامت خو کرده و قبول حالت تمدن نموده بود دیگر بار در حرکت

آمده و بدان نظم و نسق که سابقا معمول و مسلوک بود با شکوهی کامل عازم شدند

در خارج شهر سردار یعقوب خان که با تمام سواران و همراهان صف کشیده

بودند یکبار دیگر رکاب ظفر انتساب را زیارت کرده و شکر عنایات و مراحم اعلیحضرت

همایون شاهنشاهی را بجای آورده بسمت مقصد و اوطان خویش معاودت نمودند

ظهیر الدوله پیشکار مملکت خراسان تا یکفرسنک ملازم رکاب نصرت توامان

شده در رسم مملکت داری و رعایت حال لشکری و کشوری در دانه داشتن
بعضی از افواج قاهره بدار الخلافه طهران از جانب سنی الجوانب ملوکانه دستور
العمل یافته بشهر مراجعت نمود و هم مقرر گشت که بعضی از خوانین سیستان از افواج
دماوندی بدار الخلافه فرستند شاهنشاهزاده اعظم جلال الدوله فرمانفرمای
خراسان که ملتزم رکاب بود مستدعی آن شد که تا منزل از خاکپای همایون
دوری نجوید و استدعای وی بدرجه اجابت مقرون گشته مقرر شد که در دفعه
آینده مراجعت فرماید اعلیحضرت شاهنشاهی در مزرعه موسوم بکلاته حاجی
محمدرضا صرف نهار فرموده و چهار ساعت بغروب مانده تشریف فرمای
چمن قهقهه گشتند هنگام عصر امین الدوله باریافته درخصوص افواج متوقف
مشهد و غیره فرمایشات علیه بشرف صدور یافت که [illegible] الدوله افضل و
چمن قهقهه در سمت شمال و چهار فرسنگی مشهد واقع و موسوم است باسم
قریه قهقهه که از توابع ارض اقدس و قریب است باراضی شهر طوس که اکنون
از آن بلد جز علامات بنا و قلیلی از آثار عمارات هیچ باقی نمانده و تمامی اراضی آن
مزرع و مرتع قراء حول و حوش گشته و آبادی آن بشهر مشهد نقل و تحویل شده

# دوشنبه نوزدهم ربیع الاول و تشریف فرمائی سرکار همایون شاهنشاهی بچشمه کیلاس

درین روز چون سرکار پادشاهی باقبال و مبارکی سوار شدند شاهنشاهزاده معظم جلال الدوله از حضور مبارک رخصت معاودت یافته بمقر حکومت خویش تشریف فرما گشتند پرویز میرزا حاکم سبزوار که این اوقات در ارض اقدس و ملتزم رکاب نصرت شعار بود از ین منزل جازه عزیمت محل حکومت خود یافت و مشمول عطوفت ملوکانه آمده بلقب نیر الدوله سرافرازی جست چون قدری از راه طی شد سرکار اقدس همایون شاهنشاهی در باغچه که در ارض راه واقع است و در نهایت با صفا و شلیلهای ممتاز اعلی داشت از برای نهار فرود آمده بباغبان و صاحب باغ انعامی شایان مرحمت فرموده مقرر داشتند که هر ساله از شلیلهای باغ مقداری از برای عصرانه همایونی خریداری نماید

سه ساعت بغروب مانده اردوی کیوان پوی بقلعه وکیل خان که قریب بچشمه کیلاس واقع است نزول اجلال نمود امین الملک عرایض و پیشکش ظهیر الدوله را از لحاظ انور همایون گذرانده معروض داشت که فوج امیریه از ترتیب خود رضایت نمودند

حسب الامر امین الدوله و حاجی سحاب الملک و حاجی مصطفی قلیخان شرفیاب شده

درین باب اوامر ملوکانه شرف صدور یافت و بحاجی مصطفی قلیخان مقرر گشت احکام

خسروانه را بظهیر الدوله رسانیده در اجرای آن تاخیر جایز ندانند

از همین قهقهه بچشمه کیلاس پنج فرسنگ است و راه مسطح ولی بواسطه انهار و قنوات

بسیار که در آن تقاطع کرده اند عبور کالسکه خالی از اشکال نیست اطراف جاده

همه جا قرا و مزارع متعدده است و درین بیابان زراعت بی پایان میشود و محصول

آن جو و گندم و شلتوک و صیفی است و استعداد این اراضی بدرجه ایست که آنچه از

از قنوات و آب و دشت و شرب میدارند تخمی چهل الی پنجاه تخم حاصل میدهد و آنچه زراعت

دیم است از یک حبه بیست حبه عاید میکردد سمت راست راه بمسافت چهار فرسنگ

اندک بیشتر یا کمتر منتهی میشود بیک شعبه از جبالیکه متصل بجبال کلات است سمت چپ

با همین قدر فاصله کوههای چشمه سبز و گل مکان و غیره است چشمه کیلاس در فضای

دامنه کوه واقع است و قریب ده سنگ آبی ناگوار و غلیظ از او جریان دارد

که موقوفه حضرت فیض آثار است و در نواحی شهر باب سند گلستان ضمیمه شده

از خیابان داخل صحن مقدس میگذرد و قرا و مزارع بسیار در شمال و جنوب

از آب آن مشروب میکردند و در چشمه نی زار و از بعضی نباتات آبی پوشیده و قعر
آن عمیق و دراولای بسیار است که هرکس بماند و پای در او نهد فرو رود و بهلاکت
رسد چنانکه از قراریکه حاجب الدوله بعرض عاکفان حضور مبارک رسانید شخص
سارباني از برای استحمام بمیان آب رفته و چون عالم بعمق و گل چشمه نبوده فورا ناپدید گشته
سه ساعت بعد جسد بیجان او را در روی آب یافته اند

## سه شنبه پنجم ربیع الاول و تشریف فرمائی اردوی همایونی بچمن کوباغ

در این صبح یکساعت بدسته مانده اعلیحضرت همایون شهریاری براسب سمند
پیشکشی سپهسالار سوار گشته امین الدوله را بفرمایشات علیه ملوکانه مخاطب فرموده
ابتدا بتفرج چشمه کیلاس تشریف بردند و بعد از ملاحظه چشمه بکاسکه رجوع فرموده
و در سرتپه که مشرف باطراف است صرف نهار فرمودند محمد رضاخان حاکم رادکان
با اقوام و عشیره و سواران رادکانی بزیارت رکاب قمر انتساب شتافته مورد
مراحم و عواطف ملوکانه گشته خاطر مبارک را از اسامی قراء این بلوک و جبال و
حدود و ایلات آنسامان مستحضر میداشت پنجساعت از روز مانده موکب مسعود

بخیام زرین بود شرف ورود ارزانی داشت حاجی میرزا علی مشکوة الملک و
دیگر چاکران تا هنگام غروب در حضور همایون مشغول صحبت و خواندن کتاب
بوده بچادرهای خویش رفتند

از چشمه کیلاس تا چمن کوباغ چهار فرسنگ است سمت راست شعبه کوهی است
پست و سخت که نیم فرسنگ راه قایم و تا سه فرسنگ امتداد یافته پس از آن
کوهی مرتفع و سخت ابتدا میکند و در دامنه این جبال قرای چند واقعند که از آنجمله
ابتدا قلعه کوچکی است مشهور به تنجون آباد که در دهنه دره واقع است و از کنار آن
راهی است که از میان دره بمحال درزاب و کوارشک میرود و پس از این هاشم آباد
متعلق بحاجی هاشم خان فراشباشی حسام السلطنه است و از آن گذشته قریه رضا آباد
ملکی محمد رضا خان و اول خاک رادکان است سمت چپ راه که عبارت از سمت
مغربی باشد بلوک چناران است که خاک آن بواسطه قریه کون آباد از میان ولایت
مشهد منفصل گشته قراء و مزارع و باغات پراشی و اثمار آن از دور نمایان
و پس از پنج فرسنگ سلسله کوهی عظیم منتهی میشود از چشمه کیلاس تا کوباغ این صحرا
تمام مسطح و سبز و خرم و مرتفع و موقف ایلات کیوانلو است که زیاده بر پنجهزار خانه

وسپرده بمحمد رضا خانند و سیاه چادرهای ایشان درین بیابان پراکنده است
چمن کوباغ چمنی است وسیع پرآب وعلف که در فاصله خاک رادکان وچناران
واقع وسرچشمه کشف رود است و او رودی است فی الحقیقه زاینده رود که از آن مکان
بقرب شهر مشهد رسد زیاده بر پانزده سنگ آب دراو جمع شود و قراء بیشمار
از آن سیراب کردند

## چهارشنبه بیست ویکم ربیع الاول تشریف فرمائی سرکار همایون شاهنشاهی ببلده رادکان

از آنجا که مسافت از منزل تا رادکان زیاد نبود درین روز دیرتر از سایر ایام
شیپور سواری کشیده و شاهنشاه جمجاه با فر وشکوه هر روزه از سراپرده مبارکه
بیرون تشریف آورده بر اسب تخت جلوس فرموده از میان چمن با امین الدوله
وسایر وزراء فرمایش کنان تشریف فرما شدند نیم فرسنک برادکان مانده
چون اهالی آن بلد آوای زنبورک ونقاره خانه را استماع نموده نزدیک شدن
موکب همایون را دریافت نمودند اناثا و ذکورا از وضیع وشریف صغیر وکبیر بیرون
شتافته در سمت راست وچپ راه با نظمی تمام ایستاده زبان بدعا وثنای

وجود مبارک گشودند سرکار همایون پادشاهی نیز با نظر ملاطفت و مرحمت
بدیشان نظر فرموده در باغ محمد رضا خان که در خارج شهر واقع است نهضت افزا
گشته شدند و وزرا و سایر چاکران را رخصت آن دادند که بمکانهای خویش رفتند
ذات والا صفات همایون شهریاری پس از صرف نهار اندکی استراحت کرده
بهنگام عصر بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شدند شب بعد از شام قورق شکست و
مشیر الممالک و امین الملک و سایر مقربان حضرت بخدمت شتافتند

از کوه باغ برادکان یک فرسنگ است و راهی مسطح در جوار جاده جز قریه قیس آباد
دهی نیست ولی در سمت غربی قرا و مزارع متعدده است و در وسط راه برجی است
عظیم از آثار قدیم شبیه برج یزید شهری که با آجر و گچ ساخته شده و چون موکب
همایون بدان برج رسید سرکار پادشاهی محض تفرج آن بنا از یک سمت برج بالا
تشریف برده از سمت دیگر بیرون آمده از کیفیت بنای آن استفسار فرمودند
امین الدوله بعرض رسانید که آنچه از تواریخ معلوم میگردد سلطان سنجر در هنگام مراجعت
از روم درین مرز و بوم اردو زده چندروزی توقف داشته شد و در این ایام پرسطوت
چند بار ده آمده و سراپرده سلطانی از برای خویش مأمن و مقامی ساختند

چون زمان حرکت شد و حالت این جانوران که در روی خیم خفته در شرف بیرون آوردن بچگان بودند معروض حضور گشت محض رافت و مروت مقرر شد تا سرای پرده را همچنان بعد از حرکت اردو در جای بدارند تا آن مرغان بچگان خویش بپرورند و حسب الامر چنان کردند مقارن این حال خواجه نظام الملک که بصدارت عظمی مفتخر بود از پس اردو برسید و از حقیقت حال جویا گشته بملاحظه آنکه از رحم و عدالت ملوکانه آثاری در آن مکان بماند حکم به بنا و ساختن این برج فرمود والله اعلم بحقایق الامور

قصبه رادکان قلعه بزرگ و محکم دارد که هزار خانوار در و مسکن دارند و بازار و دکان و حمام عالی در او بنا شده اطراف این قلعه خندقی است عمیق که غالب پر از آب است در کنار قلعه باغی است متعلق بمحمد رضا خان که خیابانهای منظم و بیدستانها و حوضخانه نیکو دارد هوای رادکان در نهایت معتدل و آب آن بشدت گوارا و از دره شمال مشرقی جاری است

## پنج شنبه بیست و دوم واوطراق در رادکان

سرکار همایون پادشاهی محض ملاحظه عرایض وزراء که بتوسط چاپار از دار الخلافه

رسیده بود و صدور جواب و احکام در این روز در رادکان امر با وطراق فرموده

در اول روز از حرمخانه مبارکه بیرون تشریف آورده و تا به هنگام عصر مشغول

مطالعه عرایض و صدور احکام بودند تا از انجام آنها فراغت حاصل آمده حکم

پروانه داشتن چاپار فرمودند شاهزاده تیمور میرزا در اطراف قلعه چند فرد تیهو چین

با قوش صید کرده بحضور مبارک آورد و معروض داشت که در این دامنه چشمه های

بسیار است خاصه در دره مشرقی که آبی در نهایت صافی و گوارا در آن جاری

و بید ستانی بس منزه و با صفا در طول دره امتداد یافته غلامان رادکانی تیهو

آهوو تکه بزرگی صید کرده بخاکپای مبارک آورده انعام و احسان زیاد یافتند

و معلوم عاکفان حضور گشت که در این نواحی هرگونه شکار بسیار است ولی چون

وقت کافی و مساعد نبود و گویا حضرت شاهنشاهی عهدی شایسته تر منظور نظر داشتند

بصید افکنی در آن ناحیه میل نفرموده و زیاده از دو روز توقف در آنجا جایز ندانستند

محمد رضا خان حاکم رادکان که در پذیرائی مقدم مبارک و تشریفات ورود

مسعود و تمهید موجبات راحت ملتزمین رکاب جهدی مشکور ظاهر ساخته بود

مورد مرحمت ملوکانه شد با عطای یک ثوب جبه ترمه و دو قبضه تفنگ و طپانچه

سر فخر و مباهات بر آسمان سود و سینهٔ اکثری از خوانین کیوانلو که شایستهٔ مراحم ملوکانه بودند خلاع شایسته یافته قرین اعزاز و افتخار آمدند

## جمعه بیست و سیم تشریف فرمائی اردوی همایون از رادکان بمنزل سوهان

در این روز چون اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بعزم سواری از باغ محمد رضاخان بیرون تشریف آوردند محمد خان حاکم خبارزان و محمد رضاخان حاکم رادکان و خانلرخان رادکانی که مردی سالخورده و وضع لباس و طرز سلوک و هیأت و حالت او نمونه و آثاری از قدمای قوم بود با تمام سران و خوانین کیوانلو که هریک را بفراخور حال خلعتی مرحمت شده بود بزیارت خاکپای همایون تشرف جسته اعلیحضرت شاهنشاهی با هریک بنحوی که درخور شان او بود خاصه خانلرخان اظهار مرحمت و مکرمت فرموده و باسب ترکمانی غوغا که اسبی بی همتاست نشستند و از جنب قصبهٔ رادکان عبور فرموده تشریف فرمای کالسکه گردیدند و چون در اطراف راه مکانی که صفای آن مستحسن و شایستهٔ فرود آمدن باشد ملحوظ نظر مبارک نیفتاد و تا سوهان چندان بعدی نداشت سرکار پادشاهی نهار را در منزل میل فرمود

خواستند اندکی بیاسایند حرارت هوا مانع شد پس تمام روز را باستماع کتب تواریخ
و نوشتن روزنامه و خواندن روزنامجات فرانسوی مشغول گشتند حکیمباشی طالزان
دندان حیوانی که در نهایت سطبری و عظیم بود و عجب مینمود بحضور مبارک آورده
معروض داشت که اهالی رادکان در زمانی قبل برین بهنگام حفر چاهی دو پارچه
استخوان یافته اند یکی از آنها در مدت مفقود شده و دیگریکه باقی بود نزد امین الدوله
آورده بودند و من چون درست تأمل کرده از آثار علم طبیعی و را دندان یکی از حیوانات
علف خوار عظیم الجثه یافتم که قبل از طوفان نوح درین سمت از کره ارض متمکن بوده اند
و چون خالی از غرابت نبود بنظر مبارک رسانیدم و این پاره استخوانها که بندرت
در اراضی معموره قدیم یافت میشود دلیل بر آنند که در سوابق ایام حیواناتی چند درین
سمت کره بوده اند که این اوقات ببزرگی آنها هیچ حیوانی دیده نمیشود و حکمای طبیعت
شناسان فرنگی بدین آثار و علامات چنان قیاس می کنند که در میان مخلوقاتی
که در اول خلقت بدرجه شهود رسیده اند یا آنهائیکه امروز در روی زمین نشو و نما مینمایند
بحسب جثه و قوت و قدرت فرقی کلی است بالاخره حضرت همایونی بهنگام
شام بحرمخانه مبارکه تشریف فرما گشته و چون برخلاف وزیدن هوای شب را

اعتدالی بود در کمال راحت بیاسودند

از زادکان الی سوهان سه فرسنک است وراه شمال مغربی و در جلکه واقع است

که از زمین و بسیار آن رشته کوهی امتداد دارد کوه سمت راست آن نیم فرسنک

زیادتر از راه بعد ندارد و قلعه کلات در سمت مشرقی و انتهای شعبه این کوه واقع است

و در دامنه آن آسیاهای زیاد نمایان است و کوه دیگر که در سمت چپ است

چهار فرسنک از راه دور و اغلب مکانهای آن بدون سنک و سهل المسلک است

دهاتیکه درین راه ملاحظه میشوند اول قریه چنبر غربال است که در دامنه کوه واقع

کشته و پس از آن قریه خرج که ملک سرکشیکان حضرت فیض آثار است و

ده اخیر بهمن کان است قلعه سوهان که از قلاع قدیم است اکنون خراب

و بایر مانده و سکنه آن در اندک مسافتی از قلعه مسکن کزیده و آبادی نموده اند و از قراریکه

در میان اهل آبادی مذکور است قلعه سوهان در زمان سلف قلعه معمور و پر جمعیت

بوده است و طوایف اوزبک ایشانرا کوچ داده بخاک ترکستان برده اند و چند

خانوار از آنها فرار کرده پس از مدتی دوباره بوطن خویش عود نموده و در حوالی

قلعه تمکن جسته اند والله اعلم

## شنبه بیست و چهارم تشریف فرمائی اردوی همایون بعلی آباد که اول خاک قوچان است

درین روز هوا در نهایت معتدل و نیکو بود و خاطر مبارک خسروانی از این
معنی بکمال مسرت حاصل در اول سواری توپ همایون را مقرر داشتند که از جاده
روان شوند و خود با معدودی قلیل تفرج کنان و صید افگنان از دامنه کوه تشریف
فرما شدند و ملتزمین رکاب بشکار مشغول گشته هر یک صیدی مینمودند از جمله شاهزاده
تیمور میرزا و محمد تقی خان پیشخدمت هر یک آهوئی صید نموده و از انعام
و احسان شاهنشاهانه بهره ور آمدند چون اندک مسافتی از راه طی شد در سمت راست
بالای سر قریه موچیان تپه نمودار گشت و در فوق آن مزاری قدیم بنظر آمد
حسب الامر در صدد تحقیق برآمدند و بعرض حضور همایون رساندند که قبر با سلطان
و او مردی از اهالی ترکستان و طایفه جانی قربانی بوده است که با جمعی از ایل
و الوس خود از ترکستان در زمان قدیم بدین سامان آمده و در بیابان موچیان
منزل کرده و چون زمان وداع جهان رسیده در بیشتر آنکه از نسل
بعد نسل ملاکین سامان اند وصیت نمود که قبر او را در بالای این تپه قرار داده

محترمش دارند و اورا دو پسر بوده یکی موسوم بتقرا اوغلان و دیگری بسنز اوغلان که هم

تا کنون قنوات این قرا باسم ایشان موسوم و معروفست و از قراریکه مذکور میدارند

سواران این طایفه در واقعهٔ عظیم کربلای معلا از آنجا بوده اند که با امام همام علیه السلام

مخالفت و معاندت ورزیده‌اند والله اعلم موکب منصور از حوالی تپهٔ مذکور عبور فرمودند

و در سه فرسنگی موچیان درخت آورسی عظیم و کهن نمودار گشت که عوام قوم تصور

آنکه این درخت نظر کرده است بامید برآوردن حاجات و متمنیات بر هر شاخ

پارچه یا ریسمانی بسته اند بحدیکه چون شخص نظر کند گمان نماید که اوراق این درخت تمام

از ریسمان و پارچهای الوان است بالاخره اندکی از درخت گذشته امیر حسینخان

ایلخانی زعفرانلو با دیدگشت که برسم استقبال در کنار جاده با پانصد سوار زعفرانلو صف

بسته و خود با سران سپاه و خوانین زعفرانلو پیاده در جلو صف ایستاده منتظر زیارت

رکاب نصرت انتساب حضرت همایون شهریاری ایلخانی را نزدیک طلبیده مورد

الطاف و اشفاق ملوکانه ساخته مقرر داشتند سوار شده ملتزم رکاب گردد

والحق از جلادت و رشادت جبلی و آراستگی اسب و یراق سواران مزبوره انظار

خیره شده مایهٔ مزید تلطف حضرت همایونی نسبت بایلخانی مشارالیه گشت و امیر حسینخان

مخاطب بقربا لیشات علیه آمده جواب را ازروی بصیرت واطلاع کامل معروض میداشت
ازجمله سرکار همایونی ازاحوال طایفه بغایری وعدد خانوار ایشان سئوال فرمودند
المخاطب معروض داشت که بغایری دو طایفه اند که درسمت جنوب قوچان بفاصله
هشت فرسنگ درباجم وصفی آباد مسکن دارند طایفه که بغایری فقط معروف است
هفتصد خانوار ذیل وارند درباجم مسکن میکنند ورئیس ایشان الله یارخان ولد محمدخان
بغایری است وپانصدخانوار دیگر را که درمیان خود جز بغایری میباشند وصفی آباد
مسکن دارد واز جانب دولت علیه لطفعلی خان بسرکردگی وریاست ایشان سرافراز است
ودرمیان این دو طایفه اغلب خصومت وعناد است کوه جهان ارغیان که ازجبال
معروف خراسان است درمیان این طایفه وایلات زعفرانلو واقع شده وخاک
ایشان را ازیکدیگر منفصل ساخته بدین معنی که شمال آن کوه در تصرف زعفرانلو وجنوب
آن متصرف فیه طایفه بغایری است وسرحد طرف بن کوه آباد وحاصل خیز است
بالاخره اعلیحضرت همایونی درکنار ... درکانی با ... صرف ... فرمودند
ودرثانی باسب کهرعربی حاجی قوام الملکی سوار گشته همه جا ازدامنه کوه با تمام
سواران وملتزمان رکاب نصرت نشان ازدره مابورو سپیت ... وعبور فرموده

شش ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند و چون امتداد و پست

و بلندی راه بوجود مسعود زحمت داده بود شب را زودتر از سایر لیالی استراحت فرمودند

از سوهان الی علی آباد هفت فرسنگ است سمت راست در اول منزل قریب

بکوهی سخت و پرسنگ واندک اندک مسافت راه باصل کوه زیاد گشته و تا جلگه علی آباد

تمام این سمت دره و ماهور و از تپه های خاکی پست و بلند است و قراء و مزارع واقعه

این سمت راه بدینموجب است

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| مزرعه ابراهیم آباد | موچنان | یسافی | شال باف محروبه است | دولت آباد یا دوست آباد |
| داودلو | کلاته قاسملو | دیزوند | کلاته قربان | علی آباد |

سمت چپ جاده بمسافت پنجفرسنگ اندکی کمتر یا زیادتر رشته کوهی است

که از خراسان گذشته همه جا همراهی دارد از سوهان تا مسافت سه چهار فرسنگ

درین سمت آبادی نیست و پس از آن در میان دره ها و دامنه کوه مزارع و دهات چند از

دور نمایان است که جزء بلوک سرولایت قوچانند و اسامی آنها بدینموجب است

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| رضا آباد متعلق بمیرزا شفیع وزیر آستانه مقدسه | سیاه نظر | شورچه | کلاته قراشور | جعفر آباد |

یکشنبه بیست و پنجم تشریف فرمائی اردوی کیوان

## شکوه همایونی بقوچان

درین روز [illegible] همایون [illegible] کرده [illegible] همایون شاهنشاهی

باشکست [illegible] امین الدوله [illegible] توجه فرمودند

و پس از طی مسافت [illegible] و سمت [illegible] نهاد

فرمودند جماعت [illegible] علیه

و اعیان و اشراف [illegible] جمعیت و لشکر برای

زیارت جمال [illegible] همایونی در خارج شهر در نهایت نظم [illegible] بسته

زبان بدعا و ثنای وجود مبارک ملوکانه گشوده [illegible] اعتراف را

در خاکپای همایون [illegible] مرتبت و شأن خویش

معروض [illegible] اعلیحضرت پادشاهی از کالسکه بزیر آمده

بر اسب [illegible] سوار گشته از کنار قلعه رضا قلیخان که بقلعه امیرآباد موسوم

و بکرد [illegible] دارد و در خارج شهر قوچان واقع است عبور فرمودند در سمت

غربی شهر بباغ نظر امیر حسین خان که برای تشریف فرمائی ذات والاصفات

همایونی معین شده بود عز ورود ارزانی داشتند [illegible] تا یک مقدم مبارک

بهمایونرا پیشکشهای لایقه از نقود وشالهای کشمیری وسایر امتعه تقدیم نموده بدایای

ایشان پسند خاطر مبارک افتاد واز شالها یکطاقه را بمحمد علیخان پیشخدمت خاصه

ویکطاقه بمحمد حسن خان محقق مرحمت فرموده بقیه را نیز بدیگران بذل فرمودند

از علی آباد بقوچان سه فرسنگ است سمت راست وچپ جاده بفاصله که دو فرسنگ

الی سه فرسنگ امتداد دو رشته کوه است که در منازل سابق ذکر یافت در وسط

این دو کوه جلگه آباد خوش هوای حاصل خیز قوچان واقع است وقراء ومزارع

واقعه در یمین ویسار جاده بدینموجب است

قراء سمت راست جاده

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| ناورخ | فیطاقه | چالکی | حسن آباد | پشته باغان | هی هی |
| نظر آباد | مزرج | آق کاریز | فرخان | فتح آباد که بقلعه کلب آقاسی اشتهار دارد | فیلو |
| قوچان | | | | | |

قراء سمت چپ جاده

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| قلعه ستقنع | قلعه سه و | ازون قویی | دوغائی | بنوید | قلعه عباس |
| قلعه دولو | اب کرک | کبرآباد | کهنه فرود | نوروزی | محب سراج |
| قلعه | حوض آباد | دربندی | کلاته میرزا | فیروزآباد | یزدان آباد |

قلعه کلب آقاسی که امروز بنظارگاه حضرت همایونی واقع شد یکی از قلاع

قدیم وبسیار محکم است وبنا بر معروف مرحوم نادرشاه افشار را در سمت شرقی

قلعه مزبور در تپه که سوسوم بمرواریدتپه شهید کرده اند قلعه امیرآباد در نزدیکی قوچان

واقع و از بناهای مرحوم رضاقلیخان ایلخانی زعفرانلوست چون در ایام خاقان

مغفور مبرور رضاقلیخان پا از جاده اطاعت بیرون نهاده بنای طغیان و فساد

گذاشت مرحوم عباس میرزای نایب السلطنه جد شاهنشاه غازی که در آن هنگام

از جانب شاهنشاه مغفور فرمانفرمای ترکستان داشت این قلعه محکم بنیاد را

که مشتمل بر بروج مشید و حصار سخت و خندق عریض عمیق است بقهر و غلبه تصرف

فرموده رضاقلیخان را باطاعت آورده حکم بویران ساختن قلعه فرمود تا دیگر باره

مأمن و مقر طاغیان نشود

محال قوچان بسمت مغرب شمالی مشهد واقع است و از اول خاک آن که بطاس شیر

و قلعه بیک نظر معروف است تا شهر مشهد پانزده فرسنگ است جلگه قوچان که

صحرائی حاصلخیز و فرح انگیز است در میان دو سلسله کوه واقع شده یکی از سمت

جنوب که معروفست بکوه شاه جهان و جهان ارقیان و میان قوچان و بغایری

و صفی آباد و جلگه اسفراین فاصله است و دیگری شمالی که جلگه قوچان را از دره گز و صحرای

اتک منفصل و جدا کرده خاک قوچان محدود است از سمت مشرق بخاک مشهد و از غرب

باقول یورد شاد لو از سمت جنوب بچناران و اسفراین و از شمال بدره گز و
صحرای ترکمان طول خاک این محال شانزده فرسنگ و عرض آن نیز از دوازده
الی شانزده فرسنگ است درین وسعت اندک دهات و مزارع و باغات و
کشت زارها بیکدیگر پیوسته خاک آن حاصل خیزترین محالات مشهد است و زراعت
دیمی و آبی این بلد در سال کفیل معاش غالب بلاد خراسان میکردد بنحویکه هرگاه
وقتی بزرع آنجا آفتی وارد آید در تمامی بلاد خراسان تفاوت نرخ حاصل کردد
و عمده تجارت و کسب رعایای قوچان از غلات و حبوبات و فواکه است
این مملکت را دو شهر است یکی شهر قوچان که معروفست و او را برج و باره
و خندقی عظیم است ولی عمارات داخلی آن اکثر خراب و بتازکی درین عهد جاوید مهد
و ایام حکومت امیرحسین خان رو بآبادی گذاشته درین شهر حمام و مسجد معدودی است
از جمله مسجدی است که در نهایت قدیم است و اگرچه تاریخ بنای آن معلوم نگشت
ولی آنچه از آثار نمایان است گویا زیاده از هشتصد سال است که بنا شده و نیز
قوچان را بازاری طولانی است که ابتدای آن دروازه مشهد و انتهای آن دروازه
بجنورد است و درین بازار همه نوع متاع یافت میشود و هم این محال را شهری دیگر است

که بشیروان معروفست و تفصیل نسبت آن در موقع خود ذکر خواهد یافت هوای
قوچان قریب باعتدال و خشک است و آب آن در نهایت گوارا و مردمانش همه
باهوش و ذکاوت و شجاعت و فراست و از طایفه زعفرانلو اغلب آنها صاحب
خانه و املاک و باغات و مزارع میباشند. و هزار سوار جرار مکمل و مسلح پیوسته
از ایشان برای خدمت دولت حاضر است و در هنگام ضرورت هزار و پانصد
سوار و هزار و پانصد پیاده نیز ممکن است با اسلحه حاضر خدمت شوند
تفصیل بلوکات و رودخانه و قلعجات قوچان بدینموجب است

بلوکات و محالات

بلوک سر ولایت دهات و مزارع بسیار دارد و معتبرین آن از این قرار است

| | | |
|---|---|---|
| قوچ جد | عم آباد | قلعه عباس |
| چالاک | قوزرزی | |

بلوک پست کوه که در میان جبال در کوه قوچان واقع است و بشغال است معروف بدولتخانه و قانو اینجه

بلوک میان ولایت دهات معروف آن از این قرار است

بلوک پایین ولایت

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| فارج | داغیان | اسفنجیر | شیروان | خبوشان | دوالده معروف |
| دویت | کرانو | | حسین آباد | زیارت | برزاورم |

محال کیسکان سمت شمال و غیره

بلوک شمالی که قلعجات آن هر یک علیحده کره و مزرعه های متعدد دارد و محال محسوب میشود

اوقاز | نرقان | جیفان | کرم آب | خرستان | قوشخانه

کرم آب: فیروزه

خرستان: محال لی پایان چهار صد خانوار و چند مزرعه دارد

بلوک جنوبی او نیز قلعجات متعدده دارد که هر یک میتوانند محالی جداگانه محسوب شوند

قراهان لو و محال شادکان لو

محال استاد و خرده آباد

محال جلبیان که آب و هوای ممتاز دارد و رودی عظیم در وسط آن میگذرد و باغات زیاد نامحصور دارد

محال بیدوار قاسم آباد و دوده که طایفه نیلانو در آنجا ساکنند

رودخانها

رود بترک که از تقوچان می آید و منبع آن سمت شمال و کوه دره گز است

[illegible]

رودخانه واغنان از جبال جنوبی جاری است

رود استاد و خرده از جبال جنوبی جاری است

رود جلبیان ایضا جنوبی است

رود چری

رود اسفجیر از جبال شمالی جاری است

رود ذوزم [illegible]

رود بهونه نام رودی است که بشیروان می آید [illegible]

رود قوچان و اینز بشیروان می آید

قلعه‌جات و قراولخانه‌های قوچان که در سر راه ترکمان واقع است ابتدا از حد دره‌گز و در گز الی حد شادلو

چون حد اول سرحد قوچان دوربند است و قلعه‌ایست که سی خانوار دارد و سه راه پایین قلعه منتهی میشود و در هر یک قراول است

قلعه دربادام او نیز بیست خانوار دارد و دو راه بدربند منتهی میشود

راه تاتان | راه چوجان | راه کاریز خانه | کرلادل | و هفت بوسه | نو قشلاق بوسه

دربند ساسالو چهار بند و قشلاق دارد

راه کالپوش بدون قلعه

قلعه بردکه تا ترکمان سه فرسنگ است و چهار برج قراولخانه دارد

راه زکریا قراولخانه دارد

راه بیدلی ایضا

راه زیدلان ایضا بدون قشلاق

راه شبانه دو قراولخانه دارد

راه کوه کلیات قلعه دارد

دولتخانه | رهدن او زقر

راه چیکل

راه پیاده رو

راه چرستان راههای متعدد دارد که همه از کوه کلیات آید

راه خیرآباد دربند است و امیر حسین خان سدی بزرگ در سر آن بسته خود خیرآباد قلعه‌ایست که سی الی چهل خانوار رعیت دارد و پنج برج دارد و ساخته‌اند و راهها که بدو منتهی میشود زیاد است

چال ابیه | شهساز | شبانه عرب

راه برک | ترکمان رودان | راه کول

راه ترناب

راههای معروف دیگر که قلعه ندارند

زرجب | برج آق کر | امین بلی

قشلاق | تکه قرقن | راه کتک در بند

راههای بی قلعه

برج قلی | چوب بست | زاغ آشیان | ازیمان

راه قلی | راه عرب بند | راه یکه ساخ | راه قورد باغ

راه قره چیکه

راههای فیروزه که بترکمان از همه نزدیکتر است وزیاده از یک فرسنگ و نیم مسافت ندارد و خود فیروزه دو قلعه است و در هر قلعه پنجاه خانوار رعیت است و راهها که معبر ترکمان است و بدان وصل میشود ازین قرار است

بازار | در بند نیرقند | راه مندوا | قوشه امام

در بند کله | راه چهار شته | راه کار عوض بیک

راههای جیفان خود قلعه جیفان و توابع آن چهار صد خانوار دارد

اسمات یولی | چلبی | کلاته

میان رو | کندرف | امیر آباد

راه حصاره

راههای توشخانه که بقلعه توشخانه و مزارع آن منتهی میشود

در بند سرائی کار ملعتبس قلعه معتبری دارد | راه سر دو قلعه است بیست خانوار دارد

کار کلاته قلعه است و چند خانوار دارد | راه کچی داغ

راه الله قلی | یاد کار یولی

راههای تیکمران که در شمال شادلو است

راه شاه بته | راه کردیولی | راه پسر زنیت خان

راه قزل چیکه

راه کرناب خود کرناب صد خانوار است متصل باو قلعه قلعلوست که سی خانوار رعیت دارد و راههای متعدد باو منتهی میشود

کودر | ات یولی | کوره

سقر یولی | راه زاب آب | دوه کیسی

قرستمال دره | قوری چای | راه اوج بته

راه باش بته | راه قزل قیه | راه عرب دره و قره بیکان

## دوشنبه بیست و ششم توقف موکب منصور در قوچان

درین روز هوا را اعتدالی کامل حاصل شده و از اول بامداد بارانی ملایم گرد و غبار از روی زمین بسترد و گلها و چمنها و رخشان باغ را صفائی تازه و نظافتی بی اندازه حاصل گشته خاطرها را قرین مسرت و بشاشت داشت سرکار اقدس همایون شاهنشاهی بهنگام صبح استحمام فرموده و بسراپرده دیوانخانه مبارکه تشریف فرما شدند این خانه زاد اعلیحضرت شاهنشاهی که چند روز بود گرفتار تب و نوبه بود از یمن توجهات ملوکانه و مراحم شاهنشاهانه صحت یافته بزیارت خاکپای همایون شتافت و صورت اماکن متبرکه و روضه منوره را بعرض عاکفان حضور رسانده سرکار شاهنشاهی در کتابچه روزنامه مخصوص که اصل این کتاب مستطاب است ثبت فرمودند مقارن ظهر چاپار دار الخلافه از راه نردین و جاجرم رسیده عرایض وزیر مالیه اعظم و سردار کل عساکر منصوره که مبنی بر احوال مملکت و منتظمات دولتی و وصول مالیات و امنیت بلاد و نیکی حال رعیت و لشکری بود از لحاظ نظر انور همایون گذشت جواب سرکاتیب شرف صدور یافت و تحریرات چاپار را مستعجلا عود دهند یکساعت بغروب مانده اعلیحضرت شاهنشاهی بعزم ملاقات

حضرت مهد علیا و دختر کبری بباغی که منزل سرکار ایشان بود تشریف فرما شدند
بعد از صرف عصرانه و چای مراجعت فرمودند و ساعت از شب رفته بقربان
دربار معدلت مدار بحضور مرحمت ظهور همایونی مشرف گشته تا ساعت چهار قرین
سعادت و افتخار بودند عکاسباشی چند صفحه عکس ایلخانی و قلعه قوچان و غیره را
که حسب الامر برداشته از لحاظ انور همایون گذرانده در نظر مبارک پسند آمد

## سه شنبه بیست و هشتم و سوم توقف سرکار پادشاهی در قوچان

از آنجا که طبع منیر حضرت همایون شهریاری همواره بتفرج و سیاحت مایل است
درین روز بعزم سیر و گشت خارج قوچان حکم سواری فرمودند و محض آنکه سواران
نصرت نشان را راحتی باشد و اسبان ایشان را آسایشی حاصل آید که در هنگام
ضرورت و خدمت از پای نمانند سواران را از التزام رکاب مبارک معاف داشته
تنها بعضی از چاکران خاص چون معیر الممالک و حاجب الدوله و امین خلوت و
اجودان مخصوص و حاجی میرزا علی مشکوة الملک و مهدیقلی خان و میرزا علیخان
و نور محمد خان و ابوالحسن خان پسر ایلخانی و ابراهیم خان نایب اصطبل و معدودی
از تفنگداران و فراشان سوار در رکاب مبارک ملتزم گشته و سرکار اقدس همایونی

بسمت جنوب قوچان توجه فرموده و ابو الحسن خان را که عامل محال بلد بود از پیش روی

و خدمت بلدیت معاف فرموده و خود بنفس نفیس دون بلد و راه نما چون اقبال

و نصرت پیشرو و ملتزمین رکاب شدند و قدری از صحرا تشریف برده کوهی را منظور

نظر مبارک فرموده و بقیاس و قرینه مرکوز خاطر مبارک گشت که پشت آن کوه

محل آبادی و زراعت خواهد بود و پس بجانب آن کوه روان گشتند تا جاده معتبر

و وسیعی بادید گشت همان جاده مسیر موکب گردون سیر گردید و از دره ما بور

چند عبور فرموده گردنه نمایان شد چون از فراز گردنه بنشیب آمدند صحرا و جلگه وسیعی

نمودار گشت که اطراف آن کوهها ی نرم پرگیاه و تمام سطح جلگه از کثرت قرا و باغات

و مزارع صیفی و شتوی رشک جنان بود منظر این بوستان باعث سرور خاطر

همایون گشته در کمال شادکامی بصید افگنی مشغول شدند یک قطعه فاخته و چهار

قارالاغ بدست مبارک صید کرده از جواد قلعه پیکار آقا گذشته در کنار نهر آب

بید ستانی از برای صرف نهار فرود آمدند و مقرر شد تا آنچه صید شده بود کباب

سازند و بملاحظه آنکه سرکار شاهنشاهی را در هیچ وقت و هیچ موقع از کارهای دولت

و ملت غفلت نیست معیر الممالک را امر و مقرر شد که افراد جمع و خرج اقسام ممالک

محروسه و نوشتجات کیلانرا که درین صبح از دار الخلافه رسیده بود مشروحاً بعرض
حضور مبارک رسانده و در جواب هریک احکام واوامر ملوکانه صادر نمود و حضرت
همایونی پس از فراغت ازین مهم سوار از در نزدیک قلعه گذاشته و خود با چند نفر از خدام
کوهی سخت را که جنگل با دام تلخ و چشمه سارها و بیدهای تک تک داشت نظر آورده
بسوی آن روان شدند درین حال دهقانی از اکراد که بلباس مندرس و کلاه نمدی
بزرک داشت در نهایت آسایش خاطر با تأنی و تماشی تمام دستی بر کمر زده
و دستی در پشت سر گرفته رو بآنحضرت روان شد و از آنجا که مبانی امور شاهنشاه
بر عدالت و رعیت پروریست مقرر داشته احدی ورا مانع از آمدن نشود
تا مقصود و منظورش معلوم گردد مرد دهقان چون مانع و عایقی نیافت با همان طمأنینه
بدون تکلم نزدیک رکاب همایون گشت سرکار اقدس شاهنشاهی نیز بجانب او
توجه فرموده در کمال ملاطفت فرمودند عمو این کلاه و قبا را از کجا یافته دهقان
جوابی نداده و به پشت سر خویش نظر کرده با زبان کردی چیزی بکسان خود که دور ایستاده
بودند بگفت و مفهوم آن گویا در امر زراعت و آبیاری کشت شلغم بود این حالت
استغنا و بیخبری دهقان که در چنین وقتی کار خود را فراموش نکرده بجز کشت

گزر و شلغم خیالی در سر داشت در حضرت همایون مستحسن آمده او را نزدیکتر خواند
و از برای مزاح بوی فرمودند کلاه خود را بمن ده تا اسبی ترا دهم دهقان کلاه
از سر گرفته با یکدست پیش برد که بگیر و بده حضرت همایون را اینحالت در نهایت
خوش آمده و تبسم فرموده مبلغی گزاف بدو انعام فرمودند دهقان چون آن
زرهای سرخ ندیده در نهایت متعجب مانده در کمال سادگی سؤال نمود که این زرها
از چه راه بمن میدهید پس حضرت شاهنشاه از حالت رعیت و سلوک ایلخانی
جویا شدند دهقان عرض کرد که بحمد الله تعالی در زیر سایه پادشاه با خوشی میگذرد
و سالهاست چنین آسودگی و امنیت را برای خود ندیده بودیم در سابق ایام
بجنگ و جدال و اکنون تمام را بفلاحت و زراعت مشغول هستیم و شکر خداوند
و دعای پادشاه میگذاریم اعلیحضرت همایون در نهایت از این تقریر ساده
دهقان مسرور گشته شکر خداوند متعال را از آسوده خاطری رعیت بجای آورده
و بسمت کوه ناحش فرمودند در بالای کوه مزاری بنظر آمد از صاحب آن جویا
شدند معروض داشتند قبر پیر عابدی است که اهالی حول و حوش آنجا آنرا
بزرگ میشمارند و نذورات بدانجا برده استمداد می طلبند سرکار پادشاهی از آن مکان

گذشته از تفرج چشمه سارها و درختان بید و بادام جنگلی و دورنمای اطراف تفرجی
کامل داشتند تا محلی که از برای اسب صعود از آن ممکن نبود پس از اسب فرود آمده
مسافتی نیز پیاده بر سنگهای سخت برآمدند تا غاری پدید آمد و در جوار آن تخته سنگی
ایوان مانند منظور نظر همایون گشت و سرکار پادشاهی در روی تخته سنگ مزبور
نماز خوانده و با دوربین تماشای اطراف و جبال سرحد آخال که محل عبور
ترکمانان است مشغول گشتند دو ساعت بغروب مانده از کوه بزیر آمده و در حلکه
بدرشکه نشسته از راه دربند که راهی مسطح است تشریف فرمای منزل شدند
برسم هرشب در ساعت معین قورق بخشت و در حضور مبارک آتشبازی بس
نیکو و عالی کردند

## چهارشنبه بیست و هشتم و روز آخر توقف موکب همایون در قوچان

درین روز چون فی الجمله کسالتی در مزاج همایون راه داشت میل بسواری و تفرج
نفرموده و همه روز را در باغ دیوانخانه بامورات داخله و صدور احکام توجه داشتند
امیرحسین خان ایلخانی دو راس اسب ممتاز اعلی و دو قطار شتر نر ومایه تقدیم
آستان مبارک نموده از پیشگاه حضور مهر ظهور همایون بگذرانید و چون عنان

یکی در دست ابو محسن خان و دیگری در دست خان بابا خان پسر مرحوم سام خان
ایلخانی بود در زمان حضور در آوردن آنها اسب شمشاد بر خان بابا خان که طفل
دوازده ساله عنان او را در دست داشت حمله برده و او را بر زمین افکند ولی از مین توجه
ملوکانه آسیبی به او نرسید و این طفل صغیر که شجاعت و جرئت را از پدر خود ارث داشت
همچنان عنان اسب را از دست نداده و هیچ اظهار خوف و بیم ننمود این معنی بنظر
مبارک خسروانی در نهایت پسند آمده و او را باعطای یک قبضه کارد مرصع بنواخت
و مفتخر فرمودند مقارن اینحال سربازی در خارج باغ بقصد طیری تیری میانداخت
و گلوله آن در حضور مبارک بر زمین آمده باعث تغیر خاطر همایون گشته تیلقلی خان
اجودان باشی را مقرر داشت شد که او را تنبیهی باندازه کنند تا دیگری مرتکب چنین اعمال
ناشایست نشود و از آنجا که خدمات سابق و لاحق امیر حسین خان ایلخانی منظور نظر
و مشهود خاطر مرحمت گستر همایون بود او را بلقب جلیل شجاع الدوله و باعطای
یک قبضه قمه مکلل بالماس سرافراز و مفتخر فرمودند و بابو المحسن خان پسر وی شمشیر
کل مرصع مرحمت شده مقرر گشت قهرمانخان و سایر کسان ایلخانی را نیز
بخلاع مهر شعاع مفتخر و مباهی فرمایند.

شجاع الدوله درین سه روز که موکب منصور همایون در قوچان اقامت داشت

بشکرانهٔ این شرف که سالیان دراز موجب افتخار و امتیاز او ست توئی داده ملتزمین

رکاب را از عالی و دانی میزبانی کرد و مایحتاج اهالی اردو را از هیمه و علیق تا قوم و بصل

کفالت کرد و غالب اعیان حضرت را از اسب و شتر هدیه و یادگار فرستاد

## پنجشنبه بیست و نهم ربیع الاولی نهضت اردوی همایون از قوچان بچمن لیلی

اردوی همایون در کمال نظم و آراستگی و با شوکت و عظمت تمام درین روز

از قوچان کوچ نموده بسمت چمن لیلی عازم شدند و سرکار همایون شاهنشاهی

یکساعت از روز برآمده سوار شده امین الدوله و سایر وزرا را مخاطب بفرمایشات

علیه گشته قرا خان برادر الله یار خان حاکم دره جزکه باردوی همایون احضار شده

بود با دویست سوار مکمل و مسلح دره جزی بالتثام رکاب نصرت انتساب

مشرف و مورد عواطف خسروانه آمده بدیگر سواران پیوست و هیچکس را بر مکنونات

خاطر دریا مقاطر شاهنشاهی و سبب احضار سواران خراسانی اطلاعی حاصل نگشت

هر کسی از ظن خود حدسی میزد و اعلیحضرت شاهنشاه عزم ملوکانه را که بتنبیه و سیاست

طاغیان و سرکشان میوت و کوکلان معتصم بود همواره در پرده اختفا و ضمیر منیر همایون بخوا

ستتر میبد شد تا دشمن بر پلاک خویش واقف شود و روی بعز از نکذارد بعد وقت

بتقریب از سرداران خراسانی و احضار ایشان درخاکپای همایون عرضی مشید ب

احضار خراسان سوا و اطلاع بر احوال ایشان میسر بود نه وکسی را قدرت آن نبود

که بغیر این تصور کند بالاخره بچاعت از روز بر آمده موکب مسعود و تشریف فرمای

منزل شده و صرف نهار نموده اندک وقتی استراحت فرمودند و بهنگام عصر محمد

حسین میرزا و ابراهیم خان نایب بعضی از اسبان خاصه اصطبل مبارکه را در فضای

سراپرده مبارکه چمنی وسیع بود بنظر مبارک رسانده یکی از آنها که اسب اشتشاد

بسیار ممتازی بود با عتضاد الدوله مرحمت شد

از قوچان بچمن لیلی دو فرسنگ و نیم راه است سمت راست یاده بفاصلهٔ

هفت فرسنگ الی چهار فرسنگ منتهی بکوه میکردد و درین دامنه قرا و مزارع

بسیار و اسامی آنها بدین موجب است

| | | | |
|---|---|---|---|
| استیای چهار باغ | یوسف آباد | اوتار آباد | اسما و بافت و امزاد |
| تیه مسلم آباد | مرغزار | قسلوا حاجی نعی | |

سمت چپ راه نیز بمسافت پنج الی شش فرسنگ کوه است و قرا معروف

واقعه در این سمت از این قرار است

| یزدان آباد | قلعهٔ لطف‌الله | داغیان | شیرین | جعفر آباد | کلاته متعلق بجعفر آباد که اشجار بسیار دارد | معروف آباد |
|---|---|---|---|---|---|---|

چمن لیلی که مضرب خیام زرین قباب واقع شد چمنی است بسیار وسیع و

با صفا و روح که از هر سمت آن چشمه‌ها و نهرهای آب گوارا جریان دارد و هوا

و صفا و خضارت و نضارت آن در نهایت مایهٔ بشاشت و سرور اهالی اردوی همایون گشت

## جمعه غرهٔ ربیع الثانی تشریف فرمائی اردوی همایون بمنزل فیض آباد

چون دو ساعت از روز برآمده اعلیحضرت همایون شهریاری از سراپرده مبارک

بیرون تشریف آورده سوار شدند و اعتضاد الدوله و اعتماد السلطنه را نزدیک

طلبیده تا نیم فرسنگ سواره با ایشان فرمایش کنان تشریف برده پس از

اتمام فرمایشات بکالسکه نشستند در قرب قصبهٔ خرج که معبر همایون بود قریب

بهزار مرد و زن از اهالی قصبه بیرون آمده صف بسته در برابر کالسکه علی الرسم قربانیها

کرده و دعای وجود مبارک گفتند آبادی این قصبه و زیادی جمعیت آن در خاطر

مبارک زیاده از حد پسند افتاده و اندکی از برای تماشای قصبه و هیأت و لباس

اهالی آنجا که بلباس ترکمانان شباهتی تام داشت مکث فرموده و از آنجا گذ
چهار ساعت از روز برآمده بمنزل تشریف فرما شدند از قرار یکه بعرض خاکپای
همایون رسید معیر الممالک از روز قبل بستری شده و هم حاجب الدوله را ت
و نوبه عارض گشته بود سرکار پادشاهی از ناخوشی این دو نوکر بزرگ دلتنگ شده
حاجی آقا بابای ملک الاطباء را مقرر داشتند تا در علاج ایشان سعی و جهد بلیغ
نماید چون هوای این منزل برخلاف سایر منازل قوچان فی الجمله گرم بود
و بادی پر گرد و غبار وزیدن داشت سرکار شاهنشاهی میل باستراحت نفرموده
تا عصر مشغول مطالعه نوشتجات مرحوم سپهسالار بودند و بهنگام عصر قورق شد
بعد از شام قورق شکست و تا ساعت چهار اعتضاد الدوله و امین الملک و ما
چاکران در حضور مبارک مشرف بودیم از یمین لیسی تا فیض آباد سه فرسنگ است
و راهی پست و بلند که عبور کالسکه از آنجا خالی از اشکال نیست سمت یمین و یسار امتداد
رشته های جبال سابق الذکر است که بعضی جاها سه فرسنگ و در برخی چهار فرسنگ از
راه بعد دارند و درین فاصله همه جا آبادی و دهات و باغات و زراعت است
از جمله قصبه خبیج ملکی امیر حسین خان شجاع الدوله است که قریب بهزار و پانصد خانو

... ده باغات توت بسیار که از برای ابریشم کاری آباد نموده اند

اسامی قرار و مزارعیکه در دست راست جاده دیده میشد بدینموجب است

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| پشم | درون | برکر | کلاته بزازان در دامنه کوه است | نی تی کار ریو ایضاً در دامنه است |
| قوچ گنبدی ایضاً | آقا باغ ایضاً | حصار ایضاً | نجف آباد | علی آباد |

اسامی دهات طرف چپ از این قرار است

| | | | |
|---|---|---|---|
| حصار خیج دو طرف جاده | سیاه دشت | فیض آباد | میوان در دامنه است |
| ... ایضاً | استی ایضاً | خرده ایضاً | کیکلیان ایضاً |

قریه فیض آباد قلعه محکم بزرگی و قریب سیصد مسکون دارد

## شنبه دویم ربیع الثانی و نزول موکب مسعود بشهر شیروان

درین روز برسم هر روزه سرکار اقدس همایون شاهنشاهی بعد از حمام سوار شده مسافتی از راه را سواره با وزرا صحبت کنان طی فرموده بعد بکالسکه نشسته و در یکفرسنگی شیروان در کنار جاده در مکانی سبز و خرم از برای نهار فرود آمدند و بعد از نهار مجدداً بکالسکه نشسته بشیروان تشریف فرما شدند در حوالی شهر امیر کونه خان برادر شجاع الدوله که حاکم شیروان است با اعیان و علما و تمام خلق بلد بزیارت رکاب مبارک مشرف گشته مورد مراحم ملوکانه آمدند

وحضرت شاهنشاه در باغی که مخیم سراپرده‌های همایونی بود مشرف ورود ارزانی
داشتند دبیرالملک بحضور همایون مشرف گشته عرایض و مطالب استرآباد را
بعرض رسانیده جواب از مصدر جلالت صادر نمود از قراریکه جمعی از چاکران
صدیق بعرض عاکفان حضور رسانیدند شخصی مجهول الاصل و قوی جثه که معلوم
نبود از چه طایفه و صاحب چه پیشه است از اول حرکت موکب مسعود از دارالخلافه
همه جا با اردو همراهی کرده و در کوهها و شکارگاهها از نزدیک و دور نیز همراه
بوده که خود را باسب همایون رسانده هر قدر از او سؤال نموده بودند که چه
منظور و مقصود دارد جوابی درست نداده و هر وقت بعذری موجه متعذر
شده بود حتی در شب قبل قراولان خاصه او را در گلخن حمام مخصوص شاهنشاهی
یافته با خودش داشته بودند چه معلوم و محقق شد که خیال شر و قصد ضرر داشت
حسب الامر بسزای خود رسید
از فیض آباد بشیروان چهار فرسنگ راه غربی و سیع و تمام جلگه قراء و مزارع
و باغات و محل حاصل است سمت راست تا نیم فرسنگی شیروان بفاصله
دو فرسنگ و نیم فرسنگ امتداد سلسله کوه قوچان است و دیگر نیم فرسنگی شهر تپه بیداست

است در جانب نزدیک شهر امتداد و عظمت یافته کوهی بلند و سخت میشود که بلدهٔ شیروان
در دامنهٔ آن واقع است سنگهای این کوه سفید و خاک آن سرخ است و در پشت آن
قلل جبال دیگر که بمراتب مرتفع‌ترند از دور نمایان است

قراء و مزارع واقعه درین راه ازین قرار است

قراء شمالی

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| برزوآباد در کنار راه واقع است | سوله در دامنهٔ کوه واقع است | اسدآباد قصبهٔ معتبری است در کنار راه واقع است و او را امامزاده ایست موسوم به شیخ متعدد | قلعهٔ نصرآباد در دامنه واقع است | قولجوق | خالق |

از قراء جنوبی آنچه در کنار راه است قریهٔ سرچشمه است بقیهٔ قراء و مزارع در پشت
کوه واقع شده و تعداد اسامی آنها لازم نیست

بلدهٔ شیروان شهر دوم قوچان است ولی بحسب بنا شهر اول است زیرا که قبل از
آبادی شهر قوچان این بلد مسکن آباء و اجداد رضاقلیخان ایلخانی غفرالله بوده
امروز این شهر را نیز رو بپانصد خانوار مسکون است و دور او قلعه‌ایست که از روی
قاعدهٔ هندسی و جهات هشت غیر منظم ساخته شده و خندق و خاکریز محکم دارد
و در درون قلعه در مکانی که مرتفع‌تر از سایر امکنهٔ شهر است ارک بلد واقع شده است
که او را نیز برج و بارهٔ محکم بوده که اکنون رو بانهدام و ویرانی گذاشته است

رودی از وسط شهر جریان دارد که اسباب زینت و نظافت آن است سمت
شمال این قلعه دو فرسنگ باغات و متوالی است که فواکه بسیار دارد رودخانه اکراد
وسیعی در نهایت ممتاز اطراف شیروان مثل قوچان تمام صحرای حاصل خیز است
که از قرار معروف بذری صد الی صد و بیست تخم ارتفاع محصول آن میشود هوای
شیروان از هوای قوچان گرمتر است ولی در شبها چندان فرقی ندارد

## یکشنبه سوم تشریف فرمائی سرکار پادشاهی بمنزل عبداباد

سرکار اقدس همایون شهریاری یکساعت بدسته مانده سوار شده تپه مرتفعی را که در
مقابل شیروان بود منظور نظر ملوکانه فرموده و بالای تپه که در سمت جنوب است تشریف
[illegible] ساعتی با دوربین بساحت شهر و قراء و مزارع اطراف نظر افکندند بعد از تفرج و تماشا
حالت این شهر از تپه بزیر آمده بکالسکه نشسته و چهار ساعت از روز برآمده تشریف
فرمای منزل است نهار در سراپرده میل فرموده اندک زمانی استراحت فرمودند
و محمد حسن خان [illegible] بعضی کتاب [illegible] روزنامه الف [illegible] مشغول گشت چهار ساعت بغروب
مانده انقلابی شدید حادث شده رعد و برق و ولوله‌ای در هوا پدید شد سرکار
اقدس همایون از خواب برخواسته ساعتی در [illegible] همایون [illegible]

تفرّج فرموده و بعد از نماز و صرف چای بحرمخانهٔ مبارکه تشریف فرما شدند شب

بعد از شام حکیمباشی طلوزان و دیگران بحضور مبارک احضار شدند حکیمباشی از

روزنامجات فرانسوی بعرض میرساند و شاهنشاه خود بنفس نفیس همایون ترجمه میفرمودند

تا پنجساعت از شب بگذشت مقربان دربار رخصت انصراف یافتند و سرکار همایون

در آرامگاه خسروانی براحت مشغول گشتند هوای این منزل در نهایت سرد و ملایم

بود بنحویکه شخص محتاج ببالاپوش خز و سنجاب میشد

از نشیروان بعیدآباد سه فرسنگ است و راه تا یکفرسنگ مایل بجنوب و پس از آن

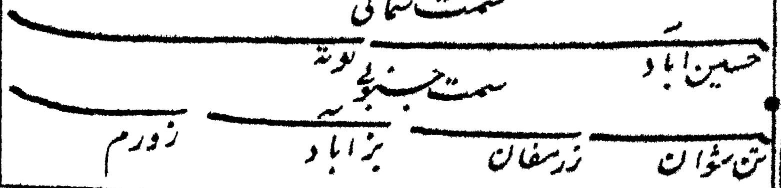
مجدداً مایل بمغرب میگردد تمام این مسافت از دو طرف دره و ماهور است تا از مزرعهٔ

مشدرقی گذشته گردنه بدید آید که قریهٔ زورم و عیدآباد در سمت غربی آن و بفاصلهٔ

اندکی واقعست اردوی همایون در فاصلهٔ این دو قریه در چمنیکه در دره عریضی است

واقع شده بود در رشتهٔ جبال از دو سمت درین راه بسیار نزدیکست و دهات واقعه

در سمت راست و چپ جاده بدینموجب است



مزرعهٔ مشدرقی که در وسط جاده واقع است قلعهٔ خراب و چهار خانوار سکنه و سه درخت

و امامزاده دارد موسوم به سلطان محمد که بنا بر معروف برادر حضرت امام رضا علیه السلام است

## دوشنبه چهارم تشریف فرمائی سرکار همایونی بقریهٔ نوده

شاهنشاه اسلامیان پناه درین روز اول صبح بحمام تشریف بردند و بعد از ساعت

از روز برآمده از سراپردهٔ مبارکه بیرون تشریف آورده و براسب سفید پیشکشی حسینقلیخان

ایلخانی سوار شده دبیرالملک و امین الملک را مخاطب بفرمایشات خلیه نموده

بسمت نوده توجه فرمودند چون یکفرسنگ راه طی شد محمدخان بیگلربیگی

و خانسوار خان سرکرده هزاره با هشتصد و پنجاه نفر سواران جرار کاری و مسلح با

اسبان ترکمانی آلاقایش در رکاب مبارک پیوسته و صف بسته در کنار

راه بایستادند آراستگی سواران پسند طبع همایون گشته بزرگان و سرکردگان ایشان از

بعواطف ملوکانه بنواختند و درینوقت پیاده از قوشخانه قوچان آمده بدکور

داشت که طایفه ضاله ترکمان غیبت شجاع الدوله را مغتنم شمرده دست بردی

بدان صفحات زده چند نفر اسیر برده اند این معنی اگرچه مکتوبی نبود و صحت و سقم آن

بوضوح نپیوسته بمحض اطلاع بتوسط نورمحمدخان امین دیوان بعرض خاکپای

همایون رسید زمانی معلوم شد که ترکمانان چنین تصوری کرده ولی این جسارت را
جرأت ننموده اند بجهت تنگ بوده مانده حسام الدوله ایلخانی با هزار سوار شادلو
که هر یک با ده سوار برابری داشت در کنار راه ایستاده بزیارت مقدم توسن
همایون مشرف گشت اعلیحضرت شاهنشاهی حسام الدوله را نزدیک طلبیده
مورد مراحم خسروانه داشته و تا ورود بمنزل مخاطب بفرمایشات علیه بود چون
موکب مسعود بنوده شرف ورود ارزانی داشت سرکار پادشاهی نهار میل فرموده
اندک زمانی باستراحت مشغول شدند هنگام عصر مجدداً حسام الدوله را احضار
فرموده از مکنونات ضمیر منیر مبارک که مبنی بر تادیب و تنبیه طایفه ضاله بود او را
آگاهی داده مقرر داشتند که قصد ملوکانه را در پرده اخفا محفوظ داشته در تهیه و
تدارک این مهم کوشد و هم چاپار خراسان وارد شده عرایض ظهیر الدوله که مبنی بر مطالب
مملکتی و امنیت سرحدات بود ملحوظ نظر مبارک گشته احکام لازمه در جواب یک یک
شرف صدور یافت معیر الممالک بواسطه شدت مرض یک روز در شیروان
توقف کرده امروز باردوی همایون پیوست حکیمباشی طلوزان حسب الامر بعیادت
وی رفته مرض را در حالت ازدیاد یافت و خاطر مرحمت مظاهر اقدس شاهنشاهی

از بیمغنی در نهایت افسرده گشت سه ساعت از شب گذشته قورق شکست

و مقربان حضرت گردون بسطت بخدمت شاهنشاه حاجی میرزا علی مشکوة الملک

منظور نظر ملوکانه گشته تا ساعت چهار با او بمطایبه و صحبت اخبار و اشعار مشغول بودند

از عید آباد ببوده چهار فرسنگ است و راه همه جا سنگلاخ و در دره واقع است

که طرفین آن چمن و دره ماهور و تپه ها شکل شعب جبال عظیم میکردد و درین راه

آبادی و قریه ملحوظ نیست

قریه بوده اول خاک بجنورد و قریه آباد دویست و پنجاه الی سیصد خانوار سکنه دارد

## سه شنبه پنجم شهر ربیع الثانی ورود موکب مسعود ببلده بجنورد

صبح این روز سرکار شاهنشاهی زودتر از سایر ایام برخاسته و باستحکام قرق نموده

سوار شدند حیدرقلیخان ایلخانی حسب الامر ملازم رکاب گشته جزو اعظم تذکره را

و از اصعای فرمایشات عالیه مفتخر و سرافراز بود زیرا قراریکه بعد معلوم شد سرکار

شاهنشاهی در آن روز حسام الدوله را مأموریت صریح داده و از وسعت خیال و

حرکت ایشان در انجام این خدمت جویا شده بودند حسام الدوله چون تخبیر از

امور آن سامان استحضار وافی داشت بطرزی که همیشه متداول و معمول قشون

ظفرنمون است بخیال خود ترتیبی معین کرده معروض داشته بود بدین نحو که از
جاجرم و نردین سواره ماسوا از اردوی همایون جدا شود و با ملاحظه اطراف و
آداب حرب حرکت کرده مسکن و مأمن طوایف ضاله تاخت نماید رای مبارک
باقتضای الهامات غیبی و تاییدات الهی علم وافی این عقیده را امضا نفرموده مقرر
داشتند که طوایف ضاله قومی شرار و دزدند که در غفلت غارت کنند و در مقابل
و مقاتله فرار و غیبت گزینند تا بنظم و رعایت رسوم و آداب تاختی شود آنها خود را
بکناری کشیده و سقاقی گزیده اند پس بهتر آن باشد که تا از عزم ملوکانه و عزیمت
قشون مطلع نشده اند قشونی منتخب و معین شود که بدون انتظار پیاده و توپ ایلغار
کرده جزای عمل را محسوس و مشهود بروزگار ایشان عاید دارند و هم حرکت قشون
از دهنه اولک طریق اقرب باشد که تأخیر موجب آفت است و بعد مسافت مستلزم
ماندگی و زحمت حسام الدوله ازین نوع اطلاع و علم اعلیحضرت شاهنشاهی در شگفت
مانده رای مبارک را تحسین گفت و بر همین رای و عزم بماندند ولی چنین نیت
ملوکانه وضوحی نداشت و مکنون خاطر مبارک در پرده اخفا باقی بود بالاخره
چون موکب مسعود از کتلی که در دو فرسنگی بجنورد واقع است گذشته سراپرده

نهارخوری سرکار مهد علیا نمودار گشت که در خارج جاده برپا کرده بودند اعلیحضرت
همایون شاهنشاهی محض اظهار مرحمت و احوال پرسی تنها بسمتیکه علیا حضرت ایشان
فرود آمده بودند توجه فرموده و اندک زمانی توقف نموده براه معاودت فرمودند
و در اول ده ماهور راه از برای صرف نهار فرود آمدند در حین نهار چاپار دارالخلافه
در رسید و مراسلات مستوفی الممالک و سردار کل و دیگر وزرا را در نهارگاه بپایان همایون
تبلیغ نمود چهار ساعت بغروب مانده موکب منصور زینت افزای جلگه بجنورد شدند
تمام صحرا و دشت از سواران و پیادگان پر گشت و از صدای شیپور و نقاره خانه
و شیهه اسبان و غلغله سواران شورشی عظیم در آن بیابان پدیدار شد و دیده فرنگی
شهر [illegible] باغ ایلخانی که محل نزول موکب همایون بود اهالی بجنورد از بزرگ و کوچک
[illegible] زیارت رکاب مبارک مشرف گشته و بآواز بلند دعای وجود همایون
گفتند [illegible] شاهنشاهی اظهار مرحمت و عنایت [illegible] و [illegible] مشرف
در باغ [illegible] شرف [illegible] ایلخانی [illegible] قدوم همایون پیشکش
لایق [illegible] بقبول [illegible] گشت و [illegible] اسب عربی ممتاز از
اسبان خاصه [illegible] همایون [illegible] و اعزاز آمد [illegible]

که در اول صبح برحسب اجازه علیه بصید افکنی رفته بود چند قطعه کبک و تیهو
و یکدسته گل سرخ تازه بحضور مبارک آورده خاطر همایون از مشاهده گلها شکفته
گشته معلوم فرمودند که در حوالی بجنورد بفاصله دو فرسنگ ییلاقاتی است که در ماه
اول و دوم تابستان گل سرخ آنجا تازه بظهور رسد و در هنگام شدت حرارت
توقف در آنجا بغایت دلپذیر باشد بجماعت لغروب مانده دیوانخانه مبارک
قرق شد و دو ساعت و نیم از شب نگذشته آقا علی و عکاسباشی و میرزا علیخان
و این بنده شرفیاب حضور ساطع النور اعلی شدیم عکاسباشی را امر و فرمایش شد
که عکس حسام الدوله و پسرش و شهر بجنورد را برداشته بنظر مبارک برساند و هم
مصطفی قلیخان میرشکار احضار گشته مقرر گشت که در اول صبح از برای تفحص و
تجسس شکار سوار شده و هر جا شکاری یابد بعرض عاکفان حضور مبارک رساند
از نوده الی بجنورد پنج فرسنگ است راه تا یکفرسنگ دره و ماهور و پست و بلند است
که در جنبین آن کوههای سخت کشیده است بعد از یکفرسنگ وارد دره عریض مسعود
که مابین مغرب و شمال واقع و پانصد ذرع عرض آن و در دو سمت به دو جبال مرتفع
منتهی گشته دامنه این جبال تمام زراعت دیم و در میان دره محصول شلتوک

وسیعی است نیم فرسنگ از دره که گذشته قریهٔ چناران است این قریه در دامنهٔ کوهی
موسوم باق مشهد واقع و دهی معتبر و آباد و باغات و اشجار بسیار دارد و هم دارای
چشمه‌ایست که قریب پنج سنگ آب از او جریان نماید این آب با آبیکه از سمت
نوده می‌آید جمع شده همه جا از امتداد دره بچال کرم خان رفته و در آنجا موسوم
برود سومبار میشود کوه آق مشهد میان بجنورد و اسفراین واقع است سمت جنوبی
آن قریه رو بتمین و اول خاک اسفراین است و سمت شمالی خاک بجنورد پس از قریهٔ
چناران بمسافت نیم فرسنگ در سمت چپ قریهٔ بیغو واقع است و این قریه
در دامنهٔ کوهی است که او را درختان آبس و کاج جنگلی بسیار است از بیغو گذشته
بفاصلهٔ اندک در سمت راست قریهٔ کوک کمر است و چون از تمامات کوک کمر
بگذرد بفاصلهٔ یک میدان راه مایل بجنوب غربی شده و از دره که بسمت چال
کرم خان امتداد دارد منحرف گشته بجنگل کوچکی منتهی میگردد و از این جنگل تا نیم فرسنگ
در دره ما بجنوب عبور کرده بجنگل بجنورد متصل گردد و جنگل بجنورد جنگلی است مدور و طویل
اطراف آن تمام کوه و در دامنه و وسط جنگل قراء و مزارع متعدد واقع است
بنحویکه این جنگل اشجارش تمام جنگل کلا روشنائی ندارد فقط در آن جنگل

که

کوههای اطراف تمام جنگل است در این جلگه بجنورد و خلف جبال مغربی که مانند

جبال مازندران پر درخت است جنگلی نیست و کمتر از اشجار جنگل در جلگه نمایانست

باغ ایلخانی که در نیم فرسنگی شهر بجنورد و تشریف ورود موکب همایون بدین

بود باغی است آراسته مشتمل بر اندرونی و بیرونی در باغ بیرونی حوضخانه بنا کرده‌اند

دو مرتبه با چهار صفه و حوضی خوش قطع و ماهتابی و بالاخانه با روح و منظری عالی

باغ اندرونی فقط کلاه فرنگی ظریف کوچکی دارد

بجنورد که در تواریخ به بیژن گرد مضبوط است در سمت شمال کوه البرز و در فاصله

دو سلسله این کوه واقع است شعبه شمالی که بنجیر کوه موسوم است و شعبه جنوبی او

تیز بد و شعبه منشعب گشته شعبه بآلاداق و شعبه دیگر بسهلوک معروفست آلاداغ

کوهی است مرتفع و سبز و خوش هوا که قوش طرلان در او مسکن گزینند و این مرغ

شکاری که مطبوع طبع سلاطین است در کمتر کوهها یافت گردد بعد بجنورد از دریای

خضر بخط مستقیم تخمیناً چهل فرسنگ و بخط تخمینی از راه گرگان شصت فرسنگ است

و تا صحرای اتک که مسکن طایفه تراکمه است از قرب طرق دوازده فرسنگ و از ابعد

زیاده از بیست فرسنگ مسافت ندارد و خاک بجنورد که دوازده فرسنگ طول

دشت و فرسنک عرض دارد محدود است از سمت مشرق بخاک قوچان و از

سمت مغرب بدشتی بایر و غیر مسکون که فاصله مابین گرگان و بجنورد است و کوهستان

سمت ترکمان بسمت عباس آباد وغیره و رباط عشق و آنچه سوقی و شاه آباد

و کفری و قارتقلعه درین دشت واقعند سمت شمال صحرای اتک و سمت جنوب

جاجرم و اسفراین است

بلده بجنورد شهری کوچک با قلعه و حصاری محکم مشتمل بر چهار هزار خانوار و بازار

و حمام و مسجد و خیابانی است وسیع و عریض که ابتدای آن از دروازه ارک تا

انتهای شهر است و ارک آن حصاری است کوچک با برج و باره که زمین آن از

سطح شهر مرتفع تر و اکنون موقف حسام الدوله و کسان ایشان است

بلوکات و رود خانها و قراولخانهای بجنورد بدین موجب است

بلوکات

بلوک چهارده چناران که سمت مشرق بجنورد واقع است

| | | |
|---|---|---|
| چناران | نوده | اسفیدان |
| ترمه | بیغو | کوکلی |

بلوک سیصد خانه از بنی ساب تا قلای کرمانج سمت مغرب است و مابین شمال و قبله بجنورد واقع

| | | | |
|---|---|---|---|
| کرمانشاه | اعلو | دوخیل | قوردانلو |
| سیف آباد | سورک | عبدل آباد | آق تپه |
| قالوق | واماق تپه | بدینوه | قوچ قلعه |
| بنی ساب | | | |

بلوک حومه و حوشش مرکز بجنورد

بلوک گلسه یا برگه مابین بجنورد و سملقان و بجنورد واقع است

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| بابا امان | ایجیره | شیب | پیش قلعه | حسن بیگ | ده گاه | ترکسلو | بدرانلو |
| حمزانلو | بشو انلو | بارخانه | پری قلعه | عوض بیگ کور | کاه دان | خنده قلو | سیمجه |
| ترشک | آلمه | دوبرده | حوشیان | [illegible] | قراجه | سرریوان علیا | سرریوان سفلی |
| [illegible] | ارکشمیان | قراسند بیگی | قلعه [illegible] | [illegible] | کودری | سملاخ | قره قانلو |
| [illegible] | ارگمان | نوزده | خانلق | قلعه [illegible] | فخرالدین | قلعه برنه | اق قیه |
| [illegible] | محمد آباد | قلعه باقوت | کلاته | قزلجیل | دراقانلو | قره جای | |

لسل

بلوک مابین مغرب و شمال بجنورد واقع است

بلوک سملقان که سملقان نیز گویند سمت مغرب بجنورد واقع و جنگل بجنورد در این بلوک است که مشهد جنگل استرآباد میشود

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| بیگ نزکانلو | [illegible] | چشمه گاه | الله داد | قلعه خان | حیدرآباد | شهرآباد | خازی |
| [illegible] | قلعه [illegible] | کلاته | اسفیدان | اسکر | [illegible] | دهانک | شاه آباد |
| [illegible] | بارادر | سادات [illegible] | نشاط آباد | قلعه حسن | قراحصیل | قلعه نجف | آشخانه |
| [illegible] | قلعه چپر | قلعه [illegible] | قلات | [illegible] | آرک | دیبشه | |

محال [illegible] دو قصبه است میان شمال غرب بجنورد و کنار راه [illegible] واقع است

[illegible] قالیش [illegible]

بلوک [illegible] و [illegible]

| | | |
|---|---|---|
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] |

بلوک [illegible] مابین جنوب و مغرب بجنورد واقع است

بلوک [illegible] که سمت جنوب بجنورد واقع است

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | طور [illegible] | [illegible] | [illegible] | حسن خاص | خودآشا | اندخان |
| [illegible] | [illegible] | باغی | دوبرجه | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | قلعه [illegible] | |

[illegible]

رودخانها

رودخانه عین اللطف رودخانه ایست که
منبعش کوه شهلوک از مابین اسفراین و جشنو
بسمت شمال جاری و در مقابل بجنورد و ... میشود

رودخانه چهار بغان منبعش از پشت قاراداش از جنوب
بسمت بجنورد جاری و از شرق بشمال
برودخانه سماره داخل میشود که سمبار نیز میگویند

رودبار رخانه منبعش از جنوب و مشرق
از کوه آق مشهد جاری و بسمت بجنورد آمده
از مشرق بجنورد گذشته بسمبار داخل میشود

رودخانه چناران که از سمت مشرق بمغرب
جاری و منبعش از جنوب است داخل سمبار میشود

رودخانه سمبار منبعش از شیروان و جاجرم
از پشت کوه شمالی بجنورد جاری است

رودخانه ... منبعش از قوشخانه زعفرانلو است از
شیروان و از شمال بجنورد بسمت جنوب جاری
و به سمبار میشود

رودخانه سملقان از جنوب کوه
آلاداغ بشمال جاری و داخل سمبار میشود

رودخانه کرشمه از آلاداغ جاری و بسمت
جنوب آمده داخل سمبار میشود

رودخانه شاه آباد منبعش از آلاداغ
بسمت مغرب آمده و بعد بشمال
مایل شده و بسمبار رودخانه داخل میشود

رودخانه اینچه که آب و هستی بهتر است
منبعش از کوه قورخود که جنوب سملقان است
از آنجا رو بشمال ... و اینچه ...
خراب است ساکنانش زراعت می‌کنند

قراولی نشانیده در خاک بجنورد و در تمام حدود ترکمن ساخته شده است و اغلب با مستحفظ و قراولند

بدینموجب است

راهها و قراولخانه‌ها که در سمت مشرق و شمال بجنورد با این خاک زعفرانلو و شادلو واقعند

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| خاتونک سمت مغرب | سمت ... و قریب تقابل مشرقست | چمن ... | باشیر بیک | دربند کلید رقیب راز |
| رز ندر قریب راز | ... سمت راز | چاهک در ایضا | لوئینک ایضا | تنگ شکسته |
| شاه بولی | کونو و روادان | قشقه علیا و سفلی | دشتک | جوریز |
| قدیولا | چهار تاق | منیزوسے | درکش | قرابیل |
| چاریجه | تنگ جاجرم | | | |

این معابر از غالب مخصوص طوایف تکا است که هرگاه قراول و مستحفظ نداشته باشند میتوانند از این معابر بخاک بجنورد وارد شوند و هرگاه از خاک بجنورد بخواهند بگذرند لابد باید از این معابر عبور نمایند.

معابر ترکمان ... و ترکمان از سمت شمال مغربی و مغرب جنوبی که بعضی از خاک کوهستان ... استفاده میکردند

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| دربند ... سمتقان ترکمان | آق زو | درنبابید | چالباشر | آق بابا |
| دوقتو کلی | [illegible] | جند عباس | قرایکان | تنگ کران |
| قراول | | | | |

معابر مسطوره که از شمال تا جنوب خاک بجنورد امتداد یافته قراولخانهای مغربی و

مغرب جنوبی آن در صحرای مابین بجنورد و جاجرم و نردین است و عبور طایفه ضاله

بسمت استراباد و عباس آباد و غیره لابد باید از این قراولخانها باشد و قطاع الطریق

بهیچوجه عبور از این معابر ممکن نگردد و دیگر سنگرهائیکه با کوکلان سمت داشته باشند

روز چهارشنبه ششم ربیع الثانی دوم تشریف فرمائی کامکار شاهنشاهی بجنورد

درین روز تمام اوقات مبارک سرکار همایونی مصروف صدور احکام و امورات

دولتی بود و در اول وقت جواب عرایض زیاد را صادر فرموده امر بر جمعیت دولو

چاپار فرمودند و پس از آن سهام الدوله و شجاع الدوله و سایر سرکردگان را

با حضور امین الدوله و اعتضاد الدوله احضار فرموده و همه را از مکنون خاطر مبارک

اطلاع داده بنظر بصیرت و علم و اطلاع سهام الدوله معزی الیه را در انجام این

خدمت بریاست کل مأمور معین فرمودند که بلد راه و مراقب نظم سوار باشد

و سرکردگان و صاحب منصبان غفلت را مقرر داشته درین خدمت و مأموریت

از صوابدید ایشان غفلت ننمایند و هر یک سواران بوابجمعی خود را حاضر ساخته

بدون آنکه احدی از جنس مقصود اطلاع یابد در شب ششم هنگام سحر با اقبال

پیش از زوال همایون از صحرای شوغان بسمت مقصد روان شوند

**رؤسا و سرکردگان و صاحب‌منصبان**

| | | |
|---|---|---|
| سهام‌الدوله حاجی قلیخان ایلخانی سردار قشون مأمور | شجاع‌الدوله امیر حسین خان ایلخانی | کلب حسین خان امیر تفنگ و سرکردگان تفنگچی |
| حسینعلی خان سوار مخصوص | صفرعلی خان سرتیپ | زین‌العابدین خان سرتیپ |
| محمدتقی خان سرتیپ | عبدالله خان غلام پیشخدمت | حسینعلی خان سرتیپ قورت بیگلو |
| حسینعلی خان برادر سهام‌الدوله | شیر محمد خان برادر ایضا | علی قلیخان یوزباشی غلامان مخصوص |
| [illegible] خان سرکرده سواره دوهزاره | محمد خان سرکرده هزاره | خانسوار سرکرده هزاره |

**سواره مأموره**

| | |
|---|---|
| سواره ملتزم رکاب | |
| غلامان مخصوص | غلامان حضرت |
| سواره مهاجر | سواره دویران |
| سواره اینانلو | سواره قورت بیگلو |
| سواره خراسانی | |
| شادلو | زعفرانلو |
| دره جزی | هزاره |
| جوینی | جاجرمی |

چون سرکار همایون شاهنشاهی را از این مهم عظیم فراغت حاصل آمد و صاحب‌منصبان و سواران در پی اجرای امر ملوکانه شدند به هنگام عصر محض تفنن به دست مبارک چند شیشه عکس انداختند میرشکار از سواری رجعت نموده معروض خاکپای همایون داشت که در کوه بالا سر بجنورد شکار دیده اند حسب الامر مقرر آمد که در روز آینده قبل از سپیده‌دم سرکار همایونی بطرف خوابگاه شکار رفته منتظر تشریف فرمائی سرکار شاهنشاهی باشند مقارن غروب دیوانخانه مبارکه قورق شده و علیا حضرت مهد علیا

مبارک شتافتند و چون موکب مسعود در خانهٔ ایلخانی که از بناهای اجداد ایشان است
تشریف ورود ارزانی داشت ایلخانی سر افتخار بعیوق افلاک سود و حتی المقدور
از شالهای کشمیری و نقود و اسبان ترکمانی و کنیزان خوب روی و بازان
شکاری تقدیم خاکپای همایون نمود و اعلیحضرت پادشاهی را طرز ادب و خدمت
ایلخانی پسندیده آمده و خان بابا خان پسر صغیر الیه را که بسن دوازده سال و آثار
رشادت و صداقت از ناصیه اش پیدا بود بالطاف ملوکانه نواخته و با عطای
یک قطعه کلگی مکلل بالماس سرافرازش فرمودند و ساعتی در باغچه و اطاقهای
ایلخانی تفرج فرموده سلیقهٔ او را در تجمیع اسبابهای نیکو از قبیل تفنگهای اعلی و
شمشیرها و ساعتهای مجلسی و حتی ترمیتر و تصویرهای فرنگی در نهایت پسندیده
و اظهار قبول فرمایشات فرموده و ایلخانی را بعواطف ملوکانه امیدوار ساخته مقارن
غروب از خیابان وسط شهر تشریف فرمای منزل شدند از قراری که بعرض خاکپای
همایون رسید شدت مرض صغیر الممالک و باز دیادی که داشته بود و خاطر مرحمت
مظاهر همایونی از این مرض در نهایت افسرده گشته یحیی خان اجودان مخصوص و این
بنده را مقرر آمد که حکیم باشی طهران و سایر اطبای رکاب مبارک در بالین مریض

حاضر نموده کنکاش نمایند و قراری در امر معالجه داده هر کس را سزاوار دانند
در نزد ایشان بگذارند ما ملازمان نیز حسب الامر بباغ منزل معزی الیه رفته و در حضور
حاجی رشید خان مستوفی که از دوستان مخصوص مریض مشار الیه بود با حکیمباشی
طهران و ملک الاطبا و میرزا محمد حسین دکتر و آقا میرزا سید علی مجلس کرده مشاوره
نمودیم عاقبت بصوابدید همه چنان قرار شد که ملک الاطبا و آقا میرزا سید علی متفقاً
در بجنورد مانده و بعون الله تعالی مشغول معالجه شوند و حکیمباشی طهران سید مشار الیه را
که طبیب عالم و مخصوص شخص معیر الممالک بود از جانب خود بر سر کار گماشت و این معنی را
اجودان مخصوص بعرض عاکفان حضور رسانده از جانب سنی الجوانب ملوکانه
بملک الاطبا و سید حکیم و غیرهما الثقات و نوید مرحمت داده خاطر مبارک را
از اهتمام و مراقبت ایشان مطمئن ساخت و هم درین شب یکساعت بصبح مانده
اردوی سهام الدوله و شجاع الدوله از بجنورد بسمت شوغان حرکت نمود

**جمعه هشتم ربیع الثانی حرکت موکب منصور از بجنورد بقریه ورزه**

درین روز سرکار اقدس شاهنشاهی یکساعت از طلوع آفتاب گذشته با نصرت
و اقبال همعنان گشته قبل از عزیمت از جلگه بجنورد محض شمول مرحمت درباره معیر الممالک

وبهبودی حال ایشان از فیض قدوم مرحمت لزوم خسروانی بباغیکه منزل مشارالیه

بود مشرف و روادار زانی داشتند امیر دوست محمد خان و حاجی رشید خان

و سایر کسان ایشان در خارج باغ تعجیل رکاب مبارک شتافته و شاهنشاه با رحم

چاکر پرور به بستر مریض قدم فرمودند حکیم باشی طهران و ملک الاطبا که در بالین

سفرتی الیه حاضر بودند ابتدا به رفع خواهش داوری مرحمت خاص خسروانی

اطلاع داده شدت مرض و انعام و بهبود باغ آمد تا به بدرازندگی که توجهات خاطر خطیر

شاهنشاهی روی آمده و دیده گشوده سعادت و عزت و صحت را در بالین خود دیده

و ظهور را قوتی تازه پدید گشته و بر مرض نصرت آمده آثار صحت در سیمای مریض نمایان

گشت و با شارات و کلمات چند شکر این مرحمت و مکرمت عظمی را بجای آورد و خاطر

خطیر همایون شاهنشاهی از این معنی خرسند گشته و چون حرکت دادن مشارالیه

با این حالت بر خلاف حکمت بود مقرر داشتند چند روزی با عیال و متابعان

در همین سو متوقف باشند و ملک الاطبا و سید حکیم در معالجت و استعلاج ایشان

کوشیدند تا انشاءالله صحت حاصل شده بدوق همایون ملحق شوند و میرزا محمد قلیخان

شاطر باشی که مردی با لیاقت و موثق اعتماد همایون بود مرد و شد گشت

که با دو دسته سرباز و چند نفر از غلامان خاصه به پرستاری و نگاهبانی معیرالممالک
مشغول باشد و جمیع لوازم صحت و راحت ایشان را فراهم آورد و چون خاطر
مبارک را از امور معیرالممالک آسودگی حاصل گشت بکالسکه نشسته و موکب
همایون رو بمقصد راه نمون شد و بیک ساعت از روز برآمده در حوالی قلعه فیروزه نزول
اجلال گشت سرکار همایون شاهنشاهی بنهار میل فرموده ساعتی باستراحت مشغول
گشتند و چون از خواب برخاستند دبیرالملک احضار شده عرایض و مطالب
استراباد را معروض داشته در جواب احکام صادر نمود
از بجنورد به فیروزه دو فرسنگ راه مایل بجنوب در میان دو سلسله کوه
سخت واقع و اغلب ره وا هموار و پست و بلند است و رودخانه از وسط آن
جاری است مشهور بعین اللطف که سرکار همایون شاهنشاهی در روزنامه همایون
بعین اللطف یا عین اللطیف تصریح فرموده اند چه این اسم عربی می‌نماید و از عین اللطف
معنی مفهوم نمیگردد علی ای حال رودخانه مزبور از کوه آلاداغ جاری است و آبش
در نهایت صاف و گوارا دارد و یکنوع ماهی سفید تربیت میکند که ظاهراً خالی
از لطافت نمی‌نماید ولی چندان ماکول نیست قلعه فیروزه قلعه مستحکم

و قریب هشتاد خانوار رعیت دارد

دهات واقعه در عرض راه ازین قرار است

سمت راست جاده

ارکان دره امنه است | ارل محمد خان در وسط جاده واقع است | با قنات زیاد و همه در کنار راه موجود است

سمت چپ جاده

قلعه اسد و پیره دیجان و باغ بزرگ سبحانقلی خان است | مهنان قریه ایست بزرگ و باغات بسیار دارد

## شنبه نهم شهر ربیع الثانی تشریف فرمائی موکب مسعود از فیروزه بچهار بید

درین روز چون سرکار همایون شاهنشاهی علی الرسم قبل از عزیمت بحمام تشریف فرما شدند فرستاده از نزد حسام الدوله در رسیده حرکت اردوی ایشان را از شوغان معروض خاکپای همایون داشت و نیز بعرض عاکفان حضور مبارک رسانید که حسام الدوله فرستاده میر علی نقی خان قندرسکی را بموجب دستخط همایون که خود داشته با خود همراه دارد خاطر خطیر همایونی ازین معنی در نهایت خرسند گشته و این کار را بفال نیکو گرفتند چه بعضی از اهالی قندرسک را بواسطه قرب جوار با طوایف ترکمان دوستی

وخصوصیتی در میان است و از آنجا که این شخص فندرسکی بدون اطلاع

از اردوی همایون هجرت نموده بود خاطر خطیر همایون شاهنشاهی که محیط

برکات جمیع امور است بر این معنی ملهم گشت که ممکن است طوایف ضاله را عزم

ملوکانه آگاهی دهد و اسباب فرار ایشان شود پس دستخطی بافتخار حسام الدوله

صادر نموده معجلا روانه نمودند که آن شخص را هر کجا یابند باردوی خود همراه دارند حسام الدوله

نیز در اطراف راه قراول گذاشته و شخص مزبور را که همه جا از قلل جبال سیر مینمود

دستگیر نموده بعرض رسانید بالآخره ذات والاصفات شاهنشاهی

بجماعت از دسته گذشته باسب رخش مشکینی امیر حسین خان سوار گشته

از کنار رود خانه عین اللطیف تشریف فرما گشتند تا تکیه فرسنگ که تمام راه

از زیر سایه درختان و کنار رود بود امین الدوله و اعتماد السلطنه را بفرمایشات

علیه مخاطب داشتند تا مجرای رود بدره سمت چپ منحرف گشته و از

از دره مغربی شد همچنان سرکار همایون از این دره که از حیثیت کوههای

بلند شباهتی تام براه توچال شمیران دار الخلافه و جاجرود داشت تشریف فرما

بودند تا کتلی نمودار گشت و موکب منصور از کتل مزبور صعود و نزول فرمود

راه راندک وسعتی بهم رسیده و آورس وکاج جبال اطراف زیاده گشت
وحضرت همایون از برای صرف نهار بکوه سمت چپ که درختان سرو
وکاج کهن داشت توجه فرمودند و در روی پارچه سنگی که منظری عالی داشت
فرود آمدند و بعد از صرف نهار یاد و ربین تماشای راه میفرمودند تا تمام اهالی
حرم با سواران وغلامان با نظم وترتیب از راه گذشتند وحضرت پادشاهی
سوار شده از میان جنگل کاج و از بالای کوه بسمت راه مال گشته میفرمودند
گذشته محاذی قلعه قتلی اردو وجلگه نمودار گشت وقراطوره وسوغان
وچهار بید که در این جلگه واقعند از دور و نزدیک ملحوظ گشته موکب مسعود
بچهار بید شرف ورود ارزانی داشت ومقارن این حال چاپار استراباد
در رسیده عرایض ملک آرا معروض خاکپای همایون گشت وهم پیشخانات
معظم الدوله باردوی ظفرنمون ملحق گشته از زیارت حضور همایون بهره یاب
ومفتخر آمد شب بعد از شام برسم معمول قورق بکشت وپیشخدمتان خاصه
بحضور فیض گنجور شرفیاب شده اجودان مخصوص وحکیمباشی طهران
بعرض روزنامجات فرانسوی مشغول گشتند

از فیروزه الی چهار بید چهار فرسنگ است و راه چنانکه ذکر شد از میان دره و قاپسند و شعبه جبال است که بعضی از ایلات شادلو در آنجا مسکن ویلاق دارند

## روز یکشنبه دهم تشریف فرمائی اردوی انجم شکوه از چهار بید بچهار ده سنخاص

درین روز چون خاطر خطیر همایون شاهنشاهی مایل بصید افکنی و شکار کوهی بود و رحمت الله خان سارمی صلدن با جمعی از سواران هزاره و شکارچیان خاصه در شب گذشته بموجب امر قدر قدر بطلب و تفحص شکار و کوه روانه رفته بودند هنگام صبح که اردوی کیوان پوی از چهار بید کوچ نمود حضرت همایون شاهنشاهی و وزرا و اغلب ملتزمین رکاب را امر و مقرر داشتند که از جاده روان شوند و خود با معدودی قلیل از ملازمان خاص بسمت شمال شرقی که جلگه و شکارگاه بود توجه فرمودند پس از طی اندک مسافتی از گردنه کوچکی بزیر آمده داخل جلگه شدند و درین صحرای مسطح که سمت شمالی آن صحرای شوغان و معبر ترکمان است خاطر خطیر همایونی باسب تازی

مایل گشته و همچنانکه اسب کج آورد تنک و پوی بود با قرقرانی که مرغی شد پرت

در هوا منظور نظر مبارک گشته با یک تیر از اوج آسمان بزمین افکنده شد

سواران ازین تیراندازی در شگفت مانده وجود همایون شاهنشاهزاده را تحسین کردند

مقارن اینحال روباهی محاذی سم اسب همایون بیرون آمده از سمتی

بسمتی رفت و چنانکه از قدیمترین ایام تا اکنون رسم است و مکرر بتجربه رسیده است

حرکت روباه دلیل بر آن باشد که امور بنصرت نشان برآید و با دشمنان

و دشمنان دولت و دین غالب خواهند آمد و چون این تفأل سالخوردگان

و بزرگان سپاه بعرض خاکپای همایون معروض افتاد بفال نیک گرفته

و خاطر مبارک را مسروری حاصل آمد و هم در آن صحرا آهوئی از چراگاه

خویش رمیده سرکار همایون شاهنشاهی با میرشکاران او را تعاقب کرده تیری

بدو انداختند و چون فاصله بسیار بود و تفنگ از تیرهای پران بیشتر کارگر بود

نیامده آهو متخلص شده و سرکار پادشاهی از تعاقبش صرف نظر فرمودند

درین حال سواران که بهنگام شب مأمور شده بودند ملحوظ نظر همایون

گشتند که بطور صف از دامنه کوه می‌آیند و از وضع و سیرشان معلوم گشت

که هر قدر جد و جهد کرده بودند مر ایشان را ممکن نشده بود که کوزی بدو آشنا
یا باصطلاح شکاریان شکاری بچرانند پس حضرت همایون شاهنشاهی را
که بواسطهٔ اسب تاختن و حرارت هوا عطش مستولی شده بود در صحرا فرود آمدند
و بصرف هندوانه مشغول گشتند و هنوز اندکی ازین میوه که در طبع ملوکانه
در نهایت مطبوع و سازگار است میل نفرموده بودند که میر شکار مستعجلا مشرف
شده معروض داشت که کوزی از دور نمایان است سرکار پادشاهی بلا تأمل اسب
خواسته و نهایت در پی او تاختن کردند کوزی چون چشمش بر آن کسی که در پی خود دید در نهایت سرعت
بجست و خیز آمده و خود را در دره و ماهور دامنهٔ کوه پنهان کرد و هر قدر
تفحص کردند او را نیافتند پس حضرت همایونی بآفتاب گردان نهار خوردن
معاودت فرموده بعد از صرف نهار بسمت جنوب که روی بمنزل بود
عطف عنان فرمودند تا بقریهٔ در بند که در میان دو سلسله کوه عظیم واقع
و فی الحقیقه در بند است تشریف فرما گشته قریب نیم فرسنگ ازین معبر تنگ
عبور فرموده تا راه را وسعتی پدید گشت و ارتفاع جبال سمت راست روی
به پستی گذاشته درهٔ مزبور بجلگهٔ سنخاص که جلگه ایست وسیع منتهی گشت

و اعلیحضرت همایون شهریاری پس از ملاحظه معابر و مسالک این جلگه
که یکی از معابر معروف الامان طوایف ترکمان است و تعیین مکانی مخصوص
برای بنای قراولخانه که میتواند راهی را که غالبا باعث زحمت
رعیت و عابرین سبیل است مسدود و محفوظ نماید بکالسکه نشسته باردوی
سنخاص شرف ورود ارزانی داشتند در این روز بعد از ظهر
بادی سخت برخواست و طوفانی شدید در هوا حادث شد چنانکه
چادرها از جای کنده میشد و دیده ها از خاک آکنده میگشت همانا طوفانی
که امیطرف ظهور کرد علامتی از صرصر قهر ملوکانه بود که در آن سمت وزیدن
داشت چه قشون ظفرنمون در این روز شرف بورود و قریب تحصیل مقصود
بودند بالاخره چون از شدت باد اغلب خیام حتی بعضی از تخیر های
سراپرده همایون از پای درافتاد حاجی محمد خان حاجب الدوله
و محمد حسین خان نایب محض آسایش وجود مسعود همایون لاچیقی برپا
کرده و اطراف آنرا با تخیرها محکم نمودند و ضایعات مکان مساعدی اوقات
مهیا ساختند و سرکار پادشاهی شام را بیرون تبدیل فرمودند

شب را در بیجان الاجیق بغنودند

از چهار بیدالی چهار ده پنج فرسنگ است و شاهراه تا جلگه سنخاص در میان دره و فاصله دو سلسله جبال واقع است که جبال سمت راست آن تا دهنه قراول متداد دارد و مشتمل است بر جنگلهای آورس و غیره و جبال سمت چپ نیز جنگلهای آورس دارد ولی متدرجا مماثل به تپه‌های خاکی بوته دار میگردد

محال اسفراین در دامنه این جبال واقع و اکثر قرا و مزارع آن از دور نمایانست

دهات واقعه سمت راست

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| سونغان | چپت | یامی | پشت باغ | دوبرجه |
| لوشغان | بلور | برزالمو | دربند | قلعه |

از آنجا که یکی از شعبه تیقی ترکمان که بسمت عباس آباد و بسطام و غیره میرود دارد دهنه سنخاص و از این بیابان فاصله جاجرم و اسفراین است که منتهی به کیانها و غیرها گشته از دهنه زیدر بسمت بیارجمند میرود

و یا از دهنه ایازد و کلن بمیان دشت و عباس آباد و یا از شیخ مرتضی علی

میدان عبور نموده بمغز و کیلان و از آنجا بخیرآباد و دهات زیرستاق

سبزوار چنانکه ما اسامی اکثر از کدارهای اولیه آنجارا در شرح بجنورد و غیره

مذکور داشته ایم که متدرجا در تمام آن گذرها قراولخانها و قلعه جات

بنا نمایند خاصه در سه دربند و گذر معروف که بصحرای شوغان می آیند

و عبارتند از دشت و رباط عشق و آرمدلو و قزل آمد که در عرض این سنه قلاع

و قراولخانهای معتبر بنا نموده خانوار چند در آنجا مسکون سازند

تا متدرجا بقیه قلعجات ساخته شود و البته زمانیکه در ظل عطوفت شاهنشاهی

این قلاع و قراولخانها باتمام رسند تمام راه خراسان از شر طایفه ضاله

مصون و محروس خواهد ماند

چهارده سنخاص عبارت از چهار قلعه بزرگ است که بفاصله اندک

در جلگه سنخاص واقع گشته یکی از آنجا قریب بانهدام و سه قلعه دیگر آباد

و در هریک پنجاه الی شصت خانوار رعیت دارد و اسامی ایشان در روزنامه

آینده مذکور خواهد گشت

## روز دوشنبه یازدهم تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب از چهارده به چاجرم

درین روز اگرچه خاطر خطیر همایون اعلیحضرت شهریاری مایل بتوقف چهارده و صیدافکنی و شکار گور در آن اطراف بود شدت باد بطوری بملازمان رکاب نصرت نشان زحمت داد که سرکار پادشاهی فسخ عزیمت فرموده در اول بامداد حکم بشیپور کوچ دادند و از آنجا که از چهارده الی چاجرم راه هشت فرسنگ طول دارد و اغلب کویر و بی آبست محض آنکه ملتزمین رکاب از پیاده و سواره بواسطهٔ قلت آب سخت نگذرد آقا ابراهیم آبدارباشی را مقرر شد که از برای ایشان تدارک آب نماید مشارالیه نیز علاوه بر چهل قاطر راویه کش که با سقایان باهر دسته و فوجی همراه نمود مشکهای بسیار پر آب کرده و بر شتران حمل داده با خود همراه داشت که هر هنگام سقایان از آب تمام شود راویهای خویش را از بار شتران پر آب کرده بمردم رسانند و نیز چون راه امروز راهی طولانی و دزدگاه بود بملاحظهٔ آنکه شاید از دزدان ترکمانی یکی یا دو نفر از جلورفتگان یا پس ماندگان اردو آسیبی رسد

محض حزم و احتیاط رحمت الله خان ساربی صلانرا مقرر شد که با یک
فوج در مقدمه اردو باشد و فرخ خان امین الدوله را مقرر آمد که بعد از حرکت
تمام اهالی اردو با یک فوج بر سم جنداولی حرکت نمایند و خود سرکار همایون
شاهنشاهی بر خلاف معمول بعد از رفتن حرمخانه مبارکه سوار شده
با تیپ و تفنگ بسمت جاجرم تشریف فرما شدند دو فرسنگ از چهار ده فرسنگ
میرزا رحیم سرکرده سوار جاجرمی و میرزا فتحعلی نایب الحکومه جاجرم و چند نفر
سوار جاجرمی بتقبیل رکاب ظفر انتساب مشرف گشته و مورد الطاف
ملوکانه آمده مقرر گشت بسمتی که مهدیقلیخان غلام بچه باشی و میرشکار بطلب
گور رفته اند رفته بدیشان ملحق شوند و خود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی کوی
از برای صرف نهار فرود آمدند و پس از صرف نهار چون هوا بسیار گرم
و مسافت بعید بود از خیال شکار منصرف گشته کس بطلب مهدیقلی خان
و میرشکار و سایر سواران فرستادند یک فرسنگ بمنزل مانده سواری
از امین الدوله در رسیده معروض داشت که آب تمام شده
آبدار باشی را اشارت رفت که اعانت نماید مشار الیه فورا بمنزل رفته

وسقایان پیش خانه را بارا و بیهای متعدده معجلاً بسر بازو سوار چند اول
رسانند و تمام را سیراب نموده احدیرا از قلت آب زحمتی وارد نیاید
چهار ساعت بغروب مانده ذات والا صفات شاهنشاهی تشریف فرمای
جاجرم شدند و چاکران و ملازمان هریک در خیام خویش بیاسودند
جهانسوز میرزا حاکم شاهرود که درینوقت در نردین بود بزیارت
آستان همایون مشرف گشته مورد الطاف خسروانه آمده مقرر شد
شب با اعتماد السلطنه که وکالت ایالت شاهرود و بسطام و نردین
و جاجرم بدو مرجوع بود بحضور مهر ظهور مشرف شده در خصوص انتظام
امور آتنا حات و سرحدات اصغای فرمایشات علیه نمایند
یکساعت بغروب مانده دیوانخانه مبارکه قورق شد شب در هنگامیکه
سرکار پادشاهی مشغول صرف شام بودند صدای شنلیک توپی
از دور برخواست حضرت همایون محض استفسار از واقعه امین الملک
حکم دادند که از شنلیک اطلاعی حاصل نموده بعرض رسانند جناب مغری الیه
نیز محمد نظر خانرا با چند سوار به تجسس فرستاد و هم میر سگار با چند نفر سوار

از سکارچیان خاصه که هر یک در جرئت و رشادت باده سوار برابری دارند در کمال شتاب روان شدند بعد از صرف شام قورق سخت اعتماد السلطنه و امین الملک و جهانسوز میرزا و سایر چاکران بحضور همایون شاهنشاهی مشرف شدند در تنظیم امور تصفحات و ساختن بعضی قلعجات قراولیات لازمه علیه بعهده اعتماد السلطنه و جهانسوز میرزا شرف صدور یافت محمد نظرخان مراجعت نموده معروض داشت که چون بمسافت نیم فرسنگ پیش رفته چند نفر از سواران چنداول رسیده مذکور داشته بودند که شلیک توپ از توپچیان خاصه بوده است که بهنگام شب بجهت اخبار رو را انداخته بودند و هم میرشکار معاودت نموده بعرض خاکپای حضور مبارک رسانید که تمام اهالی اردو با امین الدوله وارد شده و از حقیقت شلیک خبری معلوم نشد آقا ابراهیم آبدارباشی معروض داشت که حاجی حسن ده باشی سقاخانه مبارکه و سایر سقایان که متعاقب اردو می آمدند در دامنه تمالی چند تیر شلیک تفنگ شنیده اند و هیچ استبعاد نداشت که دزدان طایفه ضاله که اغلب اوقات در دره های آن نواحی پنهانند شلیکی کرده و جرئت نزدیک شدن

پیدا شده اند میرشکار امروز بشکارگاهیکه با مهدیقلیخان در جنگلهای سمت

کلاتها و رباط سونج در تفحص شکار بود خورجینی مشتمل بر سه شب کلاه هوتی

آستر پوست و جعبه استیکان بلور و اسباب چای و دوازده طاقه شال مشهدی سبب

و سرداری و دیگری یافته بود از لحاظ نظر انور ملوکانه گذرانید معلوم شد که او لجه سارقین

ترکمان بوده که در آن جنگل بسر برده ساخته اند و چون سوارانرا مشاهده کرده اولجه خود را

گذاشته فرار نموده اند بالاخره پنج ساعت از شب گذشته سرکار همایون پادشاهی

آسوده و مقربان حضور رخصت انصراف یافتند

از چهارده بجاجرم هشت فرسنگ بلکه نه فرسنگ راه مایل بمغرب تمام صحرای مسطح و کویر

و جنگل گز و طاق است سمت راست بفاصله یکفرسنگ نیم فرسنگ سلسله کوهی

واقع است پست و سخت و مهیب درین کوه راهها و دربندهاست که طوایف گوکلان

و یموت پس از گذشتن از رباط عشق وغیره و ورود بصحرای شوغان از برای گذشتن

بجلگه سنخاص و صحرای فاصله مابین جاجرم و اسفراین و رفتن بسمت شاهرود ولابد میباید

ازین معابر عبور نمایند اسامی آنها بدینموجب است ابتدا از سمت چهارده

| راه قشوه | راه رفته<br>رفته اسم قریه بود که حال منهدم گشته | راه کلاته خان<br>از بالای مزرعه جرمه میگذرد |
|---|---|---|

| | |
|---|---|
| گدار کزی | راه خیابان |
| در دو فرسنگی جاجرم واقع است اما آنجور این گدار از زمان آباد بهتر است که آب قلیلی دارد | بچکو منتهی میشود و چکو چشمه ایست که آنجور ترکمان است |

## قرا و قلعجات مابین سنخاص و جاجرم بدینموجب است

سمت راست نیم فرسنگ از دهنه سنخاص گذشته قلعه اندغان و بفاصله اندکی قریه خود اشا است این دو قریه هر دو از دهات چهارده اند دو فرسنگ گذشته مزرعه جربد است که در دامنه واقع و موسوم است باسم شهری که در زمان سلف درین جلگه واقع و جربد نام داشته است و اکنون از عمارات آن جز ارکی باقی نیست چنانکه در شرح قرا سمت چپ خواهیم دید پس از مزرعه جربد زمان آباد خرابه است که در او جز دو برج و چشمه آبی قلیل آثاری نیست از زمان آباد گذشته درین سمت الی جاجرم قریه و مزرعه نیست مگر در نیم فرسنگی جاجرم که قلعه و کاریز آبی و چند درخت توت و غیره است   سمت چپ اولا در ابتدای قریه سنخاص است و او قصبه معتبر باسکنه و باغات است   نیم فرسنگ از سنخاص گذشته قلعه جعفرآباد است و او قلعه ایست محکم با باره و خندق که سابقا ارک شهر جربد بوده حیدر قلیخان ایلخانی شادلو او را تعمیر نموده باسم خود موسوم ساخته است و سه چهار خانوار رعیت

در او سکنا داده اندک زراعتی دارند که از آب سنخاص مشروب میشود و در حوالی
خود این قلعه دو رشته قنات است که این اوقات حیدر قلیخان سهام الدوله
یکی از آنها را شقیه نموده آب اندک دارد و محتمل است که پس از چندی از این دو رشته
قنات دو سنک آب جاری شده باعث از دیاد آبادی و معموریت قلعه شود و نیز
در نزدیکی قلعه چشمه ایست که از آب آن یک بنه الی دو بنه زراعت میشود و چون
هرگاه درین قلعه همواره پنجاه سوار باشد میتوانند مانع از ورود و عبور ترکمان شوند از جانب
سنی الجوانب همایون شاهنشاهی حکمی بعهده سهام الدوله شرف صدور یافت که حتی الامکان
در صدد آبادی این قلعه کوشیده پنجاه خانوار در او سکنی دهد پس از جعفرآباد بفاصله
یک فرسنک در زیر دست جاده قلعه بلا سکنه است موسوم بقلعه سفید این قلعه
در تواریخ به دز سفید معروف است و چون از محاذات او بکذرند تا جاجرم دیکر
آبادی و قلعه المشهود نیست ولی این صحرا خیلی مستعد است که در او حفر قنوات و
بنای کشت و زرع کذارند قصبه جاجرم قلعه بزرک و شباهت بقلعه ارادان
خوار دارد که در وسط واقع و اطراف آن تمام باغات و زراعت است اهالی این قصبه
که قریب چهار صد خانوار هستند تماما در میان قلعه ساکن و اغلب مردمان آن

قشلمجی قالبند محال جاجرم مشتمل بدین قصبه و سه قریه دیگر است که عبارتند
از کریمه و ایور و دره و در هر یک از آنها نیز پنجاه الی صد خانوار رعیت مسکون است
هوای جاجرم گرم و محصول آن جو و گندم و اندکی شلتوک است و بهمین سبب
اسم جاجرم جای گرم بوده جاجرم معرب است

روز سه شنبه دوازدهم توقف موکب منصور در جاجرم

از آنجا که در روز گذشته بواسطه بعد مسافت و شدت و سورت حرارت
هوا مشقتی با هالی اردو و ملتزمین رکاب نصرت انتساب وارد آمده بود محض آسایش
چاکران درین روز از جانب سنی الجوانب همایون ملوکانه در جاجرم امر باطراق
شد تا ملازمان را راحتی باشد و بندگان اقدس همایون را در مطالعه عرایض مختلفه که از
طهران و سیستان و خراسان به پیشگاه حضور مهر ظهور رسیده و در صدور احکام ملوکانه
و اصدار جواب مطالب فرصتی بدست آید پس در اول بامداد شاهنشاه با عدل
و داد از حرم خانه مبارکه بسرای پرده دیوانخانه تشریف فرما شده ابتدا عرایض
مستوفی الممالک وزیر مالیه اعظم ملحوظ نظر مرحمت اثر گشته در جواب هر یک
از مطالب آن دستخط مهر لمعان شرف صدور یافت و هم جناب معظم الیه را از

از بهبودی حالت معیر الممالک که درین روز با چاپار از بجنورد اخبار شده بود اطلاع

دادند و هم صورت عرایض سیستان و خراسان را از برای آگاهی جناب ایشان

بدار الخلافه فرستاده و مراجعت اردوی همایون را از راه چشمه علی دامغان و فیروز

کوه اخبار نمودند تا از جانب حکومت دار الخلافه در مسیر موکب گردون سیر لازم

لازم دانند قبل از وقت تهیه و تدارک آذوقه و سیورسات نمایند و مراقبتی تام

در این کار داشته باشند که از رعایا دیناری وجه گرفته نشود بلکه تمام سیورسات

و آذوقه را در هر شهر و قصبه خریداری نموده انبار نمایند و چون احکام دار الخلافه

با تمام رسید عرایض حکمران خراسان و سیستان از لحاظ نظر انور گذشته احکام

قضا نشان در جواب هر یک شرف صدور یافت و مسرعان فوراً مراجعت نمودند

مبلغ ده هزار تومان وجه نقد و یک بقچه شال کشمیری که مرحوم سپه سالار در

امامزاده آباد دامغان بدست شخص امینی سپرده بود شخص مزبور چون از وفات آنمرحوم

اطلاع یافته نقد و شال مزبور را بتوسط امین الملک بحضور باهر النور همایون تقدیم

نمود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تمام آنها را با مین الملک سپردند که چون موکب

مسعود بدار الخلافه شرف ورود ارزانی دارد تمام پول و شال را بوراث و کسان

ایشان تقسیم نمایند و آنهم بیست رأس اسبان تازی از اسبان مرحوم مزبور که در دامغان گذاشته بود بحضور آوردند و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تماما با جلوداری بدار الخلافه الباهره نزد میرزا مهدیخان کشیکچی باشی که پسر ارشد مرحوم معظم الیه بود فرستاده مقرر داشتند که از روی قانون شرع مطاع با سایر املاک و اوضاع درمیان خود و سایر وراث تقسیم نمایند چهار ساعت بغروب مانده ذات والاصفات همایونی ازین مهمات بیاسودند و یحیی خان اجودان مخصوص بترجمه روزنامهای فرانسوی مشغول گشت و سرکار شاهنشاهی عصرانه میل فرموده نماز گذارده دیوانخانه مبارکه قورق شد دو ساعت از شب رفته با چاکران و ملازمان بزیارت حضور مبارک شتافتیم و تا ساعت پنج از شب رفته بدین فیض عظمی مستعد بودیم

## روز چهارشنبه سیزدهم تشریف فرمائی اردوی همایون از جاجرم بقریه ایوزرود دره

درین روز برخلاف رسم هر روزه اراده سنیه ملوکانه بر آن اقتضا نمود که اهالی حرمخانه مبارکه قبل از عزیمت موکب مسعود عازم شوند پس در اول روز حاجی

آغا یوسف آغا باشی و سایر خواجه سرایان کالسکه و اسباب حرم را حاضر ساخته
و اطراف سراپرده مبارکه را قورق نموده تپ ای حرم عازم شد و سرکار همایون
شاهنشاهی تا سه ساعت از روز برآمده در سراپرده مبارکه تشریف داشته حاجب
الدوله و سایر مقربان خاص خاطر خطیر همایون را ببعضی عرایض بدیع مشغول میداشتند
تا ذات والا صفات ملوکانه بکالسکه نشسته بسمت شمال مغربی تشریف فرما شدند و
پنج ساعت از روز برآمده موکب مسعود بمنزل شرف ورود ارزانی داشت و حضرت
شاهنشاهی نهار میل فرموده باستراحت مشغول شدند و محمد تقی خان پیشخدمت اشارات
بعرض کتاب تاریخ روضة الصفا اشتغال نمود بهنگام عصر سواره نردینی که برکاب
همایون احضار شده بودند در مقابل سراپرده مبارکه سان داده امر و مقرر شد که بریاست
محمد صالح خان سرتیپ کرد بچه چنداول اردوی همایون باشند و هم علینقی خان که
از ماموریت کرمان مراجعت نموده بود بتوسط امین الدوله شرف اندوز آستان
مهر لمعان شده خاطر مبارک را از احوالات آنسامانات مستحضر ساخت یکساعت
بغروب مانده دیوانخانه مبارکه قورق شد و شب بعد از شام قورق لشکسته ما
چاکران بخاکپای همایون مشرف گشتیم و از آنجا که شدت و سورت حرارت

هوای روز مزاحم وجود مبارک شد زودتر از سایر شبها بارامگاه تشریف فرما
شدند از جاجرم الی درّه دو فرسنگ راه ما بین شمال و مغرب است سمت راست
جادّه تمام درّه و ماهور و پست و بلند و بفاصله دو فرسنگ اندک کمتر یا زیادتر سلسله
کوهی است بلند و سخت که بسمت مغرب امتداد یافته درین سمت مزارع چند
و دو قریه است که اوّلی به کرتنه و ثانی که اردوی همایون در قرب آن واقع بود بیاپنور
معروف و موسوم است و هم درین سمت تپّه ایست که در فوق ان از زمان
سلف قلعه بنا کرده اند موسوم بقلعه جلال الدین که تاکنون از بنای محکم آن آثاری کلّی
باقیست و از قراریکه حکیمباشی طلزان که بتماشای قلعه رفته بود در استان همایون
مذکور میداشت درمیان این قلعه آب انباریست مشابه چاهی که در قعر آن آب پست بسیار
گوارا که بوسطه پله های چند که درمیان چاه قرار داده اند وصول بدان در نهایت
آسان است
اما سمت چپ راه نیز درّه و ماهور و پست و بلند و بفاصله نیم فرسنگ منتهی بکوهی میگردد
که در دامنه آن مزارعی چند است و هم درین سمت در مقابل قریهٔ آپنور کوهی سخت و بلند
مشکوتن میشود که بسمت مغرب امتداد می یابد در امکنهٔ سخت خود بر کوهی و دیگر جانوران

وحشی مسکن میدهد

پنجشنبه چهاردهم ربیع الثانی تشریف فرمائی اعلیحضرت شهریاری بهرزدین

بندگان اقدس همایون شهریاری درین روز یکساعت از طلوع گذشته بکالسکه نشسته

واز کنار قره کذشته با اعتضاد الدوله فرمایشات میفرمودند ومقرر میداشتند که امروز

با یداز اردوی سهام الدوله خبری برسد چون فرسنگی بهمینوال طی شد شدت گرد وغبار

بوجود مبارک زحمت داده وحضرت شاهنشاهی از کالسکه باسب رجوع فرموده پیش

وپیدق وجمعیت ملتزمین رکاب بی سپر راه شدند وذات ملوکانه از خارج

جاده تشریف فرما شده در چلکه بنکوصرف نهار فرمودند ودراینمکان از دور درختهای

چند ملحوظ نظر مبارک کشته از حقیقت آن سؤال فرمودند معروض افتاد که درختان

مزبور در دو چشمه واقع شده است که بکور چشمه معروف وآبخور ترکمانست بالاخره

بعد از صرف نهار در زمانی حضرت پادشاهی بکالسکه نشسته وتا ابتدای گردنه با کالسکه

تشریف برده چون دیگر صعود کالسکه امکان نداشت سواره ببالای گردنه آمده

وایستاده مقرر داشتند تا خادمان حرم نیز باسب بگذرند وتمام کالسکه ها را از راه

کباها بکلاته خیج برده منتظر حکم باشند زیرا عبور کالسکه ازین گردنه اشکال کلی داشت

و چون سرکار شاهنشاهی از کردنه بزیر آمده وارد جلگه تردین شدند ابراهیم خان نایب

اصطبل معروض خاکپای همایون داشت که در اینده غلامی از کرکان از نزد صادق

خان سرتیپ رسیده و حامل مژده فتح برای شهاب الملک بود خاطر مبارک حضرت

شهریاری از این معنی خرسند گشته مقرر داشتند شخصی نزد شهاب الملک رفته حقیقت

حال را بعرض برساند چون موکب مسعود بتردین شرف ورود ارزانی داشت

شهاب الملک بحضور مهر لمعان شتافته معروض داشت که بحمد الله از میامن اقبال

بی‌زوال همایون قشون نامور فتحی نمایان کرده و هزار و پانصد خانوار از رشش طایفه

یموت جاپید مردان ایشان را کشته و اسیر و زنان را کلا دستگیر نموده احمال و اموال

ایشان را تماما بغارت برده بنحویکه منظور نظر مبارک همایون ملوکانه بود

در تلافی جسارت و خود سریهای طایفه ضاله داد مردی و مردانگی داده‌اند

و هم در این شب محمد قلیخان برادر سهام الدوله با عرایض هر دو الیخانان

و سایر سرکردگان و تفصیل فتح و صورت سر و اسیر باردوی همایون پیوسته

از زیارت خاکپای همایون و مراحم و الطاف ملوکانه مفتخر گشته شرح حرکت

اردوی نصرت نمون را از بجنورد تا مراجعت از تاختن ترکمان بدین تفصیل

معروض خاکپای همایون داشت سواران نصرت توامان شب اول بشوغان

که در نه فرسنگی بجنورد است نقل مکان نموده روز دوم بر باط عشق که شش

فرسنگی شوغان و در او کاروانسرا خرابه و دو چشمه است رفته و روز را

در پناه تپه که در جنب کاروانسرا و امن و راحت گاه سوار ترکمان نیست

آرام کرده شب سوم بارتموذلی رفته اند که هم شش فرسنگ و در او چشمه آب و باغی

بی دیوار و جدار و چند برج قراولخانه است شب چهارم هفت فرسنگ

طی کرده و بکالپوش رسیده اند شب پنجم نیز هفت فرسنگ طی کرده و از مقابل

فرنگ فارسیان گذشته در دهنه گرگان منزل کرده اند در این شب تمام

سرکردگان و رؤسا در یک محل جمع شده با حضور علی خان پیشخدمت بخداوند

و نمک شاهنشاه هم قسم شدند که باتفاق کلی شب دیگر بسر دشمن تاخت آرند

و هیچ از غیرت و شجاعت فرو گذاشت نکنند و ختم سخن نموده بعد از نماز مغرب

و عشا سوار شده اند و هم در آن تاریکی شب از چهار فرسنگ جنگل گذشته وارد

صحرای گرگان گشته از محاذی گنبد قابوس عبور نموده هنگام نماز صبح باوبهای

ترکمان نزدیک شده از اسب فرود آمده نماز گذارده در حینی که شیاطین مارد

بعقیدهٔ فاسد خود را از پاداش عمل فارغ فرض کرده و در خواب غفلت

گرفتار بودند یکباره جان نثاران دولت و سواران شجاع با غیرت بر سر

ایشان تاختن آوردند و همچنان در خواب بودند که سوار با لاچیقهای ایشان

ریخته مشغول اسر و نهب و غارت شدند جمعی از مردان ایشان از میان ابهامی فرار

رفته و بر اسبان خویش نشسته در وقتیکه تمام عساکر منصوره هر یک پیاده

یک یا دو اسیر گرفته و مشغول تاراج و یغما بودند چهار صد سوار از ین فراریها

و از سوار انیکه بتاخت و تاز رفته مراجعت نموده بودند مجتمع گشته بر سر ایشان

تاختن آوردند سهام الدوله و شجاع الدوله چون چنین دیدند خود با سرکردگان

و چند سوار معلیس که در زیر بیدق بودند بر ترکمانان تاخته و مردم را نهیب داده

فریاد کردند که دست از غارت بر داشته و از اوبها بیرون آمده در حفظ جان

کوشند همچنان سواران ترکمان زور آور شده و دلیران و شجعان اسلام

خود داری مینمودند که ناگاه از دور تیپی نمایان شد علیخان مشخدمت بسمت

تیپ تاخته معلوم نمود که کلب حسین خان امین نظام با سواران نصرت

که در ظلمت شب راه را گم کرده و یک ساعت فاصله رسیده اند پس علی خان

امین نظام را از حادثه مطلع ساخته این سرکرده عبور با سواران دلیر خود بدون

مکث و تحمل بجنگ دوایلخانی شتافته تا چهار و نیم از آفتاب بر آمده مشغول جنگ

و کشش و کوشش بودند تا از سواران ترکمان مردی و از آثار او به والاچیقهای ایشان

جز گردی نماند سهام الدوله ابتدا اسیر و اولجه را از دربند گذرانده و خود با

سواران متعاقب ایشان بنوده رسیده و بحمد الله تعالی از هر آسیبی ایمن

مانده صورت فتح را بعرض رسانیده معروض عاکفان حضور همایون داشته بود

که از چند طایفه قوچوق و تاتار و قان یخمز و چاروا و جمور زیاده

از هزار اسیر و دویست نیزه سر با خود باردوی همایون خواهند آورد خاطر دریا

مقاطر همایون از این مژده فتح در نهایت مسرور و مشعوف گشته و شکر حضرت

خداوندی بجای آورده در کمال راحت و فراغت بحرم خانه مبارکه تشریف فرما شدند

از دره بزدین هشت فرسنگ است شش فرسنگ تا اول گردنه و دو فرسنگ

از گردنه بزدین در سمت شرقی گردنه در راست و چپ جاده قریه و آبادی جز

آب انبار خرابه نیست و از هر دو سمت کوهها که یکفرسنگ الی دو فرسنگ فاصله

دارند در یکفرسنگی دو فرسنگی راه در حلقه تمام میشود و در انتهای ایشان کوهی

ضریح اول طلاست که مرحوم شاه عباس جنت مکان در سفری که پیاده از اصفهان

ملایک پاسبان آمده برحسب نذر مبلغ هشت هزار تومان انجام داده و [illegible]

میرزای نواده نادرشاه آنها را دزدیده و بعد بحکم نادر میرزا بمحل خود عوض

داده اند ولی طلای کیمیت آن و حسن و نقش مفقود شده است و بالا

یک سمت آن نقره و سه سمت طلاست ضریح دوم فولاد مرصع است

که از قرار معروف نادرشاه برای قبر خود ساخته بوده است و چون

چنین ضریحی جز لایق امام نبود بعد از فوت نادرشاه بسعادت تصرف

سرکار فیض آثار رسیده است ضریح سوم فولاد است روی شیروانی

ضریح فولاد صفحه نقره و بر روی آن صفحه طلا استوار کرده اند

حرم مطهر را سه در است دری بدار الحفاظ و دری بپایین پا

و دری به توحید خانه

درب طلا و نقره رواق و روضه مطهره

نه باب

درب طلا دو باب

درب نقره شش باب

| | | | |
|---|---|---|---|
| در ضریح طلای مرصع که خاقان مغفور خلد آشیان ساخته بودند و سالها طلای آنرا دزدیده لعبتهٔ امر خسروانه نواب سلطان مراد میرزا حسام السلطنه دوباره طلا و مرصع کرده است | در دار الحفاظ که مرحوم عضد الملک برحسب امر قدر قدر همایون طلا کرده است | ایوان نادرشاهی<br>درها<br>. در کتابخانه<br>. در کفشکن اول<br>. در توحیدخانه<br>. در دار السیاده از سمت ایوان طلا | سایر<br>درها<br>. دری که از دار السیاده بدار الحفاظ میرود آست حسام السلطنه سلطان مراد میرزا ساخته است دور چهارچوب آنرا مرحوم عضد الملک طلا کرده<br>. در دار السیاده از ایوان ناصری که مرحوم عضد الملک ساخته است<br>. در پایین پا که طلا و مرصع بوده و در زمان افغانان سالها طلای آنرا برده‌اند و حال نقره زیر آنست باقی |

مقابر اشخاص معروف که در خدمت حضرت فیض آثار مدفون شده

| | | | |
|---|---|---|---|
| هارون الرشید | مرحوم شاه طهماسب | شیخ بهائی علیه الرحمه بیرون رواق در حجرهٔ معروف بپایین پا است | نایب السلطنه مرحوم در دار الحفاظ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| حاجی محمد ولی میرزا در سجد خود شش | محمد تقی میرزا حسام السلطنه | حاجی قوام الملک | فرمانفرما |
| اقای حاجی میرزا عسکری امام جمعه | حاجی میرزا موسی خان | ولیخان از جمله قبور قدیمیست | مرحوم آقا میرزا احمد |
| مشیر الدوله | عضد الملک | سپهسالار اعظم | نجفقلی خان قوچانی |
| امیر کونه خان قوچانی | شاهزاده ملک قاسم افغان | شاهزاده ملک حسین میرزا | عباسقلی خان میرپنج پسیان |
| میرزا محمد علی متولی باشی | میرزا ابوطالب | | |

دار الشفا و مهمانخانه

| | | |
|---|---|---|
| دار الشفا در خیابان واقع است | مهمانخانه زوار در خیابان بالا | مهمانخانه اعیان در پایین |

اسامی عملجات و خدام آستان ملایک پاسبان بغیر از اعیان و ارکان و مقربان دربار اعلیحضرت شاهنشاهی که زیاده از هزار نفر در جزو خدام این آستان مشرف و هر زمان حاضر باشند در کشیک خود مانند سایر خدام از خدمت مستعدند

## عمال و اعیان

[illegible] نفر

| | | | |
|---|---|---|---|
| جناب میرزا محمد صادق معروف بمیرزا نبی غلط که از جمله مستوفیان است و بقول معروف و مشهور هست و دو پشت بحضرت امام علیه السلام میرسد | عالیجناب میرزا محمد جعفر صدر | جناب میرزا بدر الدین نایب التولیه | عالیجاه میرزا حسنعلی وزیر اول |
| عالیجناب شیخ میرزا بابای مستوفی | عالیجناب میرزا داود ضابط | عالیجناب آقا سید ابو الحسن امین آستانه | عالیجناب میرزا ابو القاسم وزیر دوم |
| نواب شاهزاده محمد هاشم میرزا ولد مرحوم محمد تقی میرزا | آقا میرزا عبد الحسین | میرزا محمد کاظم نایب ناظر | حاجی میرزا کریم نایب وکیل |
| عالیجاه میرزا شفیع سررشته دار | عالیجاه میرزا ذبیح الله مهردار | عالیجناب میرزا بابا | حاجی میرزا محمد علی ناظم الملک موقوفه |
| همقلم دفترخانه [illegible] نفر | محرر [illegible] نفر | حاجی میرزا شفیع منشی | |

## ارباب مناصب و غیره [illegible]

| | | |
|---|---|---|
| ارباب مناصب [illegible] | عمال دار الشفای مبارکه [illegible] | عمله کارخانه مبارکه [illegible] |

| | | |
|---|---|---|
| خدام کشیک [illegible] نفر | مدرسین [illegible] نفر | کتابخانه [illegible] نفر |
| قرآن خوان و تحویلخانه [illegible] نفر | مباشر تعمیر [illegible] نفر | کشیک نویس و مباشر روشنایی [illegible] نفر |
| اهل زیاره [illegible] نفر | دربان باشی و نایب [illegible] نفر | [illegible] و مرثیه خوان [illegible] نفر |
| معلم اطفال [illegible] نفر | | |

نواب شیخ ابو الحسن میرزا ناظر دار الشفا ولد مرحوم حسام السلطنه محمد تقی میرزا

عالیجاه میرزا سید تقی ناظر

سایر ارباب طب و غیره [illegible] نفر

سایر [illegible]

عملجات متفرقه — حفاظ

مشعلچیان — سایر
[illegible] نفر
باشی طلایه‌چیان سایر
[illegible] نفر

عمله کرنا خانه — چراغچیان و تماشاچیان
[illegible] ۵ نفر

اهالی کشیکخانه

کشیک اول

عالیجناب میرزا عبد الحسین سرکشیک — عالیجناب میرزا ابو الحسن خادم باشی — حاجی میرزا جعفر سرکشیک — میرزا عبد العلی خادم باشی

خدام — فراشان — خدام — فراشان
[illegible] — [illegible] — [illegible] — [illegible]

میرزا اسمعیل باشی — سایر — میرزا داود فراشباشی — سایر
[illegible] — [illegible]

مؤذن — کفشدار — مؤذن — کفشدار
۲ نفر — ۲ نفر — ۳ نفر — ۳ نفر

دربانان — دربانان
[illegible] — [illegible]

کشیک دوم

کشیک سیم — کشیک چهارم

عالیجناب میرزا عبد الرحیم — میرزا عبد الوهاب خادم باشی — میرزا عبد الجواد سرکشیک — میرزا عبد الوهاب خادم باشی

خدام — فراشان — خدام — فراشان
[illegible] — [illegible] — [illegible] — [illegible]

حاجی میرزا محمد فراشباشی — سایر — حاجی ملا عبد العلی فراشباشی — سایر
[illegible] — [illegible]

دربانان — مؤذن و کفشدار — دربانان — مؤذن — کفشدار
[illegible] — ۵ نفر — [illegible] — ۳ نفر — ۳ نفر

کشیک پنجم — [illegible]

زیارت نامه خوانان — [illegible]

| | | | |
|---|---|---|---|
| حاجی میرزا ابوالحسن سرکشیک | حاجی میرزا حسین خادم باشی | | سایر |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |

خدام — [illegible]

| | | | |
|---|---|---|---|
| فراشان | آقا سید محمد | آقا سید شفیع | |
| [illegible] | میرزا حسین | | |

دربانان — [illegible]

علماء — [illegible]

علمائی که در شهر بخاکپای همایون مشرف شده اند

[illegible]

| | | | |
|---|---|---|---|
| جناب حاجی میرزا فتح الله برادر امام جمعه مرحوم | جناب میرزا هدایت الله امام جمعه | جناب میرزا حبیب الله سلطان العلماء | حاجی میرزا حسن برادر مرحوم امام جمعه |
| ملا عبدالرحیم شیخ الاسلام | میرزا محمد تقی نواده مرحوم حاجی میرزا حسن مجتهد | حاجی ملا اسدالله پیشنماز | ملا محمد چولائی پیشنماز |

علمائی که در طرق مشرف شدند

[illegible]

| | | |
|---|---|---|
| حاجی میرزا نصرالله مجتهد | آقائی میرزا احمد پسر حاجی محمد نصیر | حاجی میرزا محمد جعفر پسر حاجی میرزا هاشم مجتهد |
| آقای میرزا بابای سبزواری مجتهد | شیخ ابومحمد قریب الاجتهاد | آخوند ملا کاظم همدانی ایضاً |

| | | |
|---|---|---|
| جناب شیخ عبدالرحیم بروجردی مجتهد جلیل القدر که تازه از کربلا مشرف آمده بودند | آخوند ملا آقا بزرگ طهرانی مجتهد | شیخ عبدالعزیز لنکرانی |
| ملا عبدالله کاشی | ملا هاشم معدن نیشابوری | آخوند ملا عبدالرزاق پسر شیخ الاسلام سبزواری |
| حاجی آخوند قندهاری فقیه | آقا میرزا حسن پیشنماز رضوی | آخوند ملا محمد قاضی هراتی |

دروازه‌های شهر مقدس

| | | |
|---|---|---|
| دروازه ارک | دروازه سراب | دروازه بالاخیابان |
| دروازه پایین خیابان | دروازه نوقان | دروازه عیدگاه |

اسامی محلات

| | | |
|---|---|---|
| محله عیدگاه | محله سرشور مسجد ذوالفقار | محله سراب و چهارباغ |
| محله نوغان | خیابان علیا | خیابان سفلی |

مساجد وغیره

مساجد

| | |
|---|---|
| معروف | مساجد محلات |
| مسجد گوهرشاد | مسجد شاه که از بناهای اوزبک و قدیم و حال مخروبه است |

حمام — [illegible] باب

حمام معروف — [illegible] باب — سایر

| | | |
|---|---|---|
| حمام لاچه موقوفه آستانه | حمام شاهبوردیخان الف | حمام شاه ایضا |
| حمام سرسوق موقوفه گنبد | حمام امامجمعه | حمام پاچنار |
| حمام بازار | حمام حسینقلی | حمام حاجی جعفر |
| حمام سالار | حمام میرزا ابراهیم | حمام عباسقلیخان |

[illegible] باب

خانات — [illegible] باب

| | | | |
|---|---|---|---|
| خان عباسقلیخان موقوفه حضرت | خان میرمعین الغنا | خان دارالزوار | خان امام جمعه |
| خان شاهبوردیخان موقوفه اجداد میرزا بابای متولی | خان عبدالله خان | خان دغالی | خان حسینیه موقوفه آستانه |
| خان سالار | خان قزوینی | خان سلطان موقوفه حضرت | خان دررودی |
| خان شیرسنگی | خان کاشانی | | |

مدارس — [illegible] باب

| | | | |
|---|---|---|---|
| مدرسه نواب | مدرسه حاجی حسین | مدرسه ملا محمد باقر | مدرسه فاضل خان |
| مدرسه میرزا جعفر | مدرسه خیرات خان | مدرسه عباسقلیخان | مدرسه بالاسر |
| مدرسه پریزاد | مدرسه دودر | مدرسه سلیمانخان | مدرسه پایین پا |
| مدرسه حاجی رضوان | | | |

## اسواق معتبر

بازار بزرگ | بازار بزازان | بازار کفاشان | بازار کلاه دوزان | زرگران | نجاران

دکاکین بازار روس | کوچه‌های لب باب

ارک مشهد محوطه ایست که در سمت غربی شهر واقع است و سمت آن بصحرا متصل است و دو سمت دیگر بشهر اتصال دارد و او را دو دروازه است و چندان وسیع نیست بلکه ثلث ارک طهران است در او یک سربازخانه و یک قورخانه و میدان مشق واقع و توپخانه آن که ببارو متصل ولی از قلعه خارج است و عمارات دیوانی او را که در زمان حکومت مرحوم محمد ولی میرزا و نایب السلطنه طاب ثراه بنا شده و سایر حکام نیز هر یک تصرفی کرده اند مشتمل بر دو دیوانخانه است یکی دیوانخانه بزرگ که بکمال مشابهت را بدیوانخانه ارک تبریز دارد و چنان مینماید که هر دو را یک معمار بنا کرده است و دیگری دیوانخانه کوچک که او را نیز تالاری است باضافه حوضخانه سرپوشیده دارد که در نهایت خوش هواست و درین ایام سرکار شاهنشاهی روزها در آن حوضخانه تشریف داشتند و همچنین درین

دیوانخانه بالاخانه چهارفصل بلندی است که مشرف بعمارات شهر و صحرای
خارج شهر است بعد از این دیوانخانه عمارت اندرونی است که عمارات پرپوش
عالی و دو خلوت و حمام دارد و در جنبا و یکدست عمارت اندرونی و بیرونی
جداگانه است که درین اوقات سرکار جلال الدوله درا و سکنی داشتند
درین عمارت برجی است که کلب حسین خان امین نظام تعمیر نموده و نظراندازی نیکو دارد

بلوکات

بلوک سرجام سمت جنوبی و غربی مشهد واقع است حدی بجام و حدی
به پیوه ژن و حدی ببلوک رخ تربت این بلوک قلعجات بسیار دارد و لی اکثر
آن مخروبه است و بعضی از آنها که دایر و آباد است از این قرار است

| | | | |
|---|---|---|---|
| حسن آباد | سرقابه | احمد آباد سرحدات | فرهاد جرد ایضاً |
| کاریز زنه | رباط سفید | چرم و چمن معروف آن | برجانی |
| جهان آباد | کافر قلعه | عفور | کلاته خشک |
| قلعه نو | | | |

بلوک پیوه ژن سمت جنوب شهر واقع است در پشت کوه و محدود است
از سمتی بجبال و محال نیشابور از سمتی ببلوک سرجام و جهه ی ببلوک ازغد
رود خانه این بلوک رودخانه کوچکی است که در دره پیوه ژن جاری است
و این بلوک ییلاقیت کلی دارد خاصه ده پیوه ژن که قریب یکفرسنگ ونیم
با اشجار و انهار و در نهایت با صفاست در کوهستانات این بلوک
معدن مس و سرب و طلا یافت میشود و معدن سرب آن امروز دویست و بیست
نقد و چهل خروار را جاره دارد و دهات معروف این بلوک بدین موجب است

| | | | |
|---|---|---|---|
| پیوه ژن متعلق اولاد الله وردیخان | قاسم اباد | سلطان اباد متعلق بمیرزا رحیم اشت | ده سرخ متعلق بحاجی مصطفی قلیخان |
| برزش اباد | شریف اباد | گنبد دراز | طلات اباد |
| کروج | استاج | فخر داود | دلبران |
| ده علیا | باغچه | بازه حوض علیا و سفلی | سید اباد |

بلوک ازغد واقعه در جبال جنوبی مشهد است و او را چهار رودخانه است
دو تا ی از آنها که عبارت از باروازقد باشد به بند گلستان میریزد و دو دیگر

که رود مج و رود مغان باشد بعد از سقایت دهات این بلوک فاصلا

آن بطرق میرسد و از جمله چیزهای غریب که درین بلوک بهم میرسد غاری است

که د رنزدیکی قریه مغان در کمر کوه واقع است و دهنه دارد هشتا لی ده ذرع

ازین دهنه تا بمیدان اسب راه غار بحدی وسیع است که پنجاه سوار بسهولت

عبور میکنند و در انتهای این مسافت از سقف غار آبی میچکد که فوراً منجمد میشود

بنحویکه یک نیم ستون در سطح غار و نیم ستون دیگر در سقف غار از آن آب

بهم رسیده و قلیلی مانده است که این دو نیم ستون بیکدیگر رسند و ستون از

ازین سنگ سفید مایل بزردی در میان غار برقرار شود درین محل فضای

غار شعبهای مختلف پیدا میکند و در هریک از آن شعبها فضاها و حوضها

و چاه عمیق است از جمله در یکی ازین فضاها که او طاقی وسیع است

دریاچه ایست بسیار عمیق که هر قدر خواسته اند عمق آنرا معین کنند ممکن

نشده است در وسط این دریاچه محلی است پاشویه مانند که یکذرع عرض و

یک چهار یک عمق بیشتر ندارد و اکثر طاقهای این غار را گویا مخصوصاً

حجاری و مقرنس کرده اند اهالی ولایت در حق این غار تفصیلات عجیب

و غریب میگویند که بنظر افسانه می آید و قابل نوشتن نیست

و دهات معتبر این بلوک از ین قرار است

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| یار | کلاغ آهن | ارقد | مایان | درماغ | مایان سفلی |
| حصار | مج | سربنج | مغان | قان رود | قصبه زرده که بزرقه معروفست |

بلوک جاغرق از ییلاقات بسیار خوب مشهد است که در سمت گردنه دررود واقع است و نزهت مکان و خضرت اشجار و صفای آب و هوای آن معروفست و دارای بندی است بسیار بزرگ از بناهای صفویه که آب آن از رودخانه بابلوک ارقه و مایان و خود جاغرق است و این آب از موقوفه سرکار فیض آثار است و قراء آن از ین قرار است

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| گلستان | حصار | ترقبه | نعیزان | جاغرق |

بلوک شاندیز در دامنه واقع است و محدود است از سمتی بترقبه نیشابور از سمتی بقصبه کاهو از سمتی بمیان ولایت و از طرفی بجاغرق این بلوک بهترین ییلاقات دور مشهد است و قلعجات و دهات معروف آن از این قرار است

قصبهٔ شاندیز شصت تا نوابیست و باغها بسیار دارد

نوقان دیده معتبرست و خالصهٔ دیوان اعلی و تیول صارف معزو نیست

قادر — کرانج — حسن آباد — زنگ

ارده ونعیما — ابرده سفلی — سر اسیا

لتباب — ویرانی خالصه

## قصبات معتبر که درین سمت واقع و ضمیمهٔ پیچک از بلوکات نیست

قصبهٔ کالبو از جملهٔ قصبات معتبر و میان کل مکانات شاندیز واقع است و در ملکیت اعلیحضرت فیض آثار و دیوان اعلی شرکت دارند و به تیول سید ابوالحسن شاه مقرر است

قصبهٔ بیجیل این قریه نیز درین حوالی واقع و در ملکیت آن هم حضرت فیض آثار و دیوان اعلی مشارکت دارند و ارده خانه است که باین نام معروف و به تیول مراد علی خان مقرر است

قصبهٔ دولت آباد رودخانه دارد و خالصهٔ دیوان همایون و به تیول اولاد کامران شاه مقرر است

بلوک کلمکان که از سمتی با بیجیل و دولت آباد و از سمتی بجاک چناران متصل است و از طرف نیشابور و چشمه سبز درین بلوک است و کمال ییلاقیت را دارد و درین بلوک دو طایفه نشسته‌اند که یکی از آنها را تاجیک گویند و همه آنها فارسی زبانند و در قصبهٔ کلمکان سکنی دارند و طایفهٔ دیگر ایلات کرد هستند ضمیمهٔ کانلو که در سایر قلعجات و مزارع کلمکان متوقفند آب این بلوک از یک رودخانه است

از چشمه سبزی می‌آید و از وسط قصبه کل برز میگذرد و قنات متعدد دارد

و قراء معروف این بلوک از قرار یست که نوشته میشود

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| تلخ آباد | اسب قد | معوا | قصر پلال | کوردوه |
| عبدل آباد | سلوجرد | پی آباد | حسین آباد | فسنج آباد |
| احمد آباد | دو نوبه باشی خان<br>فراش باشی | کنترا | | |

بلوک چناران محدود است از سمت شمال بنجاک قوچان و از سمت جنوب
بمیان ولایت و در آب سمت غربی و جنوب غربی کلمکان مشهدیه و از سمت
شرقی رادکان رود خانه چناران دو رشته است یکی رود دیگه از سمت
نیشابور که منبع آن قرنزی است دیگری از سمت نیشابور که منبع آن
خود آخلمد است درین بلوک از آثار قدیمه خرابه شهر منیجان است
که مسجد و حشر و آسیاب آباد کرده است

| | |
|---|---|
| قصبه و قرا سمت نیشابور | سمت قوچان |

خلجه در دره کوه پایه واقع و قصبه ایست که چهارصد خانوار دارد و رعیتی آن سی و شش زوج است

عتیق و علیشاهی متعلق بسرکار و بعضی آثار [illegible] زوج و فرد

ملک رعیتی [illegible]

خالصه دیوان اعلی [illegible] زوج

فرزی در مقابل اخلجه واقع و اول رود خانه چناران است و ملک آن رعیتی است

سمت چولایی که به پیرکی معروف است محل اکراد پیرکی از اکراد زعفرانلو است

| | | |
|---|---|---|
| حسن آباد | وکیل آباد | چوپانان |
| چشمه باران | پیری آباد | چشمه کیلاسن وقف است و زراعت آن با چناران است و آب و آسیاب شاه عباس مرحوم [illegible] آورده |

قصبه چناران مخروبه است و سیصد خانوار از آن باقی مانده و ساکنین آن فارسی زبانند

امیرآباد که مرحوم نایب السلطنه بقدر قلعه در زمان طغیان ضیاقلیخان قوچانی خراب کرده‌اند و آثار قلعه آن باقی است

| | | |
|---|---|---|
| نمیر | جوکار | قلقاچان |
| دستجرد [illegible] | اسفناباد | جنه حراج |
| منیجان که باسم منیجه دختر افراسیاب موسوم است و او شهری بوده است | چوب دست | حسن آباد |
| سیرک | یورد چوپان | چنبر غربال |
| خیرآباد | اق قلعه عزیز کونه پایک | |

رادکان حدی بچنایان و حدی بچولانی و حدی به زرابش حدی به ده کنو

و حدی بتقوچیان وارد و قراء و قصبات آن از این قرار است

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| دشت رادکان | قول حصار کراولی خاک گرد رادکان | میشکان | سیغان | چه چه |
| سوهان | سوچنان | [illegible] | بترتاب | قشلوه یوسف خان |
| [illegible] تقی | میاب | لوکت | لوباغ [illegible] سانه خنیا [illegible] ان [illegible] دارد [illegible] | |

بلوک در زاب در زیر رادکان واقع است و تسمیت آن بچولانی خانه

[illegible]یت سمت رادکان یک سمت میان ولایت و از یک طرف

تا رادکان این بلوک را دو خانه ایست سوم [illegible]

که آب آن [illegible] است و آن کوهی است

که از یک سمت آن جبلگه شهید است و سمت دیگر ده گرد و سوفیان

لا یتناهی کسته کلات این بلوک را که اغلب دهات آن

متعلق بسرکار فیض آثار است به قسمت نموده اند

قسمت اول بقیچ رعیتی و قریب بشتاد خانوار رعیت دارد

قسمت دوم ارداک

قصبه ارداک که مرکز بلوک است و شش تخمی توار رعیت دارد — پیشان متعلق بسرکار فیض آثار — پیش ادک ایضاً

میامرغ — آبقد — پس چشته

شیرین — قلعه درحصار خالصه — کوده رعیتی

قسمت سوم

گوارشک سپرده بجعفرقلی پسر حاجی محمد خان — کجان — ماریان

زال — چاقد — اب دوان

امداد — نقاب

بلوک چولائی خانه درکوه پایه واقع است حدی بکلات دارد و حدی بخنطل آباد و تبادکان و حدی بدر زآب و حدی برادکان و اورا چند قریه و مزرعه و قلعه است

کارده — اندرخ — دوسرخ — بلغور

سیج — آل — کنش — بهره

بلوک میان ولایت که درسمت مغرب و شمال شهر واقع است ابتدای آن از دروازهٔ بالاخیابان است و انتهای آن درسه فرسخی چناران که من حیث المجموع هشت فرسنگ طول آنست و دراو رودخانه عظیمی است موسوم بکشف رود که منبع آن از چشمهای واقعه درحلکه چناران ورادکان است که همه جا تا دو فرسنگی شهر

بسمت جنوب آمده و در بین جبال [illegible] که به [illegible] شاهی معروفست منحرف بسمت
مشرق مایل است و از دربند واق [illegible] تا [illegible] [illegible] و [illegible]
[illegible] بسمت [illegible] شمال [illegible] [illegible] [illegible] نام [illegible]
و [illegible] [illegible] و جبال [illegible] آن [illegible] [illegible] است [illegible] خیابان
[illegible] [illegible] [illegible] و قسمت [illegible] است و [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] خیابان
[illegible] [illegible] خیابان [illegible] [illegible] [illegible]

قراء و مزارع و خیابان [illegible] [illegible]

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| سرده | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| اسمعیل آباد | [illegible] | باغ [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| شوراب | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] آباد | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] آباد |

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| چهل مجره | آندرقند | مرغزار | سدان | فتح آباد |
| حسن خودیو | سلطان آباد | ناظرآباد | دوست آباد | کلاته شرفخان |
| جوفروش | حاجی آباد | کلاته صفرعلی | مهدی آباد | چهار برج |
| چشمه سفید | سید نبی | سلیم آباد | مردارکشان | دیشاک |
| اسلامیه | شهر بیسرایان آباد بود و معموره علامت شهر و آثار آن باقی است [illegible] از جاده و دروازه [illegible] شهر واد [illegible] | سعید آباد | محمدیه | کلاته علی |
| عسکریه | نوابیان | [illegible] | راهیبان | برمرکی |
| اوج دفتر | پنجه | سنگ سیاه | سیرو آباد | پانیت ده |
| دوبیت | کلاته صفرعلی | تبادکان | بوت ورخت کوبید [illegible] کرده است | کلاته حسن |
| ماهی خور | سکران | [illegible] آب است [illegible] معتبر [illegible] دیگر [illegible] زراعت [illegible] آثار [illegible] | فقط آب [illegible] دیده [illegible] [illegible] ندارد [illegible] متعلق [illegible] | ناوخ |
| کمال آباد | شاه آباد | علی آباد | ولی آباد | موسی آباد |
| خوش آباد | | | | |
| دست حبیب | | | | |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] کوه | پیلدار | وسیم آباد | سعید آباد | جلدک | [illegible] |
| جیاهتنک | نوباده | ده نو | منزل آباد | زرکش | ابراهیم آباد |
| شان قلعه | خراب امین | | | | |

بلوک تبادکان که در سمت شمال مشرقی شهر است از سمتی محدود است بچولائی
و بلوک درزاب و از سمتی بکلات از سمتی بطرقبه و از طرفی بشهر و یک سمت آن کوه
قراول خانه است و او کوهی که فاصله است میان صحرای خراسان و صحرای
نجه آب این بلوک از قنوات متعدد و شعب دو رودخانه است که یکی از آنها
رودخانه کشف رود است و شرح آن در بلوک میان ولایت معروض شد
و دیگری رود اندرخ است قرا این بلوک قریب پانصد پارچه است و چند قریه
معتبر آن از این قرار است

قرائیکه زیر کوه و داخل جلگه مشهد است

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| بنت [illegible] تبادکان [illegible] قنوات [illegible] | رزان | جعیت آباد | قاسم قریه | قازنه |
| اخلکان | قوشه بیوک حاجی میرزا محمد حسن خان | قوزنه ایضا | دهنه اوس محل آب مشهد | قصبه [illegible] |
| قوچان [illegible] | مهرآباد حسینیه | جنت آباد | نظریه | جنت آباد |
| عیش آباد | حسین آباد | کریم آباد | حیدر آباد | ابراهیم آباد |

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| حلوانیه | عطار | جوفروش | درآباد | پاوا |
| کلاته | شادکن | میامی | شاویشه | پناه بالا |
| فتیحه ذر | رباط ماهی مخروبه آ | قیاس آباد | سنگ ذر | مردران محل قراولخانه خانوار ندارد |
| باغ باغان | آق دربند خراب آ وسکنه ندارد | | | |

دهات واقعه پشت کوه

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| کبیلی | جعفر | قصبه باد کن | صحکاوار | احمدآباد | حنظل اباد |

بلوک ناصریه که سابقا سنک بست کفته می شد و داخل بلوکات جدید است که نواب شاهزاده میرزای حسام السلطنه عم شاهنشاه آباد نموده و در سمت مشرق واقع است و تا شهر شش فرسنک است اصل قصبه این بلوک قلعه ناصریه است که دراو برج و باره و خندق جدید ساخته شده است و پانصد خانوار رعیت دارد که نصف آنرا از اهل مشهد برده اند و نصف دیکر مهاجرین هراتی هستند آب این بلوک از شش رشته قنات و از بندیست که نواب حسام السلطنه ساخته معروف به بند ناصری که آبهای کوهستان سرجام و تربت دراو جمع شده بصحرای جیم آباد در فصه زرع و کشت میشود و این آب شور و ناکوار است قلعجات جدید البنای آن ازین قرار است

| | | | |
|---|---|---|---|
| جنیم آباد | شکرشور | کیاسی | جهان ارسنگ |
| سلمانی | اره | چناسک | قلعه منار |

قصبه طرق در سر راه واقع است و تا شهر یک فرسنگ و نیم است داخل هیچ بلوک نیست و متعلق بسرکار فیض آثار است و او با قلعه خانی است که میدان آنها از یکدیگر فاصله دارد.

کال یاقوتی در دست راست شهر کنار کشف رود و سر راه مزدوران آق دربند سرخس واقع است و منزلگاه زوار است و او را تپه‌ای است بسیج واقع مشهور جبال آن یاقوتهای ریزه سیاه و بسیار است بعید نیست که جستجو کنند معدن یاقوت نیز پیدا نمایند در کنار این چمن قلعه‌ایست معروف بالا آباد و ال...

یازدهم شهر صفر روز دوم ورود موکب مظفر بارض اقدس و توقف اردوی همایونی در آن شهر مقدس

در این روز چون چاپار دارالخلافه رسیده بود سرکار همایون شاهنشاهی جمیع وقت مبارک را صرف مطالعه عرایض وزرا و جمعی از مستخدمین و احکام بامضای آقای مستوفی الممالک و وزیر امور خارجه فرموده و با امین الملک مقرر شد

که چاپار را در همان روز معاودت دهد و معطل ندارد

هنگام عصر سپهسالار اعظم بحضور مشرف باب شده بعضی از عرایض ولایتی و مملکتی خویش را معروض داشته جواب صادر نمود و بموجب امر خسروانی صحن متبرکه حضرت رضوی علیه السلام را قورق نموده اهالی حرم محترم شاهنشاهی جمیعا بزیارت عتبه بوسی آستان عرش نشان فایض گردیدند میرزا مینای ملک الشعرای سرکار فیض آثار قصیده در مدح حضرت و ورود موکب مسعود انشا نموده محمد حسنخان محقق بعرض حضور مبارک رسانید و چون در نظر مبارک مقبول افتاد و خالی از فصاحت و شیرینی و لطف نبود آن قصیده را در این اوراق ضبط مینمائیم

## قصیدهٔ میرزا مینا

ای خراسان یکجهان جان بایدت کردن نثار — در ورود موکب مسعود کیهان شهریار

ای خراسان جهد کن هی جان بغیشان در کنار — شاه کیهان را که بودی سالها در انتظار

ای خراسان صبح اقبالت دمید اکنون که گشت — رایت شاه آفتاب آسا پدیدار از کوهسار

ای خراسان باید از ترکان توران سر — نزد شه چون بخشیان بردن قطار اندر قطار

ای خراسان شاعران با مدحت [illegible] سنج — در گلستان مناقب شه چو دستان [illegible]

کوکب شاه بخت فزاینده [illegible] — گر بهشت و خرم بهشتی [illegible] روان [illegible]

تو بهشت جاودانی شاه [illegible] — ای بهشت جاودان [illegible] شاد [illegible]

شاه چو بید در تو [illegible] — برد شاه [illegible] فتح روز [illegible]

خسرو اقلیم امکان مظهر یزدان [illegible] — گر [illegible] ذات [illegible] فرقدانی آشکار

نور حق [illegible] تجلی [illegible] — [illegible] عرش [illegible]

[illegible] پاک [illegible] — [illegible]

[illegible] امکان [illegible] — [illegible]

پاک یزدان [illegible] — [illegible]

[illegible] — [illegible]

[illegible] — [illegible]

[illegible] — [illegible]

[illegible] — [illegible]

او خدا [illegible] شاه [illegible] جهانش [illegible] — [illegible] سایه پرورده

شهریار کشور ایران شهنشاه جهان ‌‌ ناصرالدین شاه غازی خسرو خسرونگار

شاه جم خرگاه و کسری تاج و کیخسرو کمر ‌‌ مهر کشورگیر و انجم جیش و گردون اقتدار

قهرمان بحر و بر کشورگشای شرق و غرب ‌‌ شهریار دادگر کیهان خدای تاجدار

از وی خطبه و خاتم طراز تاج و تخت ‌‌ کز وجودش جاودان باید جهان را افتخار

مشرق و مغرب مسخر او و لشکرش را عرض و طول ‌‌ شاهی و شوکت قبایی حلقش را پود و تار

در جمالش یک فلک فر است و یک مشرق فروغ ‌‌ در نهادش یک جهان مجد است و یک گردون وقار

بر جلال و شوکت او میخورد گردون یمین ‌‌ از نوال و همت او میبرد دریا یسار

با سموم قهر او گیتی خزان اندر خزان ‌‌ با نسیم لطف او عالم بهار اندر بهار

موج زن دریا بود در آستینش گاه جود ‌‌ بوسه زن دارا بود در آستانش روز بار

در سپهر از سطوتش بهرام را اندر حذر ‌‌ در کنام از صولتش ضرغام گوید الفرار

خنگ صرصر سیر او تابنده تاب دلدل است ‌‌ تیغ کافرسوز او قایم مقام ذوالفقار

یک سوار از جیش خون آشام او در روز رزم ‌‌ کار صد رستم کند پیکار صد اسفندیار

خرمن نه خوشه پروین بسوزد تیغ او ‌‌ روز کین از وی نخواهد آسمان گر زینهار

دود خشم و ضربت تیغش بدشت دار و گیر ‌‌ روی مه را تیره سازد پشت ماهی را فگار

چشم انجم کور سازد گوش گردون کر کند | گرد عیش و غرش کوس بوقت کارزار

ایمنی از عزم او گر بر زمین گردد قسیم | جنبشی از عزم او گر بر فلک گردد نگار

تا ابد پستی از آن آید زمین پای سکون | جاودان جولان زان صحن فلک پای مدار

دست او ابری که باران درو زر آرد همی | تیغ او آبی که خیزد روز کین از وی شرار

کین او زهریست بنیان فرسا که دشمن [illegible] | مهر او [illegible] [illegible]

فتح دستی از [illegible] که [illegible] | [illegible]

[illegible] امن و امان در دو [illegible] | ساعد آشوب [illegible] مشوش نزار

گر [illegible] شورش چون [illegible] | گر نمایی شورش خواهی فزون [illegible]

[illegible] | [illegible]

ای طراز تاج و تخت ای خسرو فیروزبخت | ای شهنشاه جهان ای شهریار روزگار

آستان شاد و جهان آفتاب [illegible] | تا بود آسمان [illegible]

جود کن با خاندان و آن ضعیف [illegible] | [illegible] تا جهان

[illegible] | از [illegible]

تا همی در جهان [illegible] | تا همی در بود [illegible]

با دهبد روزنت شکوه و شوکت شاهی قرون    از مدار آسمان و گردش لیل و نهار

روز شانزدهم شهر صفر و سوم طراق اردوی کیوان مقر در ارض اقدس

سرکار پادشاهی محض ظهور مرحمت و عنایت در حق سپهسالار اعظم بتفرج باغ آصف

الدوله که منزل ایشان بود عزم فرموده و در اول صبح سپهسالار و سایر اعیان

درباری ملتزم رکاب همایون گشته بباغ مزبور تشریف فرما شدند    در خیابان

بالا که معبر همایونی بود سه نیزه سر و سه نفر ترکمان که در خاف دستگیر شده بودند

از نظر مبارک گذرانیده امر همایون شرف نفاذ یافت که سه نفر زنده را نیز بسزای

خود برسانند و سپهسالار اعظم در حق دست آورنده ایشان بذل انعام

و احسان کرده از الطاف و مراحم خسروانه بهره ور و امیدوار شان گردانند

بعد از ورود بباغ و صرف نهار سپهسالار خوانین و سرکردگان و صاحبمنصبان

خراسانی را بحضور معدلت بنیان آورده و یکان یکان را بطور شایسته معرفی

کامل نموده رای جهان آرا بصیرت کلی حاصل و بر وفق شان و مرتبت هر یک را

مورد مرحمت و عنایت خاص فرمودند و نیز اعتضاد الدوله میرزا ایرج

وزیر مازندران و سایر صاحبمنصبان و بزرگان مازندرانی را بحضور شاهنشاه

آورده در امورات مملکتی و سرحدیات صفحات فرمایشات ملوکانه نموده رخصت
انصراف یافته بمحل مأموریت خویش رفتند و حضرت شاهنشاهی ساعتی درباغ
تفرّج فرموده و چهار ساعت بغروب مانده بزیارت آستان عرش بنیان
حضرت امام علیه السلام شتافتند و بعد از زیارت حضرت که در مسجد بالای
سر مبارک نماز ظهر و عصر گذارده و در صحن جدید ایوان طلای ناصری قهوه‌خانه
خاص حضوری میل فرموده و تنقلات و بیدی نانی استراحت فرمودند
از درب مسجد گوهرشاد و راه بازار بارک مبارکه تشریف ورود ارزانی داشتند
و چون سپهسالار فی الجمله در باغ [illegible] اظهار افسردگی و دلتنگی و ملال
نموده بود سرکار شاهنشاهی دبیرالملک را مأمور فرمودند که معظم الیه را از مراتب
مراحم خسروانه و التفات کامل شاهنشاهانه اطمینان داده خوشنود و مفتخر سازند
و اظهار دارد که هرگاه میل بفرمان‌روائی مملکت خراسان ندارد در رکاب مبارک
بدار الخلافه آمده بخدمت دیگر سرافرازی حاصل نماید والا بخدمت مرجوعه خود
دلگرمانه مشغول شده و بدون اظهار دلتنگی بلوازم امر حکومت و سرحداری
بپردازد دبیرالملک مرخص شد و حضرت شاهنشاه بحرمخانهٔ مبارکه تشریف فرما شدند

باغ آصف الدوله یکی از باغهای نیکوی خوش هوا و پر گل و گیاه است

درختان میوه دار از هر قسم و هر جور بسیار و گلهای الوان بیشمار دارد اصل

باغ را مرحوم آصف الدوله بنا کرده و جزو املاک سالار بوده در اواخر دولت

شاهنشاه مغفور سپهسالار محض جستن و ضبط دماغ بنای طغیان و عصیان

گذاشت و دست تطاول باموال موقوفه حضرت فیض آثار گشوده مبالغ

خطیر از قنادیل طلا و نقره و جواهرآلات خزانه حضرت را بغارت برده صرف

فساد و شرارت نمود در ابتدای این دولت روزافزون که سالار از تیغ شیر ربای

غازیان جلادت نشان بسزای عمل خود رسید و طعم زهر خودسری و نادانی را

چشید این باغ و باغ دیگر را که متعلق بدو بود خدام آستانه متبرکه در عوض

خسارات و ضرر وارده ضبط نموده و الآن جزو موقوفات است مرحوم

حاجی قوام الملک شیرازی در اوقاتی که بخدمت تولیت حضرت مشرف بود

عمارت کلاه فرنگی ممتازی در وسط باغ بنا نموده که بنهایت لصفا و حسن

باغ افزوده است

هفدهم شهر و چهارم ورود حضرت شاهنشاهی درین ارض میمنت اثر

امروز صبح در حالتیکه سرکار همایون شاهنشاهی هنوز در بستر راحت تشریف

داشتند میرزا محمد غلام بچه معروف به ماچک به حضور مبارک تشرف جسته

عریضه سربسته از دبیرالملک بنظر انور رسانید بخاطر خطیر همایونی خطور نمود

که مگر جواب فرمایشات روز قبل است معروض الیه در عریضه مندرج داشته

از بیشتر فرمایشی متعذر شده چون عریضه را گشودند ابتدای آن بماتم وفات دبیر

دولی شرح و نگارش داده بود و در اواخر عریضه هم عرض داشته که پیشتر

جنازه مرحوم صبح با آنکه صبح از ناخوشی و مرضی را دیشب بد و بعضیها ستما

مرض سکته مبتلا گشته برحمت ایزدی پیوسته حضرت شاهنشاهی بلا تنها از

خبر ذلت نیک افسرده شدند بلکه خیلی متغیر بوده اند و تأسف و ... چون وجود

بخاطر همایون گذشت ... آنچه در امینه تقصیر

پس نظر بپاس حرمت شان و مرتبت آن مرحوم قدغن فرمودند که جمیع وزرا و اعیان

که در رکاب مبارک آمده بودند با خوانین و امنای خراسان بتشییع جنازه حاضر

شده و با احترام تمام جنازه او را تجلیل نمایند و مدفنی که خود آن مرحوم در صحن مقدس

تعیین نموده بود حمل نمایند و مجلس فاتحه منعقد ساخته اطعام مساکین کنند

وخود سرکار پادشاهی با تاثر خاطر چهار ساعت از روز بر آمده بدیوانخانه
مبارکه تشریف آورده مقربان درگاه عظمت نشان و مخصوصان آستان
جلالت بنیان بزیارت خاکپای همایون مستسعد گشته هر یک بطریقی استمالت
خاطر همایون از اینمی آورده و ملازمین وجود مقدس را شکر گذار بودند و از آنجا
که تعویق و تأخیر در امور دولتی و مملکتی جایز نمینمود رای بیضا ضیای شاهنشاهی
بر آن قرار یافت که مصالح دولت بان اقتضا نمود که پیشکاری مملکت خراسان
بجناب [illegible] خان [illegible] و ایشیک آقاسی باشی که هم از قدیمی چاکران دولت
جاوید مدت و مقربان خاص دربار گردون بسطت و اعیان ایل جلیل
قاجار ریاست و [illegible] حکومت خراسان بکمرانی نموده مفوض و مرجوع آید
و میرزا محمد خان و [illegible] خارجه و [illegible] وظایف سابق که سالهای تمام
در داخله و خارجه حسن لیاقت و امانت و کفایت و درایت خود را مشهود
خاطر مبارک نموده بود بشغل جلیل متولی باشی گری آستان ملایک پاسبان
شاهنشاه سریر ارتضا علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیة والثناء ولقب جلیل
مجد الملکی مفتخر گشت و درحق هر یک خلعتی عالی از جبه شمسه دار و غیره مرحمت شد

در پی خدمات مرجوعه شتافتند و چون زیاده از حد فوت مرحوم سپهسالار

در خاطر مبارک متأثر آمده بود چهار ساعت به غروب مانده به قصد تفرج خارج شهر

سوار شدند و اولا به قورخانه مبارکه که از بناهای سلطان مراد میرزای حسام السلطنه است

تشریف برده عمارت و باغ قورخانه در نظر مبارک پسندیده آمد و چون اسباب

و آلات و ادوات موجوده در قورخانه را به کمال انتظام و تنقیح نگاه داشته

بودند قربان بیک یاور قورخانه مبارکه که مدتی هم مباشر امر قورخانه مبارکه

بود مشمول الطاف خسروانی گشته به اعطای یک طاقه شال کشمیری سرافراز و مفتخر

آمد و حضرت همایونی از دروازه ارک بیرون رفته به گورستانی که در نیم فرسنگی

شهر واقع و مدفن اجداد میرزای ناظر و تفرجگاه اهل شهر است تشریف برده

از آنجا به مزرعه موسومه به کیانی توقف نموده در بیدستان این مزرعه که مکانی با صفا

و خوش هوا بود فرود آمدند پیرمرد مستاجر مزرعه که از ایل تیموری و پیری

زنده دل و با ادب و حسن خلق بود مقداری از فواکه صیفی کار خود تقدیم

حضور معدلت ظهور نموده و خاطر مبارک را از صحبتهای دهقانی خرسند داشته

انعامی شایان یافت و تا هنگام غروب میرزا هاشم خان امین خلوت و یحیی خان

اجودان مخصوص و حاجی میرزا علی مشکوة الملک و محمد علی خان واین بندگ
در حضور مبارک بودیم و عمده فرمایشات ملوکانه در طرز و طور و سبک و سلوک
مرحوم سپهسالار بود و حضرت شاهنشاه از غوث آمیز جوم اظهار تاسف میفرمودند
واضح است نوکر صدیق خدمتگذار و چاکر تربیت شده حقیقت شعار دیرا از خاطر
ولی نعمت خود محو شود خاصه چنین ولی نعمتی مهربان و شاهنشاهی قدردان
که در مقابل اندک خدمتی بسزا رکونه نعمت دید و پاس صداقت و حقیقت را
برشان و منزلت افزاید چنانکه مرحوم سپهسالار با انکه بطور منظور و مقصود
همایون از عهده کفایت و کفالت وزارت عظمی برنیامد محض آنکه سالها
خدمت کرده و از رجوع خدمت کشیکچی باشی گری و سرداری و وزارت
جنگ صداقت و درایت خویش را مشهود خاطر خطیر خسروانی نموده بود
پس از خلع از صدارت عظمی با یالت و حکومت تمام مملکت شرقی مفتخر و سرافراز
آمد و همه وقت با شان و احترام بزیست تا جهان فانی را بدرود کرد
بالجمله سرکار پادشاهی هنگام غروب سوار شده و ببالای کوهی که در آن
حوالی بود تشریف برده و اندک وقتی باد و بین باطراف و حول و حوش

شهر خاصه قرا و مزارع بلوک تبادکان که در سمت شمال شهر واقع بود نظر فرمود
و از فراز کوه نزول نموده و بدر گذشت تمیاعت از شب رفته تشریف
فرمای دیوانخانهٔ مبارک شدند و امین الملک را مقرر داشتند که در حفظ
اموال و اثقال مرحوم سپهسالار بکمال اهتمام و جد و جهد را مرعی دارد که
بهیچوجه تفریط نشود تا بعد از مراجعت همایون بمقر سلطنت عظمی در میان
اولاد و احفاد و افق شرع انور تقسیم شود

## بجد بهم شهر صفر و پنجم توقف اردوی همایون در ارض فیض نمون

سرکار اقدس شاهنشاهی صبح پس از تشریف فرمائی بحمام تا سه ساعت
به شام مانده در دیوانخانهٔ مبارک بصدور احکام و اصلاح امور مملکت
حال لشکری و رعیت مشغول گشته محمد صادق خان که بحکم ترتیب که از
سیستان بزیارت رکاب مبارک آمده بتوسط دبیر الملک مشرف اندوز
حضور مهر ظهور گردیده خاطر مبارک را از اخبار امنیت و آسودگی
آن سامان مسرور ساخته بود مراحم و الطاف شاهنشاهانه گشت

هنگام عصر بعزم تشرف بآستانهٔ مقدسه عزم فرمودند و ابتدا بمدرسهٔ

میرزا جعفر که در جنب صحن واقع است و از بناهای سابقه و عالیه است تشریف

فرما گشته چون بنای مدرسه را رو بانهدام یافته بمجد الملک مقرر داشتند

که موقوفهٔ مدرسه را معین نموده با اصل وقفیات را بمصرف تعمیر برساند و هر قدر

کسر باشد از دیوان همایون دریافت دارد و از آنجا بحرم محترم مبارک

تشریف برده و از زیارت آستان قدس نشان فایض و بهره یاب گردید

و از در مسجد گوهرشاد بارک مبارک تشریف فرما گشته چون این بازار جنب

صحن که معبر همایون بود سقف محکم نداشت و تمام آنها را با تیرهای کوچک و نی

پوشیده بودند و از برای مترددین خالی از مخاطره نبود و نیز از رونق بازار

کاسته امر همایونی بدان شرف نفاذ یافت که بتدریج سقف بازار را آجر

نمایند و تیرپوشش را موقوف دارند و چونکه درب خانهای مشهد خیلی پست

و کوچک و بد ترکیب است از جانب سنی الجوانب امر شد که درهای خانهارا

مانند خانهای شهرهای بزرگ پای تخت بلند و عالی بنا کنند و در شهر تا

ممکن است جلوخانها قرار داده برونق و تمیزی کوچها بیفزایند

سیونا تال فرانسوی چهل چراغی که از مفرق ریخته و نهایت استادی در او
بکار برده و مشابه نقره ساخته بود تقدیم حضور مبارک نموده و بانعامی کلی مفتخر آمد
مقرر گشت آن چهل چراغ را با لاله های کاشی که بکمال امتیاز دارد اشت
پیشکش چراغی زمبارکه حضرت سازند

## نوزدهم شهر صفر و شیشم و رود موکب مسعود

درین روز جناب میرزا هدایت الله امام جمعه و حاجی ملا عبد الکریم واعظ
و سایر علما شهر بحضور مهر ظهور مشرف شده مورد توجهات خاص
مراحم حضرت شاهنشاهی شدند و بسلام ظهر شاهنشاهزاده اعظم جلال الدوله
امر و مقرر شد که تشریف برده مجلس فاتحه مرحوم سپهسالار را ختم نمایند
تا یب و باز ماندگان آنمرحوم که در شعبه قدمین شرف حضور داشته
ماتند حاجی شریف خان بیگلربیگی و ساعد ات احمد میرزای عضد الدوله و سلطان
محمد میرزای پسر مغفرت الیه مصطفی خان میر نوما ان شرف اندوز خاکپای
مبارک شده از الطاف شیمت ضعف همایون مفتخر و امیدوار گردید
زوسای قاکمه میوت ولوکلات و غیره که ابن عزم عتبه بوسی و زیارت خاکپای

همایون آمده بودند بتوسط ظهیرالدوله بدین سعادت عظمی تفضیل یاب و
گشتند دو ساعت بغروب مانده حضرت فلک رفعت همایونی بقصد زیارت
مایل گشته از راه خیابان عازم کعبه مقصود گردیدند خان سوار خان هزاره
و پسر رحیم داد خان هزاره در خیابان بشرف رکاب بوسی مستسعد آمده و بعث
اسیر ترکمان تکه و یک نیزه سر که در جنگل تومان آقا دستگیر نموده بودند از لحاظ
نظر انور گذرانیده بعنایت خسروانه مفتخر شدند حضرت شاهنشاهی در دم بست
پیاده شده ابتدا تشریف فرمای کتابخانه مبارکه شدند و کتابهای خطی که همتای
حضرت را که از هر علم و فن در سالهای دراز سلاطین و خوانین و بزرگان
نیاز آستانه متبرکه کرده اند ملاحظه فرموده در خاطر مبارک حظی وافر داشت
خاصه از زیارت قرآن مجیدی که بنابر معروف خط مبارک حضرت ولایت مآب
صلوات الله و سلامه علیه است و نیز قرآن دیگر که از هند برسم هدیه آورده اند
و در تزیین و ترتیب و فرو گذاشت نشده زیاده از حد وصف در نظر انور
جلوه گر آمده و الحق قابل هزار گونه توصیف و تمجید است بالاخره بعد از فراغت
از ملاحظه کتابها بمجد الملک امر مقرر شد که در نگاهداری و محافظت آنها

در نهایت دقیق و ساعی باشند و از کتابخانهٔ سرکاری با عددی بر سهم امانت خواهند
و موافق ثبت هر کس کتابی برده باشد مسترد سازد و آنان را که مطالعهٔ نسخه از
نسخ علوم احتیاج افتد بکتابخانهٔ مبارکه آمده و هر قدر بخواهند مطالعه و درک
مطلب نموده نسخه را از مکان خود حرکت ندهند چون از تنظیم و تنسیق کتابخانه
فراغت حاصل شد سرکار همایونی بزیارت فایض گردیده و نماز ظهر و عصر را
در بالای سر حضرت بگذاردند و از آنجا بکشیکخانهٔ مبارکه تشریف برده
از جای مخصوص قهوه خانهٔ مبارکه میل فرموده با میرزای ناظر و ظهیرالدوله
و مجدالملک مشغول صحبت بودند تا وقت شام و زمان خدمت خدام
و گذاشتن چراغ در رسید سرکار شاهنشاهی محض خلوص نیت و پاکی عقیدت
خواستند از این فیض بی بهره نمانند و مانند سایر خدام در جرگ ایشان داخل
شده بایستادند بعضی از مقربان حضرت و اعیان دولت چون معیرالممالک
و اجودان مخصوص و آقا علی و حکیم باشی و میرزا صادق نمایان هم به دیگران
را جزء خدام سرکار فیض آستانه بخدمت حاضر شدند چنانکه خادم باشی چراغ را
روشن نموده بدیگری بر داشته چنانکه رسم معمول خدام است دست بدست گردش

بمکان خود می نشاندند و سرکار همایونی نیز در گردش چراغ از خادمی رسانیدن

بخادم دیگر در نهایت خضوع و خشوع بدانجا تا نتی و نشسته شد تا تمام چراغها را

بگذارند و هر یک شمعی بدوش در دست گرفته ردیف یکدیگر بایستادند خطیب با شیّی

خطبه غرا با مهابت و شوکت تمام با اسم مبارک حضرت امام و شاهنشاه اسلام

تقریر نمود بعد از ادای خطبه یکبار تمامًا سجده افتادند و سرکار پادشاهی نیز

در عین نیایش شکر وصول باین سعادت عظمی را در حضرت معبود بی نیاز بگذاردند

و نماز مغرب و عشا را خوانده از راه بازار مراجعت فرمودند

## بیستم شهر صفر و هشتم ورود حضرت شاهنشاهی بارض عرش منزلت

از آنجا که امروز روز اربعین بود و جز سوگواری و تعزیت داری کار

نشایست سرکار همایون شاهنشاهی نیز از جمیع مشاغل صرف نظر فرموده

و خاطر مبارک را قرین تألم مید اشتند و از مصائب وارده بخانواده

رسالت صلوات و سلامه علیه یاد آورده در نهایت افسرده خاطر بودند

و محض اینکه مردم با آسودگی و فراغت مشغول زیارت و دعاگوئی باشند

بحاجب الدوله مقرر شد که صحن مقدس را قورق بکنند و خادمان حرم

سلطنت نیز خود را امروز از فیض زیارت محروم دارند تا تمام روز و شب

مخصوص فیض یابی عامه باشد و چون فساد و شرارت و خیانت ترکمانان

که بدست خانسوار خان گرفتار گشته بودند معلوم گشت و محقق شد که

از جمله قطاع الطریق بودند و مال و جان مسلمین را حلال و مباح میدانسته‌اند

برحسب امر شاهنشاهانه ایشان را در بالاخیابان که محل ازدحام خلق بود

بپاداش عمل خود در سانیدند تا عبرت دیگران شود و تشفیه قلب مسلمانان گردد

و نیز چون یکی از اعیان مقیم مشهد مکرر در جوار روضهٔ مطهره مرتکب شده

و از جادهٔ شرع انور تجاوز کرده و تجاهر بفسق را بجرئت مینمود امر همایونی

شرف نفاذ یافت که او را گرفته مغلولا و مقهورا بدار الخلافه برند و در میان

همگنان خفت دهند تا دیگری بدین نحو برخلاف شرع انور و حرمت

امام اطهر جسارت ننماید

**بیست و یکم شهر صفر و نهضت موکب نصرت اثر**

چون یکساعت از روز برآمد اعلیحضرت شاهنشاهی بر اورنگ پادشاهی

جلوس فرموده و خاصان و نزدیکان درباری بار حضور یافتند میرزا محمد رضای
مستوفی وزیر خراسان بر حسب امر علیه آقا داود افراد خدام و چاکران مخصوص
شاهنشاهزاده اعظم را از ساحت حضور مهر لمعان همایون گذرانیده آنان که
بواسطه معقولیت و درستی و نجابت و اصالت مستوجب این سعادت و شایسته
این خدمت بودند مورد مرحمت و عطوفت ملوکانه گشتند و آنهائیکه جز این معنی از
ناصیه و رفتار ایشان مشهود بود بذلت معزولی گرفتار آمدند چون از سان
فراغت حاصل شد پسر وکیل طبس و امیر حسنعلی خان خافی و برادرش که مدتی
بود از خراسان فراری و بصفحات هرات و آن سامان متواری شده بودند
بتوسط ظهیر الدوله بحضور عطوفت دستور مشرف شده و از تلطفات
ملوکانه خرسند و نهال آمالشان برومند گردیده با امیدواری تمام متعهد
خدمت و چاکری شدند و هم درین روز مرتضی خان قوللر آقاسی باشی برادر
مرحوم سپهسالار که از دار الخلافة الباهره بعزم زیارت رکاب همایون آمده
بود بدین سعادت مستسعد گشته از عواطف ملوکانه کامیاب گردید و سرکار
همایون چهار ساعت بغروب مانده بملاقات علیا حضرت علیه عالیه مهد علیا

و ستر کبری تشریف فرما گشته و از آنجا بزیارت آستان عرش نشان مشرف شده
و هنگام مغرب بدیوانخانهٔ همایونی معاودت فرمودند و از آنجا که هوای
شهر فی الجمله از حد اعتدال بیرون و حرارتش افزون شده بود و باعث
زحمت وجود مسعود گردیده میل خاطر مبارک بر آن شد که چند روزی بجهة
تغییر آب و هوا بسمت ییلاق گلستان تشریف فرما شوند پس حاجب الدوله را
امر و مقرر شد که خیمه و خرگاه مختصری بدانسوی فرستد و معدودی قلیلی از
چاکران دربار سپهر نشان را اعلام دهد که در این سفر ملتزم رکاب همایون گردند
و وزراء و اعاظم چون امین الدوله و دبیر الملک و معیر الممالک و امین الملک
و سرکردگان افواج و غیره را از این سفر معاف دارد که در شهر مشغول دعاگوئی
وجود مبارک و انجام خدمات محوله باشند و هم آقا رضای عکاسباشی را مقرر گشت
که در ایام غیبت وجود مسعود همایون مشغول برداشتن عکس حرم محترم و صحون
و عمارات مقدسه باشد مقرب الخاقان مشار الیه نیز بموجب امر خسروانه بدین
اشتغال ورزیده از هر مکانی که ممکن بود صفحهٔ عکسی نیکو برداشت که
مقبول خاطر مبارک ملوکانه گشت

دیگر دور تر و پست تر ابتدا میکند و چنان آن سلسله میرود جلگه با زمین یکی

شده در پشت سر شعبه دیگر میرود که تا کردنه امتداد دارد در پای کردنه چشمه ایست

موسوم بسنگ سوراخ و از ابتدای کردنه که ببالا میرود بمسافت نیم فرسنگ

دره ایست که در سمت راست آن چشمه و مزرعه کوچکی واقعست از دره گذشته

سمت غربی کردنه جلگه نردین است و او جلگه ایست پر بوته و گیاه و بارودخ و صفا

که قلعه نردین در وسط او واقع و در اطراف آن سه قریه دیگر است بدین ترتیب

اول نانیک که در ابتدای کالپوش و سمت چپ واقع است ثانی

گلستان و ثالث پولیتین

قلعه نردین قلعه ایست محکم و طولانی که چهار صد خانوار در او مسکن دارند و نیم

سنگ آب دارد که در خارج قلعه زراعت میشود

جمعه ۱۲ پنجم توقف موکب منصور در نردین و سیاحت

## کالپوش

از آنجا که شدت صفا و نیکوئی هوای چمن کالپوش مکرر بعرض حضور همایون

رسیده بود خاطر خطیر مبارک ملوکانه که همواره طالب سیاحت اماکن تازه است

بتفرج این چمن که در تمام ممالک ایران نباشد و نظیر ندارد مایل گشته درین

سور بنابعی از مقربان خاص بدون سوار و جمعیت زیاد بسمت شمال توجه فرمودند

یکفرسنگ از زردین گذشته کردنه کالپوش پدید شد که کردنه کوچک و سهل المسلک

بود ذات والا صفات همایونی از کردنه گذشته بابتدای جلگه کالپوش رسیدند

درین مکان هنوز تمام چمن نمودار نبود و تپه در میان چمن و کردنه حایل ولی چون

سرکار پادشاهی ازین تپه گذشتند جلگه کالپوش نمودار گشت که گویا قطعه از

بهشت بود سوار ازا یکدفعه فرح غالب آمده و بی اختیار بنای اسب تازی و بازی

گذارد ندازهر سو چشمه ساری چون سلسبیل روان و نهرآبی چون ماء معین در جریان

پای آدمی گویا بصفحه اش نرسید و طیور و وحوش جز از سایه درختانش نرمیده

در هر طرف خرمنی از گل بسته و شدت سبزه و گیاه راه حرکت بر سواران بسته

درها سبز و خرم و در سطح ها انواع گلها با فواکه جنگلی درهم تمشک و چیالک از اندازه

فزون و طیور و وحوش از قوه و هم بیرون در هر گوشه نغمه سازان چمن در آواز

و در هر کناری دسته دسته مرغان عجیب و غریب در پرواز گله های آهو و مرال در

جست و خیز و دسته های گور و غزال از هر سو بگریز تماشای چمنی چنین و باغی

بدین شدت دلنشین خاصه اختلاف اراضی و تفاوت وضع و حالت سواحل
آن که در هیچ چمنی و بوستانی دیده نشده بلانهایه مایه مسرت و انبساط خاطر همایون
گشته بصید اُکلی مشغول گشتند و پنج مرغ زنگوله بال که مرغی در نهایت خوش خط
خال است در هنگام طیران پی در پی صید فرموده و بعد از تپه تشریف برده بصرف
نهار مشغول گشتند و بلافاصله به تپه دیگر که قصبه فرنگ از آنجا نمایان بود توجه نموده
و اندکی باد در پیش تماشای آن ساحت فرموده بقصد شکار مرال و گوراز رودخانه گذشته
بجنگل تشریف فرما شدند و رحمت الله خان ساری اصلان و دیگر سواران را از برای
شکار در دامنه گذاشته و خود به بالای تپه دیگر که مشرف بجنگل بود رفته منتظر بیرون آمدن
شکار بودند که از پشت سر گله خوکی نمودار گشت همه بدانسوی تاختند و اعلیحضرت
همایون شاهنشاهی نره خوکی بزرگ را با یک تیر از پای درانداختند و هر یک از سواران
نیز گرازی صید کرده انعامی یافتند و حضرت همایونی در جنگل دیگر که در نهایت
باصفا بود فرود آمده و چای میل کرده نماز گذاردند و چون عزم مراجعت فرمودند
یک گله خوک دیگر از جنگل بیرون آمد غلامان رکاب و سواران نصرت انتساب هر یک را
هدف گلوله تفنگ نموده و انعامات شایسته یافتند و میرشکار را مقرر شد که با سواران

خود در طلب کورشتا فته جرگه کند چون میرشکار بسمتی از جنگل روان شد یکی از سواران
معروض داشت که آهوئی چند از میرشکار رم کرده بدین سمت می آیند حضرت
همایونی بسمت ایشان توجه فرموده و در وسط دره تاختهٔ آهوئی را صید فرمودند
یکی از سواران میرشکار و پاشاخان پسر مظفر الدوله نیز هر یک بره آهوئی صید
کردند و سرکار پادشاهی از گردنه بزیر آمده و بدرشکه نشسته همساعت بروز منزل
نزول اجلال شد شب بعد از شام قورق بشکست و تا مدتی در حضور مهر ظهور از آب
و هوا و خضرت و صفای چمن و سیر و تفرج روز و کثرت شکار صحبت بود و هم
چاپار دار الخلافه درین شب در رسید عرایض وزیر استیفای اعظم و وزیر علوم
و تجارت از لحاظ انور گذشته صدور احکام و جواب آنها مرجوع بروز آینده گشت
و همچنین مطالب عرایض خراسان بتوسط امین الملک بعرض رسید در جواب
هر یک از مطالب احکام ملوکانه شرف نفاذ یافت
چمن کالپوش در سمت شمال و دو فرسنگی نردین واقع از سمتی بکرکان و از
سمتی بغزنک فارسیان و از سمتی بجاجرم و از سمتی بنردین محدود است و او
چمنی است وسیع که در هنگام بهار و تابستان پنجاه هزار سوار میتواند

در او سیلاقیشی کنند درین چمن دو رود عظیم است که علاوه بر آب انهار

که از کوه می آید و در نهایت گوارا است آبهای چشمه سار ها نیز باینها داخل

شده از دربندی که بدربند کرکان معروف است بصحرای لوهلان و کرکان

میرود درین چمن وسیع آبادی نیست جز اینکه در سمت چپ آن مزرعه کوچک

موسوم بنانک واقع است که متعلق است بنردین

## روز شنبه شانزدهم تشریف فرمائی سرکار همایون شاهنشاهی از نردین بمنزل کاشی دار

یکساعت از روز بر آمده شیپور و کرنای اخبار سواری دادند وزراء و اعیان

و سرکردگان و صاحب منصبان در در سراپرده همایون انتظار زیارت

جمال مبارک صف زده بایستادند و سرکار همایون شاهنشاهی با دولت

و اقبال بیرون تشریف آورده بکالسکه نشسته و رو بمغرب شمالی تشریف

فرما شدند بعد از طی یکفرسنگ و نیم تیپ همایون بپای گردنه کاشی دار رسید

سرکار همایون شاهنشاهی از کالسکه بزیر آمده به اسب نشسته ببالای گردنه

تشریف بردند و از آنجا که بالا بردن کالسکه عسرت داشت این چاکر را مقرر

داشتند که کالسکه و درشکهٔ مخصوص سلطنت را بهر وسیله که هست ببالا

برسانند این بندهٔ آستان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز حسب الامر

در پای گردنه بایستاده با یک دسته سرباز و چند نفر از غلامان ایلات قزوین

ابوالجمعی حاجی سعدالملک میر تومان کالسکه ها را بدون عیب و نقص ببالای

گردنه رسانده و مراتب را بعرض حضور همایون رسانید از برای سربازان و سواران

انعامی شایان گرفت و ذات والاصفات همایون شهریاری قدری از گردنه

گذشته در سمت راست جادّه در دامنهٔ کوه در سایهٔ درخت آورسی از برای

صرف نهار فرود آمدند و در مدّت میل نهار محمد حسن خان محقق بعرض تاریخ

ناسخ التواریخ مشغول بود و چون در مقابل نهارگاه همایونی از دور اشجار حسنی

نمایان بود مهدیقلی خان غلام بچه باشی بدانسوی رفته و در مراجعت بعرض رساند

که درختان در اطراف چشمه آبی خوش هوا و باصفا واقع شده اند پس اعلیحضرت

شاهنشاهی بتفرّج چشمه توجه فرموده و از آنجا گذشته در عرض راه قریب

بقریهٔ گلستان متعلق بافراسیاب خان نزدیکی چشمهٔ دیگر در سمت راست

بدید گشت که آبی زیاده بر دو سنگ و در نهایت صاف و گوارا از آن جریان

داشت و در ربطی ملوکانه نیکو آمده اندک وقتی در سر چشمه ایستاده بعد از قریب

کلستان عبور فرموده وارد جلکه کاشی دار که اول خاک فندرسک استرآباد است

شدند قریب باردو سهام الدوله و شجاع الدوله و سایر سرکردکان و رؤسای

قشون ظفر توامان که در شب قبل بدین منزل رسیده بودند بهنگام ورود موکب

مسعود همایون باسواران ابواجمعی خود در سر راه ایستاده هر دسته رؤس

و اسرائی را که از طایفه ضاله بدست آورده بودند در محاذات معبر ملوکانه حاضر

ساخته بودند تا ملحوظ نظر مرحمت اثر گردد و ناظرین و عابرین را مجازات شرارت

و مکافات تمرد احکام مشهود نظر آید اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سهام الدوله

و شجاع الدوله و سایر سرکردگان را بحضور طلبیده مورد اشفاق ملوکانه ساخته و بسرا

پرده همایونی شرف ورود ارزانی داشتند بهنگام عصر اعتضاد الدوله و امین الدوله

و دبیر الملک و سهام الدوله و علی خان و سایر سرکردگان و رؤسا بحضور همایون

احضار گشته ابتداء سهام الدوله و سرکردگان هریک بفراخور شان و مراتب

خدمت از الطاف بی پایان حضرت ولینعمت کل بهره یاب آمده حسب الامر خزانه

آمد دفاین و ذخایر که غنیمت غازیان شده بود از نقود و طلا و نقره و غیره که تومان

بطور یقین تا دو کرور تومان بل متجاوز ممیت آنهارا تخمین نمود مخصوص خود ایشان
باشد و هر کس هر چه بدست آورده خود از و بهره مند گشته دیگری حتی سرکردگان
را در او حقی نباشد و اسرا را بحضور همایون فرستاده هر کس باندازه اسیری که
بدست آورده مستوجب اعطای نشان و انعام و اضافه مواجب شود و میرزا علیخان
منشی حضور را مقرر شد که صورت این فتح را مختصرا در صفحهٔ نوشته و در باسمه خانهٔ
اردو بچاپ رسانیده نسخهای متعدده نزد مستوفی الممالک انفاد دارد که جناب
ایشان با چاپاران بتمام ممالک محروسه فرستد تا باعث استشفای قلب مسلمین
از دفع شر این طایفه شود پس سرکردگان مرخص شدند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
در باب حکومت و انتظام استراباد با وزرا و اعیان و سهام الدوله مشاوره کرده
رای همایون بدان قرار گرفت که اعتضاد الدوله را بحکومت آنساحات سرافراز
دارند و جهانسوز میرزا به نیابت جناب ایشان مفتخر گشته معجلا باستراباد
رود و خود اعتضاد الدوله از منزل خوش ییلاق از اردوی همایون هجرت گزیده
با فوج خاصه و یکصد غلام و یکصد نفر از آقایان قاجار و یکصد نفر سواره نظام
بمقر حکومت روان شوند یکساعت بغروب مانده زنان و دختران و کودکان

ترکمانها را در سراپرده همایونی بحضور مبارک آوردند از آنجا که رافت و عطوفت
ملوکانه شامل حال دوست و دشمن و رحم و مروت خسروانه بر سر هر مرد و زن
پرتو افکن است باسرا اظهار ملاطفت فرموده چند نفر از ایشانرا باقا علی پیشخدمت
خاصه و عکاسباشی و محمد علیخان پیشخدمت واگذار نموده و هم زنی را که
بپایش جراحت گلوله وارد آمده بود باین بنده آستان همایون واگذار
فرمودند که معالجه نماید و چون وقت کافی نبود بقیه اسرا را بامین الملک سپردند
که در روز آینده بوزراء و اعیان و سایر مقربان حضرت بذل فرمایند
شب بعد از شام قورق بشکست اعتضاد الدوله و سایر چاکران خاص بحضور
مبارک مشرف گشته حضرت همایونی اعتضاد الدوله را بفرمایشات علیه
مخاطب ساخته و در امور استراباد دستور العمل کافی و اطلاعی وافی بایشان
داده و پنج ساعت از شب گذشته باستراحت مشغول شدند

از نردین بکاشی دار چهار فرسنگ است یکفرسنگ و نیم آن جلگه نردین
و از گردنه گذشته تا کاشی دار اطراف کوههای بلند سبز است و دره های متعدد
که از هر دره چشمه جاری گشته در وسط جلگه برودی منتهی میگردد

## یکشنبه هفدهم تشریف فرمائی اردوی منصور از کاشی دار به پیلاور

در این روز سرکار اقدس همایون شاهنشاهی در اوّل بامداد با سب کرنک برگ ترکمانی پیشکشی سهام الدّوله سوار گشته و اعتضاد الدّوله و سهام الدّوله را بفرمایشات علیه مخاطب فرموده تا بگردنه پیلاور رسیدند کالسکه ها و عرّاده های توپ بنظر مبارک رسید که در پای گردنه مانده و سربازان و توپچیان و کالسکه چیان با زحمت تمام آنها را حرکت میدادند سرکار همایونی بآحاد و افراد ایشان اظهار مرحمت فرموده اجودان مخصوص تحویلدار صرف جیب همایون را مقرّر گشت که مبلغ یکصد تومان بدیشان انعام دهد و سرکار اقدس از گردنه گذشته اردو نمایان گردید و موکب مسعود پس از طی مسافتی اندک بمنزل شرف ورود ارزانی داشته و اعلیحضرت شاهنشاهی نهار میل فرموده مشغول صدور جواب عرایض آقای مستوفی الممالک و وزیر علوم شدند سه ساعت بغروب مانده از نوشتن دستخط و روانه داشتن چاپار فراغت حاصل شده امر باحضار بقیه اسرا فرمودند و تمام آنها را یک یک و دو دو بجا دمان حرم و وزراء و اعیان

دارکان عنایت فرموده مقرر داشتند کمال رعایت را از ایشان بنمایند

از جمله در میان اسرا ضعیفهٔ هندیه بود که چند سال قبل در راه عباس آباد کسانش

مقتول و خودش گرفتار طایفهٔ ضاله شده و در بندت در میان این قوم بی مروت

بزحمت و مشقت تمام روزگار گذرانیده و از وجنات حال او کمال تقدس

و پرهیزکاری آشکار بود و چنان از استخلاص خویش اظهار وجد و سرور مینمود

که شاهنشاه را وضع و حالت او در نهایت پسندیده آمده و او را بانیس الدوله

که از بزرگان پردگیان حرم سلطنت بود عطا فرمودند تا از مین الطاف سرکار

ایشان آسایش کلّی حاصل کرده بدعای وجود همایون مشغول گردد اسرای

ترکمان که بمنازل ارکان رسیدند از قید خستگی و زحمت رهیدند و چون آن نوع

احسان و محبت دیدند بالمره زحمت اسر را فراموش کرده و تعجب

داشتند که چه قدر اختلاف در میان وضع سلوک ایشان با اسرای ایران

و سلوک ایرانیان با ایشان است چه آن همه زجرت است و محنت و این همه

رافت است و مروت بالآخره چون تقسیم اسرا بپایان آمد میرشکار که امروز

حسب الامر از برای تفحص و تجسس شکار بصحرای زردابه رفته بود مراجعت کرده

معروض عاکفان حضور همایون داشت که در آنصحرا شکار گور و آهو موفور است

پس امر و مقرر شد که تدارک جرکه کرده و بهنگام صبح بصحرای مزبور رفته منظور و رود

حضرت همایونی باشد *

از کاشی داربه تیلاور سه فرسنک و راه شمال مغربی است اطراف راه بی آبادی

و از طرفین کوههای سخت بلند امتداد دارد که اغلب قلل آنها جنگل بادام تلخ و کاج

کوهی و از هر گوشه چشمه آبی جاری است که در وسط دره با رودخانه کاشی دار ملاقات

کرده رودخانه عظیمی میشود که برودخانه تیلاور مشهور است

تیلاور قریب پنجاه خانوار رعیت دارد و در محوطه واقع است که اطراف او

تمام کوههای بلند پر جنگل است

## دوشنبه هجدهم ربیع الثانی تشریف فرمائی سرکار همایون پادشاهی از تیلاور بخوش ییلاق

درین روز هنگامیکه هنوز سرکار همایون شاهنشاهی از سراپرده مبارکه بیرون نیامده

و مشغول تلاوت قرآن بودند یک بسیاری غفلة بسراپرده اندرون و بیرون

ریخته و در چادرها گریخته تماما بی زحمت تیر و تفنک و کلوله و سنک بدست خادمان

حرم و غلام بچگان و آغایان و دیگران گرفتار شدند دو ساعت از دست گذشته

تیپ حرمخانه مبارکه از شاهراه بسمت خوش ییلاق راهی شد و سرکار اقدس

همایون شاهنشاهی بقصد شکار بسمت جنوب جلگه زرداب تشریف فرما گشتند و چون

از گردنه زرداب که راهی در نهایت صعب سخت و مرتفع بود صعود فرمودند در

ابتدای جلگه زرداب آب از برای صرف نهار فرود آمدند و تا هنگامیکه آبدارباشی

مشغول تهیه نهار بود باد و رچین باین جلگه وسیع برپایه نظاره داشتند خاطر

مبارک را از تفرج چنین مکانی عجیب و مهیب که هیچ قسم اثری از عبور و مرور

و صنعت بنی نوع بشر برا و مترتب نبود قرین فرح و انبساط آمد امیرحسین خان شجاع

الدوله که بخلعت آفتاب طلعت همایونی قرین اعزاز و افتخار آمده بود در ریمگان به

تقبیل رکاب مهر انتساب مشرف آمده و مورد عواطف ملوکانه گشته رخصت

انصراف بمقر حکومت خویش یافت و سرکار همایون پادشاهی با اسب عربی تیمور

میرزائی سوار شده امین خلوت و اجودان مخصوص و ما چاکران را بردیف در ابتدای

جلگه گذاشته مقرر داشتند که چون سواران و جرگه چیان از اطراف حرکت کنند

ما نیز از این سمت تاخت آریم و آهوان را در وسط دایره جمع نمائیم هنوز ذات

جلالا صفات همایونی یکفرسنگ و نیم از ما بندگان دور نشده بودند که بموجب اشاره
سنیه سواران از اطراف بحرکت آمدند و زیاده از یکصد آهو در میان دایره جرگه جمع
شده از هر سمت بصید آنها مشغول شدند و خود سرکار همایون شاهنشاهی بنفس نفیس مبارک
هشت راس از آنها را در تاخت اسب صید فرموده سران و سرکردگان نیز هر یک
از یک الی دو آهو صید کردند و قریب چهل آهو دران صحرا صید شد و چون از صید
غزال فارغ البال شدند شاهنشاه بهمال از جلگه زرد آبه با بتدای دره و دربند
زرد آبه تشریف آورده پیاده شدند و میرشکار با امید یافتن گور داخل دربند
شده بعد از ساعتی بعرض عاکفان حضور رسانید که از ان جانوران وحشی اثری
بظهور نرسید شش آهو یافته و هر شش آن زنده بدست پاشا خان پسر مظفر الدوله
و سواران خمسه دستگیر شده بودند که بحضور مبارک آورده امر بآزادی ایشان و
بذل انعام و احسان درحق سواران شد چهار ساعت بغروب مانده موکب منصور
از دربند مزبور که راهی پرخطر و غالب اوقات معبر ترکمان است عبور فرموده رو
بمیان مغرب و شمال تشریف فرما شدند و از صحرائی طولانی عبور فرموده بجاذ خوش
ییلاق رسیدند در ینموضع راه منشعب بدو شعبه میشود شعبهٔ بخوش ییلاق و شعبه

جلگه دوشان تپه دار الخلافه است

اما چمن خوش ییلاق در سمت شمالی خاک بسطام واقع است جلگه ایست چمن

اندک پست و بلند که قریب سه فرسنگ دور آنست اطراف آن تمام کوههای

سخت و بلند که از آنجمله کوه شمالی از همه مرتفع تر و صحرای ترکمان از بالای آن نمایانست

ولی چون اغلب اوقات در قلل این جبال حتی در دامنه و خود چمن مه و ابر است

ممکن نشد که سرکار همایون پادشاهی ببالای کوه تشریف برده با دوربین صحرای

ترکمان و غیره را تفرج فرمایند بالاخره خوش ییلاق مکانی مرغوب و مطلوب و

خوش آب و هوا با جمعیت قلیل توقف چند روز و شکار و صید افکنی را شایسته

و مطلوب است

روز سه شنبه نوزدهم ربیع الثانی تشریف فرمائی موکب مسعود

همایون از خوش ییلاق بکلاته خیج بسطام

درین روز سرکار اقدس همایون شاهنشاهی بحمام تشریف برده حاجی آغا یوسف

آغا باشی را امر و مقرر شد که اهالی حرم خانه مبارکه را قبل از عزیمت موکب

منصور راهی سازد و ذات والاصفات همایون شاهنشاهی از حمام بیرون

تشریف آورده اعتضاد الدوله و اعتماد السلطنه و دبیر الملک و سهام الدوله
بحضور مبارک احضار شده و اصغای فرمایشات علیه نموده و هم امین الملک
میرزا علی نقی خان قندرسکی و حسینعلی خان شیخ را که از استراباد بعزم
زیارت آستان مهرلمعان آمده بودند بخاکپای همایون مشرف ساخته مورد
الطاف حضرت شهریاری شدند میرزا علینقی خان دو راس اسب ترکمانی
ممتاز و چند بهله جره قوش طرلان از پیشگاه حضور همایون گذرانده مقبول
عاکفان دربار معدلتمدار گشت و سهام الدوله بعرض حضور رسانید که زن آقچه
ملا و دو اسیر دیگر ترکمان که در منزل نوده مفقود شده بودند حسب الامر همایونی
ورثانی بدست آمده اند ولی صاحبان ایشان در هنگام تاخت خارج از دو بها
بودند و بقید اسر مقید نگشته آقچه ملا زن خود را به هزار تومان خریداری
مینماید و در آینده متعهد خدمتگذاری میشود پس رای صواب نمای همایون مقتضی آن
شد که بنابر استدعای سهام الدوله او را با صاحبش رد کرده و سه هزار تومان
قیمت را صرف تعمیر قلعه رباط عشق نموده و آن قلعه را قلعه آقچه ملا موسوم دارد
تا اسم آن بعلامت این فتح عظیم در تواریخ باقی ماند سه ساعت از دسته گذشته

بسیصد خانوار رعیت دارد که اغلب آنها تفنگچی و مردمان رشید هستند ..

چهارشنبه بیستم تشریف فرمائی موکب انجم شکوه از کلاته خیج گردیده قلعه نو

ورین روز نیز اهالی حرمخانه مبارکه را مقرر شد که قبل از تشریف فرمائی موکب همایون

عازم گردند اعتضاد الدوله و امین الملک و اجودان مخصوص را مقرر شد که زودتر

بمنزل رفته تنخواه جیره و مواجب قشون مامور استراباد را از سواره و پیاده با عاده

و افراد ایشان از روی ثبت و سررشته باطلاع میرزا مصطفای وکیل لشکر بپردازند

و لوازم سفر ایشان را از هر جهت آماده و مهیا دارند و خود سرکار پادشاهی دو ساعت

از روز برآمده بکالسکه نشسته در مقابل قلعه کلاته خیج که در سمت چپ راه واقع

بود پیاده شده اندکی ببرج و باره قلعه تفرج فرموده و امر بتعمیر آن نموده و مجدداً بکالسکه

تشریف برده بعد از ساعتی در سمت چپ از برای صرف نهار فرود آمدند بعد از

صرف نهار امین خلوت معروض داشت که هرگاه سرکار شاهنشاهی از جاده صرف

نظر فرموده و از تپه های سمت راست بگذرند راهی اقرب دارد و نزدیک باشد

حضرت همایونی نیز سوار شده و ببالای تپه برآمدند دره و صحرای بسطام تماشا شد

و حضرت شاهنشاهی اندک وقتی با دوربین باطراف سیاحت فرموده از تپه بزیر آمد

بکالسکه نشسته پنج ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند و یک
ساعت بغروب مانده قورق شد درین شب از جانب سنی الجوانب
ملوکانه مقرر آمد که اردوی کبیر همایونی سه قسمت شده قسمتی را که مرکب بود
از جمعیتی که همواره اوقات در سفرکارها و سفرهای کوچک بشرف التزام
نایل بودند در رکاب همایون از راه شاهکوه و چشمه علی دامغان و فیروزکوه روان
کردند و قسمتی دیگر را که اردوئی از توپخانه و افواج و غیره بموجب شرح ذیل مرکب
بود مقرر گشت که در رکاب حضرت مهد علیا از راه شاهرود و سمنان و دامغان
روان شوند قسمت اخیر قشون مامور استراباد بود که میبایستی در منزل آینده
با اعتضاد الدوله از اردوی همایون هجرت گزیده بمقر ماموریت خویش روند
اردوئی که بشرف ملازمت رکاب سرکار مهد علیا نایل بود بدینموجب است

| | | | |
|---|---|---|---|
| ملک منصور میرزا | حاجی رحیمخان صندوقدار واهالی صندوقخانه مبارکه | حاجب الدوله باجمع اعظم از فراشان و سراپرده چیان و فراشخانه و غیره | مظفر الدوله |
| افواج خمسه | توپخانه | کالسکه خانه | زنبورکخانه و نقاره‌خانه |

میرزا ابراهیم خان مظفرالدوله امیر تومان چون در خاکپای همایون بعقل

و رشادت و کفایت و درایت مشهود بود بر یاست و حفظ نظم این اردو مامور

گردید باعطای یکثوب کلیجه ترمه سنجاب از جامه خانه خاص قرین مباهات گشت

از کلاته شیخ بکرمه و قلعه نو چهار فرسنگ است دو فرسنگ آن رو بجنوب پس

ازان مغربی و بالاخره مغرب شمالی میشود سمت چپ بفاصله نیم فرسنگ

کوه مرتفع بدهیات سیاه بختی واقع و چشمه در دامان آن از دو رنمایان است

سمت راست بمسافت یکفرسنگ و نیم ممتد سلسله جبال خوش ییلاق است

که در عقب آن محال چناشک واقع است و این محال سپرده میرزا تقلیخان

فندرسکی و از محال استراباد است

## پنجشنبه بیست و یکم توقف موکب منصور در کرمه

درین روز اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی از برای انجام بعضی امورات

دولتی و روانه فرمودن چاپار دارالخلافه و صدور جواب عرایض وزراء در منزل

اطراق فرمودند و چون از صدور احکام فراغت حاصل شد اعتضادالدوله ملا

باقر شهیر بستون استرابادی و حاجی ملا نصرالله شیخ الاسلام که سابقا اسیر شده

بود وبعضی از علمای دیگر استراباد را که از زیارت آستان ملایک پاسبان

امام ثامن ضامن علیه آلاف التحیة والثنا معاودت نموده بودند بحضور

مهرظهور همایونی مشرف ساخته هر یک مورد الطاف واشفاق ملوکانه آمده

خرسند و مسرور بسمت استراباد روان شدند پنج ساعت بغروب مانده امیدیار

خان سرتیپ فوج خاصه شریفیه را که مامور استراباد بودند از سان حضور همایون

گذرانده وافراد وآحاد تابین وصاحبمنصب فوج بعواطف ملوکانه خوشدل وامید

وار گشته باردوی اعتضاد الدوله رفتند واعلیحضرت همایون شاهنشاهی بسرا

پرده سرکار مهد علیا تشریف فرما شدند آمین الدوله وزیر حضور همایون که

در این سفر خیریت اثر ایاباً وذهاباً در تعهد انتظام اردو اعم از نظام و غیر نظام

و خدمات وفرمایشات مرجوعه بخوبی از عهده برآمده خاطر مهر مظاهر ملوکانه را از

خود خرسند ومشعوف ساخته بود محض ازدیاد اعتبار وافتخار معزی الیه از

جانب سنی الجوانب همایون شاهنشاهی باعطای یکثوب جبه ترمه کشمیری اعلی

سرافراز آمد اعتماد السلطنه وزیر وظایف واوقاف نیز باعطای یکثوب جبه ترمه

کشمیری حاشیه دار از جامه خانه خاص مخصوص مفاخرت واعزاز گشت دبیر الملک

وزیر رسایل محض مرحمت و عطوفت خدیوانه و خدماتیکه از او درین سفر خیریت
اثر مشهود و معلوم افتاده بود باعطای کمثوب جبه ترمه کشمیری حاشیه دار
از جامه خانهٔ خاص که تن پوش مبارک بود مباهات و افتخار حاصل نمود.
آمین الملک که از بدو حرکت موکب همایون از دار الخلافهٔ الباهره تا مراجعت
اردوی منصور از خاک خراسان علاوه بر خدمات سابقهٔ معینهٔ مستمرهٔ خود در تهیهٔ
سیورسات قشون و راحت وجود مسعود مساعی جمیله معمول داشته و بهیچ سن
خدمتگذاری و چاکری خاطر مبارک را قرین رضامندی و خوشنودی داشته بود
باعطای یکقطعه کل کمر مکلل بالماس سرافراز و مباهی گشت و هم علیقلی خان
اجودان باشی که لیلاً و نهاراً از خدمات مرجوعهٔ خود تغافل نورزیده بود و خاطر
خطیر خسروانه در نهایت از خدمات او راضی و خرسند بود باعطای یکثوب کلیجه
ترمه بطانه خز از ملبوس خانهٔ خاص قرین عز اختصاص آمد و نیز امراء بار و چاکران
دربار گردون مدار که در التزام رکاب منصور و تحمل مشقات سفر و وقوع فتح حسن
خدمت و زحمت ایشان مقبول رای جهان آرا شده بوده یک بهمه موجب باعطای
خلاع مهر شعاع سرافرازی جستند

| | | |
|---|---|---|
| رحمت الله خان یساری اصلان<br>سرداری ترمه تن پوش مبارک | حاجی حسین خان شهاب الملک<br>امیرتومان سرداری ترمه تن پوش مبارک | امین نظام<br>کلیجه ترمه تن پوش مبارک |
| حاجی قنبر علیخان سعدالملک<br>سرداری تن پوش مبارک | علی خان پیشخدمت<br>کلیجه ترمه تن پوش مبارک | صفرعلی خان سرتیپ<br>کلیجه ترمه |
| قاسم خان جارچی باشی<br>جبه ترمه | عبدالقادر خان سرتیپ مهاجر<br>جبه ترمه | زین العابدین خان سرتیپ سواره<br>دیرن کلیجه ترمه |
| محمد صادق خان سرتیپ<br>جبه ترمه | حسینقلی خان سرتیپ<br>جبه ترمه | عباد الله خان غلام پیشخدمت<br>جبه ترمه |
| حسینقلی خان سرتیپ سواره<br>قورسیکلو جبه ترمه | علیقلی خان یوزباشی غلامان<br>مخصوص جبه ترمه | |

جمعه بیست و دوم توقف اردوی همایون در کرمه و تشریف فرمائی

ذات والاصفات خسروانی بتفرج قریهٔ ابر

درین روز بندگان اقدس همایون شاهنشاهی محض تفرج و سیاحت قریهٔ ابر که موطن اصلی حاجی محمد خان حاجب الدوله است دو ساعت از روز برآمده با جمعی از خواص

چاکران دربار جهان مدار و عمله خلوت همایونی ملتزم رکاب نصرت انتساب گشته

و چون موکب منصور از وسط قریه حرفان عبور فرموده در شمال قریه مزبور به جلگه مسطح

و وسیع رسید ساری اصلان یکصد نفر سواره نظام را که بهمراهی عضد الدوله

ماسور استراباد بودند از سان حضور گذرانیده سواران مرخص شده و ساری اصلان

ملتزم رکاب شد محمد قلیخان حسام الدوله که در تمام مدت سفر ملتزم رکاب نصرت

اثر بود در همینجا از خاکپای همایون رخصت عزیمت دار الخلافه یافته بعطای یکطوب

کلیجه ترمه تن پوش مبارک قرین اعزاز و افتخار آمد و همچنان سرکار اعلیحضرت

شهنشاهی درین جلگه که بانواع ریاحین آراسته و بقسام گلها پیراسته بود

تفرج کنان تا قریه آبر تشریف فرما شدند علما و اهالی قریه وسیع و شریف

اناث و ذکور تماما در خارج قریه باستقبال رکاب همایون شتافته از رسم

دعاگوئی و قربانی و جان نثاری را معمول داشته مورد عواطف ملوکانه آمدند

حضرت همایون شاهنشاهی از کنار قریه بسمت مابین شمال و مغرب توجه فرموده در

بالای کردنه از برای صرف نهار فرود آمدند و پس از صرف نهار بجنگلی که در آن نواحی

بود تشریف برده و در سایه درختان جنگلی قریب بدو ساعت استراحت فرمودند

وچون از خواب برخواستند ملحوظ نظر مبارک گشت که مِه تمام کوه وجنگل را
بنحوی فراگرفته وهوا چنان تیره وتار شده بود که توقف امکان نداشت وسرکار
همایونی فوراً اسب خواسته ومعجلا از نزول اجلال بپای گردنه فرمودند قریب
با برابرهای مِه ناپدید گشته هوا از اطراوت تمام حاصل بود ودر جلو قریه چنان خضارت
وصفائی که ذات والاصفات خسروانی میل بسیاحت داخل قریه کرده واز وسط
قریه گذشته در دره پائین قریه از برای نماز فرود آمدند بعد از نماز در حینی که مشغول
صرف چای وعصرانه بودند در خاکپای مبارک صحبت از زراعت ورعیتی بمیان آمد
وحضرت همایون شاهنشاهی قصبهٔ مُجَن را که در حوالی بسطام واقع است واز
دهات مخصوص بدیوان اعلی باقا محمد تقی آبدار خاصه که هم اغلبی از قصور وباغات
مخصوص همایونی سپرده بادست سپرده وابواجمع فرمودند که در رعایت رعایا
وآسودگی حال ایشان وتجمیع منال دیوانی کمال اهتمام وسعی را مرعی دارد وسرکار
همایون بعد از نماز از همان راه که تشریف فرما شده بودند بسمت منزل معاودت
فرموده ویکساعت بغروب مانده بحوضخانهٔ مبارکه تشریف فرما شدند شب بعد
از شام قورق بشکست ومقربان خاص شرف اندوز حضور مبارک شده

حاجی رحیم خان [illegible] در قلعه [illegible] [illegible] خواجه [illegible]

آن بافت [illegible] آینده [illegible] [illegible] مشهور

[illegible] فرسنگ است و [illegible] [illegible] کس

طایفه از این [illegible] قریه [illegible] [illegible] قریه [illegible] کوه

سکنی دارند و طایفه [illegible] که در [illegible] [illegible]

قریه [illegible] مسکون‌اند و خانوار این طایفه زیاده از [illegible] [illegible] زیردست

قریه چمنی است مشهور [illegible] [illegible] است [illegible] بالای

کرد [illegible] بر جاده معتبری است که بجال فندرسک و استراباد میرود و ابتدای

این جاده از استراباد زیاده بر هشت فرسنگ نیست و در پای کردنه [illegible] است

موسوم به زرین گل که از دهات معتبر فندرسک است و در فاصله کم [illegible] قریه

معروف به برج حاجی شعبان که در سوابق ایام ساخته و تاکنون بجای مانده است

و از چیزهای غرایب که در حوالی آن دیده میشود چشمه ایست موسوم به چشمه بادخوان [illegible]

که بنا بر معروف چون چیزی ناتمیز و کثیف در آن فرو برند فوراً هوا منقلب شود

و از آنجا که فرصت امتحان و یقین نشد و صحت این مطلب نبود در شرح آن [illegible]

مختصر اکتفا نمود

## شنبه بیست و سوم تشریف فرمائی موکب مسعود از کرمنه بقریه ابر پسیح بسطام

درین روز یکساعت از دسته گذشته اعلیحضرت همایون شهریاری با فر و اقبال
شاهنشاهی سوار گشته امین الدوله و دبیر الملک را بفرمایشات علیه مخاطب فرمود
و همه جا در دامنه کوه تشریف فرما بودند که ناگاه خرگوشی پدید شد که روی بدشت
و سرازیری فرار مینمود طبع منیر ملوکانه بصید آن مایل گشته اسب کنج آور را که
از اسبان عربی پیشکشی حسام السلطنه و اسبی در نهایت پردواست در پی آن برانگیخت
سواران بتماشا ایستاده بودند که اسب همایون در آن سرازیری و سنگلاخ از
خرگوش گذشته شاهنشاه به پشت سر توجه فرموده و بایک تیر گلوله خرگوش را قرین
خاک ساختند تمام ملتزمین رکاب ازین چابکی و چالاکی در حیرت و تعجب ماند دعای
وجود مبارک گفتند و اعلیحضرت شاهنشاهی از برای صرف نهار در کنار چشمه صاف
و گوارا که در دامان کوه بود فرود آمدند اسد الله خان پیشخدمت که از خراسان از راه
سبزوار آمده بود در پنجا برکاب مبارک پیوست پس از نهار خرگوشی دیگر در مقابل اسب

همایونی برخواسته و بضرب یک گلوله با جفت خود قرین شده سرکار پادشاهی از
اسب فرود آمده بکالسکه نشستند سواره نظامی که مامور استرآباد بودند و از دار
الخلافه رسیده در اینجا صف کشیده از سان حضور همایون گذشته بمقر ماموریت
خویش رفتند و تیپ همایون بسمت منزل پای سپر شده در این بین آهوئی از مقابل
سواران بیرون آمده سازی اصلان او را در جلو تیپ صید نموده بحضور مبارک
آورده مورد عواطف ملوکانه گشت و سرکار شاهنشاهی در ثانی باسب کنج آور
سوار شده همچنان خرگوش دیگر دنبال تاخت یک تیر رسید فرموده وارد قریه ابرسیج
شده و از وسط ده عبور نموده بسراپرده همایونی که در خارج قریه واقع بود نزول اجلال
فرمودند و اردوی حضرت مهد علیا بشاهرود تشریف فرما شد

از کرمه تا ابرسیج سه فرسنگ و راه مغرب جنوبی و در امتداد آن چیزی نیست
که شایسته تذکار باشد

## یکشنبه بیست و چهارم تشریف فرمائی موکب مسعود از ابرسیج تا تاش

درین روز بواسطه بعد مسافت منزل حضرت همایون شاهنشاهی زود تر از

ایام

ایام سوار شده ذوالفقار خان بسطامی و علی اکبر خان سرتیپ پسر مشار الیه

بتوسط اعتماد السلطنه بزیارت حضور مبارک مشرف گشته از تفقدات و

فرمایشات ملوکانه بهره یاب و امیدوار گردیدند و بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی

براهی که ما بین مغرب و شمال بود توجه فرموده از دامان جبال سمت راست

تشریف فرما شدند هنوز فرسنگی طی نشده در میان راه نهر آبی بدید آمد که زیاده بر

سه سنگ آب صاف و گوارا در او جریان داشت حضرت پادشاهی اندکی در سر

نهر توقف فرموده و گذشتند یک فرسنگ و نیم از بر سیح گذشته در صحرای سمت

چپ از برای میل نهار فرود آمدند پس از صرف نهار میر شکار که قبل از وقت متفحص

و تجسس شکار آمده بود معروض عاکفان حضور داشت که شکار درین کوه و دشت

بسیار است ولی چون مقدمه اردوی همایون ازین راه عبور کرده است تماما

فرار کرده و بقلل این جبال پناه جسته اند و وصول بدیشان خالی از زحمت و اشکال

نیست پس بندگان پادشاهی از شکار و صید افگنی صرف نظر فرموده یکباره سوار

گشته بسمت منزل عطف عنان فرمودند مقارن اینحال آهوئی چند

از دامان دشت پدید گشت که بسمت کوه فرار میکردند حضرت همایونی

فوراً از کالسکه بزیر آمده بر اسب عربی تیمور میرزائی نشسته با میرشکار و معدودی
قلیل قریب دو فرسنگ در پی آنها تاختن کردند از آنجا که دامنه دره و ماهور
و سنگلاخ بود در حین تاخت بپای اسب همایونی جراحتی وارد آمده حضرت
شاهنشاه محض رعایت حال اسب و صعوبت راه از تعاقب شکاران درگذشتند
از بلندی دامنه بسمت دره که رو بشمال و منزل بود آمده از کنار رودی که در دره
واقع و قریب شش سنگ آب داشت رو ببالا تشریف فرما شدند و چون موکب
مسعود بدو آب رسید که محل تقاطع رود شاهکوه و رود تاش است اردو پیدا
گشت و ذات والاصفات خسروانی از کنار رود تاش صعود فرموده پنج ساعت
بغروب مانده بسراپرده همایونی شرف ورود ارزانی داشتند و ساعتی راحت
فرموده بعد از ادای نماز و صرف چای دیوانخانه مبارکه قورق شد

از ابرسیج تا تاش پنج فرسنگ است و طرفین راه کوههای عظیمه تنگ متعدد است
که در کوههای شمالی آن اغلب مکانها جنگلهای کوچک با رونق و صفا است
دره تاش قریب یکفرسنگ طول دارد و در دو سمت کوههای کشیده سخت
و درین دره دو کاروانسرا است که در زمان سلف بنا کرده اند    و قریه نگارستان

بسطام که از قراء معتبره و ملک شیخ الاسلام است در سمت راست جادهٔ
تاش واقع است

# دوشنبه بیست و پنجم تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب از تاش بشاهکوه

در ابتدای این روز چون بندگان حضرت شاهنشاهی بعزم سواری از سراپردهٔ
مبارکه بیرون آمدند دبیر الملک آقاخان کتول را که یکی از سرکردگان معتبر و بتقبیل
رکاب مبارک آمده بود بحضور همایون مشرف ساخته و شرحی از رشادت
و صداقت مشار الیه و سواران کتول در خاکپای همایون معروض داشت
از جانب سنی الجوانب ملوکانه تفقدات شاهانه شامل حال وی گشته مقرر آمد
که معجلا با سواران کتول بچهار باغ رفته باردوی اعضاد الدوله ملحق شود و خود گذر
پادشاهی از درهٔ که بسمت شاهکوه میرفت بطرف منزل روانشدند و همچنان
تا دو فرسنگ درین درهٔ تنگ که جنبین آن تمام جنگلهای کوچک و چمن زار و بساط
ریاحین بود تفرج کنان در کمال انبساط خاطر تشریف فرما بودند تا بپای گردنهٔ
عظیم شاهکوه رسیدند و از گردنهٔ مزبور صعود فرموده در چمنی که در فوق گردنه واقع است

از برای صرف نهار فرود آمدند و در این وقت صادق بیک شکارچی بعرض رسا
که قبل از تشریف فرمائی موکب مسعود یک دسته آرقالی و یک دسته
خوک درین حوالی بچرا مشغول بودند و چون همهمه سواران بشنیدند فرار کردند
و هم اکنون میرشکار باشکارچیان در قله کوه سمت راست خوکی خوابانده منتظر
تشریف فرمائی حضرت پادشاهی است سرکار همایون دوربین طلب فرمودند
و میرشکار و سواران را ملاحظه فرمودند که در بالای کوه در پشت سنگی پنهان
شده خوکی چند بآرامی تمام در مقابل سنگ مشغول چرا هستند و چون میرشکار
از بالای کوه مشاهده نمود که سرکار اقدس از صرف نهار فراغت حاصل نموده اند
از کوه بزیر آمده در رکاب همایون از گردنه بزیر آمده دیدند که ممکن بود خوکها بعد از
رم کردن از آنجا عبور کنند بایستادند و بفرمان شکارچی آلفنشنا تفنگی
بینداخت خوکها از صدای تفنگ رم کرده از پی خود حرکت کردند و برخلاف
معمول بجای آنکه بسمت دره فرار نمایند خود را بقله کوه کشیده بدر رفتند
و در همین حال رحمت الله بیک و ولی بیک شکارچی خوکی دیگر در بغل کوه
یافتند که در پناه سنگی خوابیده است حضرت شاهنشاهی پیاده از جلو بالا ر

بایک تیر تفنگ از سیصد قدم فاصله خوک مزبور را از پای در آوردند گرازی
عظیم الجثه و بدهیات بود و با اینکه زخمی منکر برداشته و از بغله کوه تا میان دره
غلطیده بود هنوز رمقی داشت و بسوار اینکه در طلب او بپائین دره رفته بودند
حمله میکرد بالاخره سرکار پادشاهی از بغله کوه که در نهایت سخت بود با زحمت
تمام پیاده بپائین تشریف آورده و سوار گشته از همه جا از میان
دره و کنار رودی که بسمت شاهکوه جاریست تشریف فرما شدند
و تیمور میرزا و محمد رحیم خان سرتیپ زند با یاران شکاری در حضور همایون
صید کبک و تیهو مینمودند تا موکب مسعود بشاهکوه سفلی که مقر سراپردهٔ
همایونی بود شرف ورود ارزانی داشت آقا محمد تقی آبدار از انتظام عمل
قصبه مجن فراغت حاصل نموده درین منزل برکاب مبارک پیوست و یکصد
پنجاه تومان از بابت مالیات قریهٔ مزبور و مقداری کره و پنیر و غیره که کمال
امتیاز داشت تقدیم حضور مهرظهور نمود دو ساعت بغروب مانده سرا
پردهٔ مبارکه قورق شد و شب را حضرت شاهنشاهی زودتر از سایر لیالی
براحت مشغول گشتند از ناش بشاهکوه چهار فرسنگ و راه همه جا بشمال

مغربی واز میان دره است   شاکوه عبارت از دو قریه است که یکی

بشاکوه علیا و دیگری بسفلی معروف است و در میان این دو قریه پنج فرسنگ

فاصله است دامنه شاکوه و نواحی آن به ییلاقیت معروف و هوائی در

نهایت سرد و نیکو دارد چنانکه درین اوقات که اواخر تابستان بود

هنوز زراعت و کشت آن سبز و نارس و خرمن نشده بودند

## سه شنبه بیست و ششم تشریف فرمائی موکب همایون از شاکوه بچهارده کلاته

درین روز چونکه یکساعت از طلوع آفتاب برآمد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بر اسب سفید ترکمانی پیشکشی امیرحسین خان ایلخانی سوار گشته بجانب مغرب شمالی تشریف فرما شدند و چون اندک مسافتی از راه طی شد در سمت راست دره پدید گشت که بسمت زیارت خاصه رود است امتداد دارد و تا زیارت خاصه رود چهار فرسنگ است از وسط این دره آبی در نهایت صاف و گوارا جریان دارد که برودخانه شاکوه ملحق میشود در جوار دره راه منحرف گشته بدره دیگر می افتد که متمایل بمغرب جنوبی است

و آبی اندک از وسط آن جاری و در انتهای دره کتلی مرتفع و سخت است

که عبور کالسکه و تخت از آن در نهایت صعوبت است چون موکب مسعود

از این گردنه عبور فرمود این بنده آستانه شاهنشاهی را مقرر آمد که کالسکه

و تختها را باعانت غلام و سرباز از گردنه عبور دهد تا ذات والاصفات

همایونی در فوق گردنه در سایه درختان اورس بصرف نهار مشغول بودند

این جاکر بامداد غلامان ابوابجمعی حاجی سعدالملک و دسته از سربازان

سوادکوهی کالسکه و تختها را بفوق گردنه رسانده و غلامان و سربازان را از

انعام و احسان خسروانه بهره ور و خرسند ساخت و هم در اینوقت خادمان

حرم جلالت با اسب از کتل مزبور گذشته و همچنان بواسطه صعوبت

راه بدون آنکه رجوع بکالسکه نمایند بسمت منزل روان شدند و اعلیحضرت

همایون پادشاهی صرف نهار فرموده بنوشتن کتاب روزنامه مخصوص

مشغول شدند نورالدهر میرزای نایب ناظر که بمشایعت اعضاء الدوله

رفته بود مراجعت نموده یک بهله و قوش طرلان از جانب سردار استراباد

با عرایض و مطالب ایشان از لحاظ نظر انور همایون گذرانید سرکار

از برای صرف نهار فرود آمدند و در این وقت صدوق میر شکار چی بعرض رسانید
که قبل از تشریف فرمائی موکب مسعود یک دسته آدمهای وی بیست دست
خوک درین حوالی بیچار مشغول بودند و چون همه سواران بشنیدند فرار کردند
و هم اکنون میرشکار با شکارچیان در قله کوه هست داشت خوکی خواهند شد
تشریف فرمائی حضرت پادشاهی است که ... بعد ازین طلب دوربین
و میرشکار و سواران را ملاحظه فرمودند دیدند که در پشت سنگی پنهان
شده خوکی چند آرامی تمام در مقابل سنگ مشغول ... شد و چون میرشکار ما
از بالای کوه مشاهده نمود که سرکار اقدس از نهار فراغت حاصل نموده هم
از کوه بزیر آمده در رکاب همایون از کریوه بزیر آمده در ... بود خوکها بعد ...
رم کردن از آنجا بیرون گریخته ... شاهی را همینکه تفنگی
چند انداخت خوکها از صدای تفنگ رم کرده ... مدافعت کردند و بخلاف
معمول بجای آنکه بسمت دره فرار نمایند ... بقله کوه آشیانه بدر رفتند
و در همین حال رحمت الله بیگ و ولی بیگ ... در بعض کوه
یافتند که در پناه سنگی خوابیده است حضرت ... پیاده از جهد بالا رفته

بایک تیر تفنگ از سیصد قدم فاصله خوک مزبور را از پای درآوردند گرازی
عظیم الجثه و بدهیبات بود و با اینکه زخمی منکر برداشته و از بغله کوه تا میان دره
غلطیده بود هنوز رمقی داشت و بسوار اینکه در طلب او بپائین دره رفته بودند
حمله میکرد بالاخره سرکار پادشاهی از بغله کوه که در نهایت سخت بود بزحمت
تمام پیاده بپائین تشریف آورده و سوار گشته از همه جا از میان
دره و کنار رودی که بسمت شاهکوه جاریست تشریف فرما شدند
و تیمور میرزا و محمد رحیم خان سرتیپ زند با باران شکاری در حضور همایون
صید کبک و تیهو مینمودند تا موکب مسعود بشاهکوه سفلی که مقر سراپردهٔ
همایونی بود شرف ورود ارزانی داشت آقا محمد تقی آبدار از انتظام عمل
قصبه مجن فراغت حاصل نموده درین منزل برکاب مبارک پیوست و یکصد و
پنجاه تومان از بابت مالیات قریهٔ مزبور و مقداری کره و پنیر و غیره که بکمال
امتیاز داشت تقدیم حضور مهرظهور نمود دو ساعت بغروب مانده سرا
پردهٔ مبارکه قورق شد و شب را حضرت شاهنشاهی زودتر از سایر لیالی
براحت مشغول گشتند از ناشش بشاهکوه چهار فرسنگ و راه همه جا بشمال

مغربی و از میان دره است شاهکوه عبارت از دو قریه است که یکی بشاهکوه علیا و دیگری بسفلی معروف است و در میان این دو قریه نیم فرسنگ فاصله است دامنه شاهکوه و نواحی آن به ییلاقیت معروف و هوائی در نهایت سرد و نیکو دارد چنانکه درین وقت که اواخر تابستان بود هنوز زراعت و کشت آن سبز و نارس و خرمن ناشده بودند

## سه شنبه بیست و ششم تشریف فرمائی موکب همایون از شاهکوه بچهارده کلاته

درین روز چونکه یکساعت از طلوع آفتاب برآمد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بر اسب سفید ترکمانی پیشکشی امیر حسین خان ایلخانی سوار گشته بجانب مغرب شمالی تشریف فرما شدند و چون اندک مسافتی از راه طی شد در سمت راست دره یادیدگشت که بسمت زیارت خاصه رود است امتداد دارد و تا زیارت خاصه رود چهار فرسنگ است از وسط این دره آبی در نهایت صاف و گوارا جریان دارد که برود خانه شاهکوه ملحق میشود در جوار دره راه منحرف گشته بدره دیگر می افتد که متمایل بمغرب جنوبی است

و آبی اندک از وسط آن جاری و در انتهای دره کتلی مرتفع و سخت است
که عبور کالسکه و تخت ازان در نهایت صعوبت است چون موکب مسعود
ازین گردنه عبور فرمود این بنده آستانه شاهنشاهی را مقرر آمد که کالسکه
و تختها را باعانت غلام و سرباز از گردنه عبور دهد تا ذات والاصفات
همایونی در فوق گردنه در سایه درختان آورس بصرف نهار مشغول بودند
این جاکر بامداد غلامان ابوالجمعی حاجی سعدالملک و دسته از سربازان
سوادکوهی کالسکه و تختها را بفوق گردنه رسانده و غلامان و سربازان را از
انعام و احسان خسروانه بهره ور و خرسند ساخت و هم درا ینوقت خادمان
حرم جلالت با اسب از کتل مزبور گذشته و همچنان بواسطه صعوبت
راه بدون آنکه رجوع بکالسکه نمایند بسمت منزل روان شدند و اعلیحضرت
همایون پادشاهی صرف نهار فرموده بنوشتن کتاب روزنامه مخصوص
مشغول شدند نورالدهر میرزای نایب ناظر که بمشایعت اعضاء الدوله
رفته بود مراجعت نموده یک بهله و قوشی طرلان از جانب سردار استراباد
باعرایض و مطالب ایشان از لحاظ نظر انور همایون گذرانید سرکار

همایونی جواب عرایض را در همان محل نهارگاه صادر فرموده با غلامی
مخصوص نزد اعتضادالدوله روانه داشته و خود بسمت منزل راهی
شدند و از سراشیبی گردنه نزول فرموده داخل دره جنوبی گشتند
حضرت اطراف دره و صفای آب رود مایه فرح و انبساط خاطر مسعود گشته
و در کمال مسرت از کتل انتهای این دره ببالا برآمده داخل صحرائی
مسطح شدند که نیم فرسنگ متجاوز امتداد طول آن بود و ازین جلگه
به دره دیگر که ما بین مغرب و جنوب و دره تنگ مشابه باغ شاه جاجرود
دارد اختلاف بود شدند و از گردنه این دره عبور فرموده و از سراشیبی آن
که راهی سخت و مطول بود نزول فرموده داخل جلگه چهارده کلاته گشتند
در ابتدای جلگه و کنار رودی که از مشرق بسمت مغرب و چهارده
کلاته جریان دارد میرشکار معروض داشت که درین کوهها از هر قبیل
شکار بسیار و قوچ و میش از اندازه بیش است ولی چون تنگ غروب هنگامه
فرا گرفته و وقت مقتضی نبود اعلیحضرت پادشاهی از شکار صرف نظر فرموده
سه ساعت بغروب مانده بباغ شاه چهارده که مخیم خیام زرین قباب بود

تشریف ورود ارزانی داشته شد و بمجض ورود به تنبیه چند نفر از عملجات

فاطر خانه خاصه که دزد و مرتکب شرارت و دزدی شده بودند ذات رفیعت

تا عبرت دیگران شده کسی دیگر قدرت بارتکاب خلاف نظم نباشد

یک نفر از ... ایان خلیج درین روز بمرض ذوسنطاریا وفات یافته بود امر قدر

قدر شریف نفاذ یافت که بکسان و بازماندگانش از جانب دیوان اعلی

مستمری و وظیفه دهند

از شاکوه بچهارده کلاته شش فرسنک است و راه چنانکه ذکر یافت

ابتدا مایل بمغرب شمالی و پس از آن مغرب و مغرب جنوبی میگردد

و سیر آن از سه دره و سه گردنه است بنحویکه معروض افتاد چهارده کلاته

عبارت از چهار قریه است که به ورزن و دزدوان و قلعه و خرابه ده

موسوم و معروف است و سپرده بمعیر الممالک و قرائی آباد و خوش آب

و هوا و حاصل خیز و جزو ولایت هزار جریب است و آبا و اجداد رضا قلیخان

امیر الشعرا مشهور بلله باشی از آنجا بوده و بواسطه بستگی اینطایفه بسلسله

علیه قاجاریه و ارادت کیشی بمحمد حسین خان قاجار شهید زکیخان زنداه

مأموریت باسترآباد چهل نفر از روسای آن ولایت را که یمی حیدرقلیخان صاحب
بوده بقتل رسانیده از سر آنها کله منار ساخته آثار آن اندکی باقی است
باغ شاه از باغهای احداثی خاقان خلد آشیان و باغی در نهایت باصفا
و روح است که از حسن مراقبت و اهتمام معیرالممالک تاکنون دایر و آباد مانده
بود در او درختان صنوبر عظیم الجثه و طویل القامه است که در کمتر جا
دیده شده است

## چهارشنبه بیست و هفتم اطراق و توقف اردوی همایون

## در چهارده کلاته

درین روز محض آسایش وجود مسعود همایون و ... در چها
ده اطراق شد و ... اقدس شهریاری هنگام صبح بحمام تشریف ...
و تا عصر در دیوانخانه مبارکه تشریف داشتند در ابتدای روز ... شده
... مبسوط از اعتضادالدوله بحضور مبارک رسید متضمن آنکه رو ... ریش
سفیدان طوایف یموت و غیره از در ضراعت درآمده قدم بجاده بندگی و
اطاعت پیش نهاده اند و از جناب معزی الیه متمنی شده اند که در

خاکپای همایون متعهد ادای مالیات و ترک خودسری و سرکشی ایشان

شده از آستان معدلت بنیان مستدعی عفو و اغماض شوند و از زوار گیر

رود سا و ریش سفیدان مزبوره مذکور داشته بودند هنگامیکه قشون ظفر

نمون او بهای طوایف بموت را تاختند زن و مرد ایشان که از میان

هنگامه و گیر و دار فرار کرده خواسته بودند جانی سالم بیرون برند بجنگل و

جنگل کنار رود گرگان مختفی شده اند از شوء رفتار خود و نتیجه مخالفت

با دولت علیه بگرسنگی و آوارگی تماما بمعرض تلف درآمده ماتمن خود را

مدفن ساخته بودند جمعی از سایر طوایف که برای آوردن آب دوروز بعد

بکنار رودخانه رفته بودند اجساد ایشان را در کنار رودخانه با قیا بحالت

در مجازات خلاف و خودسری اسباب عبرت خود کرده بودند بالاخره

چون سرکار پادشاهی از ملاحظه عرایض اعتضاد الدوله و صدور جواب و

احکام فراغت حاصل فرمودند امین الدوله بحضور عطوفت دستور با رقبه

زین العابدین خان سرتیپ و صفر علی خان سرتیپ شاهسون با سواران

خود بحضور مبارک سان داده و مورد عواطف و مراحم ملوکانه گشته

مرخص دار الخلافه و اوطان خویش شدند و هم عبد القادر خان سرتیپ مهاجر
بزیارت حضور مشرف گشته مورد عنایات خسروانه آمده با سواره
ابواب جمعی خود مرخص دار الخلافه شد سرکار همایون اندک زمانی پاسوده هنگام
عصر بواسطه مساعدت هوا مطربان خاص چون آقا غلام حسین و آقا علی
و آقا محمد صادق و حاجی حکیم بحضور همایون مشرف گشته و خاطر مبارک
را بسرودهای مختلفه قرین مسرت و سرور داشتند شب بعد از شام قورق
بشکست امین خلوت و دیگر چاکران بزیارت حضور همایون مستسعد گشت
میرزا علی خان منشی حضور قدری از مسوده مختصر روزنامه اردو را که هنوز
چاپ نشده بود بعرض رسانده مقبول خاطر مبارک گشته مقرر آید بچاپ
برسانند و برسم معهود نسخهای آن را بنزد مستوفی الممالک بفرستند که بولایات
ممالک محروسه روانه دارند و در این منزل سرکار انیس الدوله را فی الجمله تبی
عارض گشته حکیمباشی طلوزان را مقرر شد که باصلاح مزاج سرکار ایشان
کوشد و هم وجیه الدین میرزای پیشخدمت و پیرمرد قاپوچی در بحرم خانه
مبارکه بتجای نوبه گرفتار گشته میرزا حسین دکتر مأمور شد که بمعالجه ایشان پردازد

## پنجشنبه بیست و هشتم تشریف فرمائی موکب همایونی از چهار ده کلاته بچشمه علی دامغان

درین روز که هوا را اعتدالی کامل بود بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی دو ساعت از دسته گذشته بفرخی و اقبال سوار شدند دبیرالملک دو نفر از علمای استراباد که بچهارده آمده بودند در حضرت همایونی معرفی نموده از عواطف و مراحم ملوکانه بهره یاب و امیدوار گردیده باسترآباد رفتند و سرکار پادشاهی با امین الدوله و اعتماد السلطنه و امین الملک فرمایش کنان تشریف فرما بودند تا موکب مسعود بچشمه رسید که تقریبا سه سنگ آب صاف و گوارا از آن بسمت مغرب جنوبی جریان داشت در حینی که سرکار پادشاهی در سر چشمه از اسب فرود آمده عزم تشریف فرمائی بکالسکه داشتند محمد صادق بیک شکارچی در رسیده معروض داشت که دو تکه آهو در ماهورهای دست چپ خوابیده اند حضرت همایونی وزرا و امرا را مقرر داشتند که با بنه از جاده بسمت منزل روانه شوند و خود با قلیلی از شکارچیان و تفنگچیان بسمت شکارگاه روان شدند بعد از طی اندک مسافتی میرشکار از مقابل نمودار

گشت و ملحوظ نظر مبارک نمود که آهوئی در بغله کوه بچرا مشغول بود حضرت
همایونی با یک تیر چهار پاره پا و پشت آهو را مجروح ساخته و چون جراحتی
سخت بدو نرسیده بود روی بگریز نهاد و آهوی دیگر که در چند قدمی او
مشغول چرا بود نیز رم کرده روی بصحرا آورد حضرت همایونی با لوله دیگر تفنگ
او را نیز مجروح ساختند و با میر شکار هر دو را تعاقب فرمودند صید
مجروح اولی اندکی رفته در پناه سنگی بخوابید و چون شاهنشاه
نزدیک شدند دوباره از ترس جان برخاسته خواست فرار کند
که شاهنشاه با یک تیر گلوله از پایش در آوردند و شکارچیان سرش
جدا ساختند و آن آهوی دیگر در میان دره در میان سنگها خود را پنهان
ساخت و سرکار پادشاهی مقرر داشتند کسی بطلبش نرود شاید جان از سلامت
بدر برد و اندکی بسمت جنوب توجه فرموده در سر چشمه از برای صرف
نهار فرود آمدند و پس از صرف نهار عزیمت تفرج چشمه باد خان دامغان
فرمودند که بنفس نفیس خود آن چشمه را ملاحظه نموده و آنچه در حق این چشمه
در افواه و السنه و بعضی تواریخ معروف است و منوا نرا بعرض رسانید پی

همایون رسانده اند مخبر به فرمایند پس عطف عنان بدان سوی فرمشوده
به بلدیت یکی از رعایای چهارده کلاته بسر چشمه تشریف فرما شدند و چون
چشمه در سمت راست جاده واقع و چندان از راه مسافتی نداشت موکب
مسعود در اندک مدت در حوالی چشمه وارد و سرکار اعلیحضرت همایون
پادشاهی از اسب فرود آمده و از در کوچکی بدرون محوطه و حصاری که چشمه در وسط
آن واقع است توجه فرمودند چشمه مزبور در میان این حصار واقع و آبی
قلیل و بد رنگ و با عفونت دارد و ذرع پائین تر از سطح زمین از آن چشمه
بیرون وارد و چنین مینماید که آبی کوگردین باشد و چون مکانی قابل توقف
نبود سرکار شاهنشاهی محض تجربه و امتحان مقرر داشتند که چیزی نا تمیز
در درون چشمه بیندازند تا صحت و سقم آنچه معروف است معلوم شود
و از حصار بیرون آمده بسمت چشمه علی عطف عنان فرمودند قریب بمنزل
اعتماد السلطنه با حسین خان حاکم دامغان به تقبیل رکاب مبارک شتافته
ساخت بغروب مانده کوکبه اجلال پرتو افکن ساحت چشمه علی دامغان شده
شخصی که بر حسب اراده علیه در هنگام تشریف فرمائی اردوی همایون

بخراسان مقرر شده بود در وسط حوض پشمه ساخته شود با ستمام
حسین خان حاکم بطوریکه منظور نظر ملوکانه بود بسته بودند و بر صف
و روح عمارات افزوده و هم چادرهای متعدد در کمال نظم و آراستگی
در اطراف چشمه و حوض برپای کرده بودند بنحویکه تخت وسط حوض و تنظیم جنابها
در نهایت مقبول خاطر مهر مآثر گشته خان حاکم و خان نایب السر
حاجب الدوله مورد عواطف ملوکانه آمدند گیصد تومان بفراشان مرحمت
انعام مرحمت شد هنگام عصر چاپاری از دارالخلافه رسید عرایض
مستوفی الممالک که متضمن عرایض حسام السلطنه در بغداد فارس و
حشمة الدوله حکمران عربستان و بروجرد و بختیاری بود با ملفوفه نظرانور گذشت
احکام علیه در جواب سرلیک شرف صدور یافت و چون از انقلاب هوا
و بروز ناخوشی و با در دار الخلافه طهران الی و امغان و سمنان اخبار
تلگرافی بعرض خاکپای همایون رسیده بود خاطر مبارک همایون خسروانی
از اینمعنی بی نهایت متالم شده و چند نکه رسم و تعادت این وجود مسعود است
و قوت این قلب کریم اقتضا مینماید که در حوادث مزبوره پناه بذات

بزوال خداوند متعال برده اصلاح امور را از خالق حق متمنی گردند
و درین موقع نیز توکل و توسل بذات پاک خداوندی جسته و د آن بنا؟
و اطمینان خاطر مبارک و ما بندگان بیاسود مقارن این حال گویا اثر
چشم بد خانه ظاهر گردیده بدون مقدمه و اینکه آثاری سابقا پدید شده
باشد بغتة هوا را انقلابی شدید روی داد و بادی سخت وزیدن گرفت
و طوفانی عظیم بپای خواست بنحویکه نزدیک بود اغلب چادرها را از پای
در آرد لهذا بملاحظه آنکه شاید فی الحقیقه وقوع این حادثه از رطوبت
نمودن چشم باشد از جانب سنی الجوانب همایون مقرر گردید که رفع
بطرز مخصوصیکه معمول است گوسفندی در کنار چشمه قربانی کرده چشمه را پاک
و تمیز نمودند و فی الحقیقه هوا را آسایشی حاصل شد والله اعلم بحقایق
الامور اگرچه این واقعه از قراریست که ما بعرض رسانیدیم حال نمیتوانیم صریح
بگوییم که این انقلاب بواسطه چشمه بوده است یا جهتی دیگر داشته ولی
علاوه بر اینکه ما بندگان خود در التزام رکاب همایون آن حادثه را مشاهده
نمودیم این بنده زاده آستان شاهنشاهی از حاجی آقا اسمعیل والد شنیده ام

ورا و قاتیکه در رکاب پادشاه مبرور محمد شاه مغفور از سفر گرگان مراجعت
می نمودند وارد وی کیوان پوی متوقف بلوک دامغان بود شب باد و
طوفانی عظیم برخواسته بود بنحویکه پادشاه مبرور را از شام خوردن مانع
آمد جمعی حسب الامر بفر بانی و تطهیر چشمه مامور فرمودند و بعد از اجرای
لوازم طهارت باد بایستاد و نیز از این قبیل اخبار بسیار است که جز خداوند
باری تعالی و تقدس بر حقیقت و صحت و سقم آن اطلاع ندارد و مسموع
شد که وقتی نیز اردوی اعلیحضرت شاهنشاه صاحبقران مغفور بچشمه علی توقف
داشتند اراذل رعایا از توقف سپاهیان بستوه آمده چیزی ناپاک
در چشمه باد خانی انداختند باد و طوفانی شده که اردو برهم خورده سرا پردهها از
پای افتاده و ناچار اردو حرکت کردند از جمله غرایب رجعت چشمه باد خانی که در
در تواریخ آمده از چهارده کلانه الی چشمه علی سه فرسنگ است و خشین راه
بمسافت نیم فرسنگ کوههای متوسط بلند است پشت کوههای سمت
راست محال هزار جریب مازندران و در خلف جبال جوانب های شمالی سمت
دامغان و توابع آن واقع است

جمعه بیست و نهم توقف حضرت همایونی در چشمه علی و امتداد
درین روز بندگان اقدس شاهنشاهی محض تفرج خارج چشمه علی و صید افکنی
در اول روز سوار شده با چندتن از خواص چون محقق و عکاسباشی و محمد
علیخان و مهدیقلی خان و محمد رحیم خان سرتیپ زند و بعضی از تفنگداران
بسمت شمال توجه فرمودند هنوز اندکی از اردو دور نشده یکی از شکارچیان
رسید معروض داشت که میرشکار بهنگام صبح درین سمت بتفحص شکار
برآمده و چیزی نیافته پس اعلیحضرت شاهنشاهی از آن سمت عطف عنان
فرموده بسمت جنوب و کوهی سخت و چشمه که در دامنه آن بود تشریف فرما
شدند مقارن این حال دو آهو از مقابل سواران بیرون آمد و چون شاهنشاه
در روز قبل اسب تازی فوق العاده فرموده بودند و راه چشمه صعب و مسافتی
بعید داشت امروز از تعاقب این دو صید صرف نظر فرموده و بسر
چشمه برآمده و از برای میل نهار فرود آمدند و پس از صرف نهار دستخطی با بین الدوله
شرف صدور یافت و بتوسط محمد حسنخان پیشخدمت پسر اعتماد السلطنه فرستاده
مقرر داشتند که چون تا فولاد محله مسافتی بعید است پیشخانه مبارکه را

قدغن نمایند بسرچشمه برده و یکشب در آنجا سیورسات مهیا سازند

و هم عرایض حسام السلطنه را که روز قبل امین الدوله بحضور مهر ظهور ارسال داشته

بود ملاحظه فرموده در جواب آنها احکام علیه شرف صدور یافته نزد امین الدوله

فرستادند که با چاپار بفارس فرستند چون از صدور احکام فراغت

حاصل شد حضرت شاهنشاهی اندک زمانی بیاسودند هنگام عصر معبر یان

خاص ساعتی تغنی نموده دو ساعت بغروب مانده سرکار پادشاهی تشریف

فرمای منزل شدند

## شنبه سلخ ربیع الثانی و سوم توقف موکب منصور در چشمه علی

در این روز سرکار اقدس همایون شاهنشاهی ابتدا بعیادت سرکار

انیس الدوله تشریف فرما شده خاطر مبارک از صحت مزاج ایشان

بیاسود و بدیوانخانه مبارکه تشریف فرما شده عرایض عضد السلطنه

وزیر علوم که با چاپار از دار الخلافه رسیده بود با بعضی مطالب اتابک

و غیره بتوسط امین الملک و اجودان مخصوص بعرض خاکپای همایون رسیده

احکام علیه در جواب آنها شرف صدور یافته سر غلامان را رجعت دادند

نورالله میرزای نایب ناظر مبلغی نقد و اسبی ترکمانی از جانب
محمد علی خان دیوان بیگی مازندران برسم پیشکش تقدیم آستان
همایون نموده و استعداد دیوان بیگی را بزیارت خاکپای همایون با-
خواسته و دیوان بیگی بعد از نهار بحضور همایون مشرف آمده مورد عواطف
ملوکانه گشت شش ساعت بغروب مانده محمد صادق بیک شکارچی بعرض
عاکفان آستان همایون رسانید پلنگی با دو خرس در کوه یافته و منتظرند
که سرکار پادشاهی بصید ایشان توجه فرمایند اعلیحضرت همایون نیز
فوراً اسب خواسته با چند نفر تفنگدار و آبدار و ابراهیم خان نایب
اصطبل بقصد شکار تشریف بردند. در سمت جنوب چهارده کلاته کوهی صعب
و سخت و مرتفع بود صادق بیک معروض داشت که جانوران مزبور
در زیر اینکوه ساکن هستند هنوز موکب مسعود بدامنه کوه نرسیده
بلند سته آرقالی پیدا شد که از سواران رم کرده روی بفرار داشتند
سرکار پادشاهی تیری بجانب آنها بینداختند چون مسافت بعید بود تیر نرسید
نبود و شکاران جانی بسلامت بدر بردند و سرکار اقدس تا نیمه کوه سواره

و در حینی که بقیه را پیاده صعود میفرمودند پلنگی از شکاف کوه بیرون
آمده روی بفرار گذاشت و چون تعاقبش فرمودند با سرعت و چالاکی تمام
خود را بقله رسانیده در مکانی که وصول بدان بواسطه سنگهای گران امکان
نداشت پنهان شد و همچنان ذات والاصفات پادشاهی با شفقت
تمام از کوه بالا آمدند تا بمراتع خرسان رسیدند و خرسی بزرگ کهن سال
معهود مشهود افتادند که با بچه خود در سایه درخت سردی خوابیده
و بمحض تشریف سرکار پادشاهی بفراستی که مخصوص این حیوانات
طبیع است دریافت کرده روی بفرار گذاشتند شاهنشاه از سیصد
قدمی تیری بخرس بزرگ انداخته و بضرب گلوله پای راست او را بشکستند
و آن جانور با پای شکسته از سنگی بسنگی جسته فرار مینمود و سرکار اقدس
بسرعت تمام از سمت دیگر خود را بمقابل آنها رسانیده خرس کوچکتر را
با یک تیر از پای درآوردند و هم یوز پلنگی از همهمه و صدای تفنگ از مامن
خویش بیرون جسته با چالاکی تمام خود را بقله کشیده از آسیب [illegible]
شست همایون بصحبت خرس بزرگین با پای شکسته خود را بغاری رسانید

و تفنگداران خرس کوچک را که بیجان شده بود بحضور آوردند و سرکار پادشاهی

قدغن فرمودند دیگر کسی متعرض خرس بزرک نشود و بازحمت تمام پیاده

از بالای کوه از محلی که آب شسته و ریک بوم و لغزنده بود گاه ایستاده

گاه نشسته گاه با عصا با مشقتی کلی بزیر آمدند و نیم ساعت بغروب مانده

تشریف فرمای منزل شده و محض راحت و رفع خستگی بحمام رفته بعد از

شام ساعتی مقربان خاص بزیارت حضور اختصاص داشتند و شاهنشاه

زودتر از سایر لیالی باستراحت مشغول شدند

## یکشنبه غره جمادی الاول وحرکت اردوی همایون از چشمه علی بـــ رخده

درین روز سرکار شاهنشاهی در اول بامداد بحمام تشریف برده و سه ساعت

از دسته گذشته از دیوانخانه مبارکه بیرون تشریف آورده باسب خشتمار

سوار شدند اعتمادالسلطنه امام جمعه دامغان را سواره بحضور آورد

اعلیحضرت شاهنشاهی مسافتی از راه را با ایشان بصحبت مشغول گشته

و پس از اظهار مرحمت و لطف رخصت مراجعت بدامغان دادند و امین

الدوله را بفرمایشات علیه مخاطب ساختند تا یکفرسنگ از زه طی شد

واز دور از سمت چپ یکدسته از قالی نمودار گشت که بسرعت بسمت

جاده می آمدند اعلیحضرت شاهنشاهی اسب برانگیختند که آنها را جلوگیر

کنند محمدحسنخان محقق که در جلو بدکهای همایون بود و بشکارها نزدیک

و غافل از اسب تاختن سرکار پادشاهی با چند نفر از تفنکداران و غیره

بیقاعده بسمت شکارها اسب انداختند و آن وحشیان رم کرده از

سمت جاده روگردانیده و بجبال جنوبی گریختند شاهنشاه عنان رخش

بازکشیده و در کنار راه از برای صرف نهار فرود آمدند و پس از میل

نهار سوار شده از تنگه که معبر بود گذشته در سمت دیگر تنگه جاده های

نهارگاه حرم المحفوظ نظر مبارک افتاد و سرکار اقدس شهادان سوی

تاخته اندک زمانی در مقابل جاده ها مکث فرموده واز رضای شان این

احوال پرسی نموده بجاده و میان تپه آمدند تنیفرسنگ بمنزل مانده

خان سرتیپ سنگابی که مامور استراباد بود با چند سوار بزیارت رکاب

قمرانتساب مشرف شده مورد عواطف ملوکانه آمد سرکار پادشاهی

باردوی ایشان که نزدیک سرخذه بود توجه فرموده فوج شکابی در
خارج اردوی خود صف زده منظور نظر مرحمت اثر گشته و یکان
یکان از افراد و آحاد تا چین و صاحبمنصبان ایشان مورد مراحم خسروانه
آمده دعای وجود مبارک گفته و سرکار اقدس ازان اردو گذشته
و در سرا پرده مبارک نزول اجلال فرمودند اندک زمانی در کنار اصطخر
نزدیکه در مقابل چادر مخصوص همایون واقع بود استراحت فرمودند چون
از خواب برخواستند محمد جعفر بیک تفنگدار خاصه که حامل احکام علیه بدار
الخلافه بود مراجعت نموده عرایض متعدده از مستوفی الممالک و سایر
کار و وزرا امور خارجه و وزیر علوم که متضمن مطالب دولتی بود بنظر انور
اقدس رسانید و سرکار پادشاهی تا مغارب غروب بمطالعه آنها مشغول
بودند و از آنجا که اصطخر خیلی بزرگ و با صفا و شکوه بود آبدار باشی را
مقرر شد که قایق مدور پاک کن بادی را دمیده بروی اصطخر انداخت
و جمعی از غلام بچه گان و غیره بران نشسته و در روی آب سیر میکردند و قت
اذان دیوان خانه قورق شد و بعد از شام اجوزان مخصوص و آقا علی ادیب

السلک و محمد تقی خان افشار و عکاسباشی و محمد علی خان شرف اندوز حضور شده اجودان مخصوص از روزنامه فرانسوی موسوم به ریو دو دومند یعنی سان اخبار دنیای عتیق و جدید که عبارت از این سمت کرّه و دیگر دنیا باشد بعرض میرساند و سرکار شاهنشاهی خود بنفس نفیس مبارک ترجمه فرموده ملازمان را از مطالب آن که مبنی بر احوالات چین بود اطلاع میدادند و چهار ساعت از شب گذشته شاهنشاه بیاسودند و ما چاکران رخصت انصراف یافتیم

از شهمه علی الی سرخده دو سه فرسنگ و جنبین راه شمالی و جنوبی کوههای سخت مرتفع است که مسافت دو فرسنگ کمتر یا اندکی بیشتر فاصله دارند و این فاصله در دو فرسنگی در نهایت کم شده و کوههای دو سمت بیکدیگر نزدیک گشته تنگ تشکیل میدهند که معبر از میان آن تنگ است و پس از اندک مسافتی مجدداً کوهها از یکدیگر فاصله جسته راه تا سرخده وسعتی مییابد

سرخده جزء محال چهار دانگه هزار جریب مازندران و در دامنهٔ تپه واقع

وازسوابق ایام چپقول نشا علی خان شاعر و بازماندگان اوست و باسم

ایشان در بعضی نوشتجات و اشعار معروف است و این قریه الکنون

قرب سی چهل خانوار رعیت دارد و هوائی در نهایت لطیف و اقسم

با صفا و آبی بس گوارا و در جوار آن دو مزرعه ایست متعلق بمرحوم ابن

عباس است موسوم به ترد و آزر

## دوشنبه دوم جمادی الاولی و تشریف فرمائی سرکار اقدس همایونی بفولاد محله

درین روز اعلیحضرت شاهنشاهی بیست دقیقه بساعت برآمده از سراپرده مبارکه

بیرون آمده سوار شدند و صبحانه را بمنزل اخترشکی و کسالت داری

بود و رفع...... نفرمودند بهر مکان...... مسلط ...... شرف

...... مبارک ...... دادند و دستورالعمل مأموریت خود را یافته

بسمت ...... رفتند بعد ذات اقدس همایون تا دو فرسنگ

از منزل ...... تشریف فرما بودند در نزدیکان جاده کوچکی

...... است ...... دست اوست...... و قراء و مزارع بهزار

جرپ میرفت و خاطر مبارک بانسوی مایل شده امرا و ارکان و سواران را
مرخص فرمودند که بمنزل روند و خود با عمله خلوت و تفنکداران از ان جاده
بالا رفته در زیر کوهی که از یکسمت اردوی همایون و از سمتی قراء و
مزارع هستار جرپ نمایان بود فرود آمدند خادمان آفتاب گردان
نهار خوری برپای کرده و شاهنشاه اندکی زمانی باد و رهین بدهات باصفای
دو دانکه نظر فرمودند و نهار صرف نموده بمطالعه نوشتجات حاجی
میرزا حسین خان ایلچی مخصوص و وزیر مختار دولت علیه مقیم دربار سلطان
عثمانی که روز قبل وزیر امور خارجه فرستاده بود مشغول شده
و پس از اطلاع بر مضامین آنها و صدور جواب و احکام عرایض مبسوطه
ظهیر الدوله که نیز از خراسان رسیده بود معروض حضور مبارک شده احکام
آن شرف صدور یافت دو ساعت بغروب مانده ازین مهمات فراغت
حاصل فرمودند حاجی حیدر خاصه تراش باشی محاسن مبارک را اصلاح
نموده و حضرت شاهنشاهی نماز گذارده عصرانه و پای میل فرموده بسمت
منزل توجه فرمودند قریب باردو میرزا کریمخان سرهنک فوج فیروزکوهی

با فوج فیروزکوه از سان حضور همایون گذشته و مورد عواطف ملوکانه

گشته مأمور استراباد شدند موکب مسعود بجیهی که مورد سراپرده

همایونی بود شرف ورود ارزانی داشت اعلیحضرت پادشاهی بر سبک

سالهاست مسلوک عید ارزنده ماه نو را بروی خط مبارک حضرت

ولایت مآب امیر مؤمنان و شاهنشاه انس و جان علی ابن ابی طالب

علیه السلام رؤیت فرموده و آقا یعقوب متولی و حافظ خط مبارک را

مورد مراحم خاص ساخته بحرم خانه مبارکه تشریف بردند شب بعد

از شام قورق بشکست و حاجی میرزا علی مشکوة الملک و آقا علی و

حکیم باشی و حسین خان و بهلول خان و دیگران بزیارت حضور مبارک

مشرف گشته اجودان مخصوص تا سه و نیم از شب رفته بعرض روزنامجات

خوانندگی مشغول بود در ثانی قورق شده شاهنشاه باستراحت مشغول

شدند

از سرخه ده بغولا محله دو فرسنگ و نیم است سمت راست و چپ راه

کوههای سبز بلند سخت است که در پشت کوههای جنوبی آن بلوک نوبه

و در وار سمنان و در پشت کوههای شمالی بلوک چهار دانگه و دو دانگه

هزار جریب است صحرائی که در وسط این دو کوه واقع شده جلگه ایست

که تقریباً نیم فرسنگ عرض دارد و تمام از علف خار شتر و بوته گز و سایر

گیاههای شور سبز است و قریب بفولاد محله چمن وسیعی دارد و درین

جلگه آهو بسیار است چنانکه مهدیقلی خان و غفور میرزای پسر تیمور میرزا

هر یک آهوئی صید کرده بحضور آورده انعام و احسان شایان یافته

فولاد محله هزار جریب قریه معتبر است که در زیر تپه بنا شده و صد خانوار

رعیت متجاوز دارد و سپرده بابراهیم خان نایب اصطبل مبارکه است

## سه شنبه سوم جمادی الاولی تشریف فرمائی اردوی مبارکه بمنزل حرّنه

درین روز اگرچه بموجب قرارداد معینه سابقه منزل آتران بود و لیکن

چون امین الدوله از بُعد مسافت راه اطلاع یافته بود مقدمه اردو را بحرّنه

روانه داشته بود و اینمعنی در نهایت پسند خاطر مبارک گشته

یکساعت از روز برآمده از کنار قریه فولاد محله گذشته امین الدوله

می طب بفرمایشات علیه بود تا سرکار پادشاهی از گردنه بالا رفته و بکوه سمت
راست جاده که درختان آورس زیاد داشت توجه فرموده از برای صرف
نهار فرود آمدند و باد و رمین باطراف و جوانب نظاره داشتند و خاطر مبارک
از شدت نیکوئی هوای آنمکان و کثرت سبزه خرسند و مسرور بود و چون
تمام قله را فرا گرفته تاریک شد از بالای کوه بزیر آمده بجاده رجوع
فرمودند. و بعد از طی یکفرسنگ راه بتنگه رسید و در نهایت صعب شد
و ملحوظ نظر مبارک افتاد که تمام بار و بنه اردو در تنگ شک یکدیگر ایستاده
بعسرت میگذشتند سرکار اقدس سبب معطلی بنه را از حکیمباشی طهران
که هم در میان آن مردمان معطل بود سؤال فرمودند معلوم شد که اهالی
اردو ابتدا در تنگه راه را گم کرده بسمت هزار جریب رفته و در ثانی معاودت
نموده در این راه متراکم شده اند و چون راه عسیر المسلک است یک یک
میگذرند پس حضرت پادشاهی از میان بار و بنه و گردنه گذشته بدره
دیگر رسیدند در اینجا محمد باقر بیک شکارچی معروض داشت که در کوه سمت
چپ یکدسته قوچ دیده اند چون سه ساعت بغروب بیش نمانده و سرکار

اقدس اندک خسته بودند میل بشکار نفرموده مقرر داشتند میرشکار خود
بطلب قوچها شتابد و هرچه بتواند از آنها صید کرده بحضور بیاورد
و همچنان حضرت پادشاهی پی سپر راه بودند و حکیمباشی طلوزان تا ورود
بمنزل از روزنامه که متضمن احوالات یکی از سیاحان انگلیس که باکشتی
موسوم به آلمن بقطب شمال سفر نموده بودند معروض میداشت و اجوال
مخصوص ترجمه مینمود یکساعت و نیم بغروب مانده سرکار اقدس تشریف
فرمای منزل شدند و قلیلی چند وانه میل فرموده با امین الملک و دیگر
مقربان تا هنگام شام مشغول صحبت بودند محمد قلیخان شاطرباشی که بپیپای
معیر الممالک مامور بود درین منزل باردوی مبارک پیوسته احوالات
معیر الممالک و صحت یافتن ایشان و رفتن از راه دامغان را معروض
داشته خاطر مبارک از نقاهت ایشان و صحت خزانه دار خاص بهتاب
خرسند گشت از قراریکه بعرض خاکپای همایون رسید غلام ترکان
محمد حسنخان مهتمن چشمه علی دامغان بهنگام شب برخواسته اسبی از
آقای خود سوار شده فرار کرده است حسب الامر چند نفر بجاهای متعدد

شدند که رفته اورا هرکجا چند دستگیر کرده باردو رسانند میرشکار که
حسب الامر بشکار رفته بود قوچی دوازده ساله صید کرده بحضور همایون آورد
از آقولاد محله بجزند بر حسب معروف چهار فرسنگ ولی زیاده از شش ساعت
راه است و همه جا از طرفین امتداد کوههای مسبوق الذکر است که بعد از دو
فرسنگ چنگه بهم نزدیک شده گردنه تشکیل میدهند و مجددا فاصله یافته دره
پیدا میشود که درینجا نیز ضخی میکرد و بگردنه دیگر و در آن دو راه است
راهی شمالی که بسمت هزار جریب میرود و راهی بطرف تجزند و پس از آن
نیز تنگه و گردنه دیگر صورت می بندد و قریب بجزند فاصله زیاد شده قریب
نیم فرسنگ مسافت ما بین ایشان می شود و درین فاصله که بواشو یا بشو
معروف است همه جا چمن و چشمه های کوچک است که اهالی دودانگه
بعض از ایلات هنگام تابستان در آنها ییلاقیشی مینمایند این جبال تمام
سبز و در اکثر جاها جنگلهای آورس و شکار قوچ و میش و کبک
و تیهو بسیار دارند و غالب بنه تمام آنها را فرا میگیرد و بهمین واسطه
که این ناحیه هوائی بس معتدل و نیکو دارد

نیافت پس از آن حضرت اقدس بمیان دره آمده اندکی در مقابل سیاه
چادرهای اهالی سنگ سرکه در تابستان با اغنام و احشام خویش
درین دره ساکن میشوند مکث فرمودند و بنادانی این مردم حیرت داشته
با ایشان ظرافت میفرمودند و از وضع سؤال و جواب مخلوق بادیه نشین
متبسم بودند که هیچ تصور نمیکردند و لیعمت ایشان تا هفت هشت
سوار دران دره با آنها این نوع اظهار مهربانی و کرم مینمایند از جمله دهقانی
در برابر چادر خود با پیری نشسته سرکار پادشاهی تنها نزدیک او رفته
فرمودند که عمو نان داری بما بدهی عرض کرد نه فرمودند اینجا چه میکنی
عرض کرد هیچ با خرمن ایستاده هیچ کفشمان را درست میکنیم فرمودند پول
میخواهی عرض کرد نه لازم ندارم و این حیوان هیچ ندانست که با که
جواب و سوال میکند بعد از دهقان دیگری سؤال شد راه کجاست عرض
کرد از این گردنه باید رفت از گردنه و سراشیبی که بسیار سخت بود فرود آمدند
درمیان دره که از چشمه های بسیار رود کوچکی درآن پیدا شده بسمت آستران روان
بود و حضرت شاهنشاه از کنار همان دره روان بودند قریب به دو شخصی

دیده شد که افتاده بر روی زمین میغلطید و هیچ نمیگفت آقا رضا قوچ باشی

و بیوتات خاصه حسب الامر رفته سؤال نمود چه میخواهی معلوم شد همان شخص

دهقان [illegible] است که شنیده است که حضرت شاهنشاه از اینجا عبور

[illegible] نمیدانسته که سر خط بیابانات از [illegible] این حرکت و اسباب

[illegible] شده [illegible] موکب همایون بمنزل شرف ورود

[illegible] از [illegible] عرایض مستوفی الممالک

[illegible] آلباجه بود بنظر مبارک

[illegible] الثانی هفتصد نفر از

[illegible] ناخوش که [illegible] داشته [illegible]

[illegible] مثاله و متاثر شده

[illegible] از خداوند [illegible] خواست

[illegible] و این مکرر

[illegible] و اطلاع و صواب [illegible]

[illegible]

وحتی الامکان در سبب وقوع این مرض و رفع آن جد و جهد و سعی بلیغ نمایم
شب بعد از شام امین الملک و مشکوة الملک و دیگر مقربان شرف اندوز
حضور شده و تا چهار از شب رفته ملتزم آستان همایون بودند
از خرند تا تهران سه فرسنگ است راه همه جا در فاصله دو سلسله جبال
جنوبی و شمالی است که در بعضی جاها بیکدیگر نزدیک شده کتلی و گردنه میسازد
و در بعضی جاها فاصله یافته دره میگردد که تمام آن چمن زار و با چشمه سارهای
بسیار بعضی مرتع اغنام و احشام اهالی سنگ سر سمنان و برخی مرتع
گاو و گوسفند اهالی پلور بهزار جریب است این دو طایفه با وجود آنکه دهات
نشین ند مثل ایلات در ایام تابستان در این دره های خوش آب و هوا
مسکن میگیرند و اطراف دره ها را زراعت مینمایند

## پنجشنبه پنجم و تشریف فرمائی اردوی همایون بچمن کورسفید

در این روز سرکار اقدس شاهنشاهی اول صبح بحمام تشریف برده دو
ساعت و نیم از روز برآمده از حرم خانه مبارکه بیرون آمده سوار شدند

محمد قلیخان دیوان بیگی و محمد جعفرخان ناظم دشت از خاکپای همایون مرخص
شده و بجلاع مهرشعاع مفتخر آمده بمقر مأموریت و مسکن خویش شدند و
سرکار اقدس از کتلی که یک فرسنگی بود و کتلی پست و پرخاک عبور فرموده
و در خارج کرونه که حد ما بین خاک فیروزکوه و هزارجریب و سمنان است
میرزا محمود مباشر فیروزکوه که مردی کهن سال است بتقبیل رکاب مهر
انتساب مشرف گشته شش ساعت بغروب مانده حضرت اقدس بسرا
پرده‌ی منزل شده نهار [illegible] فرموده راحت فرمودند میرشکار که
هنگام صبح بتفحص شکار رفته بود میشی بزرگ صید کرده بحضور مبارک
آورده و معروض میداشت که در این منزل شکار کمتر از منازل سابقه
است [illegible] بعضی [illegible] شب کرده و این چاکر را مقرر شد که
باستطلاع ایشان بپردازد شب [illegible] شاهزادگان مخصوص و [illegible]
و علی [illegible] و محمد [illegible] و [illegible]
آمدند و این [illegible] پنج ساعت [illegible] گذشته [illegible]
[illegible] در نهایت [illegible]

و بفاصله پنج ساعت برحمت ایزدی پیوست و هر قدر حکیمباشی طهران
و این بنده آستان شاهنشاهی اهتمام در معالجه کردیم مفید نیفتاد و از
این ساعت مرض وبا در اردو شیوع یافت و چنین معلوم نمودیم
که بروز آن بعد از آمدن افواج شده است که از سمت سمنان و دامغان
آمده اند

از آستانه تا بکور سفید پنج فرسنگ نیم راه است و یکمیدان از اینمنزل
گذشته جنب ایست که بسرخ رباط راه مازندران میرود و راه کور سفید
در غربی آن واقع است این راه که معبر اردوی همایون و راه قبه و زکوه
است تا یک فرسنگ مسطح و اندکی عریض و در یکفرسنگ ... تنگ
میشود پست و نرم که در دامنه آن آبی گل آلود و سفید بدرنگ ابقه ..
سنک جاریست چون از این آب بگذرد جهات راه تا منزل یکسان
است چنین شمالی و جنوبی کوههای عظیم مرتفع چون دیواری محکم ...
و در فاصله ایشان چمنی خوش آب و هوا بعرض یک میدان و اغلب
جاها کمتر مرتفع و مزرع اهالی سنگ سر و غیره است که در ایام تابستان

و این دره تا میر قیشی و زرع و کشت کنند و این دره تا سه فرسنگ

امتداد یافته منتهی می گردد بکوچلی میشود که حد خاک فیروزکوه و سنگسر

جریب است و در سراشیب آن چمن و چشمه آبی و دره دیگری است

که مستقیما بکوه سفید میرود که تمام آن محل ییلاق اهالی افتر

فیروزکوه و مراتع ایشان است

[illegible] چمن [illegible] آب [illegible] است که در [illegible] آبی [illegible]

[illegible] آب [illegible] کشت

[illegible]

[illegible] بسمت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و جان محمد خان سرتیپ با فوج خلج از رکاب همایون مرخص شد بسمت
دار الخلافه رفتند و سرکار شاهنشاهی از رودخانه که بسمت فیروز
کوه میرفت گذشته و پس از طی سه فرسنگ به تنگه رسیدند که
شباهتی تمام به تنگه واشی ساوه دارد با آنکه طول این تنگه زیاده
از یکصد و پنجاه قدم نیست و در خارج این تنگه ابتدای بلندی دو راه است
راهی از رودخانه و راهی از گردنه و جوار قریه کمنده به شاه است
از این راه اخیر به بالا تشریف برده و در بالای کوه چشمه مشرف باغ و
جلگه فیروزکوه بود از برای صرف ناهار فرود آمدند جمعی از
امین الملک امین خلوت اجودان مخصوص محمد حسن خان
خان حکیمباشی و دیگران ملازم حضور بودند پس از صرف ناهار
خان نایب معروض داشت که در پشت این کوه شکار بسیار است
حسب الامر مقرر شد جمعی به پشت کوه رفته
ها و هوی کنند و همه وقت مترصد بنشستند تا شکاریان
بیرون جستند بعد از اندک زمانی یک گله آرقالی به ... آمده بودند

صحرا مستغرق شدند و متعاقب ایشان دو آهو بیرون آمده بدر رفتند

شکارچیان بعرض رسانیدند که قوچ چهار دستگی مانده و صید ایشان

در نهایت آسان است اعلیحضرت پادشاهی بمعنی کمال لطف خاطر صید

چنین سهول مصروف نظر نفرموده و مقرر فرمودند که هرکس خواهد

و بتواند ایشان را صید کند مهدیقلیخان عمادی بچه باشی قوچ چهار

ساله با تازی [illegible] و یک آهو با خواجه سگان شکاری جلوداران خاصه صید

[illegible] حسین خان [illegible] آهوئی با تفنگ صید نموده بحضور

همایون آورده [illegible] به انعام و احسان یافته

[illegible] بعد [illegible] کوکب [illegible] نواب [illegible]

تشریف [illegible] والا شاهزاده اعظم [illegible]

[illegible] العلیه [illegible] آقا حسن [illegible] محمد [illegible] خواجه [illegible]

[illegible] شاهی و خدمت [illegible] [illegible]

[illegible] ساعت [illegible] معظم الیه بود تشریف بردند

از [illegible] [illegible] [illegible] الخلافه [illegible]

مرض وباء در شهر و نواحی متواتر را بعرض رسیده و سرکار پادشاهی

تامل داشتند که با این حال در این صفحات توقف فرمایند یا بسمت دار

الخلافه تشریف فرما شوند و نیز از قراریکه از دار الخلافه بعرض رسانده

بودند اسمعیل خان خزانه دار نظام که از قدیمی چاکران و خانه زادهای

دولت جاوید عدت بود و در حضرت گردون بسطت عزتی تمام داشت

بمرض وباء رحلت نموده قلب مبارک از فوت چنین نوکری صدیق

در نهایت متوسف و محزون گشت

از گور سفید به بشورستان چهار فرسنگ است راه ابتدا دره وسیع

است و در قله کوه سمت چپ آن آثار برجی عظیم نمایان که خراب

مانده و معلوم نیست برای چه ساخته بودند

یکفرسنگ به بشورستان مانده کوههای سخت پر سنگ طرفین

بیکدیگر نزدیک شده و تنگه تشکیل میدهد با یکصد و پنجاه قدم طول

رودی از میان آن جاری است این ... است که از

تنگ خارج شده و از سنگ ... و ... سمت چپ این تنگه بالای

کوهستان دو چادر قلندری گنبد دو امام زاده است و در این

راه جز قریه کشته قریه و قصبه ملحوظ نیست

بندگان اقدس همایون شاهنشاهی در روزنامه مبارکه خود که بخط همایون

مرقوم شده است باینجا که رسیده اند روزنامه را در نهایت اختصار

ضبط نموده و از شرح جغرافیائی آن صرف نظر فرموده اند ما نیز بحال حذف

و امیدواریم که انشاءالله در ظل عطوفت همایون شاهنشاهی خلد الله

ملکه و دولته روزنامه های سفرهای دیگر سرکار اقدس را بعینه روز

کرده و بنا بر فقرات ثبت خواهیم نمود و احوال اراضی و اطلاعات

جغرافیائی این جاها را مشروحاً مندرج خواهیم داشت در این وجیزه

و در این مجلد از روزهای همایون اقدس بزرگوار الی دارالخلافة الباهره

بنحو ایجاز سیر و منازل و وقایع روز بروز را مذکور میداریم

## شب سه شنبه عشر و تشریف فرمائی اعلیحضرت شاهنشاهی

## به تنگه سه دواشی

در این روز اعلیحضرت شاهنشاهی شش ساعت از روز برآمده از سر پرد

بیرون آمده باسب غزل نعل پیشکشی حشمة الدوله سوار شده

از راه مزرعه واند و بسمت مشکه واشی تشریف فرماشدند در راه

چند آهو از مقابل تیپ بیرون آمده سرکار پادشاهی تیری بایشان

انداختند تیر همایون بواسطه بعد مسافت کارگر نیامد و امر شد

کسی ایشان را تعاقب نکند و چون موکب مسعود بمشکه واشی

رسید آب تنکه زیاد و بارو بنه و شتران و قاطران در میان تنکه

متراکم شده بودند و یکی دو بار در میان آب افتاده راه رفتن

نداشته بودند پس بعسرت از میان بارو بنه و آب تنکه

گذشته شش ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل که در خارج

تنکه بود شدند و ناهار میل فرموده بقیه روز را بسطر لعه کتب

و غیره مشغول بودند

پنجشنبه سیم توقف اردوی همایون در مشکه

واشی

در این روز شخص آستری[?] دهقان اطلاعات ...

تمام روز را در منزل استراحت فرمودند بعد از نهار حاجی حکیم

و غلام حسین ساعتی خاطر مبارک را باستماع نغمات موسیقی

مسرور داشتند و محسن شغال خاطر مبارک عکاسباشی و محمد علیخان

[illegible] مشغول

[illegible] همایون [illegible] با انصراف

[illegible] اعظم [illegible]

[illegible] الملک و مستوفی

الممالک [illegible] احوال [illegible]

[illegible] معلوم نمود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible]

[illegible]

خویش در باغ صبا و دعاگوی وجود همایون شاهنشاه است و از

قرار یکه وزیر یا اینه اعظم اظهار داشت شد که بعرض برساند اشتداد

وبا در شمرانات و شهر در نهایت تخفیف یافته قریب باتمام است

این چاکر در مراجعت شرف سلامتی وجود حضرت مهد علیا و شاهنشاه

زادگان و دعاگوئی و آستان و وزراء و تخفیف یافتن وبا را بعرض

تماکفان حضور همایون رسانده خاطر مبارک از ین معنی در نهایت

خرسند و مشعوف گشت شکر از خداوند متعال بجای آوردند

## دوشنبه دهم و سوم توقف اردو در حوالی فیروزکوه

در این روز نیز سرکار پادشاهی در منزل توقف فرمودند بعد از ناهار

طامسن صاحب نایب اول سفارت بهیه انگلیس مقیم دربار دولت

علیه که از ابتدای سفر تا به مرکاب حضرت اقدس بوده شرف اندوز

حضور همایون و مورد عنایت بلانهایت شاهنشاهی شده رخصت

عزیمت دارالخلافه یافت امین الدوله و دبیرالملک و محمد حسین

میرزای سپهر امیرآخور بحضور احضار شده شاهنشاه ساعتی با ایشان

در باب حرکت اردو بسمت دار الخلافه مشاوره فرموده و عاقبت

رای بیضا ضیای مبارک بدان قرار گرفت که بعد از دو روز محض رعایت

حال و بروز کرمت درباره چاکران و ملتزمان رکاب اردوی همایونی

روز فیروز کوچ داده پی سپر دار الخلافه شوند  از آنجا که خدمات

یحیی خان ژنرال آجودان مخصوص حضور همایون همه وقت منظور نظر

مرحمت اثر ملوکانه است و همواره خاطر مبارک را بحسن خدمات

خود راضی و خوشنود دارد محض ازدیاد الطاف خسروانی و حصول

درجات عالیه بخلعت یک قطعه نشان و حمایل از درجه امیر تومانی نایل

گشته قرین اعزاز و امتیاز آمد  آقا علی پیشخدمت خاصه حضور مبارک

و حالا ساده که از تربیت یافتگان مخصوص آستان عطوفت بنیان

است و از بدو شباب تاکنون خدمت و امانت خود را مشهود

خاطر خطیر ملوکانه ساخته بلقب نبیل امین حضور که از اجله القاب است

ملقب گشته دستخط همایون بافتخارش شرف صدور یافت

جشن [illegible] آقا ابراهیم [illegible] باشی در [illegible] که بعرض بساط

نموده امتعه و اقمشه و اسلحه و آلات رزم و بزم و ادوات

شکار و غیره ایرانی و فرنگی که در این سفر با خود همراه داشت و قریب

یکصد بار بود از بستان حضور مبارک گذرانید الحق بازاری

غریب بود که از هر نوع متاع در او یافت میشد و بسخت محل بود

که در شکر داشی القدر اشیاء موجود شود سرکار شاهنشاهی

اغلب از اقمشه و اسلحه و تفنگ و غیره آنرا بنجادمان حرم

جلالت و عمله خلوت همایون بذل و اعطا فرمودند

## یکشنبه دهم و آخر توقف اردوی همایون در

## واشی

در این روز بندگان اقدس محض تفرج و سیر اقلیم هنگام صبح

بسمت شرقی واشی عزیمت فرموده به بالای کوهی که در آن نواحی

بود برآمدند و چون میر شکار معروض داشت که امروز شکار قوچ

و میش ممکن نیست سرکار پادشاهی در زیر کوه نهار میل

فرموده و اندکی خوابیده و بعد از نماز و صرف عصرانه و چای نصیب

و کبک و تیهو مشغول گشتند و هم تیمور میرزا و شاهزاده خان و حاجی علی نقی فراش خلوت خاصه در حضور همایون با قوشان تغزل و طرلان صیدی نمایان کردند هنگام مراجعت حیدر بیک تفنگدار خاصه که بتلغرافخانه فیروزکوه باحوال پرسی سرکار مهد علیا رفته بود مراجعت کرده خاطر همایون را از سلامتی مزاج مبارک حضرت ایشان خورسند نمود و نیز معروض داشت که در فیروزکوه بروز و باشده است پس حکم بکوچ و حرکت پیشخانه مبارکه به سمت دار الخلافه شد و در ورود بمنزل علیرضا خان قاجار پیشخدمت خاصه و خالوزاده اعلیحضرت شهریاری که از جانب سنی الجوانب شاهنشاه اسلام پناه اسد ملکه و سلطانه خشتهای طلای گنبد مطهر و بقعه منوره امین همامین عسکرین علیهما السلام را العتبات عرش درجات حمل داده بود مراجعت کرده شرفیاب خاکپای همایون شده خاطر مبارک از ملاقات این نوکر صدیق و تربیت یافته مخصوص وکار دان خورسند گشته مشمول خدماتش را منظور نظر مرحمت آثار نموده

الطاف بلانهایاتش ساخته حضورًا باعطای یکثوب سرداری
ترمه تن پوش اعلی قرین افتخار و اعزاز آمد

## چهارشنبه یازدهم و حرکت اردوی همایون از فیروزکوه بقریه لزور

درین روز اردو و تیپ همایون بسمت لزور کوچ داد و سرکار پادشاهی
با عمله خلوت و تفنگداران و شکارچیان بکوه واشی تشریف
برده ابتدا چون هوا صاف و خالی از غبار بود بجلگه و کوهها
و مزارع و چمنهای سبز پرجنگل سواد کوه نظر فرموده و بعد از
نهار با دوربین سی و یک قوچ بزرگ بنظر آوردند که در سینه
کوه خوابیده بودند ولی بیک و رحمت الله بیک شکارچی را مقرر
داشتند رفته آنها را رم دادند و قوچها یکمرتبه بسمت همایون حرکت
کردند سرکار پادشاهی قوچی هشت ساله را با یک تیر گلوله از پای
درآوردند و قوچ دیگر در صد قدم فاصله صید فرموده و چند
قوچ نیز زخمدار فرار کرده و حضرت همایونی از زیر کوه بزیر آمده و

نیم فرسنگی منزل نماز گذارده و عصرانه و چای میل فرموده نیم
ساعت بغروب مانده تشریف فرمای اردو شدند

## پنجشنبه دوازدهم تشریف فرمائی اردوی همایونی بمنزل ارجمند

درین روز چون جمعی از اهالی حرمخانه مبارکه بتب نوبه و درد مبتلا شده بودند حکیم باشی طلوزان و میرزا حسین دکتر حسب الامر باستعلاج مشغول گشتند و سرکار شهنشاهی دو ساعت از روز برآمده سوار گشتند همه جا از میان رودخانه و چمنستان خوش هوا و باصفا بقریه [illegible] و از آنجا بقریه شاد مهان و پنج ساعت از روز برآمده باردوی ارجمند تشریف فرما شدند بعد از صرف نهار تا هنگام عصر بملاحظه عرایض و نوشتجات امورات دیوانیه و صحه و جواب و احکام مشغول بودند میرزا علی خان پیشخدمت و منشی مخصوص حضور همایون و نایب اول وزارت امور خارجه که بسبب [illegible] مشغول [illegible] تحریرات و نگاشتن احکام [illegible] جیب ترمه کشمیری [illegible]

مفاخرت و اعزاز آمده و از خاکپای مبارک رخصت یافته

بسمت دار الخلافه روانه شد شب بعد از شام قورق شد

چاکران خاص شرف اندوز حضور بودند و علیرضا خان درین شب

حسب الامر از سفر خود و شرح عقبات عالیات و رسم پذیرائی و رفتار

و احترامات کارگذاران دولت علیه عثمانی بالنسبه با مور و پا های

شاهنشاه ایران و وضع سلوک میرزا بزرگ خان کارپرداز اول دولت علیه مقیم

بغداد خاصه از فراغت و مواظبت جناب فضیلت مآب قدسی انتساب مجتهد الزمانی شیخ

الاسلام والمسلمین شیخ عبد الحسین سلمه الله تعالی در تعمیر گنبد منور اعلیحضرت شاه

و نصب [illegible] طلا [illegible] صادقانه بعرض خاک پای همایون [illegible] و [illegible] مبارک بود

جمعه سیزدهم تشریف فرمائی موکب همایونی بوزنا

راه امروز گرچه چهار فرسنگ امتداد داشت راهی خوش آب و

هوا و بسیار به وصف بود و مسکاره پادشاهی همه جا تفنگ تشریف

فرما بودند در راه دامنه کوه بریف آنکمارنمه رسیل فرموده وازفراز اندکی

و آتسور و تنخف د. وکردنه انگیره عبور فرموده چهار ساعت

بغروب مانده تشریف فرمای وزنا شدند و بقیه روز را بمطالعهٔ
کتاب ناسخ التواریخ مشغول بودند

## سه‌شنبه چهاردهم حرکت موکب همایون بسر چشمهٔ انگمار

سه ربع پیش از صبح باسب غوغا سوار شده و از گردنهٔ کوچکی
گذشته چهار ساعت از روز برآمده بسر چشمهٔ انگمار تشریف فرما شدند
و چون مکان جا در باتنگ و هوا متعفن و غیر سالم بود و نفرات جاری
ناخوش می‌شدند و از رعیت کرده خاطر مبارک افسرده گشته و متغیر شده
اردوی همایون در روز آینده کوچ کرده و بدون مکث و درنگ منزل ایل
لبیت سلطنت آباد پل سپر شود شب در دامنهٔ کوه انگمار که بالای سراپردهٔ
همایون بود آقا یوسف نایب سرایدار حسب الامر آتشبازی بسیار
عالی کرده و پنج از شب رفته صبیهٔ بیگم شاه که والدهٔ ایشان سرکار زبیده
السلطنه همشیرهٔ محمد تقی خان مشیر است در حرمخانهٔ مبارکه مریض
و با بستری گشته صحبت ... مشغول شده و سرکار

شاهنشاهی درنهایت اندوهناک شده حکم ببذل صدقات و نذورات

فرموده توکل و توسل بخداوند متعال جسته شفای مریض معزی الیها

را از خداوند درخواست نمودند

## یکشنبه پانزدهم تشریف فرمائی موکب مسعود به پلور خاک لاریجان

اول صبح بهبودی حال شاهزاده خانم را معروض خاکپای مبارک

داشته خاطر همایون قدری آسوده گشته یکساعت از روز برآمده

سوار شدند و از دره شکر و کنار قریه لاسم گذشته عباسقلی خان سرتیپ

لاریجانی و میرزا مهدی یاور باستقبال موکب منصور شتافته

و بشرف التزام حضور مبارک نایل گشته بالطاف ملوکانه سرافراز

گشته و سرکار اقدس شاهنشاهی در کنار رودخانه صرف نهار

فرموده پنج ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند پیر

مرد صد و چهارده ساله زیارتی بحضور مبارک آمده پنجاه تومان

نقد و عبائی باو مرحمت شد و حضرت پادشاه تعجب داشته

که درین سن هنوز از قوای او کاسته نشده و در کمال قوه و قدرت
پیاده راه میرفت و تکلم می نمود

## دوشنبه شانزدهم ورود موکب همایونی بمنزل

## چشمه لار دماوند

درین روز بواسطه بهبودی حال [illegible] و شدت اعتدال هوا خاطر مبارک
در نهایت خرسند گشته در اول روز به اسب رخش سوار شده و اگرچه
راه دراز [illegible] مجبور فرمودند [illegible] بچشمه [illegible] کرده از برای صرف نهار
فرود آمده [illegible] لشکر باشی [illegible]
بعد از صرف نهار مبارک آمده بودند بحضور همایون مشرف گشتند
و بعد از طعام و لطف [illegible] آمده پنج ساعت بغروب مانده [illegible]
والاحضرت [illegible] اردو شده [illegible] عصر [illegible]
در حضور مبارک [illegible] تحت [illegible] مبارک را مشغول
[illegible]

## سه شنبه هفدهم اطراق در دماوند

درین روز چاپار استراباد رسیده و عرایض اعتضادالدوله مبنی

بر امنیت استراباد و استرداد توپی که ترکمانان در محاصرهٔ نرگس

تپه گرفته بودند و باز پس گرفتن جمعی از اسرای آن جنگ ملحوظ نظر

انور گشته خاطر مبارک در نهایت ازین خبر خورسند شده و جواب

عرایض اعتضادالدوله را مستعجلا صادر فرموده باسترابادروانه

داشتند و هم مضامین عریضه را محض اطلاع بمستوفی الممالک در ضمن

احکام مرقوم داشته بدار الخلافه روانه داشتند جمعی از اهالی حرمخانهٔ

مبارکه ازین منزل مرخص شده بنیاوران رفتند

## چهارشنبه بیست و سوم اطراق اردوی همایونی

## در دماوند

درین روز اول صبح صبیه دیگر شاهنشاه که همشیره شاهنشاهزاده اعظم

یمین الدوله است بمرض وبا گرفتار آمده و خاطر خسروانی ازین معنی

بی نهایت متالم شده حکیم باشی طلوزان و میرزا حسین دکتر را مقرر شد

بمعالجه مشغول شوند و ذات والاصفات شاهنشاهی محض تفرج و تغییر

هوا با چند نفری از عمله خلوت وغیره سوار شده امین الملک
و امین خلوت مخاطب بخدا بشارت علیه گشتند تا آنکه حضرت شاهنشاه
از کنار روح افزای احمد خان نوائی گذشته و از پشت قریه ارگ رود
تا بیکر بسمت دریاچه تا روضه میرود عبور فرموده و دریای چپ ری عظیم
که آبشاری دارد برای صرف نهار فرود آمدند و تا عصر در آنجا متوقف
بوده تا ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند بحمد الله تعالی
از فضل خدا و خصال واز تصدقات و نذورات و صدقات و مواظبت
طبیب حاذق ملازمان و میرزا حسین خان شاهزاده خانم روی به بهبودی
گذاشتند مطب ... سوار شده امین الدوله و امین الملک و حکیم
باشی ملازمان در عرض ... در باب حرکت مصلحت فرمودند تا آنکه
وزراء از دار الخلافه ... عرض کرده ... استدعای توقف تعجیل
شاهنشاهی ... بوده بعضی آب بخشی حکمران و ملازمان حضرت
سلطنت ... مدت ... چند و دو ماه روی به یوم السلطنت
آباد نقل ... وارد ... گیلان شده

## پنجشنبه نوزدهم حرکت اردوی مبارکه بسمت مبارک آباد دماوند

درین روز چون راه زیاده از یکفرسنگ و نیم نبود موکب مسعود زودتر از سایر ایام تشریف فرمای منزل شده عباس خان قاجار بشرف حضور عطوفت دستور مفتخر شده و سرکار شاهنشاهی بمطالعه عرایض وزراء و صدور احکام مشغول گشتند مقارن اینحال چاپار دیگر از نزد مستوفی الممالک رسیده عرایض محمد اسمعیل خان وکیل الملک حاکم کرمان و میر علم خان حشمة الملک امیر قاین و سیستان را بحضور مبارک رسانده از قراریکه از سیستان نوشته بودند این بخت و اقبال شاهنشاه قلعه نادعلی که اشهر (؟) رود هیرمنداست و از قلاع سخت قشون منصور بعد از چهار ساعت محاصره و محاربه بقهر و غلبه از ابراهیم خان بلوچ انتزاع نموده متصرف شده اند

## جمعه بیستم تشریف فرمائی موکب همایون برسانی من محال لواسان دار الخلافه طهران

درین روز بالیمن والسعاده اعلیحضرت شاهنشاهی باکمال انبساط
خاطر [illegible] بسمت کرنگ پیشکش حاجی مصطفی قلیخان سوار شدند
امین الدوله و عماد السلطنه و امین الملک در رکاب مهر انتساب
بودند ملبوسات علیه مرحمت [illegible] یحیی خان اجودان مخصوص و آقا علی
امین حضور [illegible] مبارک [illegible] بشهر رفتند
اجودان مخصوص [illegible] اسب
[illegible] فراشخانه [illegible]
[illegible]
[illegible] تشریف [illegible]
[illegible]
[illegible] شد
[illegible] شنبه [illegible] تشریف [illegible] ۵ [illegible]
[illegible]
[illegible]

شوکت و اجلال باسب اقبال سوار گشته امین الدوله و دبیرالملک
و اعتمادالسلطنه در رکاب مبارک بمصاحبت مشغول گشتند
تا موکب مسعود تشریف فرمای منزل شد علیّ که شخصی وارسته
و شب و روز بذکر اسم مبارک حضرت امیرمؤمنان علی ابن ابی
طالب علیه السلام مشغول است و از دعاگویان وجود مسعود همایون
در خارج اردو باستقبال آمده دعای وجود مبارک کرد و موز عواطف
و مراسم ملوکانه گشت درین منزل یکی از جواری خاصه که طفلی نه
ساله و موسوم بهاجری بود بمرض وباء وفات یافت و هم در میان
فوج دوم که قراول وجود مبارک بود مرض وبا شایع شد حسب الامر
مقرر گردید که فوج در همان محل چادر زده چند روزی توقف نمایند
و اطباء مشغول بمعالجه ایشان باشند تا بالمره رفع مرض از میان
آنها شده بعد بدار الخلافه بیایند آقا رحب دار رخت دار خاصه شرفیاب شده
و کمری طلای طیله که تازه ساخته بود بالباس نو آورده از زیارت
حضور مبارک بهره یاب آمد

## یکشنبه بیست و دوم ورود موکب مسعود بالامن والاقبال بسلطنت آباد

درین روز که روز آخر سفر بود بحمد الله تعالی وجود مسعود قرین کمال عافیت

با نصرت و اقبال بدون آنکه آسیبی باحدی از چاکران رسیده

باشد سرکار پادشاهی بحمام تشریف برده و اسب بخش که براق

الماس زده بودند و اسبی عظیم [illegible] و با شکوه [illegible] سوار گشته

وزراء در رکاب [illegible] بعضی پیشخدمتها بودند محسن میرزای جبه

دار که از مخصوصان حضرت [illegible] است [illegible]

بزیارت [illegible] مبارک مشرف گشتند [illegible]

و از حصول این سعادت [illegible]

[illegible]

[illegible] مصری [illegible]

[illegible] محمد تقی میرزای [illegible]

و ملک [illegible]

بلای واقعه در تمام شهرانات و دارالخلافه الناصره باقی ماند

سرکار همایون شاهنشاهی در این مدت در سلطنت آباد مشغول رتق وفتق

امور و اصلاح مهام دولتی و ملتی شده دهم جمادی الثانی بعمارت دوشان

تپه تشریف برده و پانزدهم شهر مزبور که ساعتی در نهایت سعادت بود

بمبارکی و اقبال تشریف فرمای دارالخلافه شدند سواره و پیاده عساکر

منصوره در خارج شهر صف کشیدند تجار و کسبه زن و مرد دار

الخلافه زیاده از پنجاه هزار کس در بیرون دروازه و معبر همایون مجتمع

گشته قربانیها کردند و زبان بدعا و ثنای وجود همایون گشودند و سرکار

شاهنشاهی از دروازه دولت بعمارت ارک تشریف آورده برسم

معهود با چکمه در طالار تخت مرمر بسلام نشستند حاجی آقا اسمعیل نقیبان

سلام گذارد و بعد از اسم مبارک حضرت ولایت مآب علیه السلام

یکصد و دو تیر در تهنیت ورود مسعود شلیک کرده نقاره خانه

دولتی غلغله افکن طارم خضرا شد. حاجی محمد قلیخان وزیر عدلیه که نعمت

و آداب شناسی معروف است در سلام بعرایشات علیه

مناسب گشته و خطبهٔ فصیح و بلیغ بعرض رسانده میرزا

محمد و سروش شمس الشعرا قصیده غرّا انشاد نموده صلات و انعام حسب رتبه و

سعادت سمت اختتام پذیرفت

از آنجا که اغلب اوقات صداقت و دولتخواهی و درستی و امانت و حسن

خدمت میرزا یوسف مستوفی الممالک خاصه در این اوقات که موکب

همایون مشهود [illegible] که مرکب از [illegible] بود و اداره امورات [illegible]

[illegible] بیش از پیش [illegible] مصدر الیه را [illegible]

[illegible] سرافراز [illegible] قلمدان مرصع و جبه

شمسه الماس [illegible] جبه و [illegible] منظور [illegible]

[illegible] خدمت [illegible] و [illegible] تطلع و [illegible]

[illegible] قبول [illegible] قبضه [illegible]

[illegible] منصور

و [illegible] که در [illegible] خاطر مبارک را [illegible]

[illegible] خود [illegible] بود از [illegible]

ترمه شمسه مرصع تن پوش مبارک مباهی و مفتخر گشت

و همچنین میرزا سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه که سالهاست

در این منصب عظمی حسن خدمات و کفایت و کاردانی او منظور نظر

مبارک است از اعطای یک ثوب جبه ترمه شمسه مرصع تن پوش

بر مدارج اعتبار و اقتدارش افزودند و نیز سایر چاکران هر یک

بخلعتی شایسته و سرافراز آمدند و چون شاهنشاهزاده اعظم اکرم

مظفرالدین میرزا ولیعهد دولت جاوید مهد و فرمانفرمای کل مملکت

آذربایجان چند سال بود از زیارت حضور باهرالنور اعلی محروم بودند

در این روز دستخط همایون شرف صدور یافت که با فیروز میرزای نصرت

الدوله پیشکار مملکت آذربایجان و چند نفر از خواص خویش چون رضا

قلیخان لله باشی و محمد حسین خان صدرالدوله و غیره بدربار معدلت

مدار آیند و همچنین شاهنشاهزاده اعظم سلطان مسعود میرزای یمین الدوله

که پسر ارشد شاهنشاه و فرمانفرمای اصفهان است بدربار همایون احضار شد

تمت الکتاب بعون الله الملک الوهاب

سپاس [illegible] خداوند را که از نیروی مراحم شاهنشاه کامکار این اقل مصنف

چاکران دربار معدلت مدار را افتخار یار و سعادت مددکار شد که پس از طول

زمان و بواسطه بعضی مشقات که اغلب دچار اهل زمان است بدون آنکه از عدد ساعات

محروم شود و از التزام رکاب نصرت انتساب در تمام اسفار غفلت نماید از صدق

اختتام این روزنامه برآمد و اگرچه اصل نسخه آن دستخط مبارک و روزنامه مخصوص

همایون شاهنشاه بود و این عبد را فضیلتی در تصحیح و تحریر آن نیست ولی چون قدر

تفخر میکند و شکر میگذارد که انجام این خدمت بعهده این عبد ذلیل مرجوع گشت

و به نهایت اهتمام تا فعلا سمت اختتام پذیرفت امید آنکه در دبستان ملایک

پاسبان سهو و نسیان آن اغماض شاهنشاهانه شامل گردد و صاحبان

فضل و منشیان و دبیران عصر از روی مرحمت و عیب پوشی درگذرند

فی سلخ شهر جمادی الثانی من شهور سنه هزار و سیصد و شش

هجری نبوی صلی الله علیه و آله العبد علی نقی منجم همایون

در کارخانه سید اسدالله میرزا [illegible] باهتمام [illegible] طبع گردید

حرره

علی اصغر